

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد سوم

شماره‌های ۲۶۱ - ۲۷۲

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
بمبئی

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها

تهران ۱۳۷۳

اسم الله الوهاب الوهاب

يَا اسْتِغَاثُ الْغَالِبِ



روزنامه اخبار و گزارشات

روزنامه وقایع اتفاقیه

جلد سوم

شماره های ۲۶۱-۳۷۴

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

با همکاری

مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها

تهران

۱۳۷۳

www.tabarestan.info
تبرستان

نام کتاب: روزنامه وقایع اتفاقیه
تهیه و تنظیم: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
ناشر: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه
(تهران، خیابان انقلاب اسلامی، نبش فلسطین، شماره ۱۱۸۸، ساختمان بنیاد فجر،
طبقه سوم، کدپستی ۱۷۱۵-۱۳۱۴۵، تلفن: ۶۴۶۲۰۴۰؛ فاکس: ۶۴۶۹۸۵۶)
تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
چاپ: اول

چاپخانه: نوظهور

لیتوگرافی: تصویر

صحافی: مهرداد

تاریخ انتشار: ۱۳۷۳

قیمت: ۳۰ ریال

باسمه تعالی

به روزنامه ایام در همه پیداست
اگر بخواهی دانست روزنامه بخوان
(عنصری)

پیشگفتار

واژه «روزنامه» همزمان با نفوذ اسلام در ایران به کار می‌رفته است و در متون کهنی چون یتیمه الدهر ثعالبی و معجم الادباء کلمه روزنامه و روزنامه (روزنامه) دیده می‌شود، ولی باید دانست که روزنامه در آن دوران حاوی بیان وقایع مهم دربار پادشاهان و شرح زندگانی وزراء و بزرگان بوده و در یک نسخه منتشر می‌شده است. این واژه تا اوائل دوره قاجار نیز به همین مفهوم به کار می‌رفته است، چنانکه مجموعه‌هایی از این روزنامه‌ها در زبان فارسی موجود است و آخرین مجموعه مستقل از این نوع که سراغ داریم روزنامه میرزا محمد کلانتر شیراز در شرح وقایع زندیه و روزنامه خاطرات محمدحسن خان اعتمادالسلطنه است. در دوره قاجاریه در معنی واژه روزنامه تغییری پدید آمد و به گزارشهای وقایع‌نگاران دولتی که از شهرستانها اخبار جاری را به دولت مرکزی می‌نوشتند نیز روزنامه گفته می‌شد.

روزنامه انتشار خبرهای کوتاه و مسائل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی زمان خود را سریعتر از کتاب به عهده داشته است و به همین دلیل چاپ و نشر روزنامه در میان مردم با استقبال مواجه شد، و روزنامه‌ها یکی پس از دیگری هوادارانی پیدا کردند. امروزه روزنامه‌های قدیمی همپای با کتاب و اسناد دولتی یکی از منابع تحقیقی

محسوب می‌شوند. از آنجا که دوره کامل آن کمیاب شده بود از این رو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در صدد احیاء روزنامه‌های قدیمی برآمده است.

ویژگی مجمرعه حاضر در مرحله اول، ضمن کامل بودن یکی از یادگارهای برجسته فرهنگی و نمونه‌ای از خدمات میرزا تقی خان امیر نظام است و دیگر سبک نویسندگی ساده و روان و از نظر وقوف بر مسائل اجتماعی، سیاسی و تاریخی اخبار آن از نفایس عهد ناصری است. مورخین و پژوهشگران خود نیک می‌دانند که اگر پژوهش یا تحقیقی بدون مراجعه به همه منابع و اسناد و مدارك صورت پذیرد تا چه حد ناقص و نارساست. به منظور رفع این مشکل کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجموعه کامل روزنامه وقایع اتفاقیه را در چهار مجلد (۴۷۱ شماره) به جامعه اسلامیان تقدیم می‌دارد.

در پایان به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق»، از جناب آقای دکتر خرمی که مجموعه نفیس خود را در تکمیل مجموعه در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند، از جناب آقای حائری رئیس محترم کتابخانه مجلس شورای اسلامی که مجموعه کتابخانه مجلس را برای جبران کسری در اختیار ما گذاشته‌اند، و جناب آقای دکتر رضوانی که مسئولیت تهیه مقدمه را به عهده گرفته‌اند و نیز از دیگر عزیزان: جناب آقای دکتر نوائی، آقای دکتر شیخ الاسلامی، آقای کامران فانی، آقای محمدحسن رجبی، آقای فرید قاسمی و خانم شهلا بابازاده که در تهیه این مجموعه کتابخانه را یاری کرده‌اند قدردانی می‌کنیم و توفیق آنان را در راه خدمت به فرهنگ غنی ایران اسلامی از خداوند بزرگ خواستاریم.

زحمت اصلی گردآوری این مجموعه را آقای عنایت‌ا... رحمانی برعهده داشته‌اند و با دقت و پشتکار قابل تحسین شماره‌هایی که در مجموعه کتابخانه ملی موجود نبوده از گوشه و کنار فراهم آورده و کوشیده‌اند تا آنچه در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد از جامعیت برخوردار باشد. زحمات ارزنده ایشان شایسته قدردانی و امتنان است.

کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

www.tabarestan.info
تبرستان

جلد سوم
شماره های ۲۶۱-۳۷۴

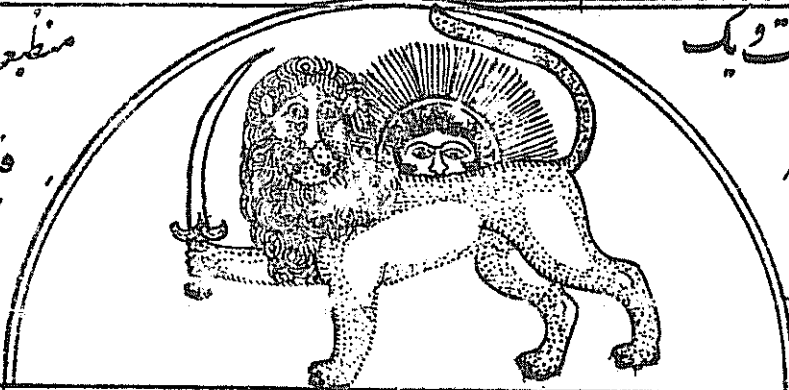
www.tabarestan.info
تبرستان

روزنامه قایم اتفاقیه تاریخ پیم شنبه بیست و دوم شهریور سال ۱۲۷۲

منطبع دارالخلافه طهران

مزه حیات و تمت و یک

قیمت اعلانات
هر خط پانزده



قیمت روزنامه
هر نسخه دوازده

احبار و اخذ مالک محروم و پادشاهی

دارالخلافه طهران
در روز پانزده ششم این ماه علیحضرت قوی شده بود بطور و صبح حالا نوشته میشود شوکت شاهنشاهی عزیمت کشت و تفرج فرمود که جناب جلالت اب معظّم اراضی و بیوتات از دروازه دولت که بیرون تشریف بردند و عمارات دیوانی ارک را که مجهول الحال است سواره سیان که احضار در بارگاه یون شده بود و در دم دروازه دولت در کمال آرا صف کشیده بنظر مبارک رسیدند چون نهایت انتظام را داشتند مورد تحسین و تفات گردیدند و علیحضرت اقدس عالیون بعد از ملاحظه آنها بیاخت و تفرج اطراف دارالخلافه عزیمت فرموده نزدیک غروب آفتاب بارک مبارک که سلطان معاودت فرمودند

در روزنامه هفته گذشته نوشته شده بود که جناب اشرف احمد صدر اعظم مخم مقرر داشتند که اراضی مجهول الحال ارک را از جناب مجتهد الزمان شیخ عبدالحسین برای حلیت و اجاب چون شکرما زندان را اهلای دولت علیه مقرر فرمودند در کارخانه دولتی سفید کنند که بمصارف کافه ناس رسد لهذا امر بمقرر فرمودند که دیگر شکرما زندان را برای حلیت

۱۶۵۷

نخارج نبرد حکام ولایات اذن دارند که
قدغن نمایند در کمر کجای عسکری راه بر
بعد ازین شکرمازندران را بولایات خارج
بردمانع شده گذارند و برگردانند که
شکر برای سفید کردن و فور هم رسانند

امورات قشونی

چون چندی هوا بسیار سرد بود حسب الامر
معاون مشق توپچی و افواج قاهره و سواره
موقوف شده بود این روزها که هوا قدری
باعتدال آمد است توپچان و افواج قاهره
و سواره نظام متوقفین دارالخلافه مبارکه
همه روزه بقرار استراحت در میدان ارک و
میدان مشق خارج در دوازده دولت حاضر
گشته و ساعت مشق می کنند و همه حصا
کمال مراقبت ادا و تعلیم آنها دارند

سایر ولایات

از پایتختان و اصفهان این ولایات
در این هفته اخباری رسیده است

استرآباد

از قمار که در روزنامه استرآباد نوشته اند
از ورود مترب انخاقان جعفر قلیخان اینجانی باب
در باب نظم شهر و محلات قدغن اکید کرده است
که چهار ساعت که از شب رفت اهدی از خانه

بیرون نیاید و در هر محله که دزدی اتفاق افتد
اهل آن محله حکما یا دزد را پیدا نمایند یا از عهد
مسروقه برآیند و بعضی بهرزه گیران از قبیل
وقار بازی که سابق می شده است بکلی موقوف
باشند و زنها قرار شده است که مطلقا از خانه

بیرون نیایند مگر در آنها همراه باشد و
روی بند و چاقو را باشند با بچه مقرب انخاقان
مشار الیه بطوری نظم در آنجا گذاشته است که
امالی استرآباد بجایمانی که سابقا با جمعیت جرت
منیکردند بروند و از ترکمانان توش داشتند
حالا دو نفر بیشتر و کمتر در کمال استواری آمد و رفت
نمایند و کوسفتند و دواب استرآباد و ترکمان
در یکجا جمع میکنند و کسی قدرت دست اندازی
ندارد از جمله قاطری از نواب جهاننور میرزا که بی
عطف برده بودند از قطار خارج شده و با حاجت
ترکمانان رفته بود قاطر حاجی بعقب او رفته و
بود که دوسه نفر ترکمان قاطر را می آورند که حبش
رو نمایند مشار الیه گفته بود که از من است باور
کرده و رفته بودند

و همین قوشتی از مال عالیجاه محمد حسین خان را
مقرب انخاقان اینجانی پریده بمیان طایفه آباها
افتاده بود و بعد از آنکه همنده بودند مال کیت
آورده در استرآباد تسلیم کرده بودند

سایر

۱۶۵۸

دیگر نوشته بودند که در بیت و سیم ماه ربیع الثانی
افغان خان فوت که خانه او در طهران پیش
نوشته از طغان فازی بنزد مقرب انخاقان
ایلیانی آورد باین مضمون که هزار و پانصد سوار
از طایفه جعفر بای و اتابای ترکمان بفرستند
اترک نشین هستند که یا آنچه اسیر در ایل
مرنور است خودشان باریش سفیدان آورد
بانتها تیرم نمایند که با ستر آباد بفرستند یا
مستعد جنگ باشند ایل مرنور هم قرار دادند که یکی
اسرار مصوب ریش سفیدان خود بنزد مقرب
ایلیانی بفرستند

دیگر نوشته بودند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان
پیشکار ستر آباد قرار رسید که محاسبه
ماصیه جمعی مقرب انخاقان محمد ولیخان بیکری
داده و در شانزدهم ماه ربیع الثانی بیاثر
و سرکردگان و کدخدایان ستر آباد را جمع نمود
با کمال احترام بمنزل بیکری رفت و در آنجا
مشغول رسیدگی حساب ماصیه پاشا
و هم چنین در نظم شهر و محلات عالیجاه میرزا اسمعیل
حسب احکام مقرب انخاقان ایلیانی کمال اهتمام
دارد و االی اولایت نیز نهایت رضامندی
از حسن سلوک و معقولیت او دارند

دیگر نوشته بودند که فوج عرب ابوالعجمی نواب

جهاننور میرزا همه روزه مشغول مشق و تعلیم
قواعد نظامی میباشند و از جانب نواب معزی
و سایر صاحب منصبان کمال اهتمام در
مشق و انتظام امر فوج مرنور بعمل می آید

دیگر نوشته بودند که بجهت ورود مقرب انخاقان
ایلیانی نزع ماکولات قدری ترقی کرده و بالا
رفته بود عالیجاه میرزا اسمعیل خان فرستاده
که خدایان و مباحثین را آورده و قدغن
نمود که نزع ماکولات بقرار چهل روز قبل باشد
و آنها نیز از آنرا معمول شدند

استر آباد و پرورد و بیظام و
سنان و عملاق ازین ولایات
نیز درین مهله اخباری نرسید

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته بودند
چون در موسم عقب بارندگی بموقع بسیار
خوب شد زراعت زیاد و در همه بلوکات کاشت
ولی در این اوقات قدری بارندگی کم شده
بود و زارعین فی الحکله تشویش داشتند تا مدتی
و هیچکس ربیع الثانی برف و باران آمد بطوریکه
باعث مزید امیدواری رعایا گردید و همچنین در
شب بیت و چهارم ربیع الثانی نیز باران خوب

از بنی حله کمال سودگی و شکرانه دارند	دیگر از قراریکه از خط لارستان خبر رسیده بود
دیگر از قراریکه از بندر ابوشهر نوشته بودند نهایت	نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا صفی جات مرلور
انتظام در امور انولات حاصل است و عالیجاه	در کمال نظم دارند و یکصد نفر از سر بار خرقانی را
میرزا حسن علی خان در یابیکی و حاکم بوشهر کمال اهتمام	بجته وصول مالیات امور بندر کنکان مقرر شده
در انتظام امر آنجا دارد و مسیحین عالیجاه عهدیجان	دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد قلیخان ایلخانی
سرک فوج نهادندی مراقب نظم سرباز خود	قشانی اموریات بسیار نظم دارد و از و
و سرباز و توپچی همه روز مشغول مشق میشوند	ایلات عازم قشلاق شده اند هر یک در محل خود
و در حفظ و حر است برنج و با سبزیها نهایت	در نهایت نظم و سلوک و حسن رفتار و
اهتمام را دارند و مالی انولات نیز کمال رضایت	دارند و نسبت با جدی از آنها تعدی و خلاف
از حسن سلوک آنها اظهار مینمایند و سرباز نهاد	حساب ظاهر می شود
هفته بخیر و مشغول مشق تیر اندازی میشوند و کمال	دیگر نوشته بودند که مقرب انخاقان حاجی قوام
اهتمام را در مشق دارند	در قرب خانه خود مدرسه جدید البنادر کمال خوبی
دیگر نوشته بودند که بقدر دولت نفر از سربازان	وصفا ساخته است و بسیار مطبوع و خوش شده
نهادند و تو لیرکان در بندر ابوشهر مرخص میباشند	و تخمینا تا دو ماه دیگر صورت تمام خواهد یافت
و عالیجاه در یابیکی طبیب و وجه دو ابجه آنها معین	
کرده مشغول معالجه و مداوا میباشند	
دیگر نوشته اند که در قورخانه فارس حذی بود که بطور	دیگر نوشته بودند که عالیجاه محمد علیخان سیرت
کاری شد در این اوقات لوایست طلب میاید الدوله مقرب انخاقان	تخته قاپوی قراچه داعی با فوج خود دانا و سواران
شجاع الملک مقرر داشتند که سرب بار و ط و سایر ضرورت	بندر ابوشهر گردیده در میت و چهارم ماه ربیع
بجته عله قورخانه موجود و میت نمایند که در کار و مشغول	عازم بندر مرلور گردید
فشک و غیره باشند	دیگر از قراریکه نوشته اند نرخی اجناس و مالکات
دیگر نوشته بودند که امسال آثار طغ حواری که بر سال در	فارس نسبت بسنه ماضیه بسیار تنزل دارد
فارس بویچند تهمید چوبیت و امید کلی است که از	و بجه الله هر چیزی ارزان و فراوان است و مردم

سال زراعت فارس ازین وقت موصون باشد

دیگر از قراریکه نوشته بودند در این اوقات چندک

دیوانه در شیراز بهم رسیده و جمعی را گرفته و زخمی

کرده بودند چون در میان اهل آنجا شهرت دارد که هر

سک مارگزیده باشد زیارت مشهد امین که در

پنج منزلی شیراز است برود برای او افاقه خواهد بود

لنذا جمعی را که سک مارگزیده بودند زیارت آنجا

عازم شدند و کما می دیوانه را بهم می کشیدند

قزوین و قسم ازین ولایات نیز درین

هفته اخباری رسیده است

کاشان

از قراریکه در روزنامه کاشان نوشته اند امور

آنولایت از اتهامات عالیجاه محمد حسن خان حکم

استیضاح قرین انتظام است و عموماً مالی آنولایت

در عین اسودکی و فراغت مشغول کار و کسب

خود و بدعا کوئی دات آفس نمایون شایسته

اشتغال دارند

دیگر نوشته اند که حاجی محمد تقی نام کاشانی که از

متمولین آنولایت و صاحب بیت هزار تومان

متجاوز دولت و مکت است پسری دشت بسیار

فقر و بی چیز و عیال دارد چنانچه با کثرت عیال بدو

کدر آن میکرد و با وصف اینکه پریشانی و آس

پدرش مطلقاً و معاشی باو نداد این اوقات

نیاید مستاصل شده و بنزد پدرش رفته است

کرده بود که چند روز است عیال من گرسنه اند

بقوت لاموت قادر نیستم در عالم پدر فرزندی

لنذا عانتی من بکنش را البه علامه برانکه پسر را

رعایت و عانتی نموده بود آن بچاره را بسیار

زده و رنجانده نمید و ما یوس از خانه بیرون

کرده بود پس نه از خانه پدرش بیرون

از شدت دلتنگی بدکان عطاری رفته است

گرفته خورد و بفاصله دو ساعت زندک

برود کرده و در گذشت بود

کردستان و کتروس و کرمان

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری رسیده

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امر آنولایت

بهر جهت قرین انتظام و انضباط است و رعایا

و برایا اسوده خاطر هر کس کار و کسب خود

میباشد و از قراریکه نوشته بودند در این اوقات

بارندگی بسیار خوب و صفحات کرمان شبیه

و رعایا و زراعت کاران از این معنی کمال شکر و کمال

دارند

کیلان و ماتریدران و طایر و نهانند و

اخبار دول خارجی

از قراریکه در باب عمارت بلور پاریس نوشته بودند و وقت گشوده شدن عمارت مزبور از جمله و کلاوسفر با آنجا دعوت صیافت شده و علیحضرت امیر المور فرست خود بعمارته مزبور تشریف آورده اند و از و کلاوسفر و معتبرین دول دیگر بقدری هراز کس بجهت تماشای عمارت مزبور آمده بودند و علی التفضیل عمارت مزبور و تفاسیلش و امتعه که از اغلب محاکم روی زمین با آنجا کلا بوده اند تماشای نموده و بسیاری صاحبان صنایع و هنرمندان که صنایع بدیعه و بدایع غریبه با آنجا آورده بودند در خور هر یک از جانب امیر المور دولت فرانسه انعام داده شده و علیحضرت امیر المور از جمله مکالمات که در عمارت مزبور نموده این بوده است که بجهت کمال شکرگذاری و ابرام از اتفاق دول او و پاک مبنی بر حصول امنیت و از اینکه از هر طرف رنج سگون امتعه و اشیای صناعیه و ارضیه بعمارته بلور که درین دولت گشته است آورده اند و از هر طرف حبلی اشیا بجهت سیر و تماشای عمارت مزبور آمده اند دلیل بر حصول امنیت کامل و استراحت دائم دول او و از درگاه قاضی الحاکمات مستدعی از دیاد ارام و امنیت و رفاه حال کل اهل دول متفق میباشم

۱۶۶۲

و بعد از تقریر این مکالمات حکم به ختم و برچیدن و برداشته شدن عمارت مزبور نمودند

و بیکر نوشته بودند که پادشاه سار دینا از شنیدن حرکت و از راه مارسیلیا بکشتی سارخانه تولون رسیده و از آنجا غریمت پاریس نموده است و درین حین حرکت از دولت خود عموراده خود درین سبیل جای خود وکیل نموده و در حین رسیدن بمارسیلیا و تولون از مأمورین دولت و ملت فرانسه باستقبال آمده و لازم احترام را در هر باب معمول داشته اند و در حین وصول پاریس علیحضرت امیر المور نمایان امیر المور فرست از جانب خود با پرسن نمایان را با عا که خاصه باستقبال فرستاده عا کرد و طرف صف نظامی کشیده و کمال احترام را بعمل آورده اند و اهل شهر پاریس صیافت میکنند نموده و علیحضرت امیر المور فرست در آن صیافت تشریف فرما گردیده و لازم جشن سرور و چراغانی بعمل آورده اند و احتراماتی که بجهت پادشاه انگلیس در وقتی که پاریس رفته بود معمول داشته بودند در حق پادشاه سار دینا نیز معمول داشته اند و بعد از آنکه پادشاه سار دینا از پاریس بمبت لندن پای تحت انگلیس حرکت کرده اهل پاریس تا بر راه آهن ضعیف و کثیر الازم مشاغل بعمل آورده اند و در وصول مشاغل بولایت انگلیس

جانب پادشاه انگلیس نیز امنای معتبره را مأمور
گردیده و احترامات کوناگون در باره او مجری
داشته اند و در ورود و بلندن نیز اجرای شایسته
مموده و بدفعات صحیفه های شایسته بجهت
مموده اند و از جانب پادشاه انگلیس نشان معتبری
که با شایسته اند از مرتبه اول در جمعیت کبری
بجهت پادشاه سار دینا اهدی شده و بعد از آن
مکرمیات پادشاه سار دینا از لندن حرکت
و هم از راه پاریس بمقر و الیت خود معاودت
مموده است

در باب راه آهن که از اسکندریه تا مصر درست
کرده اند سابقا در روزنامه نوشته شده بود
از قرار روزنامه ربیع الثانی که در این اوقات
جانب سعید پاشا در نزدیکی پل بنای معموره و
تازه گذاشته است موسوم بعیدیه و از راه آهنی
که درست شده است معموره مزبور نیز که بقدر
دو میل مسافت است راه آهن درست می نمایند
و جانب سعید پاشا جهت براندازی آبادی و
الولایت گماشته و روز بروز در صد و کشت آباد
و فور جمعیت آنجا می باشد و همچنین بلاد سودان را بجهت
در آوردن بدایره شهرت اسباب معموریت
حصول آسایش دانی و اسکال آنها را مملوک
و مستلزم ساخته و ببلاد مزبور به تعین کلی از

ارباب مجربزه و درایت را الزم دیده و لهذا در
خود جانب عبدالحکیم پاشا را از جانب خود برپا
استجا برقرار کرده است که بحسن کفایت و خوش
رفتاری مشغول انتظام امور و از دیار آبادی آنجا
باشد و همچنین جانب ادم پاشا ناظر امور خارج
نیز بجا فطرت مصر و نظم امور آنجا مامور نموده است

و یکم نوشته بودند که ارکشیتهای تجار تی دولت
و از آن یک کشتی بجهت وقوع طوفان در جلوات
غرق و سخته شده اما لی کشتی مزبور با تنخواه
مکاتیب سلامت باطل در آمده اند و مالتی آنجا
با کشتی مزبور غرق شده است

و همچنین موجب اخباری که از قلاص مدبر سعاد
بتوسط کشتی سنجار که حامل مکاتیب چاپاری است
بود و در وقوع طوفان چند وقت پیش ازین بسیار
جایای دریای سیاه خرابی بکشتیها روی داده
از کشتیهاییکه در بنارس سخته لنگر انداخته بودند
چهارده قطعه کشتی دول خارج بعضی غرق و سخته
شده و بعضی بکل نشته و سقط گردیده است
و از آن لی کشتیهای مزبور و سیاهان بقدر چهار
نفر غرق و هلاک شده اند و از آنجا هم که باطل
رسیده بوده اند از دو برجه بوارنه که می آمده اند
در بین طوفان مزبور از سفاین سنجار اسوج قپودان

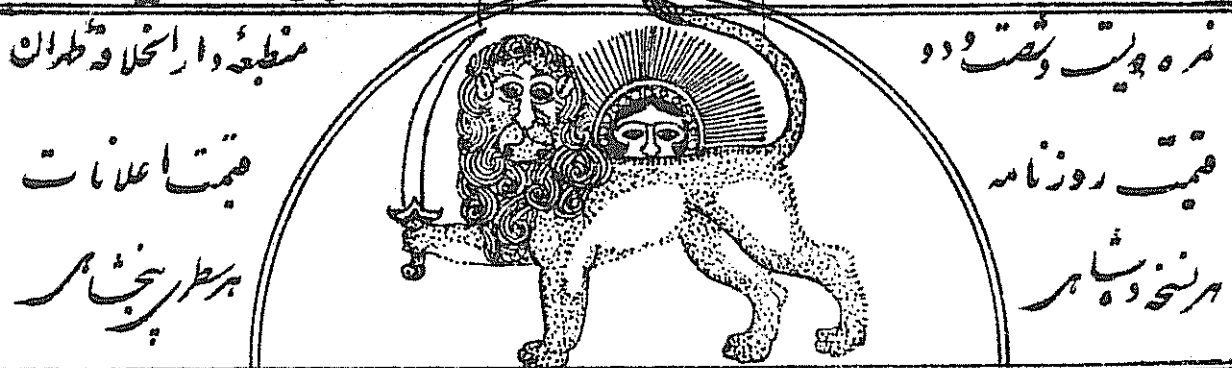
یکی باروجه اش در یک زورق و سایرین در
زورق دیگر نشسته با حل می آمده اند و زورقها را
بسرعت میرانده اند سایرین که با حل رسیدند
زورق چو دان و زوج اش را دیده بودند که
مشت بفرق شدن است دوباره بجهت تخلص
او معاودت کرده بودند ناگاه هر دو زورق
از شدت امواج مانند کوهی خورده و غرق
شده اند

و همچنین در طوفان مزبور در پیشگاه کوزلوه شت
قطعه کشتی بخاریسپاهی شسته و تلف شده
و هم در آن اوقات چهار ساعت و نیم از شب
رفته در سعادت اسلامبول و حوالی آنجا
اتفاق افتاده بود

و همچنین در طوفان گذشته در بحر سفید سوای کشتیها
دولت فرانسه که غرق شده بود و نوشته شده
سه قطعه کشتی نیز از تاج غرق و تلف گردیده است

امری مشکل مینماید
دیگر از قراریکه در جریده الاحداث نوشته بودند
از زردای یونانستان بقه رحیل نفر دزد در نیم
ماه ربیع الاول از جزیره موره بزور قها نشسته
با غرموزه گذشته یکدسته آنها را مخانه موسیو
بودر سک قایم مقام آن بلده را محاصره کرده
و دسته دیگر مسلح و مکمل بدرون رفت و او
دیگر نوشته بودند که در مالک مجتمع امرکا از جانب
دولت استریه یک کشتی بخاری شرع دار که مثل بر سار
و صد و بیست و پنج می کشد و خرج بخاریش زور
اسب دارد تازه ساخت شده و از دولت
فرانسه نیز دو قطعه کشتی بخاری شرع در در آنجا
درست می کنند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم خرداد ماه ۱۲۷۲
 مطبوعات دارالخلافه طهران



اخبار داخل ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات هوای دارالخلافه طهران کمال
 طمیت و اعتدال را دارد لهذا در روز یکشنبه
 بیست و پنجم این ماه اعلیحضرت اقدس بایون
 شاهی به از آنها عزیمت تفرج باغ لاله زار را
 فرموده تشریف فرمای باغ مژور گردید بعد
 تفرج و تماشای آنجا ببارک مبارک که سلطان
 معاودت فرمودند

عالیجاه حاجی میرزا محسن که از به و چاکری این دولت
 علیه در موارد خدمات و زحمات آثار کار دانی فرما
 بطور آورده خصوصاً که در اجزای سفارت کبری اتفاق
 جناب عن الامراء العظام سیف الملک غیاثعلیخان
 میرنچایلی کبیر دولت علیه مأمور در بار دولت
 بهیه روسته شده بودند شواهد صدق و محاسن
 رفتار را بعین آورده جناب معسری الیه از نظر سلوک
 وقاعه دانی او رضامندی کرده مورد توجهات

ملوکانه آمده بر حسب صدور فرمان بایون باعطای
 لقب خانی و یکطاقه شال ترمه برسم حلفت سرفرا
 گردید

عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا عباس نشی اول
 وزارت امور خارجه که دائمیاً شب و روز سفر احضراً
 مشغول خدمتگذاری است و آثار قاعده دانی و کفایت
 و حسن ایتها م و غیرت را بطور آورده و می آورد و
 وقت انعقاد عهدنامه مبارک که منعقد ما بین دو دولت
 و فرقه نیز شواهد مراقبت و مکاتبت را بعین آورده
 در موارد و زحمات و خدمات لقب و مشقت را بر
 استراحت متقدم دارد لهذا مورد احترام ملوکانه آمد
 بر حسب فرمان بایون باعطای لقب خانی و یک قطع
 نشان شیر و خورشید از مرتبه اول شرفی گزید
 سفید قرین مباحات گردید

از وقتی که عالیجاه میرزا عبدالحسین خان اجودان
 امور خارجه بنیابت اول سفارت اسلامبول مأمور شده

ش رالیه بود و محاسن اتهامات خود را در خدمات
مرجوعه پیش این پیش ملحوظ و مشهود خاطر اقدس هیات
دارد

در این اوقات برب اذن و اجازت اولیای
دولت جاوید مدت علیه عالیجناب حاجی سید بهاد
چاوش باشی محلل حجه الاسلام سبه و حجاج را بریاست
که معطیه اعلام نموده خلعت و خلعت هیاتون نیز از جانب

سنی احوال اقدس هیاتون با و حجت گردیده و
حرکت حجاج با عالیجناب ش رالیه در بیت و دویم
جمادی الثانی از راه آذربایجان و شام خود

صنایعی که در دولت علیه ایران ترقی کرده است
چند فقره در روزنامه ها نوشته شد در این اوقات
حاشیه ترمه که کارشال با فان کرمان بود و سیر
دولت علیه رساند بسیار خوب و سکیمن بافته
بودند که با حاشیه خنجر علی بن عبد العظیم خانی قمر دانه
نمی شد و در عی و تومان و پنجه ارمیت میکردند

چون عمده الامراء العظام متب الخاقان محمد خان میرنجه
بایدت احوال الی اکنون در این دولت جاوید لایب مصید
و منشا خدمات عمده گردیده مراتب غرض کفایت و صد
خود را بطور شایسته در پیشگاه حضور عالیحضرت شایسته
ساخته بود و بعد از آنکه منصب میرنجه کی سرافراز شد و در
خدمات محوله خاصه در انتظام امور در رسم دار الفنون

از روی صداقت و قاعده دانی در خدمات محوله
بجود جوهر کار دانی و مراقبت را بطور آورده مرتب
اتهام و مواظبت او معروض پیشگاه حجت دستگاه
خسروانی آمده مورد عنایت ملوکانه گردیده بر حسب
فرمان هیاتون با عطای یک قطعه نشان شیر و خورشید
از درجه اول یاوری عالیجناب ش رالیه قمرین
ام

چون موافق احکام اولیای دولت قاهره سابقا
در روزنامه نوشته شده بود که حکام ولایات نزدیک
و از اختلاف در شبهای عید برکات هیاتون آمده در
سلام عید از زیارت آستان هیاتون شرفیابی
حاصل نمایند از جمله حاکم اصفهان بود لکن نظریات
نواب و الاشته الدوله حکمران اصفهان چهارم
از سال گذشته رفته بودند از آنجست مرخص فرمودند
که نواب معشری الیه درین عید سعید نوروزی با کجا
در مقر حکومت خود بوده بلو از جشن عیدی اقدام نمایند

چون مقرب الخاقان عین الملک شهباز تا دو ساعت
از شب گذشته بجهت رساندن شام مبارک در کافه
مبارک که توقف داشته متحمل برودت هوای میستان می
بلاخطه ظهور حجت ملوکانه در باره مقرب الخاقان
در این اوقات یک ثوب خرقه از ملبوس خاص بدن
با و حجت فرمودند که سبب می نماید مفاخرت و دگر می

۱۶۶۶

و ایستاد در تربیت متعلمین کمال مراقبت و حسن تدبیر
 خود را بطریق هر ساخت باقتضای رایج جهان آرا می نمود
 اعلیحضرت شاهنشاهی منصب امیر توپخانه و جلا و خیرال
 احوال و انانی خاصه بمایونی و انتظام امور مدنی و دارالفنون
 سرافراز شد که همواره از روی صداقت و پلوت
 معات عمداً مضمونه نظام را اعم از تمرین و رکاب
 ظرافت با یا مومنین ولایات و سرحدات یا متو
 و مخصین خانه بعضی خاک پای مایون بربند

سایر ولایات

افزاید پایتخت از قرار یک در روزنامه ادرا
 نوشته اند امور آن ولایت از هر جهت قرین انتظام
 و نواب مستطاب شاهزاده و الایته حضرت الدوله
 و معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان قایم مقام
 کمال اهتمام در انتظام امور ولایت و رفاه حال
 و رعیت دارند و عموم مالی آن ولایت در عین
 و فراغت بدعا کونی ذات اقدس مایون شاه
 اشتغال دارند

دیگر نوشته بودند که افواج احضاری دارالخلافه
 مبارکه در موعده یکبار رسیده بودند و بر تیر خلاص
 مواجب سه ماهه ثانی هر کدام که مانده بود و بفاصله
 دو روز در اطاق نظام داده شده و در غرض ماه
 جمادی الاولی که فوج خاصه روانه دربار مایون
 بودند معتمد دربار سپهر احتشام مقرب انخاقان

قایم مقام میان فوج رفته از خانه و کان و باز
 ماندگان شاه از اطمینان داده و مبلغ یکصد توپان
 نیز بفرج مزبور انعام نموده روانه دربار مایون
 فوج مخبران شتاقی چون درست میانج بود
 و اگر نیز بر می آمدند و ری طول می کشید مقرر
 کردید که فوج در میانج حاضر گردند و نخواهند
 ثانی آنها بجایگاه قاسم خان سرتیپ داده شده
 که در میانج سرباز داده شود که روانه گردند و در
 چهارم ماه جمادی الاول عالیجاه مبارک
 بعد از آن فوج حضرت ابوالجهمی عالیجاه محمد حسن خان
 سرتیپ آمدند و مواجب سه ماهه ثانی آنها نیز در
 اطاق نظام باستحضار شکر نویان عظام پرداخت
 شد که در دهم ماه مزبور روانه گردند
 و همچنین فوج مراغه ابوالجهمی عالیجاه اسکندر خان سرتیپ
 حاضر شده مواجب آنها نیز پرداخته شده
 مقرر کردید که در پانزدهم ماه مزبور روانه
 فوج بجا دران ابوالجهمی عالیجاه آقا جان خان سرتیپ
 نیز حاضر شده و در شانزدهم ماه جمادی الاول
 عازم دربار مایون شدند
 و همچنین پانصد نفر سواره چهارم دولی ابوالجهمی عالیجاه
 پرویز خان سرتیپ در چهاردهم ماه بهبیر رسیدند

و در اطاق نظام سان داده در پانزدهم ماه
روانه شدند و نظر باینکه اغلب سوارانی بجا
شارانیه خوب و اسبهاشان فربه و بسیار
بنظر آمد معتقد دربار سپهر حشم مقرب اخاقان
از جانب اولیای دولت علیه یک ثوب جبهه
ترمه بجایگاه پرویزخان خلعت داد

در فرستادن افواج و سواره مأمور از قزاق که
نوشته بودند معتقد دربار سپهر حشم مقرب اخاقان
قایم مقام کمال اتهام و کفایت را ظاهر ساختند
در مدت یکماه شش فوج و هزار سوار را با تدارکات
شایسته روانه دربار جایون نمود و علاوه بر موال
سریپ و سرنگان بهر یک سید تومان و پانصد
تومان بجهت اخراجات از خود داده آنها را با تدارکات
از تبریز حرکت داد سابقا اگر یک دو فوج
می شدند اقل از چهل پنجاه روز طول می کشید که
آنها دیده شود و علاوه بر آن پیشکاران از بجا
جیالیست رهین منت تجارتخانه و خارج شده
تخواه قرض نمایند و نفع بدهند تا یک فوج یاد و
بتوانند براه بدارند در این اوقات بحسن اهتمام
مقرب اخاقان قایم مقام بی آنکه تخواهی از کسی
افواج و سواره با تدارکات تمام در کمال راه
و انتظام روانه دربار جایون شدند

دیگر نوشته بودند که در شب پانزدهم ماه جبهه که

جواهر و اسباب و وجه نقد در میان آن بود از خانه
عالیجاه محبت مسرا طاسین صاحب نایب اول جبهه
وزیر مختار دولت بهیسه آیس برده بودند عالیجاه
اقاقان که خدا درشت ساعتی شب مخبر شده
صبح مراتب را معتقد دربار سپهر حشم مقرب اخاقان
قایم مقام اظهار و مقرب اخاقان محمد رضا خان
قدغن اکید شد که اموال مسروق را پیدا نماید و آن
بکده خدای مژبور تا کید زیاد نموده مشارالیه رضا
نامیرا که گمان هرزگی و سرقت باو میرفت و بمنزل
انگلیسها نیز آمد و رفت داشت خواسته بکلامت
و نوید مطمئن کرده و او پرور داده بود که ابوالقاسم
طهرانی نوکر عالیجاه طاسین صاحب جعبه مژبور را
سرقت کرده و بمن داده است که در جانی نهان
قایم و جعبه را حاضر کرده مقرب اخاقان قایم مقام
بفرستاد عالیجاه طاسین صاحب و ستاده قبض
در یافت کرده است و در میان جعبه قدری جواهر
و سید تومان وجه نقد و بعضی نوشتجات
دولتی بود و در زمان محبوس و ابوالقاسم
که مرکب سرقت شده بود مقرر شد که در راه
فوج قهرمانیه جمعی عالیجاه علی بن قاسم خان سریپ
دار انخلا و طهران نمایند

دیگر نوشته بودند نظام نام و خوارقانی که از حمله
اشرار بود و یک ضعیفه را غنایا برده و دو ماه نگذاشته

اخبار دول خارجه

از قرار روزنامه که چند وقت قبل ازین نوشته
در اوروپا که عبارت از فرنگستان باشد
چهل و شش حکومت مستقلا بالفعل موجود
گزارشت از اینها دو پادشاه از نوان و چهار
امپراطور و سیزده قوال و بیست و شش غراند
و یک پاپا که بزرگ مذهب کتولیک عیسوی است
حکمرانی دارند آنکه از همه پیر تر است غراند
ملکم بورغ است که بمقادیر شصت سال دارد و
جوانتر از همه غراند و قیاساً پاره است که هنوز از
سال تجاوز نکرده است و از حکمداران شاهی

یکی در شصت و نه سال قبل ازین تحت حکومت
نشته و تا کنون بمسند حکمرانی ممکن است و از
ولیعهد غراند و قیاساً بمقادیر چهار سال
و هنوز مسند ارامی استقلال نشده است و سایرین
در حالت دوق و برنس بودن عبارت از حکومتها
و شاهی است و اینها غیر از حکمداران و پاپا که پیرترین
و دیگر نوشته اند که راه سیم چرخ آتشی که از هزار
بسمت قرم در زیر دریا براه چرخ سیم اوروپا
متصل کرده بودند بجهت شدت طوفان که چندی
قبل وقوع یافته بود سیم مزبور پاره شده است
و عوض آن از انجلیس قرار گذاشته اند که سیم
تازه آورده ممتد و متصل نمایند

دیگر نوشته بودند که از کشتیهای تجاری دولتی
یک کشتی سمیت فاس میرفته است در یک لنگرگاه
لنگر انداخته و هوا هم طایم بوده است اهل کشتی با هم
بسیار خوب اعلی در دریا دیده بودند بزور قوت
نشته و لشکرا را می رفته ماهی بسیار صید کرده
و در کشتی مزبور یک شب مخصوصاً صیافت می
نموده از پنجاه و هفت نفر که در آن صیافت
چهل و دو نفر است مسموم و فجأة فوت شده اند
چون در آن کشتی و سایرین که بجهت مشغولی صیافت
کشت ماهی کم حوزده بودند نیم جانی سلامت در برده

دیگر نوشته بودند که در نزدیکی سمیت رنوه در
این اوقات بخیره قورسیقه علی التوالی بازید
شده و زیاده از دو هزارده روز سبیل بسیار
جاری گردیده بسیاری از آنجا مازخرا بکرده است
چون جزیره مزبوره در زیر حمایت دولت فرانسه
از جانب دولت مزبور همت بر تدارک خرابی
جزیره مزبور هم مصروف گردیده است

دیگر نوشته بودند که اعلیحضرت امپراطور فرانسه
از منسوبان اعلیحضرت پادشاه انجلیس جناب
ده قاصبح را انصیافت پاریس دعوت کرده
بودند و در این اوقات جناب شارلیه بر دعوت
اعلیحضرت امپراطور فرانسه غایت پاریس آمده است

سابقاً غنیمت علیحضرت امیرطور استریه شهر
ترتیب نوشته شده بود اما سبب رفتن علیحضرت
امیرطور را با بنجاح علی التحقیق نوشته بودند محکم
مستور بود که بجهت سیر و تماشا بشهر مزبور غایت
منوّه است لکن از قرار روزنامه که در این اوقات
رسید برادر علیحضرت امیرطور جناب مقیمین
که بزرگ لشکر سحری بود در شهر ترتیب حرسینی که
در کالک نشسته و عبور میکرد است سهوا
کالک که مزبور از سیاهی رم نموده و مشالیه از
کالک که بر بزمین خورده و حیثی زخمی شده است
علیحضرت امیرطور استریه از استماع این قصه
زیاده متأسف گردیده و بجهت عیادت و احوال
پرسی و تفقد جناب مشالیه بشهر ترتیب فرستاده
بود

دولت بلجیقا چون باین کشتی و لشکرگاه نهاد
در این اوقات یک مجلس قومیون تشکیل داد
و ولعهد دولت مزبور رئیس آن قومیون
گردیده و از چند کشتی بنجار و غیره داده اند و
ملیان و زانقه مخارج افراد قومیون مزبور تحمین
کرده اند

دیگر نوشته بودند که در پاریس هر قسم از هجوم
علاحد تقسیم شده قصابان میفرستادند مثلاً که
کوسفند و کاوران و ست چای او علیتجه و دژ

و کردن علیتجه و به پنج قسم قیمت آن شخص
گردیده فقرادانما از قسم قیمت نازل میکنند
و از کوششی که مخصوص اغنیاست و درین قسم
نازل هم بهم میرسد از اینجهت عموم اغنیاء
کمال رضایت ازین قرار داد دارند و مالی قصابان
با بمعنی رخصتیستند و اظهار ترحم می نمایند

دیگر نوشته بودند که در ایالت ورنه در قریه
شالی یک فانوس بجهت روشنائی ساخته
و ترتیب داده اند شبها که روشن میکنند
تا بیت و پنج میل در دوریای روشنائی میدهد
و انمعنی زیاده سبب رفاه و آسودگی امانی
کشتیها و لشکرگاهها شده است که شب کشتیها
که در آن حوالی عبور می کنند بروشنائی فانوس
مزبور بمقصد و لشکرگاه میرسند و راه را کم نمی کنند

دیگر نوشته بودند که از جانب دولت استریه جناب ارد
بروش در این اوقات سفارت دولت عثمانیه بامور
اسلامبول گردیده بحضور علیحضرت سلطان سیر
و اعتمادنامه خود را خدمت سلطان داده و مورد التفات
گردید و سفیر سابق دولت مزبور جناب موسیو قوکر
نیز خدمت علیحضرت سلطان شریفیادان
مرخصی حاصل نموده بکشتی بنجار الیزه به نام سواد
سبت مارسیلیا عازم گردید

در روزنامه اسلامبول که بزبان فرانسوی چاپ میزند نوشته اند
 که در این روزها در یکی از عمارت سلطانی که منسوب به ابراهیم
 اساس و اوضاع جشن فراموش آید و تشریفات آن
 بامعنی که دلیل بر اتحاد دو ولتین فرانسه و عثمانیه بود
 معمول گردید و جشن منور باین سبب بوده است
 که اعلیحضرت امپراطور فرانسه نسبت بدول متحابه خود
 علامت بزرگی که امارت یکاکنی و اتحاد است اهدی
 نمیدخواست مراتب دوستی خود را با اعلیحضرت سلطان
 دولت عثمانیه که در احوال حاضره حال دسالت
 رویه حمایت و موالات را ای قسم کان مرعی میداد
 با علامت جدیدی ظاهر سازد لهذا بدستکاری
 سفیر دولت خود که مقیم اسلامبول است نشان خود را
 از درجه اول بانضمام حامل با کاغذ دستخط خود که محتوی
 بر کمال موافقت بین الدولتین است ارسال داشته
 عشر و اخر ماه ربیع الثانی یک ساعت بظهر مانده کامل
 که حجر می کنند احکامات سلطانی است با کمال
 اشیک آقاسی سفیر ابلتس بیاسی با چما
 کال که دولتی یکی چهار اسبه و مابقی دو اسبه
 چهار نفر از اجود انهای خود بسفارتخانه فرانسه
 مأمورین سفیرش را لیه را با تمامی اجزای سفارتخانه در
 پذیرفته با احترامات لازمه بدبیر سلطانی آوردند و در بالا
 پله عمارت منور پیشخدمت باشی و مبرجم اول جناب سفیر را
 پذیرفته و با طاق انتظار ری را بهری نموده و در طاق منور

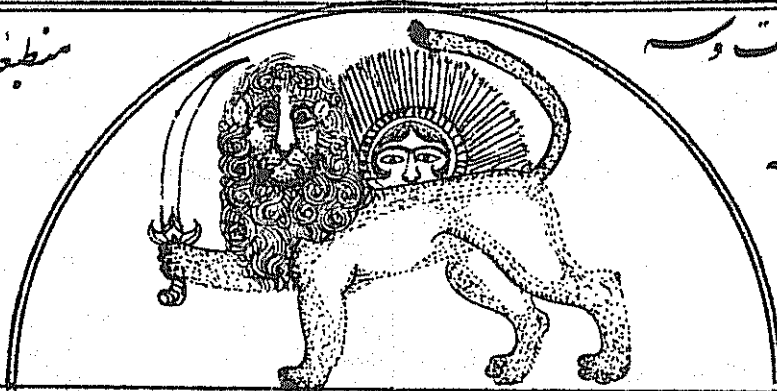
جناب فواد پاشا وزیر امور خارجه سفیر منور را با
 لوازم یکاکنی و ولتین پذیرفته بعد از صرف قهوه و شربتی
 با اتباع سفارت محصور سلطانی در حسینی که اعلیحضرت
 سلطان طبتس بیاسی که در حسین روزها رسم است بود
 شرفیاب نمود و جناب علی پاشا صدر اعظم سلطان احمد فتحی
 داماد و امیر توپخانه محمد علی پاشا وزیر بحری و داماد و علی غایب
 داماد و معیر الممالک محمد شاهی پاشا و سایر رجال دولت و رؤسای
 مشورتخانه در حضور سلطان بود جناب سفیرش را لیه
 و نامه دولت فرانسه را بشخصه بدست سلطان داد و باین
 مضمون نامه معروض داشت که امپراطور ولی نعمت من
 بزرگترین و بهترین مأموریتی بمن محمول فرموده که عبارت
 از سپردن بدست حضرت سلطانی نشان و حامل
 و نامه دولت فرانسه است و این اول علامت ظهور
 کمال محبت و موالات اعلیحضرت امپراطور فرانسه با
 اعلیحضرت سلطانی است که اینگونه مبرهن و شخصاً
 اظهار شده و بعد از این متابع موالات و یکاکنی
 دولتین بهتر آشکار خواهد شد و من باین مأموریت افتخار
 تمام دارم اعلیحضرت سلطانی نیز در جواب تقریرات جناب
 سفیر و مایثات دیدار که شایسته تاجداران
 ممالک است تقریر فرموده بعد از طی مکالمات محبت
 این جناب سفیر و اجزای سفارتخانه با بمان احراماً
 بسفارتخانه خود معاودت نمودند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج یوم خورشیدی هفتم شهریور سال ثانی ۱۲۷۳

منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج هر



مذبح ولایت و نصرت

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

لظرافتضای ملائمت و خوبی هوای دارالخلافه طهران
در روز چهارشنبه ششم جمادی الثانی علیحضرت
شاهنشاهی دامت شوکت غرمت کشت و تفریح فرمود
بست دوشان تبه تشریف فرما شد و سوار
نظام در آنجا نصف نظامی کشید بنظر مهرانر خیره و آن
رسیدند و مشق حرکت نمودند چون کمال آراستگی
و انتظام را داشتند حرکات آنها مطبوع و محسن
حاضر ملوکانه افتاده مورد التفات گردیدند و یکصد
تومان وجه نقد سواره مزبوره العام و بدو نفر
معلمین آنها هر یک یک طاقه شال خلعت محبت
گردیده حوالی غروب با قباب مبارک مبارکه
سلطانی معاودت فرمودند

۴ ماه گذشته در میدان ارک حاضر گشته
سرکار علیحضرت اقدس همایون تشریف فرمای
میدان مزبور گردیده احاد و افراد فوج را ملاحظه
فرمودند چون کمال آراستگی و انتظام را دیدند
مورد تحسین و التفات گردیدند و مبلغ یکصد
بانجا العام محبت گردید

و همچنین فوج مخبران جمعی عالیجاه تاسخنان سرتیپ
و فوج مراغه جمعی عالیجاه اسکندرخان سرتیپ که حضور
شده بودند در روز ششم پنجم این ماه هر فوج
در میدان ارک در کمال آراستگی حاضر شدند سرکار
علیحضرت اقدس همایون شاهنشاهی میدان
ارک تشریف فرما گردیده ملاحظه احاد و افراد
هر دو فوج را فرمودند چون نهایت انتظام را دیدند
ریاده مورد التفات گردیدند و العام ملوکانه در حق
مبذول آمده فرمایش ماموریت آنها بجهت ماموریت گردید

در کازتهای ششم و هفتم صف مظفر تفصیل تشریفات
 احتراماتیکه از جانب کارگذاران دولت بهتیه روست
 بنجاب عمده الامراء العظام مقرب الخاقان سیف الملک
 عباسقلخان میرنجه ایچی کبیر دولت علیه بامور در
 دولت روستیه در سنگام و رود سرحد و رود
 لعل آورده اند نگارش یافته در روز حرکت جناب
 ز قلعیس که بیتم صف مظفر بود جناب کنیز بیدون
 بالباس سی در منزل جناب ایچی کبیر حاضر بود
 غور بناطریعی حاکم شهر و خبرهای بزرگ و عموم صا
 تا کفرنج خارج شهر شایعیت آمدند و مراجعت کردند اما
 عالیجاه ناچالیک یعنی کارگذار شهر و بلوکات قلعیس
 و یکفر اجودان جناب کنیز بیدون و با اتفاق جناب
 معزی الیه تا آخر خاک قلعیس آمدند بهر قصبه و محالی که
 ضابط و کارگذار آغا با صا جنمنصیان جمعی سواره با
 میآمدند ناچالیک سابق و سوار با احترام امانت خواسته
 مراجعت میکردند در شهر ولادی قفقاز و استاورا
 و نوچرکس و دوارانیر و طولاکه شهرهای بزرگ است
 کفرنج شهر باده عالیجهان غور بناطریعی و خبرهای
 و صا جنمنصیان شهر با استقبال میآمدند و از رعایا
 دولت ایران برسم ایرانی قربانی میگشتند و بعضی
 جاها مالی و تبعه دولت بهتیه روستیه نیز تاسی این
 اعدا می نمودند و قربانی میگشتند دسته سواره
 بعضی ستفین سواره شهر و فوج با بیدق و منور کاکچی
 و جمیع مالی شهر با استقبال میآمدند فوج پیش فک میکرد
 و بیدق را احترام کچ می نمود و طبیل و شیور و منور کاک
 و صا جنمنصیان آنها از خبرال و یو لگو نیک و غیره
 برای تحویل رسوم حرام با شمشیر سلام نظامی میکردند
 جناب خبرال کور بوس در ستاورا پل که سردار
 هشتاد هزار قشون است و جناب خبرال اتامان در
 نوچرکس که سردار یکصد هزار قشون و فرمانفرمای مملکت
 دون و نوچرکس است مراسم پذیرائی و احترام فوق
 معمول داشته در روز ورود دیدن کردند و از طرف جناب
 ایچی کبیر هم نسبت بایشان رسوم باز دید و احترام
 بعل آمد و سنگام حرکت نیز تا کفرنج شایعیت نمود و در
 ورود استاورا پل و نوچرکس مثل سرحد و قلعیس
 بیت و یک تیر توپ شلیک کردند و در هر شهری
 تکلیف تماشای تیار و کارخانه و جبهه خانه و مدرسه
 نظامی و غیره که یکموقع احترام است کرده عیادت حرام
 بطور شایسته مرعی میداشتند تا قصبه پادول اسکی
 شش فرسخی منگوکو عالیجاه آقا میر علی اصغر معین التجار
 با سایر تجار دولت علیه متوقف منگوکو با استقبال آمدند
 کردند و روز حرکت از آغا و رود در ۱۹ ربیع الاول
 خبرال کنیزازی که از جانب اعلیحضرت امیر طوریجه
 پذیرائی و استقبال سفارت کبری بکوه آمده بودند
 جناب مقرب الخاقان محمود خان سیرت مصلحتدار
 دولت علیه مقیم بطور غ تاه فرسخی با استقبال آمد

مأموریت خود را اظهار نموده لازمۀ احترام و پذیرائی
 معمول داشت تا قریب یکوچند نفر جنرالهای بزرگ
 و پولکونیک و پلیستر یعنی کلانتر بزرگ و جمعی کثیر از
 سواره ژندارم استقبال نموده لوازم توقیر و احترام
 بعل آوردند نزدیک دروازه شهر خانه بسیار عالی
 کرده بودند جناب ایلمچی کبیر در آنجا پیاپی آمده
 آسایش نموده بکاسکهای که از جهت احترام باستقبال
 آورده بودند سوار شده صاحب منصبان و کلانتر و
 سواره ژندارم در اطراف کاسک جناب ایلمچی کبیر
 میامند با اینکه برف میآمد باز امانی مسکو باستقبال
 آمده یک ساعت بغروب مانده بهماری که برای منزل
 کبری تعیین کرده بودند وارد شده در ب منزل یکفوج
 سرباز بایه ق و موزیکان و طبیب و شیپو صف کشید
 بقاعده مقرر که در سابق تفصیل افت احترامات
 کاملاً بتقدیم رسانیدند عالیجنابان حاکم و قلعچیک
 با جنرالها از نظام و اهل قلم و سایر صاحب منصبان
 در منزل سفارت حاضر بودند پذیرائی و احترام
 بعل آوردند جناب فرمانفرمای مسکو یکی از خبرهای
 محترم را با شیرینی مبارک با منزل فرستادند جناب
 ایلمچی کبیر یک ساعت بعد از ظهر ۲۲ ربیع الاول بدین
 فرمانفرمای مسکو رفقه جمیع جنرالها و سایر صاحب
 بالباس سسی در خانه خود حاضر ساخته کمال پذیرائی
 و احترام را موعی داشتند بعد از مراجعت جناب ایلمچی

کبیر بمنزل سفارت کبری جناب فرمانفرما با جنرالها
 فاصله بسیار دیده آمدند و در همان مجلس خواش کرده
 که جناب ایلمچی کبیر شب با اتباع تماشای خانه بودند و بعد
 میل دارند کارخانه و سایر جاهای لازم را تماشای
 نمایند جناب معزی الیه حجب خواش نشان همان
 باتفاق اجزای سفارت کبری تماشای خانه رفتند ۲۳
 ربیع الاول فوت مرحوم امان الله خان از تقدیرات
 ایزدی اتفاق افتاد و در تسبیح و تحمیر و تکفین آن مرحوم
 بر حسب آداب ملت اسلام تجار تبعه دولت علییه
 حاضر شده مقربین انخافان محمود خان و قاسم خان
 و سایر صاحب منصبان سفارت کبری نیز با حالت
 ملالت و افسردگی در تسبیح جنازه حاضر بودند صاحب
 دولت تبعه روسیه هم لوازم احترامات را بعل آورد
 جناب فرمانفرمای مسکو و جمیع صاحب منصبان بزرگ
 بعد از ظهر بمنزل جناب ایلمچی کبیر آمده اظهار تأسف کردند
 نسبت کفایت با چرخ صاعقه که این خبر با علیحضرت
 امپراطور عرض شده بود و فرمانفرمای مسکو را مورد
 بودند که از جانب ایشان جناب ایلمچی کبیر را مخصوصاً
 ملاقات و اظهار تعزیت نمایند ایشان هم حسب الامر
 داشته یکی از خبرهای معتبرم از جانب جناب
 جلالت آف غراف نسرود وزیر اعظم دولت تبعه
 روسیه بمنزل جناب ایلمچی کبیر آمده اظهار تأسف نمود
 ۲۶ ربیع الاول مسکام حرکت جناب معزی الیه از
 مسکو

جناب فرمائے ماسکو باختر الہا و صاحب منصبان	خواہد شد و بچین برای خدمتکاران سفارت و محل سپاہ
بابا س رسمی در منزل سفارت کبری حاضر شد	و اقبال عرادی چند بقدر کفایت فرستاده خواهد شد
نامی آن صاحب منصبان لیت آمدن خبر الہا بجهت مشغول	چشم جناب الہی کبیر اور کان نمر گاہ کلاتر با نایب خود
کردن الہی کبیر خویش از ایشان کردند که مطلبی تفریر	حاکم نظامی عسکر و ارباب مناصب و ارباب امور حاج و جناب
نماند تا با چرخ صاف خبر دهند و جوابی در مذمتی	در سه فن طریق که موکلان را آہن تند استقبال خواهند
فرخی خبر دادند و بفاصله شش دقیقه جواب کان خبر با چرخ	ششم بعد از ورود و جناب الہی کبیر نمر گاہ را آہن با طاق
صاف رسید صورت تشریفاتی که حرب علم	تشریف خواهند برد و بعد از اسایش چندی دعوت خواهند
امیر لوط در بین راه الہی بطور بوع کی از خبر الہای وزارت	که بر کالکهای مخصوص سوار شوند و از قرار احترامات تفصیل
مقام خارج اند و لیت جناب الہی کبیر ایند و لیت آہد که در	وارد در اسطیظہ بطور بوع خواهند آہد اول کلاتر با اتباع خود
ورود در اسطیظہ بطور بوع مقرر شد است معمول کرد و از فرا	برای سر راہا دویم شازدہ نقر انقیان از دوطرف
فقرات ذی است که از فرانسہ بفرسی ترجمہ شد است	صف کشیدہ از جانب بجهت باز کردن راہ امور خواهند
اول شخصی برای تہنیت ورود جناب جلالت الہی کبیر	ستیم شجہ بزرگ با یاد و اتباع خود چهارم یکدستہ سوار
علیایران تعیین خواهد شد کہ بہر اہی مترجم اول وزارت امور	باج صاحب منصب خود پنجم کالکہ چار نفری چہار سہ بجهت
خارجہ باستقبال بروند کہ از آنجا بمنزل ولایتین فہد بفرست	دولت روس کہ ہمراہ سفارت کبری میباشند ششم کالکہ چہار
ایشان نمر گاہ راہ آہن و اسطیظہ بطور بوع وارد شد و دوم	چہار سہ بجهت میرزا صادق حکیم نایب دویم سفارت کبری و نظار
در کان نمر گاہ محض ورود جناب معزی الہی کیفوج سہرزد آہن	مترجم و میرزا محمدی و میرزا حبیب نشان سفارت کبری ہفتم کالکہ
حاضر خواهد بود کہ لوازم احترامات نظامیہ با طبل و شیوہ	چہار نفری و چہار سہ بجهت نیکان خان نایب اول سفارت کبری و
ستیم علاوہ بر آن احترامات در کان نمر گاہ یکدستہ سوار	میرزا حسن مترجم اول سفارت کبری ششم کالکہ چہار نفری چہار
شدیم با یکفر صاحب منصبان انقیان با مورثہ داند کہ از منزل	اسب بجهت فاسم خان مستار سفارت کبری با علیخان
روہی کالکہ دکان نظام و با ترتیب تا منزل جناب الہی کبیر	نہم کالکہ چہار نفری و شش اسب بجهت جناب الہی کبیر دولت
چہارم روز ورود سفارت کبری بہ اسطیظہ بطور بوع	علیایران تعیین خواهد شد دہم از یکطرف کالکہ دوز با
جناب معزی الہی و اتباع سفارت در نمر گاہ راہ آہن از طرف	سر کردہ و از طرف دیگر اسکا و رانی سر کردہ ہمان فوج سوار
امیر لوط کالکهای مخصوص با خدمہ و ملازمان درباری فرستاد	یازدہم از جانب کالکہ جلو داران خاصہ صطیل کاری

۱۶۷۶

با صاحب منصبان خود سواره خواهند آمد و از دهم دست
 سواره با صاحب منصبان خود در جلو کالسکه سواره خواهند
 آمد سیزدهم بهین ترتیب صفوف سواره در جلو کالسکه
 و در پیشوا از راه آهن موسوم به بقولانی از جاده یوکی
 و کوچ لیتا نیا و از کنار رود نواموسوم بقا قارنکی
 تا آنجا که بجهت جناب ایلمچی کبیر منزل معین کرده اند خواهند
 رفت چهاردهم کشیکچیان و قراولان همراه در
 عبور سفارت کبری در هر جا با اجرای احترامات نظایر
 اقدام خواهند کرد پانزدهم در جلو منزل ایلمچی کبیر
 دسته از قراولان فوج خاصه باییدق حاضر خواهند
 شد و لوازم احترامات نظامیه را با طبل و شیپور
 بعل خواهند آورد و مادام توقف سفارت کبری در
 دار السلطه بطور برج و دوفرازان قراولان خاصه
 همیشه اوقات در درب سفارتخانه قراول خواهند بود
 شانزدهم جناب ایلمچی کبیر را چند نفر از صاحب منصبان
 وزارت امور خارجه نزدیک درب و در سرتله و
 رئیس دفترخانه اسکیا در اطرافهای مرتبه بالا استقبال
 خواهند کرد هفدهم بعد از ورود جناب معزی الیه جناب
 حاکم نظامی بطور برج با چند نفر از جنرالهای معتبره
 ایشان خواهند رسید و جناب جلالتاب غراف نسلرود
 از جانب خود پیش را بجهت تهیت ورود و احوال
 پرسی خواهند فرستاد و جناب سینا دین که معاون
 وزیر امور خارجه است خود بشخصه دیدن خواهند نمود
 و در همان بین اعلیحضرت امپراطور جنرال اچودان
 خود را برای تهیت ورود و تعزیت حادثه که مسبق
 اتفاق افتاده بود فرستاده کمان مر با لیاقت
 خواهند فرمود تا اینجا صورت تشریفات ورود
 بود و از قرائیکه روزنامه سفارت کبری با ولایتی
 علیه رسید است کلی تفصیلات منبره در آخر
 و اگر اقامت سفارت کبری بعل آمده بیت و بهیم
 که بنای دیدن جناب جلالتاب غراف نسلرود و دیوم
 ایشیک اقای با شعی اعلیحضرت امپراطور و جنرال
 مترجم اول بمنزل سفارت کبری آمده کالسکه دولتی
 حاضر شده جناب جلالتاب ایلمچی کبیر و اتباع
 سفارت کبری بالباس رسی هستند در هر اطراف
 جنرالها و صاحب منصبان نظام و مباشرین امور خارجه
 مستوفیان نهایت احترام را معمول داشته اند
 مجلس شمس جناب جلالتاب غراف نسلرود مانده
 در اطراف اول پس جناب جلالتاب غراف نسلرود
 و در اطراف دوم جناب سینا دین با جمعی دیگر
 و در بانی نموده و در اطراف سیم خود جناب جلالتاب
 غراف نسلرود کمال احترامات را نسبت بجناب ایلمچی
 کبیر و اتباع سفارت کبری منظور داشتند و در
 مجلس مراسلات دوستانه جناب شرف المجد
 صدر اعظم را بجناب جلالتاب غراف نسلرود
 و جناب سینا دین ابلاغ نمودند و مجلس و کمال شایسته

و مودت ختم شده بعد از مراجعت جناب ایچی کبیر منزل
سفارت بقاصد نیم ساعت جناب جلالت بابت غرض
تسلو و دیدار آید و کمال احترامات نسبت به ایشان
بعل آید هر چند جناب مغزی الیه در مجلس باز دید جناب
ایچی و از شرفیابی حضور علیحضرت امیر الطوری را ملاقات
میخواهند بگذرانند اما جناب ایچی کبیر بسبب تکلیف
معه و رولودند خود چند روزه خویش تا خیر نموند
صورت تشریفاتی که خبرال دمران مترجم اول دولت
بهیه روسیه قبل از شرفیابی بحضور علیحضرت امیر الطوری
سفارت کبری آورده بود از قرار فقرات ذیل است
اول در روز رفتن حضور علیحضرت امیر الطوری مستوفی
ایشیک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری
مأمور شده است خدمت جناب ایچی کبیر خواهد رفت
و ایشان را بر رفتن عمارت موسوم برستانی دعوت خواهد
نمود بعد از نشستن جناب مغزی الیه در کالسکهها راه افتاد
انها از قرار ترتیب ذیل خواهد بود و دویم در کالسکه
اسبه دولتی مخصوص روزهای بزرگ مترجم اول
وزارت محام خارج و همانداران دولتی و دو نفر
صاحب منصب ایشیک آقاسی کری خواهند نشست سیم
دو نفر شاطر و دو نفر سواره از عیالجات در بخانه
پشت سر کالسکه سابق اند که خواهند رفت چهارم
در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای بزرگ
جناب ایچی کبیر بالادست و در مقابل ایشان مستوفی
ایشیک آقاسی که بشغل معرفی و دلالت سفارت کبری
مأمور است خواهند نشست و در اطراف کاری چهار نفر
پیشخدمت از عیالجات در بخانه اند و طرف خواهند
رفت و نزدیک پنجم کالسکه یک نفر صاحب منصب
بسه کاری سواره سواره کاری خواهد رفت ششم
در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای بزرگ
صاحب منصبان بزرگ سفارت مقرب انخاقان قاسم
سریستار و عالیچان زیان خان نایب اول
و حاجی میرزا محسن مترجم اول سفارت کبری خواهند
نشست و در کالسکه شش اسبه دولتی مخصوص روزهای
بزرگ سایر صاحب منصبان سفارت عالیچان زیان
حکیم نایب دوم سفارت و نظر آقا مترجم و میرزا حبیب
و میرزا مهدی منشیان سفارت کبری هفتم چهار نفر از
عیالجات در بخانه سواره پشت سر کالسکهها خواهند رفت
و روانه شدن کالسکهها الی عمارت امیر الطوری از کالسکه
رو دلو واقع خواهد بود و بدو سلام که در بیضا
اند و فی عمارت رستمانی واقع است خواهند رفت
هشتم در وقت داخل شدن جناب ایچی کبیر بیضا
ت نزدیک در قراولهای قراولخانه بزرگ برای ایشان
احترام نظامی خواهند نمود نهم در وقت بیرون آمدن
جناب ایچی کبیر از کالسکه دو نفر دربان و دو نفر صاحب
از دفتر خانه ایشیک آقاسی کری با استقبال خواهند
و در سه پلهای عمارت سلام دو نفر دربان و دو نفر

علم پیشخدمت استقبال خواهند کرد و دهم در اطاق
 موسوم بتالار سپهسالاران ایشیک آقاسی استقبال
 خواهند نمود و همه صاحب منصبان سابق الذکر در پیش جناب
 ایلمچی معزنی الیه در اطاقهای بطریق کبر و کربوی و از
 اطاق بیکت کرنا در واز اطاق الکندر تا اطاق
 معینه سجه استراحت خواهند رفت یازدهم
 در آنجا ایشیک آقاسی باشی و مرثال در بارگاه
 که عبارت از وزیر خانه و امورات شخصی اعلیحضرت
 امپراطوری باشد جناب معزنی الیه را استقبال
 خواهند نمود و دوازدهم جناب ایلمچی کبیر با آن بر
 پیش با اتفاق اشخاص سابق الذکر و اتباع سفارت
 کبری با اطاقهای اعلیحضرت امپراطوری داخل خواهند
 و در آنجا در اطاق مشهور با طاق سفید که بجهت نظار
 معین شده است مرثال بزرگ اعلیحضرت امپراطور
 و مرثال بزرگ علیاحضرت امپراطیس جناب معزنی الیه
 خواهند پذیرفت سیزدهم در وقتیکه همه حاضر و محیا
 شدند و از اعلیحضرت امپراطور اذن شرفیابی حضور
 حاصل شد ایشیک آقاسی باشی جناب ایلمچی کبیر را با اتفاق
 مترجم اول وزارت مهمام خارج بحضور خواهند برد
 و در آخر مجلس حسب الامر اعلیحضرت امپراطور ایشیک آقاسی
 باشی صاحب منصبان سفارت کبری را بحضور خواهند
 برد که شرفیاب حضور امپراطور شوند و جناب ایلمچی کبیر
 اندک شرفیابی با اتفاق اتباع سفارت کبری با طاق سفید

معاودت خواهند نمود چهاردهم در آنجا مختصر شرفیابی
 حضور علیاحضرت امپراطیس خواهند شد و این مجلس
 در همان اطاقی که بحضور اعلیحضرت امپراطور رسیدند
 اتفاق خواهد افتاد و جناب ایلمچی کبیر از همان اطاقها
 الی پلهای سفرا بهمان احترامات که در ورود معمول بود
 و در همان کارهای دولتی بمنزل مراجعت خواهند کرد
 پانزدهم جمیع قراولان اندر دنی و قراولان کشیک
 اندرونی که از فوج خاصه میباشند جمیع احترامات
 نظامیه را بجهت جناب ایلمچی کبیر معمول خواهند داشت
 شانزدهم در بنه اطاقهای عمارت پادشاهی
 که جناب جلالت آف ایلمچی کبیر عبور خواهند نمود
 و در اطاقها را باز خواهند کرد این صورت فوق را
 در تشریفات روز شرفیابی جناب جلالت آف ایلمچی
 کبیر دولت علیه ایران بحضور اعلیحضرت امپراطور و کلا
 دولت روسیه بسفارت کبری فرستاده بودند
 و آن قرار روزنامه که با دلیای دولت علیه ایران
 همه این تفصیلات در روز شرفیابی حضور اعلیحضرت
 امپراطور و علیاحضرت امپراطیس و نواب مستطاب
 و بعد دولت بهیه روسیه بسفارت کبری
 معمول داشته اند و جناب ایلمچی کبیر در همان مجلس
 شرفیابی حسب الماموریه رسوم تعزیت و تهیت را از
 جانب سرکار اعلیحضرت آه سن ها یون شایسته
 دامت شوکت بطریق شایسته بعل آورد و سرکار اعلیحضرت

در اطاق شرفیابی اولیای اتباع کبری شرفیابی و در آخر مجلس شرفیابی

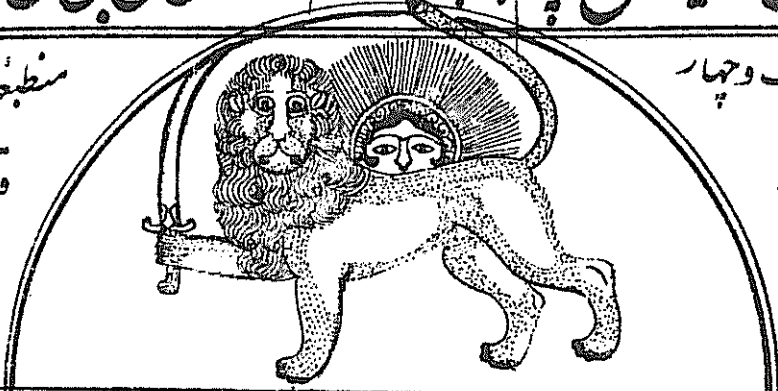
امیر اطورسم کلمات مودت آیات نسبت بر کار
 اعلیحضرت شاهی خلد السلطان ادا فرمود که تقصیل سامی و مناصب ایشان موجب تطویل
 و جناب معز می الیه نامه حاویون را ابلاغ کردند و جناب ایلمچی کبیر را دیدن نمایند از روز بروز
 جناب ایلمچی کبیر و اتباع سفارت کبری هر یک تا روز سه ۲ ربیع الثانی از یک ساعت بظهور
 علی قدر مراتبهم مورد تفقدات لازم شدند تا دو ساعت بعد از ظهر سفارتخانه دولت
 و مجلس شرفیابی در کمال شایستگی و توقیرت علیت آمده لوازم احترامات را بجا می آورد
 ختم شد در روز دوازدهم ربیع الثانی چنانکه جناب ایلمچی کبیر هم ایشان را ترقیب باز
 رسم دول است جناب ایلمچی کبیر و اتباع خواهند نمود و همچنین سفرای دول خارج
 سفارت کبری که بدین نوآبان قسطنطنیه چنانکه در رسومات دبلوماسیک قرار است بعد
 میخائیل برادران اعلی حضرت امیر اطور فرستند از اعلام سبقت دیدن از جناب ایلمچی کبیر
 کمال احترامات را در ذاب و ایاب و صحن نمودند و جناب معز می الیه نیز باز دیدند
 طاقات بعمل آوردند از ورود سرحد ایلمچی کبیر کرد
 در همه جا حکام و سرداران و سایر اعیان از سایر مالک محروس و از دول خارج
 و وزرا و امن و امرای دولت روسیه از اخبار بودند چون در این مفتی در روزنامه
 جناب ایلمچی کبیر دیدن کردند و موافق رسوم کنجایش تحریرات آنها بنود در روزنامه مفتی آیند
 دولتی که مأمورین جانبین بایست از وزیر بئین و مسطور خواهد گردید
 اول دولتین سبقت دیدن نمایند جناب ایلمچی کبیر اول بدین جناب جلالت تأب
 غراف سرود که وزیر اعظم دولت بهیه روسیه است رفتند و بلافاصله جناب
 معز می الیه از جناب ایلمچی کبیر باز دیدند از روز دوشنبه عم ۱ ربیع الثانی از دیار
 اعلیحضرت امیر اطوری حکم شد که جمیع وزرا

روزنامه قایم القایه ساج پویم به پیر و درم سهر دی فی بق لک نیل

نمره دیت وشت و چهار

قیمت روزنامه

بر نسخه ده شهر



منطبه دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پیر

اخبار داخله مالک محروسه پادشاه

دار الخلفه طهران

سواره چهار دوی که از آذربایجان احضار شدند
شده بودند در این اوقات وارد گردیده در
روز شنبه نهم این ماه در میدان ارک حاضر شده
صف کشیدند و اعلی حضرت اقدس عالیون شایسته
ایده همیشه بجهت ملاحظه سواره مزبور تشریف فرما
میدان ارک گردیده عالیجه پرویز خان سکرکر
سواره مزبور آنها را یکی یکی از حضور مهر ظهور
گذرانده چون اغلب جوانان خوب و با اسب
اسلحه ممتاز در کمال ارستکی و انتظام بودند مورد
تحسین و توازش گردیده انعام ملوکانه در حق آنها
مهرمت شد

چون حسب الامر مقرر است که از هر یک از افواج
دوازده نفر بجهت مشق در دار الخلفه حاضر شوند و
آداب مشق لشکر و حرکات رانجوبی آموخته پس

پیشکش شدند هر یک رفته در فوجهای خود محکم گردیدند
و عوض آنها مجدداً بطهران آمده مشغول مشق شوند
و بهین قرار پس از آنکه مدت جمیع صاحب منصبان
و افواج در آداب مشق و اعمال نظامی ما هر باشند
تا حال صاحب منصبان پنجاه و سه فوج حاضر گشته
و عالیجه مرتضی قلیخان ولد مقرب انخافان محمد علی
که از جمله شاگرد های مرتبه اول پیا ده نظام است
سپرده میباشد و صاحب منصبان مزبور بعد
که حاضر میشوند تعلیم میگیرند شرفیاب حضور مبارک
میکردند و در حق هر یک از آنها انعام ملوکانه بمرتبت
میشود چون جناب شرف امجدار رفع انجمن صدر اعظم
منجواستند که بدقت رسیدگی در احاد و افراد
نمایند عالیجه مرتضی قلیخان در روز شنبه گذشته
همه آنها را با نظم و ارستکی تمام در عمارت باغ
جناب معظم حاضر ساخته و بدقت در احاد و افراد

صاحب منصبان رسیدگی نمودند و حکم کردند
که عالیجاه مشایره در هاجا با آنها مشورت کنند
چون خوب مشورت کردند و التفات کردند و
شال کشیری بجایگاه مرتضی قلیخان و وجهی نقد بجا
انعام دادند که مایه مزید دلگرمی آنها بوده پیش ایشان
در تحصیل قواعد نظامی ممتد نمایند

نظر سجدات نواب ابراهیم میرزا نایب الحکومه
و اهتمامات او در بستن تدبیر که ناصری و گرفتن
اشتراک اعراب آن صفحات محاسن خدمتگذاری
مقبول و تسخیر خاطر اقدس همایون اعلیحضرت
شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاده در این وقت
از جانب سنی اجواب ملوکانه یک قطعه نشان از
مرتب اول سرنیکی با نضمام حمایل و کیشوب جبهه مره
و راز اخذات نواب معززی الیه حمت گردید
و فرمان محرمان مبارک مبنی بر التفات شرف
صد دریافت

چون ولینان سرتیپ فوج سیلاخوری در این وقت
وفات یافته بود و نظر بایشکی عالیجاه رستم خان
از جانب سنی اجواب ملوکانه از فرمان حمایل
منصب سرنیکی فوج منور بجایگاه مشایره حمت
گردیده و یک قطعه شال ترمه هم خلف التفات شد
چون نواب مستطاب هزاره و الایب حاتم الدوله
از خدمات عالیجاه جعفر قلیخان سرنیک فوج خاندان

در ارستان اظهار رضامندی با ولیای دولت علیه
کرده بودند لهذا در این اوقات از جانب سنی اجواب
ملوکانه یک قطعه شال و خلع مرحمت و عنایت گردید
چون عباس قلیخان پسران که بحکومت مشایره و بطام
مأمور بود در ۲۷ جمادی الاول که از مشایره و بطام
میرفته است جمعی از اشرا بر تحسینات شیطانی و تحریک
بعضی مفتدین غفله و تیر با و خالی کرده و او را مقتول
نموده بودند لهذا در این اوقات حب الامر اقدس
همایون شاهنشاهی ولیای دولت علیه عالیجاه چرخ
نایب الحکومه سابق اصفهان را بحکومت مشایره و بطام
و بطام مأمور و خلع داده روانه نمودند و مقرر شد
که قایلین مرحوم عباس قلیخان را بهر نحو که باشد در
بست آورده بدر بار همایون روانه نماید تا موافق
عدالت و احقاق حق بسزای عمل ناشایست خودشان
برسانند

از آنجا که خاطر اقدس همایون شاهنشاهی خلد الله ملکه و سلطانه
ایل بشارت و آبادی و انکشاف مبارک است لهذا از بدو ظهور این دولت
ابدایت تاکنون عمارت عالیگاهیه رفیع و مقرر سلطنت عظمی نباشد
و تفصیل بعضی از آنها در روزنامه های گذشته سمت تحریر یافت
از جمله در این اوقات حکم بطرح عمارتی جدید و جنب عمارت
شرف نهاد یافته و بسی و اهتمام مقرب الحاقان حاج علیخان جاح
عمارتی جدید برشته و دو باب الحاق تحاتی و فوقانی صورت
اتمام پذیرفته در یوم سنبه پنجم شهر جمادی الثانی تشریف یافت

عمارت مزبور گردیده و اجناس سلام مخصوص گردید جناب
 جلالت آفتاب اشرف مجد ارفع صدر عظم و جناب نظام الملک
 بعضی از شاهزادگان عظام و امر و سرداران و ارکان
 مخصوص بشرف حضور مبارک علیحضرت قوی شوکت شایسته
 صان الله ایام شوکت عن التمامی و ملاحظه و تماشای
 آن عمارت خلد قرین که از ابتدای بنای سلاطین
 الی کنون باین طرح و صفا و سلیقه دیده نشد که از
 پادشاهان ماضی بنائی نناده باشند شرفیاب شد
 احقی در شکوه و رونق و امتیاز و خوش طبعی در دنیا
 جنان و وصف آن زیاده از حیرت بیان است و هر یک از
 اطاقهای مزبور فراخور خود با سبب نفیس و چراغ و
 کلدان و پرده و غیره مزین و در یکی از آنها که از سایر
 اطاقهاست اختصاص دارد با سبب مرصع که بجوهر
 نفیس ترصیع یافته آرایش تمام داشت پس از انعقاد
 سلام مخصوص جناب اشرف ارفع صدر عظم و سایر
 امر و سرداران و اعیان و وکلای حکام که شرفیاب
 حضور همایون بودند بجهت بیمنت هر یک فراخور حال
 پیشکش و پای اندازی از حضور مبارک گذراندند
 مستحسن و مقبول خاطر ملوکانه افتاد و مقرب انخافان
 حاجب الدوله در ازای انجام این خدمت باظهار مهر و
 و عنایات خاص ملوکانه مباحی گردید و بعضی از شعرا
 که بجهت این عمارت بهشت این اشعار و رباعی عرض
 کرده بودند مورد تحسین و انعام ملوکانه گردیدند و از جمله
 نواب سام میرزا ملک الشعراء نواب اشرف ارفع
 والا امیر کبیر عا که مضمونه رباعی بدیده عرض کرده
 بود خلعت آفتاب طلعت از جانب سنی بجواب
 ملوکانه با و محبت گردید
 چون عالیجاه میرزا ملکم سرینک مهندس ایما ماری
 و مترجم دولت علیه در موارد خدمت و مجاری
 زحمت آثار صداقت و مراقبت را ببل آورده و در
 بسکام انعقاد عهدنامه مبارکه فیما بین دولتین
 و فرانسه نیز که حب الاثره اولیای دولت
 علیه از اجزای محاوره و اسباب انعقاد صحابه
 سواد مواظبت و قاعده دانی را ظاهر ساخته
 همواره محاسن درایت و ادب خدمتگذاری دیوان
 اعلی بطور آورده می آورد و لهذا مورد احترام ملوکانه
 گشته بر حسب فرمان همایون با عطای یک قطعه
 شیر و خورشید از درجه اول سه تنگی با حایل
 سفید قرین مباحات آمد
 هوای دارالخلافه طهران در این اوقات کمال جوی
 و اعتدال را دارد و بارندگیهای بوقت و موقع
 که بجهت زراعت زیاده منفعت دارد و درین روزها شده
 چند یوم قبل باران کاملی آمد و بعد از آن هم در روز
 چهارشنبه چهارم بارندگی کرده و شب پنجشنبه بارندگی
 الی صبح لایق طبع باران شدید ریزا و آمد بطوری که آسمان
 در بعضی جاها میزد و همچنین در پنجشنبه نیز بارندگی در بعضی جاها
 و در بعضی جاها باران شدید ریزا و آمد بطوری که آسمان

سایر ولایات

از دریا بایجان درین هفته ازین ولایت اجناب

بود

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند

در این اوقات شخصی بود اگری بیان ترکمان فته

بود در منکام مراجعت ترکمانی که از آن شخص ادعا

طلبی داشته است چند نفر ترکمان را با خود رفیق کرده

آمده در سر راه اسباب او را بکرو کشیده بود

آن شخص با استرآباد آمده مراتب را بمقرب انخاقان

جعفر قلیخان اینجانی اظهار کرده بود مقرب انخاقان

مشارالیه محصل فرستاده اسباب آن شخص را

تمام و کمال گرفته آورده با و تسلیم نموده و قدغن

کرده بود که بعد ازین کرو کشی موقوف باشد پس

از کسی طلبی دارد آمد عرض نماید و بعد از ثبوت محصل

کریه برو و طلب خود را دریافت کند

استرآباد و اصفهان و بروجرد و

و داریلمرز و سمنان و عراق ازین

ولایات نیز درین هفته اخباری نبود

فارس

از قراریکه عالیجاه حبیب الله خان یا و رفوج نهاوند

از جزیره خارک نوشته بود سر بازان مشارالیه

دریا بکرو کش رفته بودند یک لوله توپش پونده

در کنار دریا و زیر کله خاک بوده است و بسبب

طوفان و امواج که خاک و کله را شسته توپ ظاهر گردید

بود دیده بودند و توپ منور را آورده حال در

چهار برج آنجا که شته اند

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته بودند چون

دیوان اعلی در باب جدید النسخ های ولایت حکم

شده بود مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان پیکار

قزوین جمعی از ستوفیان را با وکیل ولایت و ممیز که

بصفت امانت و دیانت موصوف بودند ببلوکات

فرستاده و قرار نظم و نسق انحصار بطور تعدیل داده

که هر کس دستور العمل و قرارداد خود را داشته کسی

بکسی اجحاف و زیادتی نشود

دیگر نوشته اند که در باب بار و طکوب خانه قزوین

که سابقا خرابی بهم رسانده بود مقرب انخاقان حاج

حسنعلی خان اتمام زیاده بعل آورده و خرابیهای آنجا را

با کمال استحکام ساخته و کارخانه های آنجا در کارند

اغلب روزها خود مقرب انخاقان مشارالیه با نجار

و ارسیمی نماید و تا حال قریب یکصد خوار بار و

در آنجا موجود و مهیا شده و در کار ساختن ظروف

و شمع و تدارک و واب میباشند که بدو

مبارک که روانه نمایند

قم و کاشان و کمر و کمرستان

ازین ولایات نیز درین بنقه اخباری بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
میرزا محمد بیک سلطان توپخانه که از جانب اولیا
دولت علیه تجیه تبیه مقصرین فوج خلیج ساه که
نسبت بجایگاه جانمید خان سربنک هرزگی کرده
بودند مامور بود و در پانزدهم جمادی الاول
آنجا شده نواب مستطاب عمادالدوله حکم
کرمانشاهان بعد از استحضار حکم امنای دولت علیه
فرستاده مقصرین را گرفته حاضر کردند و همگی آنها
بتاریخ بته تبیه شایسته نظامی نمودند و نسبت
نفر از صاحب منصبان را که زیاده باعث
و هرزگی شده بودند گرفته مصحوب میرزا محمد بیک
سلطان توپخانه مبارکه بدراخلایه فرستادند

دیگر نوشته بودند که چند نفر زوار بعضی نواب
عمادالدوله رسانیدند که کنیزی از امانتداران
وجه سرقت نموده و فرار کرده است نواب محرمی
بفرستادشای خود فرمودند که حکماً سارق را بفرست
با وجهه سر و قید انامیدش را لیه نیز بعد از
تحقیق از خود همان رتوار معلوم کرده بود که کنیز
مربوره بکجای رفته و بعد از مراجعت بخواه را برده
و مفقود الاثر شده است مثلاً لیه بان حمام
و جاریه مربوره را با بخواه بدست آورده و بخود
نواب معزی لیه آورده حسب احکام حبس کیم کرد

دیگر نوشته بودند که یکسوی کلچ از موبوس حاصل علیهم

اقدس هالیون شاهی که با قتل نواب مستطاب
عمادالدوله رحمت شده بود با آنجا بر تو وصول افکنده
نواب معزی الیه تا یک فرسخی شهر با جمیع اعظم و اعیان
و خواین و صاحب منصبان نظام لوازم استقبال
و توقیر و احترام خلعت مرطبت را بعل آورده ریش
دوش مبارکات خود نموده صرف شربت و شیرینی
کرده بودند

دیگر نوشته بودند که شب دکان برازی را در میان
بازار سوراج کرده و قدری اسباب از آنجا بر
برده بودند و مراتب بعضی نواب عمادالدوله رسید
سارق را از داروغه مطالبه نمودند مثلاً لیه نیز
چند روز مهلت خواسته سارق را با اموال میر
بدست آورده بخود نواب معزی الیه آورد و بعد از تحقیق
معلوم شده بود که این شخص دو دفعه دیگر بدزدی
گرفته شده و متخلص گردیده است چون این مرت
سیم او بود نواب معزی الیه موافق حکم شریعت
بقطع ید او حکم نمودند

دیگر نوشته بودند که توپچیان متوقف دارالدوله
کرمانشاهان را همه روزه جایگاه فرج الدبیک یا توپخانه
میدان مشق حاضر کرده مشغول مشق میشدند و با نهایت
انتظام و حسن سلوک با اهالی آنجا رفت و آمد میکردند
و امور سایر اهل نظام آنجا با نهایت انتظام است
و صاحب منصبان کمال مراقبت را در مشق و قواعد
نظامی آنها دارند کرمان و کیلان و نهاوند
و همدان و یزد و ازین ولایات نیز درین بنقه اخباری

اخبار دول خارجه

و علوم سرشته بهم رسانند

از قراریکه در روزنامه نوشته بودند از او بداند
که در این اوقات مابین فرانس و انگلیس راهی
از زیر دریای بازند که از میان لوله آهن عبور می کند
که از نوبسباق و طرح جدید بازند و کوجه در است

بمیدارند

دیگر نوشته بودند که امپراطور فرانس در سانی
که چندی قبل در پاریس دیده اند حایل و ثانی
که از دولت سوید فرستاده اند او نیخته بودند
مردم از اسمعیل حسین همیدند که سفیر فرانس نامور
خود را در دولت سوید بطور خوش دولت خود

انجام داده باشد

دیگر نوشته بودند که افغانی دولت استریه نظری
ملاحظات و نجات پوتیک صلاح را در آن دانسته
که قدری از تعداد قشون خود کم نمائند ازین کم کردن
قشون مبلغ هفتاد و پنج لیان فرانک مدخل دولت
مربور است که از خراج آنها کم میشود

دیگر نوشته اند که کشتیهای دولت بلجیقا در مالک
عثمانیه ساز میجو استند که بکنند سابقا بتوین
مصارف زائده آنها مقابله پیدا نمود بدینجهت از طرف

دیگر نوشته بودند که اولیای دولت عثمانی قرار
داده اند که سالی دوازده نفر از شاگردانی که در
اسلامبول درس میخوانند بعد از وضع امتحان روان
پاریس نمایند که در آنجا از قرار داده وقاعدت قریحا
وزارت خانهای فرانس از قبیل امور خارجه و دوله

کار باشند

دیگر از قراریکه در روزنامه ماه جمادی الاول حریه

نوشته اند در بیت هشتم ماه گذشته ساعت
از شب رفته در جوار باب او رفته از سکنه محله
در ویش علی از خانه صینوا جی محمد آقا قضاوتش
ظهور کرده و در عقب عا کر نظامیه و مأمورین سائره
رسیده اقدام بخاموش کردن آتش نموده اند
و نگذاشته اند که بیشتر از چهار باب خانه سوخته شود
و آتش را خاموش کرده اند
تفصیل چهل نفر از دزدان یونان که خانه بود یک
قایم مقام اغریوز را محاصره کرده و نقد و جنس نقد
شصت کیسه برده و چند نفر پیران و کنایم مقام
مزبور را با یک نفر حکیم برده و هزار و پانصد کیسه
مرخص کردن آنها مطالبه نموده بودند و رنمه ۲۶۲
این روزنامهها نوشته شده بود از فرار روزنامه
که بعد رسید نوشته بودند که بعد از آنکه دزدان
پانصد کیسه و جعبه استخلاص سیر مطالبه کرده بودند
از جانب دولت یونان یک مجلس مخصوص در این
باب منعقد شده و جی که دزدان خواسته بودند
امنای دولت قبول نموده بودند این خبر بزرگان
رسیده آنچه را مضاعف نموده و مطالبه کرده اند
و نظر بمال حوادث نامه یونان تا و جی که دزدان
مزبور خواسته اند با آنها داده نشود و دزدان و
ورقهای آنها معفو نباشند استخلاص آدمهایی که در
دست آنهاست از حد امکان بعید نماند

سابقا در باب طوفان شدید و گرد باد که در دریا
آب را لوله کرده مانند طوبی بکشتی نخلیس و در
کشتی فرانس و یک کشتی ساردینیا در لنگرگاه رفته
و آنها را غرق کرده بود نوشته شد از فرار روزنامه
که بعد رسید از کشتیهای نخلیس که غرق شده اند
در یکی محادل چهل هزار لیر امتعه و اشیاء و در دو
کشتی دیگر خیلی مال تجارتی بوده بجهت در آوردن
آن کشتیها از زیر آب از طرف نخلیس کشتی بخارا
نام را فرستاده اند ولی چون کشتیهای مزبور
در جای سخت فرو رفته بودند بیرون آوردن
آنها ممکن نشد است
دیگر نوشته اند که از شهرهای معظم روی زمین
امروز بزرگتر از همه شهر لندن پای تخت نخلیس است
که بالفعل بچکر و مخلوق در آنجا هستند و جمعیت شهر
بسیار و جمعیت کل یونان رسیده است جزیره نخلیس در
حالت محلی خوب بودن مالی و سکنه آنجا بزرگ است
و حراست مالوف اند آذوقه و وقت مانده آن جمعیت را
در آنجا بعل می آورند و آذوقه چهار ماه دیگر از
سارا از خارج باید بیاورند و اینر حله نهایت چهار
هالی آنجا را در امر زراعت میرساند که با وصف آن
جمعیت و از دام آذوقه هشت ماهه را در آنجا بعل
می آورند در اوقات استقلال قدیم یونان جمعیت
شهر رومه بود و کرد و دولت هزار کس رسید بود

آن از حالت سکه و بکار بردن در ظروف و
اوانی ممتنع خواهد بود

اعلانات

چون قواعد شعر فارسی و علم بلغات فارسیه بعد از
فتنه سلاطین مغول از میان رفته بود چنانکه شصت
سال شعرای عجم راه بقواعدی که متقدمین و جبید
نبردند در این اوقات حسب الامر قدس تایون سکه
اعلیحضرت شاهی صان الدایم شوکت علیتاهی
جناب شرف مجد رفیع صدر اعظم بجایگاه مقرب انجمن
میرزاتقی میرتوفی که عالم جمیع این قواعد بود حکم فرمودند
تا کتاب بر این محکم را تصنیف و تالیف نمود و زینت
طبع محلی ساخت تا نظم و نثر مردم فارسی زبان بعد از
خلط نباشد هر کس طالب این کتاب باشد در دار الخلافه
طهران در کاروانسرای دولت در اطاق حاج علی
تاجر کاشانی هر مجلدی شش هزار دینار فروخته شود

و همین کتاب کو هر مرد که از کتب معتبره معرفت و کلام است
و تحصیل عقاید بنیه و تحمیل معارف یقینه از مبدع و معیار
دوره حکمت تمام در هر شهری یک دو نسخه که آنهم زیاد
مخلوط بود بیشتر بهم میرسد در این اوقات سعی و
اتهام جناب فضایل نصاب میرزا محمد باقر لواسانی در
دار الطباعه و دار الخلافه طهران لطبع یافته هر
مجلدی بیک تومان فروخته میشود

ولی تا حال این جمعیت که در لندن شده است در
بیچیک از پای تخت های روی زمین دست نداده
بعد از لندن پیکن پای تخت مملکت چین معظم بلاد
یشمارند که حاوی چهار کور نفوس است در شهر
از ده سال پیش ازین تا این اوقات چهار صد هزار
زیاده اند و باین حساب تا شصت سال بعد ازین
جمعیت شهر مزبور بشمارد و خواهد رسید و در شصت
بیت سی سال بزرگ یک خند تحکامه بزرگ جمعیت
زیاد بهم خواهد رساند دیگر شهر پاریس پای تخت
فرانس بده بزرگ شده در هر عمارتی خند خا
که بیست و سه نفوس میرسد کن اند و در شهر لندن
در هر خانه هفت مرد سکنی دارند و در لندن سیصد
هفت هزار باب خانه موجودند و سبب تحقیق حقایق
شناسان دهر است

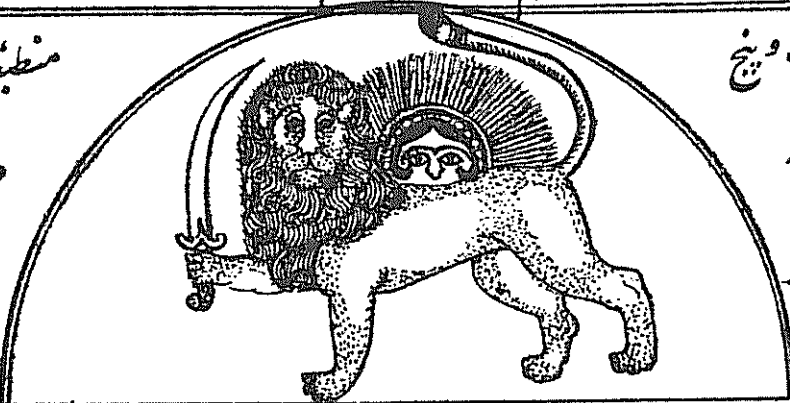
دیگر نوشته اند که در هر طرف دنیا سکه کاغذی
روز بروز کم میشود و در بعضی جایها در معاملات
حالیه روز بروز بد رجه نمایانی رسیده است چنانکه
از نقره ادوات و آلات همیشه و سایر شیاطین
ساخته می شود بعضی از اغنیاء نقره مسکوک را بدل
سایر وجوه اخذ کرده و اسباب و ادواتی را
کم شدن نقره روز بروز ترا میدی پذیرد در این
اوقات در فرانسه قرارداد داده اند که دولت از
نقره و یک ثلث از طلا مزوجا پول سکه نمایند
و از جانب اعلیحضرت امپراطور فرانسه درین باب
حکم شده است بعد از آنکه نقره باطلا مخلوط شد قلع

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه بیستم شهریور سال ۱۲۷۲

نمره پست و پست و پنج

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده



منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پانزده

اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون در این اوقات که بارندگیهای کامل در
دارالخلافه مسبب رکشد هوا بسیار معتدل و خوب
گردیده و اطراف دارالخلافه طهران کمال صفای
بهم رسانده است بعضی روزها را علیحضرت
هایون شاهنشاهی عزیمت کشت و تفریح و شکار میفرماید
از جمله در روز شنبه گذشته که بجهت کشت و تفریح
سوار شده بودند سواره ناکلی را که حضار در
هایون شده و در بیرون دروازه حاضر
بودند ملاحظه فرموده چون بسیار باشکوه و جو
و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند سیر کرده
و صاحب منصبان آنها مورد تحسین و توارش
ملوکانه شده خلعت در حق آنها مرحمت گردید و
موکب هایون از آنجا بتفریح اطراف حرکت فرمود
تا حوالی عصر مشغول کشت و شکار بودند و نزدیک
غروب آفتاب بارک مبارک که سلطانی و مملکت
عظمی را محبت فرمودند و روز یکشنبه گذشته نیز

جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم بجهت رسیدگی
با وضاع و انتظام سواره منبوره که در میدان
ارک حاضر گشته بودند بمیدان آمدند و احاد و
سواره منبوره را بدقت ملاحظه نمودند بسیار زیاده
داراسته و با اسبان فربه و اسلحه آراسته بودند
باجمله سرباز و سواره که احضار رکاب هایون شوند
در ورود و در یک بدار الخلافه مبارک که از جانب سرکار
اقدس هایون شاهنشاهی ایدای حبشه و جناب
اشرف ارفع صدر اعظم نهایت دقت و رسیدگی
باجاد و افراد آنها میشود و تمامی قشون از سواره
و پیاده بطوری آراستگی و انتظام دارند که هیچگونه
نقصی در اسب و اسباب و تدارکات آنها نیست
و پس از دیدن لشکرنویان عظام سان آنها
ورسیدگی در پر و دخت شدن موجب شادمانی هر کس که
حسب احکام ما مورس احداث و محمل ما مورس مستند
روانه میشوند و هر کدام در دارالخلافه باید متوقف باشند
مشغول مشق و تعلیم قواعد نظامی میباشند

بعد از رفتن جناب سرتیور مور و وزیر مختار دولت انگلیس از
 طهران تبریز پاره اوضاع و سمت افغانستان اتفاق
 که ضرر کلی بجهت داخله حسان و بی استقلال حاکم ایجاد
 بر او ایلی دولت لازم شد که از برای حفظ انضباط
 قندار و هرات چنانکه موافق قرارداد سابق خودشان
 تدبیر لازم بکار برند که هم رفع آن فتنها و غایبها بود
 هم این دو ولایت بحالت حکومت علیحدہ برقرار
 بی حد احدی چون بجلت رفتن سفارت انگلیس از
 و بنا بمضامین بعضی روزنامهجات یورپ در نظر
 این بود که شاید این تدبیر دولت ایران بطی بر رفتن
 انگلیس دارد و بی استحضارین احتمال میدادند که
 که در قی باین دولت ایران و انگلیس واقع شده که
 حرکات دولت ایران فرع آن حالت است بجهت
 شبهه دور نزدیک و اشخاص بی استحضار و اثبات
 برقرار بودن دوستی باین دولتی ایران و انگلیس
 تفصیل که متن واقع و بی خلاف محض است لازم شد
 در روزنامه دار اخلاف طبع شود که اگر حرکاتی از دولت
 ایران صادر شود بداند که محض دفاع و دفع شرف
 و نظم داخله این دولت است نه مبادرت در امر
 وسیع خلاف دوستی با دولت انگلیس در نظر سخن
 بود و آن این است که قرارداد دولت ایران این بود
 و حکام هرات و قندار و کابل و عموم افغانستان
 در ولایات محل حکومت خود بوده بدیکری دست
 و اذیت و آزار رسانند که اینمختی موجب تأمین معابر
 مسالک و کثرت تجارت و امنیت آن حدود و موجب
 نظم کامل در حدود خراسان بشود تا این اوقات که
 سردار کندیل خان سردار قندار و دروینار را بدو
 برای آخرت قرار گرفت بجهت ریاست و حکومت
 اخوان و اولاد او فی السجده خونی ظاهر شد اولیای
 منظور داشتند بجهت بستگی کامل که مرحوم منور بدو
 داشت برای تثبیت آنها و رفع ماده خست و اصلح
 در میان آنها آدمی مأمور روانه نمایند که درین
 خبر وفات سردار کندیل خان و غنائش هرات شنیده
 یافته و بهبانه تعزیت و اصلاح فیما بین آنها خود را بقندار
 رسانیده آنها را بنحیر از کتون و منظور او بود چنان
 که محض دلسوزی و مهربانی اخوت است باز خود را
 خواهد نمود او را اکرام و استقبال نمودند لکن امیر
 آنچه از نوشتجات افغانستان متجاوز می شد با قشون
 استعداد زیاده از حد قدرت او که همیشه بدو
 لدی الورد و بیج و درواز قشون خود را گذاشته در مقام
 نصاحب قندار برآمده و اخوان و اولاد و کان محرم
 سردار کندیل خان را بی دخل و بری نموده متواری
 و هر یک بطرفی رفته در جایی گسسی گرفتند و اولاد و اخوان
 مرحوم سردار کندیل خان اقبیل سردار محمد خان و
 میر افضل خان و محمد صدیق خان و محمد سر خان و
 مظفر الدوله که دو سال قبل بمبت نوکری بدر بارها یون

بقیع مظفرالدوله و منصب سرتیپی سرافراز شد و غلام
 محی الدین خان و عبدالله خان و خوشدل خان و سنجی خان
 و صاحب زاده و محمد علم خان و فتحی محمد خان و سایر
 مرحوم شرافیه عریضه بحضور اقدس همایون شاهی
 نوشته از نظام و دست اندازی امیر و دست محمد خان
 بنجناواده آنها اظهار تظلم با ولیای دولت علیه نموده بجهت
 رفع تعارضات امیر دوست محمد خان و تعالی حالت حکومت
 و محل حکومت خودشان باحوال سابق استعانت از
 دولت علیه جستند و امیر دوست محمد خان بعد از تصاحب
 و تصرف قندهار رغبت برات را تصیم نموده از شاهزاده
 محمد یوسف و عموم علماء و اعیان هرات نیز عریضات متعدده
 با ولیای دولت رسیده در مقام تظلم برآمدند و کم
 بود که هرات بشکند و از بنظر رسم سردار علیخان از
 سه کوهستان خاک این دولت عریضه بدر بار بیا
 بتجیل فرستاده که امیر دوست محمد خان یلی از پسران
 خود را مامور بخت و تارستان و بلوچستان کرده است
 چون ولیای این دولت دیدند که ازین حرکت اشتافته
 که امیر دوست محمد خان پیشنهاد کرده است نزدیک است که
 اوضاع آن صفحات و داخله خراسان منقلب شود
 لهذا ولیای دولت علیه قشونی مأمور هرات نمودند که
 محافظت هرات و نظم خراسان قشون دولت هم
 انضباط بوده متوجه حفظ و حرارت هرات و تأمین
 اهالی آنجا باشد که امیر دوست محمد خان هوس غریبت
 هرات و آمدن آن صفحات را نتواند و سپرداری کابل
 که داشت قناعت نموده هوس سروری را از سر برد
 کند و مداحله در هرات و قندهار نماید چون این وقت
 قشون سبب هرات رفت بعد ازین هم در باب قندهار
 و حفظ اولاد کهندل خان و نظم حکومت ایشان آنچه را
 اولیای دولت علیه قرار گیرد در روزنامه بعد نوشته
 خواهد شد

مقرب انخاقان عیسی خان قاجار و الی کیلان که با چا
 این دولت علیه سمت انتصابی رسم بنجناواده سلطنت
 دارد از بد و جلوس آمد مانوس همایون الی الان بکوه
 ولایت کیلان منصوب و برقرار است و بنا بر اودا
 دولت و اقتضای رای اقدس همایون که میخواهند
 مثل ازمنه سابقه رود و زود بکام ولایات تغییر داده
 از تواریک حکام مختلفه صدمه خسارت بملکت و رعیت وارد
 آید در حکومت مقرب انخاقان معزی الیه نیز تا اکنون
 سال ششم از جلوس میمنت مانوس است تغییر نداده
 و چون قرار و رفتار ولیای دولت علیه در حق کل محاکم
 محروس و رعایای دولت علیه خاصه نظایر دالهرز
 کیلان که از ولایات معظمه سرحدات عمده و مالیات
 دولت است همیشه بر رعایت و رفاه است که از حاکم و
 مباشر و سایر بیسجوه ظلم و تعدی نسبت بریت و
 نشود حتی چهار سال قبل با الهراجه قرار شد و احکام
 حسب الامر الاقدس همه جا و بعهده کل حکام ولایات

۴ فواید کاس
 ۱۶۹۱

صادر کردید که از رعایا دیناری باسم جرمیه و شام
 و یکرمطابه و دریافت نمایند باین کماط اولیای دولت
 بنا برقرار و او کلیه از باطن رفقار و سلوک حاکم کیلان جسم جویا
 و مستفسر بودند از آنجا که اوصو و اعمال خود را بلا صحت
 ارسته بودند و مالی کیلان جسم که مردمان آسوده و بر دوا
 و بی خیال تنده و تا در قوه دارند از دست حکام و مباد
 خودشان بدیوانیان عظام عارض نمی شوند و باین شکایتی
 و تظلمی عده از حاکم و کان حاکم در بار دولت علیه میاورد
 بودند لکن حقیقت رفقار مقرب انخافان معزنی الیه در پرده بود
 اگر چه پارسا مالی کیلان سبب از جبار از رفقار مقرب انخافان
 معزنی الیه حرکتی در کیلان نمودند اما چون بر خلاف وادخوا
 و از روی تهور و جرات بود قاعده نظم و ملکت داری مقتضی
 شد که اولیای دولت مشعل شکایت و تظلم آنها باشند بلکه
 مصلحت نظم و لایب باعث شد که از مشهورین و متجاسرین
 بازخواست بعمل آید اما مقرب انخافان معزنی الیه بعد از مراجعت
 از دار انخلاف کیلان عرض اینکه تغییر رفقار با مردم بدید و از
 تعذبات خود دست کشیده مرهی سحر احت آنها بگذارد و بنا
 جو در ابشر بعدی گذاشت و زیاده از سابق بمقام اصراء
 و از آن خلق برآمد تا این روزها جمعی از علما و سایر مالی کیلان
 میر بار محمد لهدار هالیون آمده در حین تشریف فرمائی بوی
 هالیون بشکار و تفریح عریضه سجا کپای قدس داده نگاه
 و تظلم زیاد از حاکم نمودند که درین مدت مفت سال آنچه
 توانست از نقدی و زیادتی و گرفتن وجوه باقی مخلفه
 چند نفر از امرای دربار تعیین شدند که بحقیقت برسد از

باسم جرمیه و چه بوسایل دیگر هیچ مضایقه و فرو گذشت
 نکرده و درین مدت مدیده مبلغهای خیره از رعایا و سکیلان
 بهر بهانه که ممکن بود گرفت دیگر مردم را قوه ادای مالیات
 دیوانی سهل است طاقت زیست و توقف در آن ولایت نماند
 حتی عرض کردند و بر صدق عرایض خود دلیل آوردند که الا
 در خانه مقرب انخافان معزنی الیه واقعه در دار انخلاف طهران
 مبلغهای خیره وجه نقد جمیع کبرشت و تانچ این بخت سال
 زمان حکومت که خارج از حوصله ولایت است و ممکن نیست که
 بعد از ادای مالیات و در سومات حسابی دیوانی و مخارج ولایت
 که سال بال بی نقص بجا کم و دیوانیان عظام رسیده است
 این وجوه کراف را کسی بتواند انداخته کرد مگر نظم و انضام
 موجود است نظر بر اینکه عارضین چنین عرضی را با ضرر و عجز و با کم
 و رسم بعض خاکپای هالیون رسانیدند و از مقرب انخافان
 عیسی خان این مراتب بطور آئین مسوق با بقیه بود و همیشه الهام
 قرض و هفت موهنه در خاکپای هالیون و حضور اولیای دولت
 مینمودند سجا طراقدس هالیون چنان رسید که حالت حاکم
 در تردید و تشکیک گذاشتن و پرده اشتباه از روحی خن
 مطلبی بر نه داشتن خوب نیست باید بکنه حقیقت پی برد تا اگر
 عرض مالی کیلان و بنسناد باین صراحت مقرون بصدیق
 نباشد تنبیه آنها که جرئت بعض اینگونه مطلب فاحش و جاک
 اقدس کرده اند بعل آید و حالت حاکم ولایت و لوگو
 دولت در پیشگاه ولی نعمت مشکوک فیه نماند لکن حسب الامر
 چند نفر از امرای دربار تعیین شدند که بحقیقت برسد از

۱۶۹۲

تحقیق و رسیدگی معلوم شد که حق بجانب عارضین بود و والی کیلان این مبلغی خطره را که خارج از اندازه منافع حکومتی و سلوک طریقه انصاف و میانه روی است بلا شک بظلم و اجحاف جمع و ذخیره کرده بود است باین احوال چون اولیای دولت ابدایت قیام حتمی داده اند که در مال و مالک احدی از نوکر و رعیت دولت علیه از ضییع و شریف کائنات من کان ابدیاری دخل و تصرف و طمع و تصاحب نشود و هر کس هر چه داشته باشد از قبیل و کثیر بدون هر اس و توشیح مخصوص خود در آن در کمال امن و اطمینان تصرف بخواد خود دشمن در آن نماید و این تقییس و جستجو هم فقط برای این بود که بداند و کذب عرض مردم کیلان در چه پایست لهذا بنا بر این استمرار این قیام حتمی که تغییر و تحریف در آن در سایه معدلت پایه هایون شده و نخواهد شد تنخواهی را که در خانه مقرب انخافان معزی الیه بیکه جدید و عاقل او صاف که عارضین بعضی خاکپای هایون رسانیده بودند یافت شده است بی مدخل و تصرف احدی بحالت خود در محل امن گذاشتند که بعد از ورود مقرب معزی الیه بدار اختلاف بدست خود شستیم شود و باقی بهین طور رسم رفتار خواهد گشت و از آنجا که دادری مظلومین و فیضه دمت عدالت شاه اسلام پناه خلد و سلطانیه بیاید و تحقیق عرض متظلمین و مستدک کیلان و اظهار دلائل عدل و انصاف مابین آنها و حاکم

ولایت نیز لازمه مراقبت اخراجات اولیای دولت است خواهد آمد که احقاق حق شده مردم بدعای بقای ذات ملکی صفات هایون پردازند

سابقا که پاره از اشرار نوکر کو داری تحریک پاره بن بقتل عباسقلینان اقدام کرده اورا بضرر کلوله مقول کرده بودند و مقرب انخافان چراغ علی خان حب الله حکومت شاهرود و بطام سرافراز و تنبیه اشرار و قاتلین او مامور شده بود در بین راه مطلع گردید که چند نفر از مقصرین فرار کرده بسمت فیروزکوه رفته اند چند نفر از غلامان جمعی خود را فرستاده آنها را غفلت گرفتار و دستگیر کرده خود نیز بعضی در و دبطام بیکه کشیده سواره گوداد را حاضر کرده از روی تحقیق و عورری قاتلین عباسقلینان را مشخص و معلوم کرده گرفتار الله اقدس هایون شاهنشاهی دو نفر آنها را دهن توپ گذاشته و دو نفر شقه کرده داده بود از ورپ دروازه او نیخته بودند و پانزده نفر از مقصرین هم که گرفته بود با چند نفر غلام بربار کرد و بدار فرستاده است معلوم است که هر یک از آنها هم بفرار خورجیم و قصیر مورد مواخذه و سیاست خواهند شد

چون عالیجاه محمد رضا خان سرتیپ در انجام خدمات محو که بخود از قبیل نظم و آوازه و خانها و سایر امورات نظامی اتمام زیاده داشت لهذا خدمات او سخن و مقبول خاطر اقدس هایون شاهنشاهی و امنای دولت علیه افتاد

در این اوقات اورا بمنصب اجودان خاصه کی سرافرا
و یک رشته حامیل قرمز و یک قطعه نشان اولی سیر
باو مرحمت فرمودند

عالیجاه عبدالعلی خان سربنک توپخانه مبارکه که از
جمله چاکران قدیم و جان نثاران صمیم این دولت جا
ایت بود و خدمات مشارالیه سفا و حضرا منظور
نظر سرکار اعلیحضرت اقدس سالیون شاهنشاهی بود
این اوقات حسب فرمان جهان طاع مبارک منصب
سیرتبی توپخانه مبارکه سرافراز گردیده محض رحمت
ملوکانه یک ثوب جبهه ترمه از صند و قحانه مبارکه در
وجه مشارالیه خلعت مرحمت شد

نظر بحسن خدمت و صداقت عالیجاه میرزا محمد علی سر
کل توپخانه مبارکه و اصطلیل توپخانه که کمال مراقبت و
صداقت را در انجام خدمات محوله بجو دبلجل اورده
بود علی بذاشغل برآه نویسی و عمل کل اصطلیل توپخانه
حسب الامر سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی بعیده عالیجاه
مشارالیه واکذار و مرجوع شد که دقایق اهتمامات
حوزرا و شغل مزبور بجل بیاورد

نظر باستعداد و شایستگی عالیجاه اصلان بیک یاور
اول توپخانه مبارکه در این اوقات حسب الامر اقد
هایون شاهنشاهی اصطلیل توپخانه مبارکه بعالیجاه مشارالیه
محول و واکذار گردید که از روی وقت رسیدگی
متوجه باشد که همیشه اسباب توپخانه مبارکه فربه و چاق
باشند

امورات قسطنی

توپچیان و سواره نظام و افواج قاهره متوقفین
دار انحلافه مبارکه همه روزه در میدان شق حاضر شد
شق می کنند و عموم صاحب مضبان در تعلیم مشق و قواعد
نظامی آنها کمال اهتمام دارند و بعضی از آیات منفه را
بره بازان فشک داده شده مشغول تیراندازی
میباشند و همچنین توپچیان نیز بعضی روزه صاحب
خند عاده توپ بیرون برده تیراندازی مینمایند

یوم چهارشنبه سیر دهم سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
حوالی عصر بیرون دروازه تشریف فرما گردیده فوج
قاهره مشق حرکت و شلیک کرده در نظر هما یون مستحق
و مقبول افتاده صاحب مضبان مورد التفات
شدند بعد از ملاحظه فرمودن حرکت افواج فوج محمد
کرآزی که بجهت یاد گرفتن سکرو مارچ کذبه بودند
سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی تشریف برده ملاحظه
فرمودند فوج مزبور نیز شلیک کردند و چهار سینه
ساخته بودند آتش زدند بفوج و صاحب مضبان
الغام ملوکانه رحمت گردید

فوج بیادران که احضار رکاب هایون شده بودند
در چهار دهم شه جادی الثانی وارد شده در
میدان ارک صف نظامی کشیدند اعلیحضرت اقدس
هایون شاهنشاهی تشریف فرمای میدان ارک گردید
فوج مزبور بنظر ملاحظه هایون رسیدند چون در
کمال آمادگی و نظام بودند مورد تحسین و التفات
ملوکانه گردید یکصدان انجام بآنها حمت شد

سایر ولایات

آذربایجان درین هفته ازین ولایت اخباری

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته اند در

شهر حادی الاول مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلی

بطرف بند کرکان و قلعه خواجہ نفس ترکمان رفته

چهار روز در آنجا مانده قرار نظم امورات آنجا

بطور خوب داده بشهر حجت نموده

دیگر نوشته بودند که عالیجا میرزا اسمعیل خان

پیشکار رسم چندی مشغول محاسبه گذشته مقرب الخاقان

محمد و لیخان بیکریکی بود در این اوقات محاسبه

منزبور با تمام رسیده چون آخر سال است مشغول

قرار داد و دستور العمل سال جدید میباشد و کمال

اهتمام را در انجام خدمات دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که نوآب جهانسوز میرزا سید

فوج عرب با عالیجا مرصی قلیخان سرمنک و فوج

در بیرون دروازه لبهان چادر زده و فوج منور

همه روزه مشغول مشق میباشد و از جانب نوآب

معزی الیه و صاحب منصبان کمال اهتمام در مشق

و انتظام امر آنها بعمل می آید و همچنین سواره چکنی

ابو ایجمعی عالیجا محمد باقر خان در بیرون دروازه

منزبور منزل کرده مشغول انجام مأموریت و خدمات

محو له میباشد و همچنین توپچیان ساخوی آنجا

در کار و خدمت خود مراقبت تمام دارند و کثیرا

با توپچی در قلعه خواجہ نفس و کثیرا در دیگر در سبزه

کرکان و مابقی توپ و توپچی در شهر استرآباد

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان ایلیخانی قرار

اوزان آنجا را داده قدغن نموده که سنگهارا در

ضربخانه عهد نمایند که کسبه بهان اوزان داد و ستد

کنند و بعضی اختلافات که سابق داشتند موجب

باشد و هم چنین پول سیاه را نیز بقرار معمولی قرار

قدغن نموده و دی پنجاه دینار سکه زبند که داد

ستد و ج سیاه باین قرار در میان اهل آنجا روا

بکیرد

استرآباد و اصفهان و پروجر و

ازین ولایات نیز درین هفته اخباری

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند

رستان در آن ولایت بارندگی بیشتر از سالهای دیگر

شده و برف زیاد آمد و صاحبان اطلاک و فنداقها

از این معنی زیاده خورسندی دارند و در اینجا

زیاده یخ گرفته شده بطوری که در تابستان محتاج

به یخ و برف کوستان ییلاقات سخا نموده اند

دیگر نوشته بودند که یک نفر از سربازان فوج

در ارض اقدس شش ماه فاج بتری بود و

قدرت حرکت نداشت و معالجات بسیار کرد

صحت نیافته بود در این اوقات یکی از رفقای

منزبور او را بدوش کشیده بعضی مبر که رضویه برده و

از خدمت ذوی الاحترام سرکار فیض آثار و درخواست
 نمود که اذن بدینکیش در توحید خانه بقعه منوره
 خدمت نیز اذن داده سر باز فاج شب را در توحید خانه
 منجلیص نیت و امید شفا بر برده درین بین خواش
 برده و در عالم رؤیا دیده بود که شفا یافته است
 شد و خود را سر با غرق عرق و تندرست دید صبح که
 خدمت سرکار فیض آثار آمده اورا تندرست دیدند
 بجناب مقرب الخاقان متولی باشی اخبار نموده و مردم
 هجوم آورده رخت اورا بجهت تمین و تبرک پاره پاره
 کرده پرند و هر کس بقدر مقدور عانتی با و نموده
 جناب متولی باشی نیز یک دست رخت تازه با و داد
 نقاره خانه سرکار فیض آثار را تا ساعتی بجهت شکرانه و
 زدند

سمنان

از قرائیکه در روزنامه سمنان نوشته اند عالیجا
 اللهویردی خان سرسنگ توپخانه مبارکه که با توپخانه
 و توپچیان ابواب جمعی خود از دربارهایون مامور شد
 خراسان بود و او و سمنان گردیده بعد از سه روز توقف
 در آنجا روانه محل ماموریت گردیده و در منزل عرض راه
 بسیار با نظم حرکت کرده است از جمله در سمنان یکی از توپچیا
 بیاض شخصی رفته از چوب بت چفته چند چوب و زدیده بود
 صاحب باغ آمده مراتب را با عالیجا مشارالیه اظهار داشته
 بود آن توپچی را خواسته و بتاریخیه بتهیه مضبوط
 نموده غرامت خرابی که بیاض آن شخص رسیده بود از
 داده و او را خوشدل کرده بود

دیگر نوشته بودند که در هفتم ماه جمادی الاول
 شهر سمنان در موضعی که مشهور است و رده است قریب
 بهزار مار در پشته که در آنجا واقع است بیرون آمده
 امانی آنجا بجا میفرستند و از قرار تقریر مردم این
 مارها پادشاهی هم داشته اند که ترکیب تاجی بر سر
 داشته است با اینکه اطفال و غیره آنها را بسنگ
 و چوب هلاک میکردند و مارها بکسی اذیت نمیرسانند
 بالاخره از کثرت اذیت اطفال متواری شدند
 چندیت که دیگر از سوراخهای خود بیرون نمی آیند
 عراق و فارس و قزوین و قم و کاشان
 و کر و س و کردستان و کرمانشاه
 و کرمان و کیلان ازین ولایات نیز درین هفته
 اخباری بنود

مار نذران

از قرائیکه در روزنامه مار نذران نوشته بودند
 نواب شاهراده دالاتبار لطف الهمیرا که از دربار
 هایون ب حکومت آنولایت مامور گردیدند در پنجم شهر
 جمادی الثانی وارد آنجا شده اند عالیجا مقرب الخاقان
 میرزا اسد الله وزیر و اعیان و اشراف و امانی ولایت
 لوازم استقبال و احترام را در ورود نواب مغزی آ
 بعل آورده اند و بعد از ورود و مجلسی بوجود آمده و اعزاء و
 اعیان انعقاد داده صرف شربت و شیرینی و مبارکات
 حکومت بعل آمده تقدیم بدعا کولی ذات اقدس تعالیان
 شایسته می نموده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ پونجم شبیهت هشتم شهر جمادی الثانی مطابق سال ۱۳۷۲

منشبعه دارالخلافه طهران

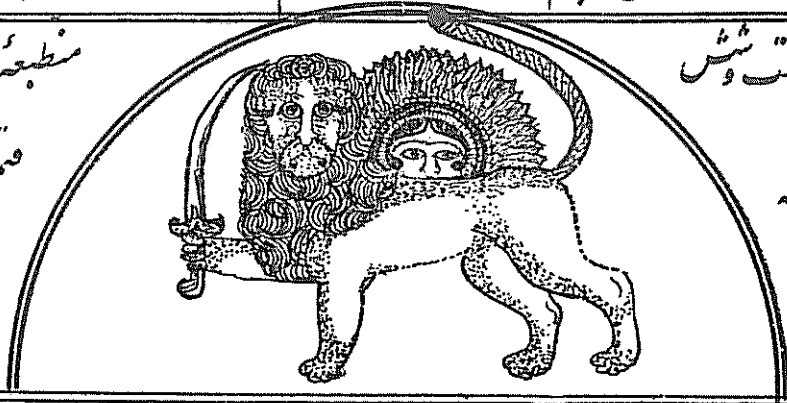
مزه ریت وشت وشت

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پنج

هر نسخه دوازده



اجتبار واحدا ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

از روزیکه بنای دین اسلام بجهت حضرت خاتم رسل و فخر انام صلوات الله و سلامه علیه محکم و برقرار گردید کُل مسلمانان با هم برادر و در اصول دین و قبله و کتاب همه با هم متفق و صاحب یک رای بوده و هستند و اینهم که دین اسلام روز بروز در ترقی و مسلمانان رو بکثرت جمعیت گذاشته و میگردانند از باب اتفاق و اتحاد و در میانیت و اختلاف است و اگر در بعضی مسائل و فیما بین فرق اسلامیة خبری اختلافی باشد چنانکه هر یک از مذاهب اربعه با هم در بعضی مسائل متفاوت برادران دینی را باعث تفرقه و کلاه سخا به بود چنانکه فرقه اثنی عشریه مذاهب حنفیه را در کمال مرتبه محترم میدانند همان نسبت اهل و جماعت را نیز برادر دینی خود دانسته و میدانند و در اشرف اماکن و محترمترین مقامات عبادت مثل بیت الله الحرام و مسجد مکه حضرت سید الانام و سایر بقاع دینیة متبرکه که بالاسترک و بالمنا داخل میشوند و از حسن معاشرت و آمیزش با یکدیگر کمال خرسندی و حرمتی را دارند و عملی را که جهل شیعه از روی نادانی و بی اطلاعی از مرام اشی غیری گاهی مرتکب شده اند برخلاف راه علمای دین بین بود است و از ایشان هرگز کسی راضی باین معنی نبوده و چگونه میشود العیاذ بالله سب و رخص اصحاب کبار و رؤسای ایشان رضوان علیهم مقبول رای عالم مشرع یا عاقل فطن بشود و معلوم است که در هیچ طبقه و در هیچ ملت و طریقت علما و عقلا کاینسخنی نتوانند زجر تمام و منع جبار از اقوال و اعمال ناشایسته ایشان نمایند بلکه العیاذ بالله مسموع میشود پاره از جهال و عوام بی اطلاع از دین و مذاهب خود سنجری نمایند و مانع بابل بیت رسالت و طهارت زبان درازی میکنند و مانع از میگردانند لکن لازم افتاده که اعلام عام بشود بجا فاضل اسلام که کمال مراقبت در دین بین برآید

شرع و این خود نماید و قانون ادب و خضوع و احترام
 و ترغیب را همگام مذکره و استماع اسامی مبارکه
 بزرگان دین و خلفا بر این از دست ندهند که
 اگر فی الواقع نادانی از راه جهالت ازین مقوله سخنان
 رکیک بزبان رانند حکام و مباشرین امور دیوانی
 مأموریت دارند با علی درجه رنج و تنبیه او را تنبیه
 تا ویب نماید و نگذارند بی سبب برادران دینی
 اسلام از یکدیگر تفرق خاطر پیدا نمایند و پادشاه
 و نجات اسلام بایستد که دولت متفق و متحد و برادر
 واقعی و رعایای جانبین نیز بایستد که برادران دینی
 بوده و مستند به بی است که اولیای دولت
 علیه عثمانی نیز امتیعی را بدقت هر چه زیاده تر لحاظ
 خواهند نمود و بهین نسبت به تبعه و رعایای خود
 در عهدین و بهجاری باین دولت قدغن خواهند
 نمود که جمال خود را از ناسزا گفتن باین دولت
 و طهارت بر فرض وقوع مخالفت نمایند تبعه جانبین
 بل کل فرق اسلام را که در روی کره زمین هستند
 لازم است که بوجود پادشاهان اسلام فخر و مباهات
 نمایند که قوام دین و آیش کل مسلمین منوط بوجود پادشاهان
 عظیم الشان اسلام است و هیچ اختلافی فیما بین
 نبوده و نخواهد بود و باینکه علمای ذوی الاحترام
 دین مبین و عظام بزرگان ملت اشعی غیری خلفا
 راشدین را اصحاب رسول و محترم میدانند و الفاظ
 خلاف ادب را نسبت بایشان خلاف بین میدانند
 اولیای دولت هم محض اتحاد و ولستین و حکام

شرع و شریعت اتمام در این کار واقع و منع
 این شهرت که نسبت بشیعه میدهند و فضیله و حسن
 خود میدهند و بهبه حکام و مباشرین موافق این
 واضح و احکام مخفیة قدغن شد بدینسانند که اگر
 جاهلی محض سفاهت و نادانی و وسوسه شیطان
 حرفی بخلاف بزبان راند مستحق رنج و تا دیب و تغییر
 شرعی و عرفی خواهد بود

چون در سال هزار و دولت و شصت هجری که
 زمان انعقاد شروط هجرت و رد واریان بین
 دولتین ایران و روس بود رسم انطباق روزنامه
 و اخبار مقرر بود که بتوان افراد مردم را از امانی
 ولایات هجوار و سرحد نشینان بطوریکه بایست اند
 قرار داد بین دولتین استحصال کامل داد لهذا
 در این اوقات که طبع روزنامه مقرر و معمول است
 اولیای دولت علیه نظر بموجودات حاصله باین دولتین
 و استحضار دادن امانی سرحدات طرفین که هر کس
 رفتار خود را بداند و اثر سرحد نشینان طرفین بخلاف
 قرار داد حکم حرکت خلافتی ننمایند مناسب دانستند
 که شرط نامه هجرت را که در ضمن فصول چهارگانه
 تفصیل و استقرار یافته بود درین روزنامه مندرج
 سازند و دوباره مردم را آگاه نمایند فضل اول
 رعایای هر دو دولت من بعد بدون اذن معتبر
 بلیط دولت خودشان بخاک یکدیگر عبور ننمایند کرد
 فصل دوم هر شخصی از رعایای دولتین که بدون بلیط
 بخاک یکدیگر بگذرد دستگیر و بدست سرحد داران

ز نزدیک بانجایا وزیر مختار بایشان رز و فریاد قبول
دولت خود تسلیم خواهد شد مع اسلحه و رخت
و اسبابی که بهر اشی خود دارد فصل سیم هر چه
رعایای دولتی در خصوص مهاجرت نمودن
از دولت خودشان خواهند کرد باید بدو
مدخلت خارج باشد فصل چهارم اگر کسی
دولتین در عالم دوستی از همه یکدیگر بطبیعی نخواهند
بیمضایه از برای بعضی خانوارها خواهند داد و اگر
مانعی مقرون بقاعده و قانون باشد

در این اوقات نظر بفراموشی و خاطر اعدایان
شاهی بکفایت و کاروانی امیر الامراء اعظم
امیر اصلاخان و ظهور مرهم ملوکانه در باره مشارالیه
از فرار فرمان مرلخان مبارک که بدستخط هایون بن
گردیده اودا بحکومت کیلان سرفراز فرمودند که علای
انجار اسخلاف حکمران سابق کیلان بحسن سلوک و وفای
ورعیت داری از خود راضی داشته مراتب کفایت
و کفالت خود را پیش از پیش منصفه ظهور رساند و کیون
جبه ترمه دور زنجیره از ملبوس خانه خاص امیر الامراء اعظم
مشارالیه خلعت مرحمت گردیده این روزها بمقر حکومت
خود روانه است

نظر بظهور مرحمت ملوکانه در باره عهده الامراء اعظم محمدخان
امیر تومان سوای خلعتی که از جانب سنی اجواب ملوکانه
در ازای منصب مشارالیه مرحمت گردیده این روزها
التفات یکتوب کلیجه ترمه از ملبوس خاص بدن مبارک
باوغنایت گردید که سبب مزید مباهات خود داشته باشد

در انجام خدات محوله بخود اتمام نماید

چون عالیجا مقترب اسخاقان محمد ابراهیم خان سیر
در مأموریت خدمت فارس و سرحدات آنجا بحسن سلوک
و مراقبت تمام امور افواج ابوالکیمی خود را در کمال انتظام
و امانی انجام از نظر معقولیت خود رضی و کرد و عاقل
این دولت جاوید مدت داشته خدمات او مقبول
و مستحسن خاطر اقدس هایون و امنای دولت علیها
بود و درین اوقات که بدر بار جهاندار حاضر و شرف
حضور مهر ظهور کرد دید از جانب سنی اجواب ملوکانه یک
قطعه نشان از مرتبه اول تیرپی با نظام یکرشته تحویل
سرخ که مخصوص این مرتبه است باوغنایت و یک
جبه ترمه تیرپی خلعت مرحمت گردید

سایر ولایات

از بایجان بموجب اخباری که در این اوقات از
از بایجان رسید کمال امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل
و بارندگیهای خوشه و چند دفعه بر خیم آمده است و کس از
چاکران دیوانی در سرکار و شغل خود و انجام خدات دیوانی
و عالیجا نادین سیرتیک که بهمانداری جناب ترمه وزیر مختار
دولت بیست و یکس مأمور بود در این اوقات که جناب مشارالیه
توقف دارد لوازم اتهام را در هماننداری بعل آورد و جواب پذیر
مختار کمال رضامند را از حسن اتهامات عالییه در خدمت مرجع
داشته اند و همین در باب اموال عالیجا مجتبه سیرا
که در تبریز مفقود شده بود در پیدا کردن آن عالیجا
نهایت اتهام را بعل آورده است و از حسن خدمات خود
اولیای دولت علیه خرسند داشته است

بروجرد

از قرار یک در روز نامه بروجرد نوشته بودند که
مستطاب هزاره والا بتار حتم الدوله در عشر
آخر جمادی الاول از دوفول سبت شوش حرکت
نمودند و از آنجا بنای حرکت سبت فلاحیه دارند
عالیجا میرزا علی لرستانی را با جمعی از سواره بروجرد
سرتب انخافان نور محمد خان سرتب روانه ریزه
حینه و قیلاب نمودند چون نشین ایلات بالا کر
و سکوند در آن حول و خوش است مراقب باشند
که ایلات مزبور با هم نزاعی نکنند و دست انداز
باموال قوافل و مترو دین ننمایند

دیکر نوشته اند که در ماه جمادی الاول هوای بروجرد
در کمال اعتدال بوده است و بطوریکه سالهای دیگر
سرمادر آنوقت شدت میگرفته است امسال
رستان بانطور ماسرو شده بوده است که در
اوایل جمادی الثانی که بارندگی کامل کرده و شبانه
متصل برف و باران آمده بوده است صاحبان
اطلاک و زراعت این بارندگی بسیار مشغوف و خنود
بوده اند

دیکر نوشته بودند که در اوایل جمادی الثانی غف
سلطان بایکصد و پنجاه نفر توپچی مامور لرستان
عربستان بایک عراده خمپاره وارد بروجرد شده
و نواب اکبر میرزا نایب الحکومه بروجرد سواره
انها موده و جیره آنها را مقرر داشتند که از خرم
حسن بنای که آبادی ندارند نموده در آنجا مستقر

بعد از چهار روز توقف توپچیان ماموره در بروجرد
اسبانی بهم که بعراذه بسته بودند از شدت برف
و بارندگی صدمه خورده و مغلوب بودند نواب
معزی الیه از توپخانه بروجرد در عوض اسبان فرست
با آنها داده روانه مقصد گردیدند

دیکر نوشته بودند که امالی بروجرد در کمال رنجاه
و اسودگی کس بجار کوب خود مشغول و اوضاع
خارج بروجرد نیز از قبیل سختیاری و سیلاب خور
جالبی در نهایت انتظام است

دیکر از لرستان نوشته بودند که نواب جلال الدین
در پانزدهم جمادی الاول از خرم آباد حرکت کرده
روانه صدمه که نزدیک همه ایلات کرسی رشتین
آنوقت است شد فوج عالیجا جعفر قلیان سرتب
خداوند و سواره دسته عربان و یار احمدی سرتب
دالوند و توپچیان مامور خرم آباد با قورخانه و دوجر آذ
توپ در اردوی صدمه حاضر شدند و سران و تو
طوائف لرستان نیز در اردوی مزبور خدمت نواب
معزی الیه آمدند و امورت عامی طوائف آنجا در نهایت
انتظام است و از هیچکدام نسبت بیکدیگر خلاف
اتفاق نیفتاده است مگر طایفه کاکاوند و روقه که
بکرمسیرات در میان خود نزاعی کرده بودند و نواب
معزی الیه بنا دارند که اشرار و مفتدین طایفه مزبور را
تادیب و تنبیه کامل نماید که بعد از این کسی مصدرا
و هزری نشود

خراسان

از قرائیکه در روزنامه خراسان نوشته اند
 خانوار خان هزاره که در مرو بود بعد از نشین
 تشریف فرمائی نواب مستطاب شاهزاده والا
 حسام السلطنه بار خاقدس برادر خود را در مرو
 بجای خود گذاشته خود با شصت نفر ازین
 ترکمانان مروی خدمت نواب معزی الیه آمده
 مورد توارش و التفات گردید و شش نفر
 نیز که در میان طایفه قریابی و غیره بودند مستخلص
 ساخته بحضور نواب معزی الیه آورده بودند آنها
 هم مرحض ساختند که با و طان خود بروند و شاید
 بارش سفیدان کمال امیدوار بر ابراهیم رسانده
 بروم حاجت نمودند

دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان قوام الدوله
 بعد از ورود بار خاقدس حبس محکم نواب
 مستطاب حسام السلطنه هر روزه بارک آمد بعد
 شرفیابی حضور نواب معزی الیه و یکی از عمارت
 دیوانی نشسته مستوفیان و اهل فقر و نوکرهای دیوان
 هم در آنجا حاضر شده مشغول رسیدگی محاسبات
 ولایتی و انجام خدمات دیوانی هستند و هر روزه
 تا نزدیکه عزوب در منزل مزبور بکارهای مردم
 و محاسبات و غیره رسیدگی شده نزدیک
 آفتاب بنازل خود مراجعت میکردند و در ایام
 نواب معزی الیه در خانه که سابقا مقرب الخاقان
 وزیر نظام منزل داشت مقرب الخاقان قوام الدوله

و اهل فقر و نوکرهای دیوانی هر روزه در آنجا حاضر
 شده مشغول انجام خدمات دیوان میباشند
 دیگر نوشته اند که فوج خشار و فوج شقاقی که از
 دارالخلافه مبارکه مأمور خراسان شده بودند در
 این اوقات وارد ارض اقدس گردیدند
 نواب شاهزاده والا بتابع حسام السلطنه عالیجاه
 رحمت الله خان سرسنگ فوج شقاقی را با فوج و
 یک عراده توپ و پوند مأمور قایمات نمودند که قیام
 در آنجا بصوابید عالیجاه امیر علم خان مشغول انتظام
 امر آن سرحد باشد

دیگر نوشته اند که نواب حسام السلطنه در اوقات
 توقف ارض اقدس که خدایان و دار و ده شهر را
 بحضور خواسته و الترام از آنها گرفته قدغن اکیده
 نمودند که اگر بعد ازین در محله فاحشه پیدا شود یا
 شراب و عرق در خانه بهم برسد و آنجا در خور و
 ولایتی هلاک کرده باشند مورد مواخذه و سیات
 کردند و آنجا نیز حبس محکم نواب معزی الیه مراقبت
 زیاد دارند که این قبیل هر گیها اتفاق نیفتد

دیگر نوشته بودند که در ایام حکومت مرحوم فرمانفرما
 مفصله مشقده خانوار با خزری که در هرات مستند
 نموده بودند که با اتفاق عالیجاه عباسقلی خان کروی
 با و طان خود مراجعت نمایند و مرحوم فرمانفرما نیز
 حاجی محمد رضای شاد لور ایچمه انجام کارهای آنها
 روانه نموده بود در این اوقات حاجی محمد رضا و
 شده و یکصد نفر از ریش سفیدان با خزری و شاد

نفر از ایشان هزاره را بحضور نواب السلطنة
آورده نواب مغزی آنها را خلعت داده و بان
اولیای دولت علیه امیدوار کرده بودند شش
مربور معروض داشته بودند که قواء با خرد درین
خرابی زیاد بهم رسانده و احتیاج بنقیه دارند و نواب
مغزی الیه علی الحاکم نوابان وجه نقد و شصت
خزوار غله با آنها دادند که رفته مشغول بنقیه قواء
وزراعت و بندرانی باشند و مقرر داشتند که
بعد از عید سلطانی خود بهم بان سرحدات رفته امور
انهار را بر حبه منظم دارند و ریش سفیدان مربور
مخلع گردیده بانهایت دگر می و امید واری روان
با خزر شدند

سمنان و عراق ازین ولایات درین
اجباری نبود

فارس

از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند امور
اتولایت از اتهامات عالیجاه دریابیکی و حاکم بندر ابوشهر
کمال انتظام و ضبط اطرا دارد و عالیجاه همدان
فوج نهادی و فوج او و توپچیان متوقف بندر ابوشهر
در سر کار و خدمت خود مراقب و بانهایت حساس
با امالی آنجا رفته و تمام امالی آنجا در کمال غفلت
و اسودگی و شکر گذاری میباشند و در این اوقات
بارندگی کامل در اتولایت شده امید واری زیاد
اهل زراعت و صاحبان املاک حاصل گردیده و آب
انباری که عالیجاه مقرب انخاقان حاجی قوام الملک ساخته
ازین بارندگیها آب مضبوطی بآنجا کسری شده و
همین سبب مزید رفاه و شکر گذاری امالی آنجا
گردیده است

دیکر نوشته بودند که از توپهای جدید الورود عراده
توپ حسب الحکم عالیجاه دریابیکی توپچیان بزرگ
برده گذاشته و متعز که توپهای مزبور مخصوص آنجا باشند

و دیگر نوشته بودند که عالیجا خان جیب الدخان یاور
 نهادند و جیب الدخان سلطان ولد مراد خان لیسکا
 و کلبعلی سلطان برادر مراد خان مرزور با یکصد نفر
 از سه بارزخان و ندی و توپیرکانی حسب احکام عالیجا خان
 میرزا حسنعلی خان دریابیکی و حاکم بوشهر و مهدینجان
 سرهنگ فوج نهادند و مامور جزیره خارک شدند
 که با مامورین سابق در آنجا ساخلو بوده مشغول حفظ و حراست
 باشند و سواهی این مامورین از بلوچ مستحفظ سابق و
 مضامین نیز بقدر ضرورت بجهت خلوی آنجا مامور
 روانه گردیده اند
 قزوین و قشم و کاشان و کردستان
 و کرمان و کرمانشاهان و کرمان
 و کیلان ازین ولایات نیز درین مهله اخباری
 نرسیده است
 مازندران
 از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند قبل از
 ورود نواب شاهزاده والای لطف الدین میرزا
 با آنجا عالیجا مقرب آنجا خان میرزا اسد الله وزیر بر
 ساختن بروج و قلچجات راغ مرز و ناصرآباد بجهت
 کنای طایفه عبدالملکی با اتفاق عالیجا علیخان چند
 بفرج آباد رفته و شش روز در آنجا توقف نموده و
 مکان بروج و بدنه و غیره آنجا را مشخص داده و
 معمار و بنا و عمل و مصالح کار مهیا نموده و در آنجا بجهت
 حفز خندق و نهر راغ مرز و اصلاح خندق حسین آباد و
 حفز خندق جنب قلعه مبارکه ناصرآباد و سمت ناصرآباد

رفتند و قریب پانصد نفر عمل بدستور العمل عالیجا
 علیخان مهندس بکار حفز نهر و خندق انداخته و دو
 شب هم در آنجا توقف کرده بعد از قرار انتظام امر آنجا
 بباری مراجعت نموده است و در بیت و پنجم ماه
 جمادی الاول علیخان مذکور آدمی فرستاده بوده است
 که خندق قلعه راغ مرز باسجام رسیده و مشغول انجام
 سایر کارهای محوله میباشد
 دیگر نوشته اند که عالیجا پش رالیه در انتظام امروا
 و رفاه و اسودکی عیت اهتمام ریا نموده از جمله عقی
 نامی در خارج شهر شراب فروشی و شرب و شرارت
 مشغول بوده است فرستاده خانه او را خراب نموده
 و خود او را نیز گرفته بعد از تنبیه اخراج بلد کرده و بعضی
 اشعار او را با شش دیگر که در ساری مشغول مناجاتی
 و افتاد و بهر کی بودند و علی و اعتره ولایت از آنها
 شکایت داشتند همه را از شهر اخراج نموده و امانت
 آنجا کمال شکر که ازین مرحله دارند و همچنین در
 وصول و ایصال ایات دیوانی بار عایا بحسن سوک
 رفتار مینمایند بطوریکه رعایا بدون محصل هر یک ایات
 خود را آورده حساب خود را میپردازند در باب نکر
 التولایت نیز بر حسب حکم اولیای دولت قاهره مکرر گاه
 پیاده و سواره را احضار و التزام ده روزه از آنها
 گرفته است که دسته بسته لوکر را حاضر ساخته سان
 و بموجب و جیره و غایب و متوفای آنها بقتل رسیده
 نهادند و همدان و یزد و ازین ولایات
 نیز در این مهله اخباری نبود

اخبار دول خارج

آمدن پادشاه ساریس و پارس و لندن و اجرای ملاقات
او با امپراطور فرانس و پادشاه انگلیس و معاودت
ساردینیه و روزنامه‌های سابق نوشته شده بود از
قراریکه در این اوقات در روزنامه‌های فرانس و انگلیس
نوشته اند امپراطور فرانس غریمت باز و پادشاه
ساردینیه را داشته اند

و دیگر نوشته بودند که در دوازدهم ماه ربیع الاول
روز جمعه امپراطور استریم بکاک که چهار سبه نشسته با
خدمه لازمه بزم سیر و تماشا حرکت کرده بود و درین
حرکت اسبها رمیده یک نفر کاسکچی تلف و
دو نفر از خدمه نیز که در عقب کاسک بوده اند مجروح
و اسبها عنان اختیار از دست گرفته بهوی خود
میکروند و درین بین یک عرابه با کشت از جلو در آمده
تا اسبها قدری معطل شده اند که از عرابه مزبور بگذشت
زوج امپراطور متخلص شده است و بجزخونی که داشته
که آیا چه بشود بیچوجه ایستی با و نرسید و اسبها که
و عرابه جلو شکسته و خوروشده است

و دیگر نوشته اند که در پیچیک از طرق مملکت پایانی
تا حال راه آهن ساخته شده است و امانی رومنه هر
خواسته بودند در بعضی محل های مناسب راه آهن
شود از جانب پایا قدمی درین باب نشده بود در این
اوقات بتوسط یکی از اهل صنایع انگلیس قرار آتینی
شهر رومنه تا فیلورپ داده شد است که بزند و
جانب پایا حکم شده است که راه مزبور را زود تمام نمایند

و دیگر نوشته بودند که در فرنگستان از ملت یهودی
روشن شد که شهرت تمام یافته اند چهار نفر صرف ثروت
الصاف بودند که یکی از آنها در پاریس و یکی در لندن
و یکی در ناپولی و یکی در فرانکفورت که از ممالک المانیست
ساکن بودند نام و شهرت و دولت و دولت حسن
خدمات آنهاستغنی از تفصیل و بیان است این صرافان
روشن شدی که در فرانکفورت بود و چند وقت قبل ازین
فوت شده است آنها وجه نقد او چهارده بار صد هزار
کیسه ظاهر گردیده است چون دارائی داشت مبلغ مزبور را
که معادل بیست و شش کرویر پول ایران است با کاف
موجودات خود بخیال روشن شد لندن و اگر کرده اند
مگر سبجه اطعام فقر اچیل هزار کیسه با صاحب احتیاج شهر
فرانکفورت توزیع و تقسیم نموده است که از ملت موسویه
در هر هفته رفته اخذ و طایف خود را از وجه مزبور بکار
وده هزار کیسه نیز سوای این وجه بجه ترویج دختران
فقرای ملت یهودی مشخص کرده و باتباع و خدمه و منسوبان
و خو و نیز هر یک معاش مستوفی معین کرده است

از امانی فرنگستان و یکی دنیا هر کس برای تسهیل امور با
احتراعات مبادرت نماید در لندن و یکی دنیا بعضی
جامه شوران البه و خوابگاه پنجه یا هر چه باشد با خرج بجا
بزودی شسته و بجا پیش تسلیم می نمایند در این اوقات
مثل آن جامه شورانها در پاریس اتخاذ شده البه
پنجه قیقه و مفروش را نهایت قیمت و رده باز کرده اند
بقوت بجا خرج شسته و خشکانده و آلوده بجا پیش میند
بمقام تجر به رسیده اند

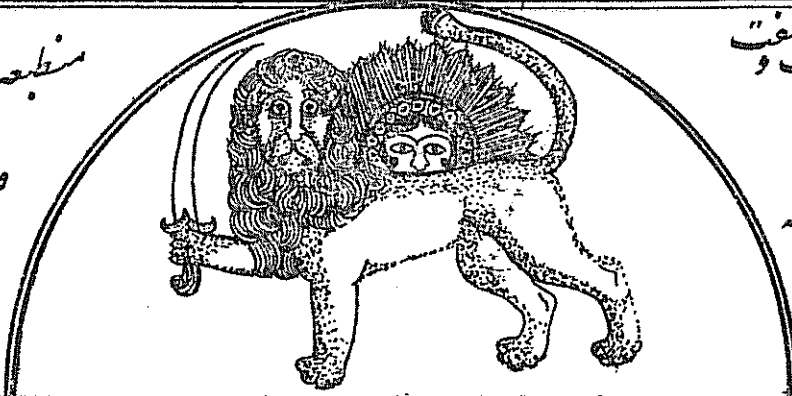
روزنامه قاجارهای نجاتیخ پونجم ششم شهر محرم مطابق سال ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

مزه پست و هفت

قیمت اعلانات

هر خط پانزده



قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه بیستم ماه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی ابدالعیش به باغ نظامیه متعلق بجناب اشرف امجدارفع محسن صدر اعظم که جنس بی با صفا و ممتاز است با خدام محرم جلالت تشریف فرما شده در وقت تشریف فرمائی از جانب جناب معظّم و و استکان ایشان لایزال پیکش و پا انداز و قربانی بعل آمده بهار را در کجا صرف فرموده و تا هنگام عصر تشریف داشتند بر وجود فایض ایجو دافدس هایون بسیار خوش گذشته بعد از صرف عصرانه و چای مراجعت بمقر خلافت عظمی فرمودند

چون هر ساله چند روز بعد نوروز سلطانی مانده بجهت اینکه عمارات مبارکه ارک را آرایش و تزئین نمایند اعلیحضرت اقدس هایون شاهنشاهی بقصر قاجار تشریف فرما میشوند و لذا در روز دوشنبه گذشته بهرام معمول هر سال تشریف فرمای قصر قاجار گردیده

در وقت حرکت موبک هایون از دم دروازه دولت الی در باغ قصر قاجار از سواره نظام و افواج و غلام و غیره در دو طرف راه با کمال آراستگی و سکوه صف نظامی کشیده بنظر همراه اثر خسته و آرسیده و انشظام و آراستگی نظام سواره پیاده بسیار تحسین و مقبول خاطر ملوکانه افتاده بعد از ملاحظه آنها بعبارت قصر قاجار نزول احوال فرمودند جناب اشرف ارفع محسن صدر اعظم و سایر مقربان حضرت کردند و نبط سینه و تقدیر نمودن از چاکران در بارهایون و خدم چشم ملتزم گشتن فیروزی انتساب بوده و چند روز در باغ فروردین توقف و تفرج فرموده بجهت سلام عید سعید سلطان

بارک مبارکه و متعلقات عظمی حضرت خواهند فرمود نظر بحسن کفایت و اهتمامات مقرب انخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله در انجام خدمات محوله بنجود و این اوقات یک ثوب خرقه بطا نه پوست از جانب سنی بپوشان ملوکانه بمقر انخاقان مشارالیه مرحمت گردید

نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عالیجاه حاج میرزا
عزیز وزیر بهمان در این اوقات فرمان مهر لعل
مبارک در باب وزارت بهمان عهد عالیجاه
شارالیه شرف صدور یافته و بدستخط هایون
کر دیده از جانب سنی بجواب ملوکانه میگوید
ترمه با خلعت حرمت گردید

چون عالیجاه حاج موسی خان سجاد کل قورخانه و
جبه خانه مبارکه از عهد خدمت محوله بخود در کمال
صداقت و خوبی برآمده و اولیای دولت علیه از
حسن خدمات او نهایت رضامندی بهم رسانند
لذا درین اوقات از جانب سنی بجواب ملوکانه
دولت تومان بصیغه انعام در حق عالیجاه
مرحمت گردید

۱۷۰۶

چون عالیجاه میرزا حسن سرشته دار قورخانه مبارکه
چندی قبل سیاست شده بود اولیای دولت علیه
محض استعداد و قابلیت و صداقت عالیجاه را
شغل و عمل او را که سرشته داری کل قورخانه جات
و جبه خانه های دار الخلافه و جمیع ممالک محروسه
کافی بابق حب الامر اعلیحضرت شاهنشاهی یجاء
شارالیه محول و یکثوب جبه ترمه کرمانی برسم خلعت
در حق شارالیه حرمت گردید

در این اوقات چون امورات منطبل توپخانه
مبارکه بعهد عالیجاه اصناخان بیک یا ورا و
توپخانه مرجوع و واکد ارشد محض حرمت یکثوب
کرمانی اعلی در وجه عالیجاه شارالیه خلعت حرمت
چون خاطر اقدس هایون شاهنشاهی بانظام امر
مدرسه دار الفنون و ترقیات متعلمین و تاشرفون
حربیه نظامیه و طبیه و غیره زیاده مایل میباشد
ایامی مخصوص تجربه و امتحان علوم تحصیلیه متعلمین
جناب امجد شرف ارفع صدر اعظم چند روز
بکارهای آنها نموده بعد از تشخیص مراتب تحصیل و ترقی
هر یک از شاگردان معلوم شدن اهتمامات متعلمین
و سعی آنها در تعلیم قواعد نظامی و غیره اعلیحضرت
اقدس هایون شاهنشاهی خود بنفسه تشریف فرما
مدرسه مزبور گردیده متعلمین در حضور مبارک
بمقام تجربه و امتحان درمی آیند و از متعلمین و متعلمین
هر کدام سعی داشته و ترقی کرده و در علوم متعلقه بخود
اهتمام نموده باشند فراخور حال انعام و ثمان و
علاوه مواجب در همان حضور مبارک حرمت میشود
که موجب تشویق سایرین بوده و تحصیل کارهای محوله
بخود بیشتر سعی باشند علی هذا و این اوقات چند
روز بود که جناب شرف امجد ارفع صدر اعظم
در روزنامه سابقه نوشته شد با بعضی از چاکران
در باره سپهر احکام که بقواعد نظامیه و طبیه و غیره
ربط داشتند مشغول رسیدگی کارهای متعلمین و التعمون
بودند تا اینکه در روز شنبه گذشته اعلیحضرت
قوی شوکت شاهنشاهی صان الدایم سلطنته عن التاهی
تشریف فرمای مدرسه مزبور گردیده اغلب چاکران
دولت و مقربان حضرت کرد و لایطت شرفیاب
حضور مزبور شده معلمین و متعلمین در حضور مبارک بمقام

آنچه در شهر بفروش میرسد اینقرار است

تجربه و امتحان برآمدند تفصیل ترقیات هر یک
انعام و نشان و علاوه موجب که در حق آنهاست

شده در روزنامه های آینده نوشته خواهد شد
تسعیر اجناس و اراخل و طهران در این
اوقات اینقرار است

نان یکخوار سه تومان ۴۰۰
گوشت یک من شش عباسی ۱۰۰
پنیر شور چهار من هشتزار ۱۰۰
ماست چهار من دو هزار ۱۰۰
تباکوی اعلی یک من چهار هزار ۱۰۰
تباکوی وسط یک من سه هزار ۱۰۰
انغوره یک من ده شاهی ۱۰۰
برکه یک من هفت شاهی ۱۰۰
خلویات یک من پنجهزار ۱۰۰
قداریسی یک من شش هزار و پانصد ۱۰۰
قدیزی یک من چهار هزار و چهل ۱۰۰
شکر یک من سه هزار ۱۰۰
بن یک من دو تومان ۱۰۰
مینجک یک من چهار هزار و پانصد ۱۰۰
دارچین یک من دو هزار و نه هزار ۱۰۰
زیره یک من چهار هزار ۱۰۰
زرشک بیدانه یک من سه هزار ۱۰۰
رز و چوبه یک من سه هزار ۱۰۰
فلفل یک من چهار هزار ۱۰۰
کنجین یک من دو ریال ۱۰۰
آب لیمو یک من دو ریال ۱۰۰
برنج غنبلو یک من سه عباسی نیم شا ۱۰۰
روغن چهار من دو هزار و نه هزار ۱۰۰

کندم اعلی یکخوار دو تومان و نه هزار ۱۰۰
کندم متفرقه یکخوار بیت و هفت هزار ۱۰۰
جو یکخوار یازده هزار ۱۰۰
کاه یکخوار چهار هزار و پانصد ۱۰۰
لوبیا یکخوار سه تومان و یک ریال ۱۰۰
عدس یکخوار بیت و یک هزار ۱۰۰
ماش یکخوار دو تومان و دو ریال ۱۰۰
سجودریسی یکخوار چهار تومان و یک ریال ۱۰۰
ارزن یکخوار ده ریال ۱۰۰
سکنیک یکخوار سیزده هزار و پانصد ۱۰۰
خلر یکخوار پانزده هزار ۱۰۰
همه یکخوار نه هزار ۱۰۰
حزما چهار من چهار هزار ۱۰۰
کشمش طعام چهار من دو هزار ۱۰۰
شیره شهد چهار من دو هزار یک عباسی ۱۰۰
پیه که اخته چهار من هفت هزار و پانصد ۱۰۰
سک چهار من دو هزار و یک عباسی ۱۰۰
اجناس مسطوره فوق بقدر است که در بیرون دروازه
محمدیه بفروش میرسد

در جریده اخبار اسلامبول مورخه هفتم و سیزدهم
شهر جمادی الاولی کیفیت قهر سترمری و زیر مختاری
انجلس و علت این کیفیت را تفصیلی داده و متنی است
نوشته است ما خود کرده بود و چون تفصیلات
مستوره بخلاف حقیقت و حقیقه و راضی بود چه
اسامی اشخاص چه در تفصیل سوال و جواب هیچ
مطابق بطریق صدق و صواب نداشت معلوم شد
که فقرات مستوره از روی نوشته تکیان بی
و یا بدخواه این دولت پدیدار چاپ شده است
لذا لازم آمد که حقیقت این ماجری علی ماجری درین
طبع و شبهات واقع در جریده حوادث مذکور به
رفع و دفع شبهه مستحضران این کیفیت متن واقع آن
بدون یک ذره زیاده و نقصان شخص و عیان آید
هیچوجه جای شبهه و شک باقی نماند اول این گفتگو
در خصوص میرزا هاشم خان نام است که او از بد
طفولیت تا امروز نوکر و موجب خور این دولت بود
و چون در وقت رت و اعزاز و صد و تخریم و
بشغل مناسب حال خود و خدمات متعارف اقبیل
علامه بکلی و پیشخدمتی و شاکردی دارالفنون درجه
بعد از ختمی مقرر و سه روز بود پیش از ورود جناب
سترمری ستر طاسن شارژ دافر و دولت ایشان
بمقام تصاحب او آمده خواست داخل اجزای سفارتخانه
نماید از طرف این دولت مقبول نیفتاده جواب دادند
که او سمت نوکری بدولت دارد اکنون هم حساب
جیره و مواجب است تصاحب شما در حق او را نمی

ستر طاسن گذارش را بامنای دولت بموعده خود نمود
موافق مأمول این دولت جواب آمد و بدین واسطه
اصاری در تصاحب او نورزیده بحال خود واکذا
بعد از یک سال که سترمری برسم و زیر مختاری
وارد دارالخلافه طهران شد آغاز تصاحب و مدخله
مجدد در حق میرزا هاشم خان نموده متمنی شد که از
طرف این دولت مبلغی بموجب بقا و افزایش او بلی
دولت بلاحظه اینکه فراخور حال او موجب حمت شد
و علاوه بر این اینمقله متمنیات مکرر در حق اشخاص
مختلف اتفاق افتاده و محل قبول و انباج یافته است
اندازه و حد یقف هم لازم دارد از قبول این مأمول
تقاعد و رزیدند اینمقله نتیجه بعکس داده با صرافیه
مشترک را الیه افزوده خیال نمود که او را منسوب سفارتخانه
ساخته و رتبه ارشید و وقایع نگار نماید این مطلب را
با نوشته رسمیه با ولیای این دولت خبر داد و از
که موافق محمود و شروط دولین بغیر از بهرین و طهران
و بندر ابوشهر در جای دیگر شهیدر گذاشتن دولت
انجلس تجویز شده است لهذا این فقره هم بدرجه
اجابت نرسیده و زیر مختارش را الیه درین باب
زیادتر ابرام و اصرار نمود حتی عیال میرزا هاشم خان را
که در محله سنگج طهران خانه و شمعین داشت آورده
حوالی سفارتخانه منزل داد چون عیال مزبوره ازین
سلطه عظمی بود و این نوع حرکت نسبت بنجاندان
پادشاهی و شرعیت اسلام نالایق و متضمن مناسبت
بود علیهذا ولیای دولت علیه عیال مذکوره را

از آنجا بیرون آورده بچانه پدرش که احمد علی میرزا خواسته و به تبریز روانه شد حقیقت ماجری همین است
 مرحوم باشد فرستادند بدین علت سفیر مزبور بنا که بدون کم و زیاد در این روزنامه مذکور گشت
 برودت را گذاشته ترضیه خود را با نوشته بسته درین صورت البته هر ذی انصاف و بصیرت تصدیق
 باین شروط و طر بوط ساخت که او آغیال میرزا شاهی خواهد نمود که این امر جزئی قابل اینقدر کش نبود
 از خانه پدرش آورده در دایره سفارت بست سفیر مزبور عجله و بی آرامی کرد چون تازه وارد شد
 میرزا هاشم خان پسر نذاریا میرزا هاشم خان بود و بر سومات این مملکت بلدیت نداشت و مدعیها
 اذن دهند که در شیراز شهید رشود ثانیاً حضرت همیشه در لباس نیکو اهی محرک او و منتظر فرصت بود
 ارفع اشرف صدر اعظم دولت علیه رسماً بفرستاده عذرخواهی نماید امنای دولت بملاحظه ناموس
 سلطنت و حفظ شیوه دوسی و سعادت قرار ایران در ملاحظه رسم مهمان نوازی و کمال عایت
 دادند که عیال میرزا هاشم خان را در هر جا و محل آن و حفظ عهود و شروط دول مسجیه بچگونه قصور
 که دلخواه او و غیر از دایره سفارت باشد پیش ندارند و از هیچ دولتی درین باب پاس نمیکشند
 سپارند که در آنجا ممکن شود و در باب تکلیف ثانی بلکه بکام کتاب منزل و اخبار بنی مرسل علیه و آله
 که خلاف عهود و شروط بود تعدیلی کرده تعهد نمودند که و التماس حفظ عهود را از جمله واجبات دانسته اکثر
 منظور و زیر مختار مثالیه توسعه معاشش است درین باب تفویض دارند بمفاد او قوا بالعهود آن العهد
 اولیای این دولت بدون مداخله خارجی مبلغی بموسوم کان سولاً و المومنون عند شروطهم ایفا عهدهای متختم
 امروزه او علاوه کنند و بخصوص تکلیف ثالث که بجا و عدم رعایت آنرا محرم می شمارند اینکه در روزنامه
 شاق و خلاف بود و در این دولت ابداً سابقه نداشته جمادی الاولی نوشته اند که قولنول دولت انگلیس را
 و امر عهده و معطی هم اتفاق نیفتاده بود که اینگونه پس از حرکت مستمری از طهران بیرون کرده اند میرزا
 شاق مجوز کرد و معهد با زامانی این دولت بجهت حفظ هاشم خان از اشخاص معتبر و مشهور ایرانست او را از
 دوستی و سلم و صفای چندین ساله و ولتین دلیلی عداوت و نفستایت از شغل خود معزول و جریمه کرده
 قرار دادند که این رضا جوئی و مهربانی را جناب وزیر املاک و اموال او را ضبط نموده بسیار سخت
 و نجانچه بسیار تخانه رفته بعل آورد مستمری بیچک با و رسانیده اند این فقرات بکلی خلاف و کذب محض
 ازین فقرات ترضیه راضی نشده در نهم شهر ربیع الاول دولت مشارالیه با احترام تمام در دارالخلافه
 بیرق سفارت را خوابانیده بعد از چند روز همانندار متوقف و مشغول امر خود پیدا و ابد در حق و خلاف

توقیفی صادر نگشته است و بمیرزا هاشم خان هم که حالت و کنت او پیش از آن میت که در سابق ذکر شد و جای اضرار و آزار در باره او متصور نمی باشد و امثال او در ایران بسیار زیادند که جز و معارف نشده می شوند و دنیا ری خسارت و اضراری نرسیده و همیشه در سایه عنایت شاهانه ریت و کدز آن پادشاه داشته است همچنین خیال او را بحسب خبرده اند پس حفظ ناموس او را لازم دهنه ناموس سلطنت میداند و بسبب رعایت همین معنی بود که او را از دایره بیرون کرده روانه خانه پدر خود نمودند اکنون هم بحال التفات و انعام و احسان شایسته و نیز جریده مذکور و مسطور کرده بودند که ما بین دولین ایران و انگلیس مشروط بوده که منوبان سفارتخانه با خیال و منتهج داخل حایت سفارت باشند جواب آن چنین است که دولت علیه ایران هیچوقت با هیچ دولتی اینگونه شرط و عهده نبسته و اینمقوله شرط را با اصول مملکت خود بغایت منافعی میداند باینها اولیای این دولت تاثر و افسوس بنهایت از وقوع این نوع اتفاق دارند و همیشه سعی می کنند که در رعایت شرایط عهد و شرط و حفظ روابط چندین ساله دولین دقیقه نامرعی نگذارند و حتی انسانی دولت انگلیس را هم راضی و خوشدل نگاه دارند و امید دارند این حرکات نابله از تغییر آئین جناب در مختار را که بحرف مردم با غرض شده اولیای دولت انگلیس اسباب خلافت مودت بین الدولین نکنند و نظیر

در هر کلی که روزنامهجات عابیه تر شیوع یافته است تا ملی آن مملکت از اوضاع خارجه و از هر اسم بصیرت که موجب ترقیات است زیاد تر آگاهی دارند و بحق سبجه انتشار و قایح و آگاهی عامه خلق بهتر از روزنامه سبایی بتصور نمی آید و چون در این اوقات مراد و ممالک ایران خواه با یکدیگر و خواه با ممالک خارجه روز بروز بیشتر و انتشار اخبار و استعلام خلق از وقایع اتفاقیه لازم تر است بحسب استعدادی اشخاصی که طالب احوالات غریبه هستند ملاحظه از دیار و روابط و احوال مختلفه و ترویج اطلاعات خارجه بخودشان اذن داده شد که در تفحص و انتشار اخبار غریبه باشند و چنانکه در اسلامبول هم جریده ای حوادث و ثروا بل و گشتن تینیل و در پاریس روزنامه دباغ و در وول دیگر روزنامهجات عدهیده با سهامی مختلفه با سه می شود در دارالخلافه طهران هم روزنامه ملتی با سه شود آنچه اخبار در این روزنامه ملتی نوشته میشود خالی از دو قسم نخواهد بود یا اخبار است که در روزنامهجات دوله سائره نوشته شده است و از این روزنامهجات نقل باین روزنامه میشود مباشرت یا باید نبوید که در فلان روزنامه اینطور نوشته شده که بعینها در این روزنامه نیز نوشته میشود و یا اخبار که مردم صورت مباشر روزنامه خواهند داد اگر صرزی از برای استقلال و شان دولت علیه ندارد مباشر روزنامه میتواند کیفیت را با سه مید و اگر از برای استقلال و شان دولت علیه ضرری بنظر نمی آید

بطرف مملکت عثمانیه رفته است

دیکر نوشته اند که اعلیحضرت سلطان دولت عثمانیه فرمان داده است که از رودخانه دنوب نهر بزرگی بطوریکه کشتی بتواند تردد نماید حفر نموده به بحر سیاه برسانند که کشتی از نهر نوبره بحر سیاه عبور و مرور نماید و نهر نوبره مستی بجیده خواهد بود

دیکر نوشته اند که در کشتی که از هندوستان بلند رسید خبر آورده بود که در غره ماه ربیع الاول اعتاشی در شهر خود میان مسلمانان و هندو اتفاق افتاده و بقدر پانصد نفر کشته شده طایفه هندو کشته شده بودند و رئیس مسلمانان نیز کشته شده بود

دیکر نوشته اند که دولت ساردینیا در مقر حکومت خود بجهت مذاکرات بعضی مواد مهمه یک مجلس بزرگ مشورت قرار داده است که منعقد شود و از سفرای دولت نوبور که در دول سائر بوده اند و وجود آنها در مجلس نوبور لازم است موقتاً احضار ساردینیا شده اند از جمله جناب بابر و ن تقو سفیر ساردینیا مقیم در اسلامبول نیز بمجلس ملوک احضار گردیده سرکاتب سفیر نوبور بجای او در اسلامبول وکیل نصب شده و سفیر نوبور بجای ساردینیا روانه گردیده است

دیکر نوشته بودند بموجب اخباری که از کرج رسیده است لکنگاه کرج پنج سبه و از سفایین مهابت انکلیس بقدر

مباشه روزنامه باید از باسکه کردن آن اجتناب نماید

اجبار دول خارج

از فراریکه در روزنامه جات فرمستان نوشته اند در ولایت منته بنا که اند که مثل لندن و پاریس بعد از چهار سال دیکر یک عمارت بنا کنند از برای حصول اسباب قطعه کارخانه های جمیع ولایات مثل اینکه در لندن و پاریس و بنا گذشته برپا نموده بودند لکن در ولایت ساردینیا میخواستند این کار را زودتر بکنند و قرار گذاشته که تا دو سال بانجام برسانند حساب کرده اند عمارت مال التجاره که در پاریس برپا کرده بودند تقریباً ده کروجهت بجهت شاه حاضر شده بودند

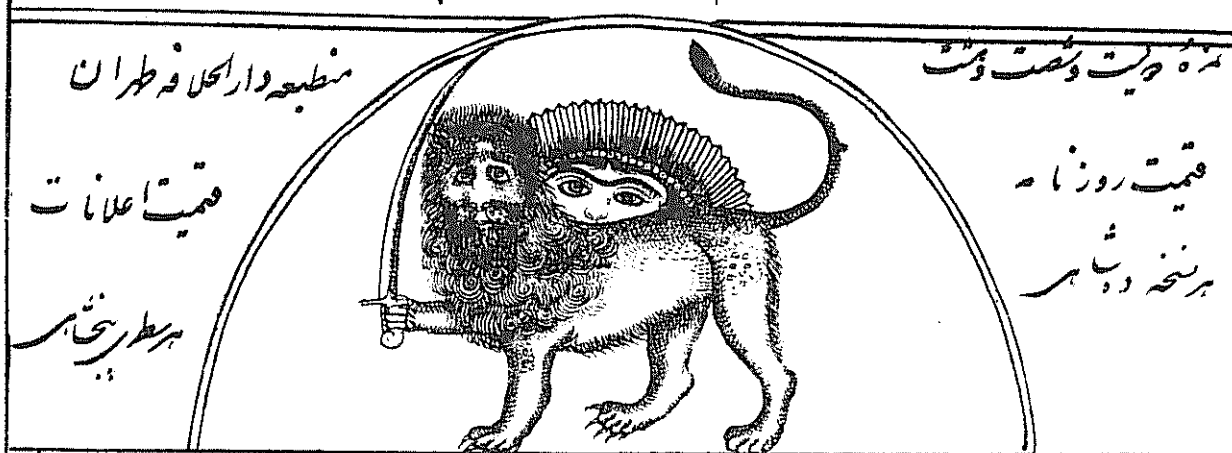
دیکر نوشته اند که یک قصاب فرانسه کاوشی پرورده بود که بجهت عیدی برای پسرش که در قرقم بود نفرستد و وزن کاوشی بود چهار صد و دوازده من بوزن تبریزی بود هر چند مردم خواسته بودند بهفتاد تومان بخرد قبول نکرده بکشتی گذاشت و بجهت پسرش فرستاد

دیکر نوشته بودند که از مدت پچال تا حال اتمکت انکلیس تقریباً بقدر یکصد و یکصد و پنجاه هزار تومان نقره بخارج رفته است و همچنین کروی تومان طلا تخمیناً بخارج برده اند و از بندر یات شهر است از سال قبل ازین تا این اوقات تقریباً دو کرو و تومان نقره و تخمیناً بیست کرو و طلا

بیست کشتی در آنجا بوده اند و بیرون آمدن آنها بجهت
 نیج متعذر بود و در مدت اقامتشان در آنجا نیز صاف
 کلیه لازم داشته اند لهذا بجهت خلاص آنها از لنگرگاه
 انخلیس یک کشتی بخار با پنج فروند کشتی دیگر با آنجا ارسال
 شده و با اجرای صنایع عید و بیخ را شکافت کشتیها
 مزبور را از آنجا بیرون آورده اند
 دیگر نوشته اند که بجهت تسهیل موبجارتی از راههای مخ
 صاعقه ارغله تا بپور سه مجلس تجارت یک رگه مخ
 صاعقه کشیده شده و از فرمستان بجهت اخذ مخ
 اعلان کیفیت گردیده است
 دیگر نوشته اند که سیم چرخ صاعقه که از دریا بجهت
 بقرم کشیده بودند باره شدن سیم مزبور در روز
 سابقه نوشته شده بود و تا حال توسط مهندسين از
 واره نه تا مسافت شش ساعت به تعمیر و تداوم
 ابتدار شده است
 دیگر نوشته اند که مابین دوین سار دنیا و طوستقا
 سابقا برودتی مبنی بر بعضی اسباب حادث شده
 سفرای طرفین بولایات خودشان فرست بودند
 در این اوقات من زعه مزبوره بر طرف و مصافقا
 قدیمه کافی السابق برقرار شده سفرای جانبین باز
 باموریت خود رفته اند
 دیگر نوشته اند که در سه هزار و شصت و پنجاه
 عیسوی در دریا هارصد و بیست و سه کشتی بخار تجاری
 غرق و شکسته شده و از اینها پنجاه و پنج کشتی از
 یمنی دنیا و چهل و چهار از انخلیس و یازده از تونس

و سیزده از دول سائره بوده اند و سواي آنها
 از کشتیهای شرع دار هزار و نهصد و شصت و دو
 و شصت قطعه سفینه غرق شده بوده است
 دیگر نوشته اند که از سفاین تجارتی دینا سفینه دی
 نام از سواحل هندوستان با صل ماندا رفته بجهت
 عمل آوردن شکر و سایر کارها از مالی آنجا چهارصد
 هشتاد نفر عمده سفینه مزبورهای داده در حین حرکت
 کشتی کپیتان سفینه مزبور فجأة فوت شده بیرون
 آوردن و دفن او انجام شده اذن بیرون آوردن
 حاصل نگردیده و نقش کپیتان بدریا انداخته شده
 مابین مالی آن سفینه و عا کر باشی بوزوق مینا
 اتفاق افتاده در میان آنها یکی طپا پنجه در دست
 خالی گردیده اش به انباری که عمده های مزبور در آنجا
 آن بوده اند در گرفته و عا کر باشی بوزوق در اندک
 مدت دفع شده اند و از عمده ها و ثلث خفه گردیده و
 باقی سلامت بیرون آمدن معلوم و بجز کرده
 باشند هنوز معلوم نشده است
 دیگر نوشته اند که در طرف استمان یک نوع مرضی
 عارض حیوانات گردیده و بسیاری از حیوانات
 التولایت باین مرض تلف گشته اند و اصحاب
 زراعت و تجارت هر چند سعی کرده اند تا حال
 این مرض را نفهمیده و دواي کافی پیدا نکرده اند
 باین جهت در ورطه حیرت میباشند

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه سیزدهم شهر محرم مطابق بوقالت شقایق



اجبار و احکام محروسه پادشاهی

در این اوقات که اعلیحضرت اقدس بایون شاهنشاهی خدایه ملکه و سلطانه در قصر قاجار تشریف دارند و احکام طاعت و قصر قاجار نهایت خرمی و صفا و نریت را دارد و بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته بعضی از روزها را بجهت خوبی هوا و خیر و طراوت اطراف مایل سواری و تفریح کرده و با طراوت تشریف فرما می شوند از جمله در روز جمعه هفته گذشته بیابان داوود متعلق بجناب جلالت شاه شرف محترم صدر عظمی که این روزها بسیار با صفا و نریت است تشریف فرما گردیده لوازم پیشکش و پا انداز و قمار از جانب جناب معظم و متعلقان ایشان بجلالت پادشاهی در آنجا صرف فرموده و تا غروب آفتاب در آنجا تشریف داشتند غروب آفتاب بقصر قاجار فرمودند

در این ایام تشریف داشتن سرکار اقدس بایون شاهنشاهی در قصر قاجار نواب مستطاب شاهزاده محترم والا تبار اردشیر میرزا حکمران دارالحکله طهران و توابع در انتظام امور دارالحکله مبارکه کمال مراقبت و مواظبت را دارند و جناب نظام الملک سب و روز در باغ نظامیه توقف و مشغول رسیدگی محاسبات گذشته ولایات و بیوتات مبارکه و دستور العمل سال جدید میباشند و مستوفیان عظام و سر رشته داران و سایر ارباب قلم و صحاب کرام هر روزه در آنجا حاضر گردیده بانجام خدمات محوله بجزو اهدام دارند و معرب الخاقان میرزا موسی وزیر طهران و سایر چاکران در بارگاه بایون در انتظام امور دارالحکله و انجام خدمات محوله بجزو نهایت اهتمام دارند

چنانچه در روزنامه هفته گذشته سمت تجریت بعد از آنکه جناب شرف ارفع غنیم صدر عظمی در مدرسه دارالفنون اوقات صرف رسیدگی

تخصیصات متعلین و لغدات معلین نموده و تحقیق
انرا را دادند و در روز شنبه گذشته علیحضرت
قوی شوکت شافعی ادام الله ظل رافقه علی رقیه
یک ساعت از نظر گذشته تشریف فرمای مدرسه نمود
گردیده و سلام خاص منعقد شده از شاهزادگان
عظام و ائمه و عظام و صاحب منصبان نظام و
ستوفیان و لشکریان سلام حاضر شده و
شان و خلعت و احکام نظامی بر محبوبه ما در محضر
همایون گذاشتند و مهر علی باش کرد و وصفا بعد
صنف که از حضور همایون می گذاشتند اول مرتبه
علمی را که آن علم تعلیم نموده بود عرض می شد
و نامیا علمی را که بعد متعده تعلیم بود معروض می
و در حضور خلعت همایون سرفرازی شد بعد از آن
ترجم آن علم بانعام و شان سرفرازی شد بعد از آن
شکر و ان آن علم فردا در حضور اقدس وقف
کرده تفصیل ترقی و تنزل هر یک عرض می شد پس
ترقی بحسب مراتب معینه خودشان و حکم اضافه
موجب خود را گرفته میکرد شدند و برخی که تکامل
نموده بودند در حضور اقدس حکم می شد که در روز
و اول باشند تا از خلعت آن تنبیه بر میده تغافل و
تکامل تنبیه شوند پس بهین ترتیب جمیع معلین و متعلین
از حضور اقدس گذشته و آنچه بر اولیای دولت
علیه معلوم شد درین یکال شاکردان مدرسه
خوب ترقی کرده بودند چنانکه قریب چهل نفر شاکردان
مرتبه اول از هر صنف بودند که از فرار تقریر معلوم و

تصدیق آری باب امتحان بسیج و مقتضی نهشته چون
بسمت بذا علیحضرت قوی شوکت شافعی بتوفیت
دولت علیه و تربیت طبقات امانی ایران مصروف است
و از جلوس مهینت مانوس همایون تاکنون روزی
در اصناف خلایق از ارباب صنایع و اصحاب
بدایع و صاحبان سیف و قلم بلکه عموم رعایا و برپا
ایران در هر مقامی و هر گامی ترقیات کامله روی
و جماعتی از مصلحان مالک فرمانستان را بدار اخلافه
طهران احضار فرموده و قریب پنجاه است که جمعی از
اهل ادراک و استعداد و نجای با خط و سواد و در مدرسه
مبارکه دار الفنون معین و تعلیم علوم مختلفه نظام و غیر نظام
استقامت تمام دارند و هر ساله در مراتب علوم هر یک را
امتحان نموده بخلعت و انعام و رافت و اکرام تشویق و
ترغیب میفرمایند امید است که ایشان را الله تعالی ترقیات
کلی بجهت شاکردان مدرسه منور حاصل شود و در روز
ترویج صنایع و بدایع نظامیه و غیره بیشتر گردد و
اگر لازم آید باز هم از فرمانستان معلین قابل بیارند
و تفصیل شان و خلعت و انعام و اضافه موجب که در
حق اهل مدرسه از معلین و متعلین و غیره مرتب شده
در روزنامه های آیند نوشته خواهد شد
از آنجا که عالیجاه مقرب الخاقان چراغعلی خان در کفین
مقصرین بطامی و تنبیه مفتدین آنجا حسن خدمت و
کفایت خود را بجلوه ظهور رسانده و در خاکهای اقدس
همایون مستحسن و مقبول افتاد و لهذا موازی یک قطعه شان
از مرتبه اول تیرپسی ویکرشته حایل سرخ و یکثوب جبهه

ترمه خلعت سبجه او محبت کردید

افواج قاهره نظام اندوختی و سواره نظام و سوار
همه روزه بقاعده استوار مشغول مشق و تیر اندازی
میشدند و صاحب مضبان و معلمین نهایت اهتمام
در مشق و انتظام امر آنها دارند در روز شنبه گذشته
همگی در جلو قصر قاجار حاضر شده و سرکار اقدس
همایون شاهی بیان افواج قاهره تشریف آورد
بعد از دو ساعت توپچی و سوار مشغول مشق و تیر
اندازی بودند حرکات آنها مطبوع و مستحسن نظر
ملوکانه افتاده مورد تحسین و تهنیت شد

اعلیحضرت اقدس همایون شاهی که در قصر
تشریف داشتند در روز یکشنبه از آنجا حرکت
فرموده سحری و اقبال حوالی غروب آفتاب در
بارک مبارک سلطانی و مشرف عظمی گردید

سایر ولایات

افز بایجان و استرآباد و اسداباد
و اصفهان ازین ولایات درین هفته اخبار
نبود

بروجرد

از فرار یک در روزنامه بروجرد نوشته اند
اول ماه جمادی الثانی الی آخر ماه مزبور باره
زیاد در آن ولایت شده است خصوصاً در عشر آخر
ماه که ده شبانه روز متصل باران آمده اگرچه
خزانی زیاده بجانها و عمارات رسانده است
ولی صاحبان اطلاق و اهل زراعت از این معنی

که دلیل آمدن حاصل و ارزانی ولایت است
کمال خشنودی را داشته اند

دیکر نوشته بودند که نواب اکبر میرزا نایب
بروجرد این اوقات که آخر سال است محاسبات
مباشه بن جزو رسیدگی کرده چون بجهت شدت
برف و باران در او آخر سال بعضی اجارات
خوب کار نگذرد بود مستاجرین بطور محبت و مودت
رفتار نموده هر یک که جزئی تخفیف نیز لازم بوده
دادند که اسوده خاطر از غمده منال دیوانی
برایند

دیکر نوشته بودند که عالیجاه عبداللہ خان نایب
سختیاری و جالبق چون اسال از غمده ادای
جمع خود بخوبی برآمد نواب معزی الیه او را بر
احضار کردند و قرار شد که رعایا نیز آمده اگر
از او رضامندی دارند و رسال جدید لوی بین
حکومت محال مزبور با و مفوض شود

دیکر نوشته اند که امالی بروجرد از علما و فضلا و
واعده همگی در نهایت رفاه و آسودگی مشغول
خود و دعا گوئی ذات اقدس همایون شاهی
میشدند و از اتهامات نواب اکبر میرزا کمال
انتظام در امور آن ولایت حاصل است

بسطام

از فرار یک در روزنامه ببطام نوشته اند عالیجاه
مقرب انخاقان چراغعلی خان که با آنجا وارد شده است
امورات آنجا را از هر چه نظام کامل داده و شهر

و مفتدین التولایت را خپا سنج در روزنامه های
سابق نوشته شده است بهی که را بدست آورده
و تنبیه و سیاستی که لازم بوده است نموده اند
حمد حسن نام میغانی که از حمله اشرا مشهور و شجیه
مرکب قتل مرحوم عباسقلی خان حاکم سابق آنجا
شده بود بعد از ورود عالیجاه چرخعلی خان بآنجا
مشا رالیه فرار کرده بکلول استر آباد رفته بود
فرستاده او را گرفته آوردند و در همانجا که کتب
قتل شده بود حکم کرد او را بدین توپ گذاشته
ببرای خود رسانیدند
دیکر نوشته اند که میرزا صفر علی نام داروغه شهر
سنجد نفری تعصیه او بخت و شانزده تومان از آنها
مخلاف حساب گرفته بود مقرب انخان خان چرخعلی
بعد از استحضار فرستاده او را آوردند او را
و جی که بخلاف حساب گرفته بود از او ستره
و بصاحبان تسلیم نموده و بعد او را تنبیه معقولی
کرده و از شغل داروغگی معزول نمود تا دیکری
مرکب خلاف حساب شود
دیکر نوشته اند که در مقدمه ماه جمادی الثانی
عالیجاه مشا رالیه سواره و پیاده عرب عجم را
حاضر کرده و جی که اولیای دولت علیه از بابت
مواجب آنها داده بودند بعد از سان بدست خود
نفر بنف با بنات تسلیم نموده پای طومار مواجب را
مهر کردند و بهی که شاکر بوده و میلفته اند که تا امروز
با بنطور مواجب مکرر گرفته بودیم و در کمال خرسیدگی

و دیکر می سجد مات خود مشغول گردیدند
و همچنین چند نفر از غلامان عرب و عجم را که مرحوم
عباسقلی خان معزول و ازاد مهای خود بجای آنها
برقرار کرده بود و عالیجاه مشا رالیه همان توکر
قدیم را باز برقرار و مواجب آنها را تا وقتی که
خدمت کرده بودند بآنها عاید نمود
دیکر نوشته اند که توپچیان متوقف آنجا را عالیجاه
مشا رالیه قرار داده است که همه روزه در میدان
حاضر و روزی دو ساعت مشغول مشق باشند و
اسبهای توپچان را یکی یکی ملاحظه کرده چند ریس
از آنها که پیر و معیوب شده بودند قرار داد که
با بنمای دولت علیه عرض نموده و اسبهای حایل
و نه عوض آنها اتیاع نماید
دیکر در باب تعمیر نامی آبادی صدر آباد یا بصد
از وجهی که جناب امجدانته فارغ صدر عظمی حاکم
سابق داده بودند و در نزد عالیجاه عبدالکریم
برادر او موجود بود دریافت کرده عالیجاه ضایع
و ده ملائی را مامور اتکام ناما میهای صدر آباد نمود
که بشا الله در این اوقات بزودی انجام داد
نقصانی در کار آنجا باقی نماند و عابرین و مسرورین
از چته آب و آذوقه و منزل اسوده خاطر و دعاگو
دولت علیه باشند
خراسان
از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
کمال میت و فراغت سخته امانی و سکنه آنجا حاصل

حاصل است و مردم آنجا با کمال استودکی بدعای
و و ام دولت قاهره شتغال دارند

فارس

از قرائیکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند
امور آن ولایت از اتهامات عالیجاه میرزا حسن علی خان
در یابیگی و حاکم ابوشهر در نهایت انتظام و عموم
سکنه و امالی آنجا در عین فرحت و استودکی بدعای
کوئی ذات اقدس بایون شاهنشاهی شتغال
دارند و همچنین توپچی و سرباز متوقف آنجا وضا
انها در نهایت حسن سلوک و معقولیت رفقای
و امالی آنجا کمال رضامندی از آنها دارند

و دیگر نوشته بودند در نیم ماه جمادی الثانی در
بارندگی بسیار خوب ریاض شده بود بطوریکه آب
جدید البسای آنجا تا نصفه پر آب شده و امالی آنجا
ارین رسول رحمت الهی کمال شکر گذاریر دارند

و دیگر نوشته اند که ضحیفه در خارج شهر ابوشهر بسیار
رفته بود آب بر دودیده بود لغشی در چاه افتاده
در وازه بانان را اطلاع داده رفت نقش را از آن
چاه که سه ذرع بشیر عمق داشت بیرون آوردند معلوم

شده بود که پیر محمد نام سرباز نهادی بود و مشار
سه روز بود که مفقود شده بود و ناخوسی صرع عیش
هم داشته است رفقای او گفته بودند که او یادور
کن رودریا با و در سر چاه عیش کرده افتاده هلاک
شده است و مفقود شدن او را برهنک رسم گفته

و به عاکوئی ذات اقدس بایون شتغال دارند
و در غیاب نواب مستطاب میرزاده والا بیک
حسام السلطنه و الی خراسان مقرب آنخاقان قوام
در انتظام امور ولایت و رفاه حال رعیت نهایت
مراقبت را بعمل می آورد و امالی آنجا از اعالی واد
کمال رضامندی از حسن سلوک و رعیت داری عالیجاه
مشارالیه دارند و هم چنین جناب مقرب آنخاقان
مستولی باشی در خدمات سرکار فیض آثار و
و اهتمام ریاض دارد و بجهت ناتمامی دکاکین و کار
متعلق بر کار فیض آثار که بعد از آمدن مقرب آنخاقان
وزیر نظام و وقوع رستان ناتمام مانده بود

معماران را خواسته و بنا و عمل ریاض دکاکین
در این اوقات نشاندند مت تمام خواهد یافت

و دیگر نوشته بودند که در این اوقات مروی و سر
آنچه لازمه خدمت گذاریت بعمل می آورند و از قرائ
مذکور کار او رکن بسیار پریشان است و برادر
خان خنوق را که بجای او در او رکنج حاکم شده بود
طایفه بخت ترکمان مقتول کرده و بالفعل میت
سجاعت او رکنجی فایق و عرصه را با نهایت کده اند

عراق

از قرائیکه در روزنامه عراق نوشته اند بایک
مقرب آنخاقان میرزا حسن خان حاکم آنجا را
عید سعید نوروز و فیروز شریفیابی خاکپای بایون
اعلیحضرت شاهنشاهی مبر بار معدلت مدار بایون
آمده است کمال انتظام و انضباط در آن ولایت

سرانجام کرده و روانه دربار محدلت مدارهایون

مؤده ۱

کرماتشان

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته اند و
عمادالدوله حکمران کرماتشان نهایت مقرب
در انتظام امور ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت
وارد توپچیان سابق را که ساخلو آنجا بودند مقرب
داشتند حاضر باش کرده موجب یکله آنها را
آنچه باقی مانده بود تمام و کمال بآنها رسانیدند و
توپچیان تازه که از دربارهایون مأمور آنجا شده بودند
باسعه عاده توپ و یک عراده چهاره وارد آنجا کردند
نواب مغزی الیه از اهل نظام و غیره باستقبال آنها رفتند
بانهایت اعزاز و احترام آنها را وارد کرده اند

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالامان العظام
بعد از ورود بانولایت با کمال معقولیت و بزرگ منشی با امان
آنجا رفتار نموده و بعضی ارباب و اغرة ولایت را که بازو
لازم داشته اند بازوید نموده و امانی آنولایت کمال کثرت
ارخص سلوک او دارند

میرد

از قراریکه در روزنامه یزد نوشته اند مقرب آنخاقان محمدیو
وجه شاهی اشرفی عیدیه را روانه دربارهایون نموده و خود نیز
تعل مکان نجار شهر کرده عازم دربارهایون بوده است

از دول خارج اخبار بود و لی مناسب این روزها چیزی نبود

بودند بعد از آنکه بخش او را از چاه و راوردند
سپه بنک گفتند گفت او را دفن کردند از قرار
مذکور در سرچاپ بخش کرده افتاده هلاک شده است
و بعضی از عوام را اعتقاد این بوده است که اجنه
او را بچاه انداخته و هلاک کرده اند و لعین خدا

ق

از قراریکه در روزنامه قتم نوشته اند امور قتم
دساده در کمال انتظام و امنیت تمام در آنولایت
حاصل است مقرب آنخاقان و ذوالفقار خان حاکم
قتم و ساده برای عید سعید سلطانی دربار محدلت
هایون حاضر شده است لکن موافق قراریکه داده است
مردم همه سوده و ولایت و کمال امنیت
کاشان و کردستان این ولایات
نیز در این بهقه اخباری رسیده است

کروس

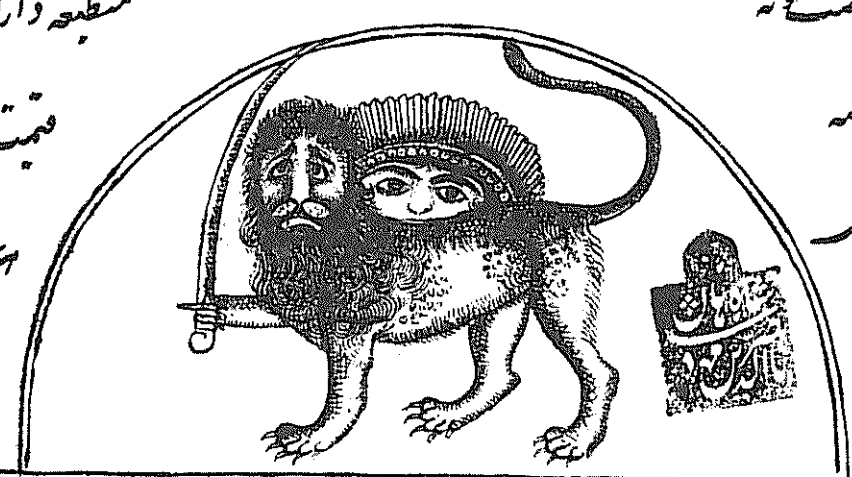
از قراریکه در روزنامه کروس نوشته اند
امنیت و انتظام در امور آنولایت حاصل است
و در این اوقات بارانهای نافع بسیار خوب
بانولایت آمده و زراعت کاران و صاحبان
املاک از این معنی بسیار شاکر و مشغوف بوده اند
عالیجاه مجده سیراه زین العابدین خان حاکم کروس
خود در این اوقات برای عید سعید سلطانی بدین
هایون حاضر شده و لی عالیجاه علیه رضا خان پسر
در انتظام امور ولایت و انجام خدمات دیوانی
اهتمام زیاد دارد و وجه شاهی اشرفی را تمام

روزنامه قایم اتفاقیه بتاریخ یوم پنجشنبه ششم شهر حرم المرتب مطابق الیوم سیل ۱۲۷۲

مهر دولت و نصرت

قیمت روزنامه

هر نسخه ده شاهر



منطقه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج شاهر

اجبار و خنده مالک محروم پادشاهی

۱۷۱۹

دارالخلافه طهران

یکی از رسوم متداوله دولت علیه ایران که از عهد قاجار و از زمان سالفه الی الان معمول و مقرر بوده وست تدارک و تهیه جشن نوروز و عید فیر و سلطانی است که لوازم آنرا بطوریکه شایسته دین و دولت و سواد ملک و ملت است بجل آوردن از حسن اتفاقا تاد درین سال فخر و خنده فال که عید سعید نوروز می گشتی تحویل آفتاب برج حمل مطابق بود بار و پنجشنبه ۱۳ شهر حرم المرتب که عید ولادت با سعادت حضرت امیر المومنین و امام المتقین صلوات الله و سلامه علیه که از اعظم اعیاد مومنین و اشرف ایام است لهذا علی حضرت اقدس همایون شاهنشاهی اید الله و ابداً ملکه عمیسه این تصادف عیدین و اقتران سعید که در روزگار سلاطین سلف کمتر شرف و وقوع یافته

بغال نیک گرفته و آزادلیل ریادتی سعادت و دولت و اقبال و است بهرید انجام تدارک و تهیه لازمه عیدین سعیدین امر فرمودند از آنجمله شب ششمی مزبور را که شب دو عید معظم محترم بود جمعی از محترمین شاهزادگان عظام را با قضای عوایط ملوکانه و تفهعات خسروانه بیابغ عمارت سلطانی اعلام دعوت و غذای شب را با حضور ایشان مقرر داشته حکم بالتشازی و چراغان در منظر همایون ملوکانه برای شکون عید و تفریح خاطر اقدس فرمود و فدای انب اولاً قبل از ظهر سلام مخصوصی بجهت تنیت عید مولود حضرت امیر المومنین صلوات الله سلامه علیه انعقاد دادند اجرای شلیک توپ و ریزش و سایر لوازم عید بطور شایسته بجل آمده و همسگام تحویل آفتاب برج حمل که شش ساعت و پنجاه و چهار

و قیقه گذشته از روزیخشنبه بود بکاخ هایون
که از بد دولت قوی شوکت قاجاریه محل سلام
خاص تحویل است و سلاطین ماضی انارالد برهنم
در مجالس خاص تحویل سال جدید آن کاخ فیروز را
میمون و مبارک یافته اند تشریف فرما شده از اجبه
علمای اسلام و شاهزادگان عظام و اُمنا و امرای
و دربار سپهر احتشام و خواص چاکران اراد فرجام
کسانی که بطرز مالوف بر حسب دعوت خاص قبل از وقت
در ساحت قصر هایون و میان باغ سلطانی در
منظر مبارک بسک سلام منتک شده بودند
از سعادت زیارت وجود فایض الحودا و اهدای
اعلی بهره یاب و مباحی کشته دعای دات کثیر اگر
مبارک را بتقدیم رسانیدند اکثر فرمایشات علی
شاهنشاهی در آن سلام خاص اظهار التفات نسبت
بجناب اشرف امجدارفع صدر عظم و خوشنودی
خاطر هایون از خدمات کلیه و عهد ایشان بود و بعد
لقداد خدمات و کفایت های جناب صدارت مآب
اظهار عطف نسبت بعلماء و فرقه فضلا و خلوص
عقیدت ایشان در خیرخواهی دولت و دعا کوئی
دات حجت صفات هایون فرموده و جناب اشرف
امجدارفع لوازم توصیف و تجلیل را از علمای دین
در موقف هایون بجل آوردند و بعد از ساعت تحویل
چنانکه رسم این سلطنت سنیه و قانون این
تعلیه است بدست مبارک بابل حضور و سلام
علما و شاهزادگان و اُمنا و امرای غیرهم الا مثل

به یک انعام شاهی و اشرفی عبدی مرحمت فرمودند
و فردای آنروز که روز جمعه ۱۴ بود بار سلام عام
داده بدیوانخانه بزرگ و تالار تخت مرمر تشریف
فرما شده برار یک سلطنت عظمی قرار گرفتند و فرمایشات
مرحمت آمیز خطاب بجناب اشرف انارفع القاف
و در ضمن همان خطابات شاهانه نسبت بکل چاکران
و دربار هایون و تمامی اهل مملکت اعم از سپاهی و عت
نواز شاهی تضمینی فرموده حکم بشیک توپ و زنگ
فرمودند بعد از اختتام شیک عالیجا خطیب شاهی
خطبه در کمال بلاغت ادا کرده و همچنین عالیجا ^{محمد علی} میرزا
شمس الشعرا قصیده در غایت فصاحت بموقف غرض
هایون رسانیده و سلام عام در کمال آراستگی
رسید بعد از آن ببالا خانه معروف و ببرد تشریف
فرما شدند که سایر اهل مملکت که در میدان بزرگ
در باری جمع شده بودند از زیارت دات اقدس
فیض یاب و مسرور و مفتخر گردند و لوازم عطیات و
صلوات را بابل حوائج و مستحقین رسانند و بقرار
هر ساله درین چند روزه عموم نوکران باب از در خانه
مرخص اند که بید و باز دید یکدیگر مشغول باشند

چون جناب جلالت مآب اشرف امجدارفع صدر ^{عظم}
از روزیکه مسند صدارت عظمی را بشخص دات ^{لظیم} عظیم
خود آرایش فروده و بمقتل تدابیر صایب رنگ
گذشت از آیینیه ملک و مکت زدوده اند در هر
از امانت ارادت و جانسوزی و هر کدام از اوقات

شبانه روزی مصدر کفایتی بی نهایت بوده و منظر
 خدمتی فزون از حد و غایت آمده اند و از آنجا که مرآت
 صنایع پاک حقایق نام و صفی خاطر تابناک جهان آرای
 سرکار علیحضرت قوی شوکت شاه دین پناه
 خلد الله ملکه و سلطانه محل سئو و خدمات حبیب جاوید
 ارادتشان و بندگان صداقت بنیان است
 باقصای مکارم سروان و مراسم خدیوانه هر وقتی
 بنیاستی و هر زمانی بعطیت و رتبتی بپادشاهی
 و سزای رحمت ایشان انظار و آثار پادشاهی
 و معطوف فرموده اند و بحق مقتضای آنکه ضمیر نیرست
 و ملوک مهبط الهیات غیبیه الهی و محط حکمتهای نامتناهی
 اینمعنی را کما یغنی قلقت و درست باین کمال عقل
 و حکمت کار فرموده اند زیرا که مادام که در مقابل جناب
 زحمات لایحظی چنین مواهب کامله العطا شایسته
 رحمت و مقامات شرف است که در بقای وجود
 و استمرار حیوة شخص جامی هر نوع تشکیک و تردید
 باین ملاحظه و محض تفضلات ملوکانه جناب ایشان
 با انواع صیلا عظیمه و عطیات جسیمه که سرآوارشان
 عظم شوکت چنان پادشاه اعظم عطف و پهنی و
 بی نظیر صداقت محفوف بشوخته اند و جناب ایشان را
 درجه فخر و امیدوار و مشغوف ساخته اند چون تمام
 آیات رحمت و انواع دلایل مکرمت اعظم ارشان و
 امیرنومانی و امیرنویانی و تصویرهایون درجه اول
 و لقب التمس و عصای مکمل و شراب مرصع و شیر مجرب
 و اکثر بسیارین قیمتی ساعت مکمل بالماس و خلایع

فاخره و دیگر نسبت بجناب صدارت عظمی در پنج نفر
 بودند و خواستند که در این زمان سعید عید نوروز سلطان
 نیز عطیه بزرگی در خور خدمات بزرگ جناب ایشان که نماز
 و اقبال تمام داشته باشد مبدول فرموده باشند
 لهذا یک قطعه قلمدان مکمل بالماس بسیارین ممتاز
 که اعلی شان و علامت بزرگ شخص اولی و صدارت
 ایران بود با بلاغ مقرب الخاقان حاجب الدوله
 صبح روز عید برای جناب ایشان فرستادند و مقرب
 شارالیه در مجلسی که ابلاغ رحمت عظمی نمود الفاظ دربار
 ملوکانه را که حضورا با و القا شده بود و لفظا بلغظ در
 حالتی که جمعی از احبته امرای درباری و وجوه امیک
 حضرت شهبازی و سران سپاه و صاحب منصبان
 بزرگ معتبر در محض صدارت عظمی حضور داشتند
 اینطور تبلیغ کرد که جناب صدارت عظمی تا اکنون پایه
 خدمت را بجای بلند گذاشت و محض ارادت و وفایت
 بر سوارترین سختیها و در راه خدمت مانت و ادب
 خاطر بایون ما را بجان حمید و آسایش خود را در زیر
 مادانت اگر التفات بایون بی نهایت بودند خدمت
 صدارت عظمی هم فوق طاقت بود از مراتب کفایتها
 بزرگ صدارت عظمی انظار را ازاداریم که تا سال دیگر باشد
 از اثر مداد این قلمدان آثار بسیار عمده در دولت ما
 ظاهر شود و او امر و احکامی که باعث آبادی مملکت
 رفاه رعیت و انتظام لشکر و امیدواری کل طبقات
 نوکر و حصول فایده های کلی تجتهدین و دولت ملک
 و ملت باشد جاری کرد و سال دیگر نشانه دلالت

ازین بزرگتر مرحت خواهد شد کُل حصار مجلس سبک
 اهلی ملک این نوع مراسم پادشاهانه و آثار حق کدیر
 و قرار دانی سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی کمال شکر
 و امتنان و امید واری حاصل نموند

چون در روز عید فیروز سلطانی امیر الامراء العظام
 محمد ناصر خان ایشیک آقاسی باشی مجلس حضور مبارک
 ترتیب شایسته خوب داده و خدمت استحقاق و
 مطبوع خاطر اقدس بایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
 افتاده بود لهذا بجهت طهور غایت ملوکانه یک ثوب
 جنبه ترمه کشمیری از طبعوس خانه خاص مبارک
 مرحت فرمودند که سبب مزید مفاخرت و مهابت
 خود و استعیش ایشان بپوشش لوازم مت اقدام نماید
 عالیجاه بیجه اخوانین العظام عبدالعلی خان ادیب الملک
 در روز پنجشنبه قصیده غزاکه مشتمل بر تبریک عیدین
 سعیدین بود برشته نظم کشیده بعرض حضور مبارک
 رسانید لهذا مورد التفات سرکار اقدس بایون
 شاهنشاهی آمده یک ثوب جنبه ترمه کشمیری باو
 خلعت مرحت فرمودند

عالیجاه موسیو بوبو معلم علم هند که مراتب تعهدات
 او در سینه ماضیه در حضور مبارک عرض شد در ترتیب
 و تعلیمش کردن خود سعی و اهتمام نموده بود مستحق
 آمده یک طاقه شال ترمه باو خلعت مرحت شد و چون
 زمان تکمیلش کردن خود را در مدت چهار سال متعین
 کرده بود در این یکسال یک ثلث از علوم مستعد خود را
 بشاگردان خود تعلیم نموده است و مجدداً معروض
 میدارد که تا آخر چهار سال از عهده تعهدات خود بوجه
 اکتل برمی آید و بموجب تعهد سینه ماضیه آنچه از علم
 و حساب و علم مثلثات و غیره را که بشاگردان خود
 تدریس کرده و تا آخر سال خواهد کرد ترجمه نموده و
 بایسسه خانه داده است و مشغول بایسسه کردن آن
 هستند و اسامی شاگردان او با تعیین مراتب و تشخیص

نشان و خلعت و انعامات و اضافات موجب در
 حق معلمین و متعلمین مدرسه دار الفنون که در روزنامهها
 سابق اجمالاً نوشته شده بود درین روزنامه مفصلاً
 مسطور میگردد

چون امیر الامراء العظام سردار کل عا کر منصوری
 امر مدرسه مزبور که اهم امور نظامی است اغلب اوقات

و اضافه موجب النعام بدین تفصیل است

اجازت موجب النعام
نشان
مطلای نقره
مطلای مس

مرتب

لعل

عبد الرسول خان صاحب نشان مس بود در این امتحان که امتحان ثانی اوست چون ترقی کرده بود مستحق نشان مطلق شد و پنجاه تومان بر دولت تومان موجب بقا و افزوده

جعفر قلیخان ولد عالیچاه رضا قلیخان ناظم دارالفنون صاحب نشان مس بود در این امتحان که امتحان دوم است مستحق نشان مطلق شده و بیست تومان النعام در حق او مرحمت گردید

میرزا احمدی قائمی صاحب نشان نقره بود چون در این امتحان که امتحان سیم اوست ترقی نموده بود مستحق التقای شده و بهمان صد تومان موجب نشان نقره باقی

میرزا احمدی و گد میرزا کاظم بر وجهی صاحب نشان بود چون در این امتحان که امتحان دوم اوست خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره شد و سی و شش تومان بر دولت تومان موجب افزوده شد

میرزا اسمعیل برادر میرزا یوسف شکر نویس در امتحان ثانی مرخص بود در این امتحان مرتبه اول است و مستحق نشان نقره شده و ده تومان النعام در حق او مرحمت گردید

میرزا علی اکبر شیرازی برادر مرحوم میرزا حسن خندکس از امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی بشیر از رفته حاضر بود در این امتحان که امتحان دوم اوست مستحق نشان نقره شده و ده تومان بر بی تومان

موجب بقا و افزوده گردید نشان
میرزا نصر الله ولد مرحوم میرزا کوچک لوزی صاحب مس بود مستحق نشان نقره گردید و بیست تومان بر بیست تومان موجب بقا و افزوده شد

میرزا عباس خان ولد عالیچاه میرزا رضای هندکس با در امتحان اول صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون ترقی نموده بود در حضور مبارک نشان او گرفته شد در این امتحان ترقی کرده مستحق همان نشان مس گردید و ده تومان بر بی تومان موجب بقا و افزوده شد

عباس قلیخان برادر قاسم خان صاحب نشان مس بود در این امتحان چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره گردید و ده و بیست تومان بر دوازده تومان موجب سابق افزوده شد

محمد میرزا ولد مرحوم محمود میرزا صاحب نشان مس بود در این امتحان مستحق نشان مس گردید و ده تومان بر سی تومان موجب سابق افزوده شد

رضا خان ولد عالیخان شایخ بیک صاحب نشان مس بود در این امتحان مستحق نشان مس شد و ده تومان بر بیست و چهار تومان موجب بقا و افزوده شد

تفصیل قیام این گردان ویرمختلین دارالفنون معینه ای بنده میشود

سایر ولایات

اور بایجان ازین ولایت درین مهقه اخباری

استرآباد

از فراری که در روزنامه استرآباد نوشته اند از

اهتمامات مقرب الخاقان جعفر قلیخان الیخانی امیر

الولایت از هر جهت قرین کمال انتظام و انضباط است

و در باب انتظام شهر و بلوکات نهایت رسیدگی

دارد و کسی حرکتی بخلاف حساب و ریج بانهست

بکند از جمله امر عقد و نکاح سابقا اعتاشی داشته

و دختر بی اذن و اجازت والدین میرفته و بعد

میخواسته درمی آمده است درین باب قدغن شده

که امر عقد و نکاح باستحضار والدین و کان دختر

باشد و چنین اجرائی صیغه عقد و حضور یکی از

علماء باشد و قبالة او را جمعی از حضار مجلس مقرر

و چنین در باب طلاق نیز سابقا اعتاشی بود

درین خصوص نیز قدغن شده است که طرفین در محضر

حاکم شرع حاضر شده شخص معقولی را وکل نمایند و

بعد از اجرائی صیغه طلاق در حضور عدول طلاقنامه

نوشته و مهور معتبر نموده بدست زوج بدهند

که سند او باشد و همچنین در باب قروض سابقا

دایم الاوقات بسبب اینکه متکات را معتبر میکردند

بلکه اغلب مقید بتسک نبوده اند و محضر علماء را

و مطالبات بوده است درین باب نیز قدغن شده است

که بدون تسک شرعی معامله ننمایند بدون حجت

نوشته و مهر نموده مهور دیوانخانه یا حاکم شرع

نافذ الحکم رسانند معتبر نموده تسلیم صاحب بخوانند

نماید و بعد ازین اگر کسی بدون تسک ادعای طلب

کسی نماید ادعای او غیر مسجوع بلکه مورد تنبی و مواخذ

نیز خواهد بود

دیگر در باب بارها کولات که دارد استرآباد می شود

سابقا بعضی اشخاص باستقبال بار رفته در خارج

شهر اشیاع کرده و بهر قیمتی که میخواسته اند در شهر

میرفروخته اند و این معنی سبب شکایت و خسارت کان

فقیر کم بضاعت بود و مقرر شد که بعد ازین احدی بکلی

بار که از خارج بشهر می آید نرود و بعد از آنکه وارد شهر

کردند موافق نرخ وقت هر کس بخواهد خریداری نماید

و نیز در روزهای شهر را قرار شده است که وقت

طلوع آفتاب باز نمایند و یک ساعت که از غروب آفتاب

گذشت بندهند و همچنین در سایر مواد و اراعی محکم

داده شده و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار

الولایت نهایت وقت و اهتمام حسب الحکم در نظم

امور ولایت و رفاه حال رعیت و رسیدگی محلی

دیوانی دارد

دیگر نوشته بودند که در این اوقات خانوالیای

از کولان که در حقوق بودند از آنجا حرکت کرده اند

که آمده در نقل عاطفت این دولت قوی مکتب ببرند

باشند ترکمانان که همراه با آنها گرفته بودند که

آنجا آنها را نگه داری نمایند مقرب الخاقان جعفر قلیخان

الیخانی مجبض استماع خود با سواره استرآبادی و کلنی

شادلو و نواب جهاننور میرزا میر تقی فوج عرب و

عالیجاه مرتضی قلیخان سرمنک از استرآباد بدون که وجه موجب افواج گردی را پیروده در عبور از آنجا
فوج حرکت کرده و سواره و جمیع از بجنورد و جوبین عالیجاه مشا را لیه سواره همراه آنها نموده و از
نیر فرستاده خبر نموده که بجلو طایفه کوکلان رفته
آنها را بکرکان رسانند و طایفه که را نیز کوشالی
باشند

دیگر نوشته اند که نقاره خانه استرآباد درین سنه
خراب و متروک شده بود چون انولایت سرحد
و نقاره خانه لازم دارد در این اوقات عالیجاه میرزا
اسمعیل خان بیگلرک حاکم مقرب الخاقان الینجانی در
صد و ساختن نقاره خانه و انجام عملیات در کارگاه
آن برآمده بزودی و خوبی صورت تمام یافته و نقاره
و سایر عملیات آن مشخص گردیده مانند سایر
حاکم محروسه منکام طلوع و غروب آفتاب در
میباشند

دیگر نوشته اند که در ماه گذشته جادی الثانی
دوازده نفر از میان ترکمان متخلص شده
نیز و مقرب الخاقان الینجانی آمدند
استرآباد و اصفهان
ازین ولایت نیز درین نتیجه جاری بود
بطام

از قراریکه در روزنامه بطام نوشته اند عالیجاه
مقرب الخاقان جرجانی حاکم شاهرود و بطام
در انتظام امور طرق و شوارع و گذراندن زواری
و مترودین سلامت از منازل مخوف زیاده اهتمام
در این اوقات که تعدد ارمای حامل خزانه و رسم
از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند نهایت
ارزانی و فراوانی و وفور نعمت در آن ولایت حاصل
و عموم مالی و سکنه استجا در کمال آسودگی و رغبت
بشغل و کار خود و دعاگوئی ذات اقدس بایان
شاهنشاهی اشتغال دارند و از منازل عرض راه خراسان
که نوشته بودند همه جا نهایت اهمیت را دارد و زواری
و مترودین در کمال آسودگی و اطمینان عبور و مرور
نمایند توپخانه و توپچی ابوالجیحی عالیجاه الله و بخان
سرمنک توپخانه مبارکه و افواج مخبران شتافتی و مترودین
و سواره چهاردولی که از دربار بایان روانه خراسان
شده اند همه جا با نهایت انتظام و حسن سلوک حرکت

کرده اند و هیچ وجه خلافی از آنها صادر نشده
و صاحب منصبان مراقبت تمام داشته اند و اگر تابیننی مرکب جزئی خلاف بی می شده است و
تبیه نظامی معقول بکرده اند و مالی منازل عرض
راه و سایر مترددین نهایت رضامندی از آنها
داشته اند

حمت و سنان و عراق ازین ولایات
نیز اخبار می نمود

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند و
مستطاب موید الله و له حکمران فارس در نظام
امر ولایت و حصول موجبات رفاه و آسودگی نوکر
و رعیت کمال مراقبت و اهتمام دارند و عموم اهالی
الولایت در عین فراغت و آسودگی هرگز بکار
و شغل خود مشغول اند

سابقه غرس درخت توت و لعل آوردن ابریشم
در ولایت فارس معمول بوده است و در این اوقات
که هنگام غرس اشجار بود نوشته اند که مقرب الخاقان
شجاع الملک برای خود باغ و درخت توت غرس کرده
و قدغن نمود و بجهت آبادی ولایت در جمیع بلوکات
نیز توت بکارند و ابریشم ببلورند و زنجیره در
دارالخلافه طهران و اغلب ممالک محروسه ببلورند
بسیاری از مسووعات و غیره معمول بود بعد که دست
از پی بردند دیدند بسیار خوب ببلورند آمدند که
ببلور آوردن ابریشم نیز در ولایت فارس رایج

بیکر دو خوب ببلور آمده رعایا و اهالی آنجا ازین منفعت
حاصل نمایند و فواید آن بید دولت علیه نیز شود
و دیگر نوشته اند که چون در این اوقات اواخر تابستان
بود و نواب موید الله مقرر داشتند که مقرب الخاقان
شیر الملک و مستوفیان فارس در دفتر خانه آنجا
نشینند بمجاهله سینه توشتان نیل رسیدگی نمایند
و مشخص کنند که تخواه مالیات دیوان اعلی در هر
محل و نزد هر مودی چه باقی مانده است تا دریافت شود

و دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان مصطفی قلیخان میرنجه
که یار و فوج از دربار محلت مدارهایون مامور فارس
شده بود و بعد از ورود بشیر از شرفیاب خدمت
نواب موید الله و له گردیده و نواب معزی الیه کمال
التفات را بآباد کرده و او را محلی نموده اند و روز
دیگر سر باز ابو الجحیی مقرب الخاقان مش رالیه رسید
در ب خانه حاضر گردیده و صف نظامی کشیده اند و
نواب معزی الیه بجهت ملاحظه آنها بمیدان منور آمده
ملاحظه مشق و راستی و انتظام آنها را نمودند و
صاحب منصبان آنها مورد التفات گردیدند و
از قرار مذکور در منازل عرض راه نیز ماکمال معقولیت سلوک
قرار کرده اند و هم در آن اوقات مقرب الخاقان حاجی ام
تجهت شیت و انتظام صفحات دشتان و بند را بوشهر
حسب الامر روانه و سیصد نفر از سرباز قرار کوزلو
نیز همراه خود برده است

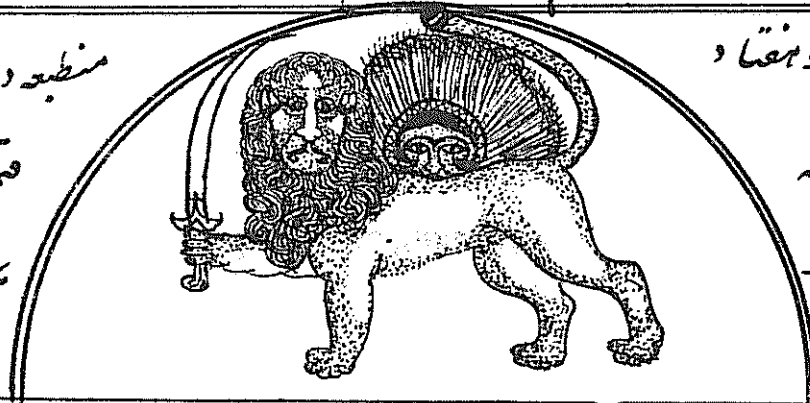
از سایر ولایات اخبار است در هفته آینده نوشته شود

روزنامه و قایق انقاصه ساح لوچم نیس و هم بهدر خیر المطایر الوری ۱۲۶۲

مذہ جہالت و ہنقا و

قسم روزنامه

هرنجد



منصبہ دار الخلافہ طبران

قیمت اعلیٰ

ہیٹلر پر چٹا

اخبار داخله ممالك محروسه پادشاهی

داراخلاف طهران

در این اوقات که ایام گردش عید نوروز
سلطنت جا کران در بارهایون و مقربان
دولت قوی شوکت ابد مقرون مرخص و مشغول
دید و بازدید یکدیگر میباشند هوای داریخانه
طهران بسبب بارندگیهای کامل متوالی که در ایام
قبل از عید و بعد از عید وقوع یافت کمال ملالت
و اعتدال را دارد بابتین و اراضی اطراف
همه سبز و خرم و با نهایت نزهت و خضرت
و صفا میباشند و نزول رحمت الهی تاکنون
که اقصای وقت و موسم و مطلوب اعلی و
و ادانی از اهل زراعت و غیره و دلیل ارزانی و
فراوانی درین سال فرخنده فال است بچاشنی
در داریخانه و اطراف شده است و هر روز
نیز هوا ابر و مستعد بارندگی است و کما بیش بازدید
می شود و عجمی است این معنی که علامت تفضلات الهی است
سرگذارد و دعاگوی دوام دولت قوی شوکت ابد میباشند

در روز دوشنبه که ششمین ملاحظه خوبی هوا و صفا
و خرمی اطراف علیحضرت قوی شوکت شایسته
غزنی تفریح قصر قاجار را نموده سوار شدند و شرف
فرمای باغ مبلور گردیده تا هنگام عصر تفریح و شای
انجام مشغول بودند نزدیک غروب آفتاب با یک مباح
سلطانی محبت فرمودند
از آنجا که مقبره انخان قانع خان در مرمر حکنداری حسن کفایت
وایت خود را در خاکپای پایون کار علیحضرت قدرت شایسته
داده اند مخصوصا و با عیال یک کعبه تیره سبز خرازمیوس بدن
مفخر و سوار فرمودند

نظر بحسن خدمت و مراتب شایستگی و قابلیت مقرب انخافا
حاج علی خان که در هر جا حکومت کرده مردم آنجا را
از حسن سلوک خود راضی داشت لهذا او را
دولت علیه حکومت حمرا بمقرب انخافان ریاست
برحمت نموده حکم باحضار او فرمودند که از
شاهرو دو بسلام آمده بحکومت حمرا برود
و امور آن ولایت را عظم بدارد

ارث گردان علم هندسه دارالفنون بعضی در
روزنامه هفتگه گذشته نوشته شد باقی آنها
وسا بر معلمین و متعلمین که در حضور مبارک متجان
شد اند بموجب تقصیل ذیل است

میرزا علی ولد عالیشان آقا غلامعلی صاحب نشان بود
در این امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان
العام در حق او محبت گردید

میرزا فرج الله ولد آقا غلامعلی در امتحان اول
صاحب نشان مس بود در امتحان ثانی چون ترقی
نکرده بود نشان او گرفته شد در این امتحان ترقی
کرده مستحق نشان مس گردید و پنج تومان العام با
مرحمت شد

ذوالفقار خان غلام سپه صاحب نشان بود در این
امتحان مستحق نشان مس شده و پنج تومان العام
با و محبت گردید

مرتبۀ دوم ۲ نفر

سبحانعلی خان ولد مرحوم عباسقلی خان ایروانی در این
امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان شد
چون پریشان بود بیت پنج تومان بر بنجاه تومان
موجب بایش افزوده شد

زردشت خان ولد مرحوم عباسقلی خان ایروانی
در این امتحان که امتحان اول او بود مستحق نشان
مس شده و بیت پنج تومان بر بنجاه تومان جواب
سابقش بملاحظه پریشانی او افزوده شد

میرزا محمد نایینی صاحب نشان و موجب نبود در این
امتحان مستحق نشان مس شده و سی تومان جواب
در حق او محبت گردید

محمد حسین خان ولد عالیچاه محمد حسن خان نایب
باشی چون تازه مدرسه آمده بود مستحق نشان
بیت تومان موجب در حق او برقرار گردید

میرزا محمد ولد شیخ صالح چون تازه مدرسه آمده بود
مستحق نشان نشد بیت تومان موجب در حق او بر
قرار گردید

مرسته سیم که در شهر شوال مدرسه آمده اند و هنوز
مستحق نشان و موجب نشده اند بعد قرار آنها داده
خواهد شد

میرزا حسن برادر راده مرحوم
میرزا حسن عسوب حکیم الهی
فتحعلی خان نوری

بابا خان ولد سید حسن خان
زین العابدین خان ولد نور پور
فیروز کوهی که صد تومان

موجب دارد
کریم میخی

بدون مرتبه جدید شهر جادی الاولی که در امتحان آینده قرار
آنها داده خواهد شد

میرزا احمدی ولد میرزا اسراف
میرزا رضا ولد ایضا
مارند رانی

اسمعیل میرزا ولد لیکاس برادر محمد خان ولد محمد زماخان
قاجار

پدر اسمعیل خان ولد محمدعلی خان
قاجار

العام در حق او محبت گردید
در حق او محبت گردید

نقره بود و از شاکردان مرتبه اول دو نام قبل
 مامور گردان شده بجهت افتخار مشارالیه مکتوبه نشان
 طلا مرتبه ششم که بجهت مشارالیه مرسول شود

میرزا فتح الله ولد مقرب الخاقان نصیر الملک صاحب نشان
 مس بود و مرخص بود و معروض امتحان نیامده بعد
 آمده و امتحان گردیده مستحق نشان نقره شد و بجهت
 تومان مواجب خود باقی است ده تومان انعام با و مرخص
 گردید

مرتبه هفتم

درجه اول
 عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب نشان نقره بود و در
 امتحان صاحب نشان مطلقا گردیده و باز زده تومان
 برد و بیت تومان مواجب بقش افزوده شد
 محمد رضا خان ولد عالیجاه بهرام خان قراکوز صاحب
 نشان مس بود و در این امتحان خوب ترقی کرده بود و مستحق
 نشان مطلقا شد و بیت و پنج تومان بر چهل تومان مواجب
 سابق او افزوده گردید

ابو طالب خان ولد عالیجاه طرباشی از امتحان
 اول صاحب نشان مس بود و در امتحان ثانی چون
 ترقی نموده بود نشان او گرفته شد و در این امتحان
 مستحق نشان مس شد و بجهت دگر چینی او ده تومان بر
 چهل تومان مواجب بقش افزوده گردید

درجه دوم

عباسعلی خان دینی ولد سلیمان خان صاحب نشان بود
 در این امتحان نیز ترقی نموده بود و التعمانی در حق
 او نشد و بجهت تنبیه او مقرر شد که دو روز در قیود
 باشد

سجفعلی خان ولد عالیشان شایر خیک صاحب
 نشان مس بود و در این امتحان ترقی نموده مستحق التعمانی
 نشد و بهان پنجاه تومان مواجب سابق خود باقی است
 شاکردان که در آخر سال سنه اثنه فارغ التحصیل
 شد

قاسم میرزا ولد مرحوم فتح الله میرزا صاحب نشان
 مس بود و در این امتحان خوب ترقی کرده بود و مستحق
 نشان نقره شد و بیت تومان بر ششاد تومان
 مواجب سابق او افزوده گردید

محمد آقا ولد قاپوچی باشی صاحب نشان بنو مستحق نشان
 مس شده ده تومان بر چهل تومان مواجب سابق او
 افزوده گردید

محمد تقی خان ولد عالیجاه محمد حسن خان مقدم صاحب
 بنو چون خوب ترقی کرده بود مستحق نشان نقره شد
 و بیت تومان بر سی تومان مواجب بقش افزوده گردید

ابوالقاسم خان ولد عالیجاه ابوالفتح خان دینی
 صاحب نشان بنو مستحق نشان مس شده ده تومان بر
 سی تومان مواجب سابق او علاوه گردید

محمد مهدی میرزا ولد مرحوم اردشیر میرزا صاحب نشان
 بنو مستحق نشان شده ده تومان بجهت تشویق با و مرخص
 شد

مرتبہ دوم

میرزا عبد الرحیم ولد عالیجاہ میرزا عفا خان نایب
وزارت خارجہ در این امتحان که امتحان اول است
مستحق نشان مس کردیده و بیت پنج تومان جوایز
در حق او برقرار شد

نصرت الله خان ولد مرحوم خدا داد خان کرجی درین
امتحان که امتحان اول است مستحق نشان شده
توان بجمله ثبوتی او حجت گردید

شاکردان جدید

جدید شد صفی الدین میرزا نصر الله خان موجب در حق او جوایز
در حق او برقرار شد

مرتبہ اول
محمد حسن خان صاحب میرزا عبد الله خان
که حیدر خان بیجا بود

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

مرتبہ اول
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان
محمد خان ولد محمد خان

سارولایات
اوربایجان و استرآباد و اسد
ازین ولایات درین هجته اخباری بود

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند از ارتقا
نواب مستطاب نهاده والایات حثمت الدوله
حکمران اصفهان کمال انیت و انتظام در امور اسکا
ورعیاد و برابری عاکونی ذات اقدس بهایون
دارند و نواب معزی الیه بحرانی و کلی امورات
تمام دارند از جمله اهل نظام از توپچی و سرباز و جنس
انها همه روز حسب احکم نواب معزی الیه در
مشق حاضر شد و مشغول مشق میباشند و صاحب
کمال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارند و امور
و اولیای نهایی شهر و حفظ و حر است طرق و شوارع
منظم و مضبوط است

دیکر نوشته بودند که عالیجا جعفر قلیخان سرنیک
که باشش عراده توپ و توپچی از دربارهایون
فارس بود و وارد آنجا گردیده و نواب معزی الیه
همان اوقات در خارج شهر بوده اند خود با آنها
انها رسیدگی نموده و انعام در حق آنها مبذول
و همچنین فوج خاصه شریفه نیز که مأمور فارس بود
با آنها وارد گردیده و نواب معزی الیه در قریه
خارج شهر ملاحظه آنها تشریف فرما شده و رسیدگی
با آنها و افراد آنها نموده و در حق آنها نیز انعام داده
مقتضی المرام روانه مقصد شده اند

دیکر در عشر اول شهر حسب سرباز جمعی عالیجا نصرالدین
سرتیب افواج کلپاچانی را نواب معزی الیه در عت
چهل ستون بدقت رسیدگی نموده سان دیده اند
چون سربازان مشارالیه در کمال راستگی و انتظام
بوده اند خود را با یک ثوب قبای زرد و زنی نظام
مخلع و صاحب مصعبان را مورد نوازش و التفات
نموده اند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه ولایت نوشته اند نواب
جلال الدین میرزا باب الحکومه لرستان سابقا قرار بود که
که بکمرسیرات رفته در صدمه توقف نماید چون واحد
در مادیان رود که سه منزلی خرم آباد و تجمعی ایلات
رزدیک است توقف کرد و مشغول وصول بقایای
توشقان نیل بوده اند و عسوم کوکرا آنجا در اردوی
نواب معزی الیه حاضر و ترصد انجام خدات دیوانی
بوده و تمامی توشکانان و خواین و پیش سفیدان خصوصاً
عالیجا عبدالعلی خان و پسران و وابستگان مشارالیه
در اردوی نواب معزی الیه با کمال صداقت مشغول
مباشند و در اردوی نواب معزی الیه از سواره
با جلال و سرباز ابو الجبجی عالیجا جعفر قلیخان سرنیک
خداوند و فوج لرستان جمعیت کامل بود است و تمام
لرستان در کمال میاری مشغول نگهداری

اسطام و خراسان و سمنان

ازین ولایات نیز درین هجته

اخباری بود

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند این
کمال افت حاصل است و مردم همه در نهایت شکر
گذاری و دعاگوئی لیکن از کثرت بارندگیهای
وسیل صدیه بسیار بدم رسیده است در کرا
و فرمان دمانی که از رودخانه مشروب میشده اند
هزار اسیل خراب کرده و برزاقها از دست
رسانده است و خانهای بسیار از دمانت خراب
شده بازار و طواحق و خانههای زیاده نیز از شهر
سلطان آباد خراب گردیده خصوصاً قنات و قن
سلطان آباد را که دو سال بود مقترب انخان
میر حسن خان حاکم عراق خوب آباد کرده بود
در این خرابی بسیار شده است

فارس

از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند
عالیجاه محمد علیخان سرتیب فوج قاجار داعی با
ابو اجمعی خود وارد بندر ابوشهر گردیده و عالیجاه
میرزا حسنخان دریایی و حاکم بندر ابوشهر
و مهدیخان سرنک فوج نهاوندی و علی سلطان
و جمعی دیگر تا قریه چاوک با استقبال رفته کمال
و احترام را در باره آنحضرت آورده و قرار توقف
آنحضرت در همان منزل داده اند

دیگر نوشته بودند که فرمان مهر لعلان مبارک که با
عالیجاه میرزا حسنخان دریایی با یک قطعه
از نمبه دویم سیرپسی که از جانب سیاحان

لموکانه محبت شده بود در ۱۹ ماه جمادی الثانی
باجا پر تو وصول افکنده و عالیجاه پش رالیه با اعیان
و معارف آنجا و صاحب منصبان نظام لوازم
استقبال و توقیر و احترام را بجل آورده اجرای
و صرف شربت و شیرینی کرده و بشهر مراجعت
و اهل آنجا ازین نوع محبت سرکار اقدس بجا
شاهی و اولیای دولت علیه در باره عالیجاه
شاه رالیه کمال حسنی بیکر گذار داشته اند
قزوین و قسم و کاشان و کردستان
ازین ولایات نیز درین محله اخباری بود
کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بودند
در روز پنجشنبه که روز عید مولود جناب امیرالمومنین
صلوات الله و سلامه علیه و روز تجلیل شمس برج حمل
بود نواب مستطاب عماد الله و له حکمران کرمانشاهان
با حضور علما و اعزّه و اعیان و سمران و صاحب
نظام و خواین عظام العقد مجلس سلام داده و
لوازم جشن و شادمانی عیدین سعیدین را بجل
و بنام اعلیحضرت اقدس شاهان شاهنشاهی
ملکه و سلطانه خطبه بلیغ ادا شده همه اهل مجلس سلام
به عای سلامتی وجود فایض الحود بجا یون تقدیم سکر
و شادمانی نموده سلام عید منقضی گردیده است

دیگر از قراریکه نوشته بودند بارندگی زیاد در آن
شده و چند شبانه روز لایق قطع باران آمده است
بطوریکه بعضی ابنیه و عمارات خرابی رسانده است

ولی بجهت زراعت بسیار نافع بوده است و در نرخ غله بعد
ازین بارندگیها تفاوت کلی بهر سید چنانچه کنیم
خرداری سیزده هزار و جو خرواری نه هزار بود
پس از وقوع این بارندگیها حال کندم خرواری نه هزار
و جو خرواری پنجهزار و روز بروز رو به تنزل است
کرمات

از فراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امور اولاد
بهرجهت قرین انتظام است و رعایا و برادرین اسود
و فراغت بدعای بقا و سلامتی وجود فایض انجود
اقدس همایون شاهنشاهی اقدام دارند امیرالامرا
سپهدار از وقتی که وارد انولایت شده هر روز
صنعتی از رعایا را از شهر و بلوک خواسته و بکار
انها رسیدگی می نموده و آنها را بطرف اولیای
عملیه امیدواری داده و هر کس در کمال خرسندی
و کار خود مشغول و قشون متوقف آنها از سواره و
مراقب انجام ماموریت خود و خدمات دیوانی باشند
و عالیجاه امامعلی خان سرحد دار بلوچستان با قشون
و مدارکات شایسته مشغول انتظام صفحای بلوچستان
باشد

۱۷۳۴

دیگر نوشته اند که در برنجان که یکی از قرا اقطاع است در
اوقات صغیره بیک گم سه دختر زاید است چون
مشهور است که اینگونه تولید برای دولت و ملت سکون
دارد لهذا امیرالامرا سپهدار بکرانه سلامتی و
وجود فایض انجود همایون پنجه تومان باولای اطفال فرمود
العام حیره و قوس واهی پنجه تومان تقدیر خود داده است با بجا
دیگر نوشته اند که در برنجان که یکی از قرا اقطاع است در
اوقات صغیره بیک گم سه دختر زاید است چون
مشهور است که اینگونه تولید برای دولت و ملت سکون
دارد لهذا امیرالامرا سپهدار بکرانه سلامتی و
وجود فایض انجود همایون پنجه تومان باولای اطفال فرمود
العام حیره و قوس واهی پنجه تومان تقدیر خود داده است با بجا

کرمات و کیلان و مارندران و ملایر و
نخاوند ازین ولایات نیز در این بهتة انجائی
همدان
از فراریکه در روزنامه همدان نوشته اند مقربان محترم ملک
در انتظام امور ولایت در این اوقات اهتمام زیاد دارد و
در دیوانخانه انجانشته بعبایض مردم رسیدگی می نماید
دیگر نوشته اند که بارندگیهای زیاد با باد بسیار شدید
اوقات در شهر و بلوکات همدان وقوع یافت بطوریکه
بعضی خانه ها و دکا کین و کاروانسرا و بازار قریه ارگشت تباران
و شدت باد خراب شد و دزدان درین بین فرصت یافته
از بعضی خانه ها سبابه قف میکردند از چله و و نفر دزد
در قریه حصا بنجانه علی کبر نامی رفته درین بین طفلی در کهنه بود
بنای کبریه میکشید و یکی از دزدان کهنه را با طفل برداشته در
الان خانه گذاشته بود پدر و مادر طفل بیدار شدند صدی
طفل آوردن الان شنیده مضطربانه بهوای صدی طفل بیرون
بعضی بیرون آمدن آنها طاق خانه بسر دزدان پانزده و هر دو
هلاک شده بودند

مر

در روزنامه بهتة گذشته نوشته شد بود مقربان محترم
هایون کردنجارج شهر نقل مکان نموده است کاتبی بود از فراریکه
نوشته اند جمعی از اعیان غیر غنیمت یارت ارض اقدس شده
در دویم ماه حجاب امیر زاعلیضای صدر العلماء با چند نفر دیگر
از اعیان و خواین سائر مردم ارگبه و عیت روانه ارض
اقدس شده اند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه پنجم شعبان المعظم ۱۲۷۲

مزه ویت ویک

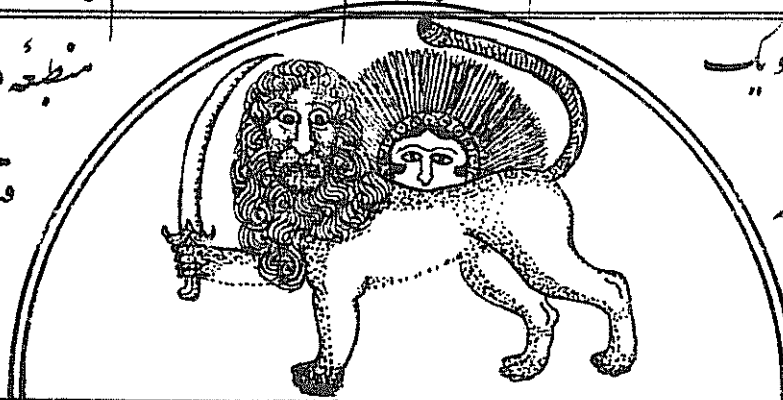
منبعه دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دشار

هر خط پنج



اجبار و اخذ مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز شنبه گذشته فوج بزچلو که احضار گاه حضرت آیتاب هالیون شده بودند در میدان ارک حاضر شده صف نظامی کشیدند و اعلیحضرت اقدس هالیون شانشاهی اید البیثه بجهت ملاحظه آنها تشریف فرمای میدان گردیده احاد و افراد فوج مزبور از حضور مبارک گذشته بانهایت ارستکی و انتظام بودند احاد فوج و صاحب مضبان آنها مورد تحسین و نوازش و التفات ملوکانه شدند و هم چنین فوج قزوین و سواره آنجا نیز که بدر بار معدلت هالیون احضار شده بودند وارد گردیده و در روز چهارشنبه در میدان ارک صف نظامی کشیدند و بعد از تشریف فرمائی حضرت اقدس هالیون شانشاهی بمیدان مزبور یکی از حضور مبارک گذشته و یکی یکی بنظر مهر آثر خسته وانی رسیدند و انتظام و ارستکی و حرکات نظامی آنها تحسین و مقبول خاطر ملوکانه افتاده سر مکان و مضبان و عموم احاد و افراد افواج و سواره مورد تحسین و نوازش و التفات گردیده مقرر شد که لکچر عظام تدارک و تهیه آنها را از لعلک و ملوس غنیه در هر چیز که نقص و ناکامی داشته باشند قیمت رسیده و صورت انجام بدینند که بسیج ناکامی در اسلحه و اسباب و سایر ملزومات آنها باشد که حسب احکام روانه محل مأموریت شده با انجام خدمات مرجعه بجزد پردازند

در روز سه شنبه که بمقتدر در بار سپهر حشام مقرب الخاقان قایم مقام وارد در بار معدلت هالیون احضار شده بودند و در روز چهارشنبه در میدان ارک صف نظامی مقرر و نموده بودند که مستوفیان عظام و صاحبان نظام با استقبال بروند ولی چون غفله و بخیل وارد شد مردم نتوانستند با استقبال بروند و بعد از ورود شرفیاب خاکپای مبارک شده مورد کمال نوازش و محبت ملوکانه گردید

چون نواب مستطاب غا دالہ ولہ امام قلی میرزا حکمران
 کرمانشاهان ارسن کفایت و رعیت داری و میرزا
 در خدمتگذاری دیوان قدرشان و انتظام امران
 و سرحد خاطر اقدس بایون شاهنشاهی صان الله ایام
 دولت علی التماهی و امنای دولت علیہ را از خود خرد
 و سرور داشته مستوجب رحمتی جدید و کمربندی تازی
 اندامند در این اوقات با عطای یک قطعه مثال مهر
 بایون مکمل بالباس از جانب سنی بجاوب ملوکانه
 قرین میات و اعزاز گردید
 نظر بطور رحمت ملوکانه در باره عالیجاه
 محمد رحیم خان نسیمی بانی و حاکم نهاوند و کفایت
 و کار دانی مشارالیه در نوکری و ولایت دار
 و وصول مالیات در این اوقات یک نوبت
 جبهه ترمه مشارالیه خلعت مرحمت شده و از دیوان
 بایون مرتضی و روانه محل حکومت گردید که رفقه
 قرار امورات مذمه لایه انولایت را داده
 مدبر بار معدلت مدار بایون مراحت نماید
 چون سوار خزل نظمی چنانچه باید داشته باشد
 مذاشتند اولیای دولت قاهر چرب الاشیان
 سواره فرور رانیر ابوجهج عالیجاه مشارالیه
 کرده و سرکردگی آنها را بعالیجاه عبداللہ خان
 سپرد و رحمت و یک طاقه مثال و یک ثوب قبایم
 خلعت در حق او عنایت گردیده روانه انولایت
 گردید که سواره فرور را انتظام داده مدارک
 و تہیہ آنها را از جهت دیدہ چهار ماهہ برکات
 بیاورد و در حضور باریکسان بدید
 چون عالیجاه مقرب انخاقان آقا سمیع شجاعت
 سلام در مراتب خدمتگذاری خاصہ دستاویز
 اعیاد و غیرہ خاطر اقدس بایون شاهنشاهی
 از خود خردند داشته و طرز نیکو خدمتی او در
 پیشگاه حضور مہر نور حسن و مقبول افتاده لہذا در
 اوقات درازای خدمت سلام عید یکثوب اسکاٹ
 پولک و دوز بطانہ قائم و یکثوب قبای مہوت
 خوب از جانب سنی بجاوب ملوکانه با خلعت
 مرحمت گردید
 از قرار اخباری کہ در این اوقات از حریان
 بایولای دولت علیہ رسید بچند اہل کمال
 و اعانت در انولایت حاصل و عسوم اہالی
 سکنہ انولایت در عین رفاه و آسودگی مدعاگو
 ذات اقدس بایون شاهنشاهی خلد اللہ ملکہ
 و سلطانہ اشتغال دارند و در این اوقات
 جمعیتی از روس و ریش سفیدان سرخس خدمت
 نواب مستطاب شہزادہ و الایات بآرام
 حکمران خراسان آمدہ معروض داشتہ بود
 کہ بہر خدمتی کہ مامور فرمائید اطاعت کردہ منست
 و جان شاری خویشیم نمودن نواب مغربی ایہ
 نیز بایہا اطہار التفات زیاد نموده بخواطف
 اولیای دولت علیہ امید واری داده و در
 ریش سفیدان سرخس بایہایت خرسندی محاور
 نموده اند

و ده تومان انعام در حق او محبت کردید

تفصیل باقی شاکردان علم یار و نظام و یرانی دارا

شاکردان مدرسه که چنانچه علیجای خان
یک قطعه نشان میده اول بود کرده ارباب مدنی در
مهرش نشان میده با اول بود کرده ارباب مدنی در
موسیو میرا معلم سواره نظام و تعلیم شاکردان خود و سواره نظام
یکمطافه شال ترمه با و خلعت محبت کردید در سنه هجری
کرده بود که در شش شاکردان خود را در علم و عمل سواره نظام
قابل ماهر که در این امتحان معلوم شد که از عهد لغت خود خوب را
و شاکردان او در شش شیر بهم پیافوبند و کتاب علم سواره
هم مشغول ترجمه است که در بهمان خانه چاپ شود و مخفف تر از شاکردان
مدرسه خروشا کردان او شد که تا شش ماه دیگر آنها را
بدرست شاکردان اول برساند و اسامی شاکردان او با تعیین
مراتب و اضافه موجب نشان بدین تفصیل است

مرضی قلیخان ولد علیجای سمجیل خان لوزی صاحب
مس بود مستحق نشان مطلا شده و پنجاه تومان برده
تومان موجب تقی او افزوده کردید
محمد حسن خان ولد مقرب اخاقان حاج الله ولد صاحب
بود مستحق نشان مطلا شده و شصت تومان چهل تومان بجا بیاورد
افزوده کردید
مرضی قلی خان ولد محمد بهار الدین صاحب نقره بود مستحق نشان
شده و بیست تومان انعام در حق او محبت کردید
میرزا علی اصغر برادر علیجای میرزا رضای که خدا صاحب
نقره بود مستحق نشان مطلا شده و بیست تومان پنجاه تومان بجا
سابق او افزوده کردید

۱۷۳۷

مرتب دوم
مصطفی قلیخان ولد علیجای حاجی حسن خان قاجار صاحب
نقره و پنجاه تومان موجب آقا سید میرزا کاشانی صاحب
نشان مس و صد و پنجاه تومان موجب و علی محمد خان ولد
قاجار صاحب نشان مس و چهل تومان موجب چون در این امتحان
ترقی نموده بود و مستحق التعماتی شده بهمان موجب نشان
سابق خود برقرارند
مرتب سیم
میرزا آقایی کاشانی در این امتحان که امتحان اول و مستحق
انعام و اضافه موجب ده تومان انعام و سیزده تومان بر
دوازده تومان موجب تقی او اضافه محبت کرد
مرضی قلیخان اصغرمافی مستحق موجب نشان شده و بیست و پنجاه تومان بجا

مرتب دوم
مصطفی قلیخان ولد علیجای حاجی حسن خان قاجار صاحب
نقره و پنجاه تومان موجب آقا سید میرزا کاشانی صاحب
نشان مس و صد و پنجاه تومان موجب و علی محمد خان ولد
قاجار صاحب نشان مس و چهل تومان موجب چون در این امتحان
ترقی نموده بود و مستحق التعماتی شده بهمان موجب نشان
سابق خود برقرارند

مرتب سیم
اقا خان ولد سلیمان صاحب و بیست و پنجاه تومان بجا و رضا قلیخان ولد
جعفر قلیخان صاحب و پنجاه تومان بجا مستحق نشان شده بهمان موجب

مرتب سیم
میرزا آقایی کاشانی در این امتحان که امتحان اول و مستحق
انعام و اضافه موجب ده تومان انعام و سیزده تومان بر
دوازده تومان موجب تقی او اضافه محبت کرد
مرضی قلیخان اصغرمافی مستحق موجب نشان شده و بیست و پنجاه تومان بجا

میرزا مصطفیٰ زاد میرزا حسن
شیخ عبدالحق

و لعین مراب و احاد و موجب و ان اکھا در سہ

سارولایات

از ریایحان از قراریکه در روزنامه اینولایت
نوشته اند نهایت ایت و رانجا حاصل است و
عموم اهل آذربایجان از اعالی وادانی بدعا کونی
ات اقدس کلون شاهی شغال دارند و لوی
مستطاب نهاده و الا تبار نصره الدوله حکمران
در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی حال نوکر
و رعیت اهتمام کافی معمول دارند چون سجه ایام بهای
اشترار و قطاع الطریق را محال دست اندازی بقوصل
و عابرین است از سواره قراچورلو و سمت اروغ
و انزاب و مرند و کرک و دنجوارقان و مامقان
و از سواره شقاقی ابو اجمعی عالیجا جو اذخان سمت
عباس آباد و او جان و حوالی خلعت پوشان قرا
معین کرده فرستادند که بحفظ و حراست آن راهها
مشغول باشند

دیگر در رتبه پنجم نیز در شهر حجب المرتب که شمول
جناب ولایت تائب امیر المومنین علی علیه السلام بود
لواء معزی الیه حکم کردند که بازار را و دکاکین و کاروان
چراغان کرده و جمیع مردم ملو از م شادمانی رود خسته
و لواء معزی الیه خود بگردش بازار با بجز بعضی از
معارف تجار رفتند و بعضی از تجار که پیش از
قبیل شال ترمه و غیره دادند قبول نکردند و فردی
آن شک لویم عیدین سعیدین مولود جناب ولایت
و نوروز فیروز سلطانی بود بقانون مقرر با حضور
واعزه واعیان و سمران و میران پنجه و سایر ضابطان

نظام و خوانین عظام العالیه السلام داده و اجرایی
عیدی شده بعد از ادای خطبه بلیغ بنام اقدس کلون
شاهی و تقدیم شکرانه و شادمانی و صرفیه
و شیرینی و دادن شاهی اشتر فی عیدی بابل سلام
سلام عیدین منقضی شده است

دیگر نوشته اند که هوای دار السلطنه تبریز از دهم
رجب المرجب الی بیستم ماه فروردین بودت زیاد بهم
متصل رف آمد و دور و نزدیک تی لوران کرد که عبور
از کوچه ها مشکل بود و در خود شهر بقدر یکدفع برف
اطراف زیاد ترا آمد و لوی اغلب راهها چند روز
و سه چهار نفر در حوالی شهر تلف شده بودند لکن
بجهت زراعت و حاصل منافع کلی داشت و در آب رود
تفاوت زیاد بهم رسیده صاحبان اطلاق و رعیت
از این معنی بسیار مشغول بودند

دیگر نوشته بودند که شت دست از سر باران فوج
معتمد در بار سپهر حشام مقرب انخاقان قائم مقام
نظامی و تفک و سباب موجب ماه محلی بدست
حواله داده و مدارک آنها هر چه دیده شده قرار
شده بود که سه روز بعد از حرکت مقرب انخاقان
از تبریز حرکت نمایند بجهت برف و بارندگی و اطلاق
هو حرکت آنها قدری بتعلیق افتاده در این اوقات
که هوا خوب شده است قرار شد که در ۲۷ ماه رجب

روانه در بارهایون شوند
استر اباد و اسد اباد
ازین ولایات در این نفعه خبری نبود

اصفهان

از قرار یک روزنامه اصفهان نوشته اند از ۲۷
شهرجادی الثانی الی روز عید نوروز و فیروز سلطانیه
متعددی زیاد شده و دود فحش و شبانه روز بازی
متصل شده و خرابی زیاده و بعضی ابنیه و عمارات شهر
و بلوکات رسانده و سیل در رودخانه زاینده
طغیان نموده از سمت پل چهار باغ آب بطوری بالا
آمده است که دیوارهای باغ زرشک را خراب
کرده و از سمت مدرسه چهار باغ نیز آب بجای بالا
آمده که تا جنب مدرسه جدید عباسی و از سمت پل خواجه
تا دروازه خواجه آب گرفته و اکثر طوایف و قراول
و خوش ازین کثرت آب خرابی بهم رسانیده و حاصل
شوی و طرف رودخانه را آب سیل فرو گرفته و
خسارت زیاد رسانده است نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار حشمت الدوله حکمران اصفهان معرمنودند که
خرابیهای حاصل و عمارات را باز دید کنند تا بتعمیر و
بدرک خسارت آنها پرداخته شود

دیگر نوشته اند که حسین نام ولد محسن نام که قاتل
حاجی عبدلنهی سمیری بود از زمان حکومت مرحوم
مجتهد الدوله تاکنون جمیع حکام و مباحثین در صدد
او برآمده و او را نتوانسته بودند بگیرند و همیشه سران
و سرقت و سفک و ما را اشتغال داشت نواب شاهزاده
حشمت الدوله بجای میرزا عبد الوهاب خان شهنشاه
تا کیدات اکیده و در باب گرفتن او نمودند عالیجناب
در این اوقات او را دستگیر کرده خدمت نواب

آورده بود مردم از گرفتاری شارالیه مطلع شده
چون زیاده مرکب قتل نفس و شرارت و اذیت و
مردم شده بود تمامی وراثت مقتولین و سایر امالی
آمده مراتب شرارت و خجاست او را علی تفصیل معروض
و نادات و ثقات ادای شهادت نموده لهذا
نواب معزی الیه او را بدست ورثه مقتولین داده
در میدان شاه بقصاص رسانند

سمنان
پروچه و بطام و خراسان و
و عراق ازین ولایات نیز در این هفته اخباری

فارس

از قرار یک روزنامه فارس نوشته اند که
ترمه که از جانب سنی اجواب ملوکانه سخته خباب
شیخ سنی پسر مرحوم شیخ ابوتراب خلعت تغزیت حرم
شده بود و با بنجار تو و وصول افکنده و خباب شارالیه
لوازم توقیر و احترام خلعت مهر طلق مایلون را بجا آورد
و جمیع علما و اعزّه و اعیان فارس حضور بهم رسانده
خلعت مایلون را ریب پیکر میبایست نموده بلوازم دعا گوئی
و ات اقدس مایلون شانشاهی اقدام ورزیده اند

قزوین و قشم و کاشان و کردستان و
کروس و کرمانشاهان و کرمان و کیلان
و مازندران و طایر و نهاوند و بهمان
ازین ولایات نیز اخبار تازه نبود

سرو

از قرار یک روزنامه سرو نوشته اند که
نعت در آن ولایت حاصلست و مقرب انجان محمدیو

نایب الحکومه یزد و عالیجاه میرزا کوچک خان سرمنک
بامورر عایا و برابا با کمال دقت رسیدگی می کنند
و در اتولات این اوقات بارندگی کامل شده و فرج
قلعه بدین واسطه تنزل کرده سکنه آنجا از اینر حله کمال شکرند
دارند و در روز عید سعید نوروز سلطان فی که روز عید مولود
امیر مومنان و مولای متقیان علی علیه السلام بود مقرب
شمارایه مجلس سلام عیدین را منعقد نموده و خطبه بنام
حضرت اقدس بجا یون شائشای خلد الله ملک و سلطان
خوانده شده لوازم جشن و شادمانی لعل آمده بعد از
شربت و شیرینی و دادن شاهی شرفی بختیا مجلس
منقضی شده است

اجار دول خارج

از فرآریکه در اخبار دول خارج نوشته اند و سمت
مجمعه یکنی دنیای جنوبی در درجه سی و شش و چهل در
رئیسینی که چلبی مینامند در میان ندر آنجا طلای فراوان
ظاهر شده و بقدر سی چهل هزار کس بجهت در آوردن طلا
بآنجا رفته و در مدت هفتشت روز معادل چهار کتبه
طلا بیرون آورده اند و در ابتدای ظهور این طلا که اعلان
شده بود از بسکه مردم بجهت در آوردن طلا با آنجا
آوردند امانی مجموعه یکنی دنیای جنوبی بیع و فروش کولات
اتولات زیاد تر از این اشخاص که طلا در می آورند
نفع برده اند و نان بر تبه در آنجا کران شده بود
که تاکنون این طور کرانی در آنجا روی نداده بود

دیکر نوشته اند که از امروران ضابطان سحره دولت
تخلیس شخصی بجهت کشتیمای جنگی یک سال که دوازده تو

و چهار صد نفر آدم بگیرد احوادث و اختراع کرده
و بدولت مشارایها عرض کرده بود در ضمن تجربه آن
توسیع فی تخصیص داده و مبادرت بختیا او در روز
سابق نوشته شده بود از قراریکه در این اوقات
نوشته اندصال مذکور با تمام رسیده بطوریکه
بزیر قلعه و کشتی دشمن می رود و از ضرر کلوله و چپاره که
از طرف دشمن انداخته بشود سالم است و همچنین
از غرق شدن بدیاد اوقات طوفان و بسیاری
نشتن محفوظ و ضرر و خرابی کشتی و قلعه دشمن میرسد
این سال را تجربه رسانده و حکم از دولت شده است
که از اینها متعدد بی در پی بارند

دیکر از امرندان دولت مشارایها شخصی از بزرگ دخت
و غیره سه نوع کاغذ ساخته است و کارخانه
کشوده در روزنامه ها نوشته اند

دیکر مدخل و مخارج پاپای رومه را که در سال گذشته حساب
کرده اند یازده میلیون ریال مدخل و دوازده میلیون
مخارج دولت مقرر شده است

اعلامات

میرزا محمد علی طبیب مشهور بدواساز در جلوه خان
مسجد شاه دار الخلافه در جنب درب مسجد سمت
صدر حجره کشوده و انواع دوائی فزنی در حجره او
موجود و امراض را معالجه مینماید اعلان می کنند که
بر هر کس که از دوائی مزبور لازم باشد تبره شایسته

برود

روزنامه وقایع اتفاقیه تبایخ یوم شنبه یازدهم شعبان المعظم مطابق ال لوی سنه ۱۲۷۲

مزه دیت و مقالده

قیمت روزنامه

هر نسخه دشار



منبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنجاه

اجنار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

چون موافق قانون این دولت علیه هر سال بعد از
ایام عید سلطانی که اوان خوبی بهار و خرمی و حضرت
دشت و کوسار و تربت و صفای باین حیوان
روزی مخصوص اسب دوانی است که از اسبها
صطبل خاصه سرکار اقدس بهایون شاهی
و اسبهای منای دولت علیه و هزار دکان غلام
و خواجه کرام چند وقت پیش برای روز است و
سوقان گذاشته گردش میدهند از آنجا که خاطر
بهایون زیاده مایل اسب دوانیت درین لجه ایستاده
الغام ملوکات بیشتر مبدول اختیار رساله های دیگر اسب
سوقانی کرده بودند چنانچه در رساله های گذشته سه دست
جو کرده اسب دوانی میگرداند سال پنج دسته معین شد
و در روز دوشنبه ششم این ماه بقرار محمول بهر عمارت
اسب دوانی را آراسته نموده و موکب بهایون شریف در آنجا
اتحاکم دید شیک زنبورک در اول حرکت و وسط راه و در
میدان اسب دوانی شده انمای دولت علیه و امر او مقربان

کردون بلبت سنیه و سمران و صاحب منصبان بطام
و خواجه عظام و سایر چاکران در باب شهرت نام و عموم مالی
دارالخلافه صغیر اکبره ایجه زیارت وجود فایض الحود بهایون
و تماشای اسب دوانی بمیدان نه نور آید بعد از آن اسبان خاصه
صطبل بهایون و سایر شاهزادگان غلام و خواجه که توانی کرد
بودند پنج دسته نموده سه اول پنج دوره و سه دو و چهار دوره
و سه سیم سه دوره و چهارم و پنجم هر یک دو دوره و در حضور
که مسافت هر دوره نیم فرسخ است اسب دوانی کردند در دوره اول
از اسبهای صطبل خاصه قراکیر شیکش متعرب الخاقان خضر قلیان الحاق
از پیشتر آمده و دو لجه لغام مقرر را که بیشتر از جوامعی که در سیر
بودند چاک سواران اسب برده و بعد از آن هر یکی که پیش آمد
مقرر بیریق را چاک سوار او برداشت و بر وجود اقدس بهایون پارس
خوش گذاشته بعد از تفرج و تماشای اسب دوانی و
بذل الغام ملوکات به چاک سواران و عنیره بهان به
و این شیک زنبورک در حرکت موکب بهایون از دست
و در وسط راه و در دبارک مبارکه شده بهر تسلط
عظمی قرار گرفتند

نظر بحسن خدمت و دهور ارادت نواب والا علیهی میرزا که از بدو دولت همواره در مورد خدمتگذاری خاطر مبارک سرکار علیحضرت است هایون شاهی خلد الله مکه و سلطان را راضی دانست محبض رحمت او را بقلب اعتضاد السلطیه سرافراز و بین الاکفاد الاقران باین موهبت جلیله متنا و دراز این لقب بکثرت بی تریه از ملبوس بدن مبارک بنویسند چون در این دولت ابد مدت هر سار چاکران در بار معدلت نشان که پایه خدمت و ارادت را در برجه علیها و شمول غنایت خسروانه و حمیت ملوکانه سرافراز گردید و با انواع وقت مکرامت منزلت رسید لهند مقرب الخاقان حاجی علیخان حاجب الدوله و فرشباشی که ریاست عمارات مبارک که دولتی و بایتن دار الخلافه و ممالک محروسه و حیامخانه و کارخانجات صنایع دولتی و همخانها و عمارات تازه احداث با او بود دقیقه از خدمت محبوبه غفلت و خود داری نمینمود و همیشه خاطر هایون اعلیحضرت شاهی را از خدمات خود راضی داشت و در مدت چاکری قدیمی بی رضای خاطر مبارک اقدس هایون بر نداشت و نگذاشت بهر خدمتی که نامور شد موافق رضای خاطر امنای دولت ابد مدت با انجام رسانید با ارادت و صداقت و حسن خدمت موصوف و معروف گردید توجه قلب مبارک علیحضرت اقدس شهبازی بر ایش فرود و ایاوای غنایت و کرم بر جبهه امید و ایش کشود در شب شید	سلطانی جشن هایون خاقانی با عطای یک قطعه نشان تمثال هایون بکلن الماس از درجه سیم سرافرازی حاصل نموده بین الاکفاد الاقران بین مباهات و افتخار و اعتبار آید مقصودین که داری و سلطانی را که در قتل مرحوم عباس حاکم آنجا همدست و همستان بوده اند و مقرب الخاقان چراغ علیخان آنها را گرفته چند نفر را در آنجا بفرستاد رساند و هیچده نفر را هم مدار الخلافه فرستاد قربانخان که داری که مصدر و منت، فساد و محرک اهل عناد بود بدست برادرهای عباسقلیخان دادند برای خود رسانند و نه نفر دیگر را بقیه مضبوط کو شهباشان را بریده در انبار محبس نموده محبوس نمودند میرزا و او و برادر حاجی میرزا ششم که در معرکه کیرود بود و بقیه نموده در حبس انبار محبوس ساختند حاجی میرزا ششم و پیش اگر چه بعضی تحرک میداشتند و بعضی هم شهادت بی استخاری او میدادند لکن زانجا که سید و پیر مرد بود و سلطه سیادتش علای علام دار الخلافه شاعت او را نموده بعلما سرور و علما شرع شریف تغیر رسمی نمودند و مقرر داشتند که همیشه متوقف دار الخلافه بود و به نظام دیگر ابدان نزد عاجا محمدقلیخان نوباشی که با یکدیگر بیافزایند با اتفاق مقرب الخاقان چراغعلیخان نامور شد و در گرفتن معصومین اتمام نمودند خدمات او بحسن و مقبول خاطر اقدس هایون شاهی انجام داده در این اوقات یک طاقه شال کشمیری و یک ثوب قبای پولک با غلبه جنت گردید
--	--

۱۷۴۴

از تعلیم متعلمین مدرس و از القون آنها که مشغول تعلیم
و تعلم درس زبان فرانسه اند از این قرار باشند

عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم مخصوص در خدمت
خود اتمام نموده یک طاقشال ترمه با و خلع حرمی
و شاکردانی که مخصوصا درس زبان فرانسه میخوانند
اسامی آنها بالتشخیص مراتب و شان و موجب انعام

اصاحه میرزا ملکم سرینک
صلوات الله علیه

میرزا محمد علی صاحب میرزا ملکم سرینک و مترجم
موجب بود و در این باب و در این باب و در این باب
اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم
صلوات الله علیه

شاکردانی که در خدمت میرزا ملکم سرینک و مترجم

اکبر خان و ملا محمد علی صاحب میرزا ملکم سرینک و مترجم

میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

شاکردانی که با تفاق مقرب آنها قان میرزا و او و خان
نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

بسمی آنها بالتشخیص مراتب و شان و انعام بدین

اصاحه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

نزد عالیجاه میرزا ملکم سرینک و مترجم و در این باب و در این باب

معوض پیشگاه حضور ظهور داشت لهذا در این توکات
بدینوجب ایشان در از او حد صاحب منصبان و غیره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

در حق جعفر و در حق عمر و در حق عثمان

سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نفر سوار قطع الطرق در حوالی قزل و پنج چهار فرسخی

بتریز بر سر چند نفر تیریزی و سلماسی که مال التجاره بخوبی

میردند ریخته و آنها را برهنه کرده اموال تجاری هر چه

داشتند برده بودند محمد در بار سپهر امم مقرب

قایم مقام قبل از حرکت بدر بار هالیون سواره قراچور

فرستاده و تحقیق کرد معلوم شده بود که سابقین

امالی مراغه و دو نفر نیز سر باز مراغه بوده اند لکن اری

بر سر مقرب انخاقان حسن پاشا خان میرنجه و خضرخان

سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

نشان سربشکی از مرتبه دیم بر سره

استرآباد

از فراتر که در روزنامه استرآباد نوشته اند امور
از اتمامات مقرب الخاقان جعفر قلیخان اینجانی
انتظام و انضباط است و رعایا و اهالی آن ولایت
اسوده خاطر شغل و کار خود و دعا گوئی ذات اقدس
همایون شاهنشاهی اشتغال دارند و از اسرا سیکه
سواست بقیه ترکمانان برده بودند در این اوقات
علی التوالی ده نفر و پنج نفر از او به جات مختلفه آنها را
بیز و مقرب الخاقان شراییه و عالیجاه میرزا اسمعیل خان
و زیر می آورند و ترکمانان آورنده اسرا مورد خلعت
النفات میشوند

در روزنامه سابقه نوشته شده بود که جمعیتی از ترکمانان
که در خوارزم بودند از اینجا حرکت کرده بغیر مشهد آمدند
و جان نثاری این دولت قوی آیت می آمده اند و طایفه
تکه در سر راه بمناقص آنها برخاسته و آنها را حواری
بودند نگه داری نمایند مقرب الخاقان جعفر قلیخان
اینجانی بعد از استماع این مقدمه تنبیه ترکمانان
تکه را لازم دانسته با سوار چکنی و بجنوردی و
وز دینی و میوت و کوکلان بطرف آنها حرکت کرد
از کل سواره ابوالجحیی خود هزار و پانصد نفر سوار
انتخاب کرده بر سر طایفه تکه چپا و ل انداخته پنج
او به آنها راهب و غارت و بقدر یکصد نفر از آنها
عرضه شمشیر و بقیه شمشیر و دستگیر کرده
و بقدر هزار نفر شمشیر نیز بجزه کسب درآمده از اینجا
برای بحال آوردن دواب که خدر و زور ماحت

۱۷۴۸

و ایلغار صد مه خورده بوده اند به بجنورد رفته که بجز
قدری سایش و بحال آمدن دواب باسترآباد و مرا
نماید و اهالی استرآباد از ورود این مرده و دیدن
تقدیم لشکرانه و شادمانی و دعا گوئی ذات اقدس
همایون شاهنشاهی نموده اند

دیگر نوشته اند که بارندگی در صفحات استرآباد
و آن حول دوحش چند روز شدتی شد که مردم از
عبور و مرور معذور بودند و لی محمد الله نرخ ماکولات
بسیب این بارندگی تزلزل کرده و هر چیزی فروان
و از ران است

دیگر نوشته اند که در اوقات حرکت کردن مقرب الخاقان
اینجانی سمیت ترکمانان تکه ریش سفیدان طوائف ترکمانان
میوت و کوکلان که بار دوی مقرب الخاقان شراییه
آمده بودند بعضی که سابق بر این طایفه های آنها از تهر
و حوالی اسیر و دواب برده بودند از آنها مطالبه
و مقرر داشت که تمام اجبت از این سفر اگر اسرا و دواب
تا مار دگرده باشند مورد مواخذه بلیغ خواهند شد
ریش سفیدان مریوز نیز بمیان طوائف خود رفته
انچه اسیر و دواب استرآبادی و غیره که در میان آنها
بود تا مار را باسترآباد آورده تسلیم کردند و
دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار
در امور محاسبات ولایت و رسیدگی بکارهای
و رعیت اهتمام کامل دارد و باین واسطه کسی از میان
و غیره با صدی از رعایا و کسبه نمیتواند احجاف
زیادتی بکند

اسد آباد و اصفهان و پروچ و
 بطام و خراسان و عراق و
 قزوین و قشم و کاشان و کمرستان
 و کتوس این ولایات درین هفته اخبار
 کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
 امور آن ولایت از حسن مراقبت و اتهامات و
 مستطاب عمادالدوله حکمران کرمانشاهان کمال
 انتظام و انضباط را دارد و عموماً نوکر و رعیت بر حسب
 اولیای دولت علیه امیدوار و هر کس مشغول شغل
 و کار خود بوده کسی جرئت اقدام بحرکت خلاف

دیگر نوشته اند که عالیجاه جانمحمدخان سرمنک فوج
 حلب ساوه در مشق و انتظام امر سرسازان ابو کحیی
 خود نهایت مراقبت و اهتمام را نموده خلافتی از آن
 و افراد سرسازش را لیه بهیچ وجه بطور غیر مستقیم
 توپچیان متوقف کرمانشاهان نیز همه روزه در میدان
 مشق حاضر میشوند و مشق می کنند و صاحب منصبان
 آنها کمال مراقبت و مواظبت در مشق و انتظام امر آنها
 دارند و قورخانه آنجا نیز نوشته اند که همه روزه در
 کار ختن اسباب قورخانه میباشد و لوای
 عمادالدوله هر چند روز یک دفعه خود بقورخانه رفته
 بکارهای عملیات آنجا رسیدگی مینماید

کرمان
 از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند امیرالاعظم

سپهدار در آبادی ولایت و حصول مرجعیت
 رفاه و آسودگی رعیت نهایت مراقبت و مواظبت را
 معمول میدارد و بعضی عمارات دیوانی آنجا را که بازنده
 ریا و خرابی رسانده بود و خرابیهای آنها را بار
 و رسیدگی نموده و بنیاد و عمارت کد داشته و چه مخارج
 داده است که مشغول تعمیر آنجا باشند اگر چه از
 بازنده کی زیاده و خرابی بعضی بنیاد و عمارات رسیده
 ولی بزخ غله نسبت به بیهوشی دیگر بسیار کمتر کرده
 و هر چیزی فواید این و از زمان است

دیگر از قراریکه نوشته بودند قرار رعایای کرمان نبوده است
 که در کنار نهر غرسل شکار نمایند چون این عمل سبب
 صفا و آبادی ولایت است درین امیرالاعظم
 سپهدار قدغن نموده و آدم همه بلوکات فرستاده است
 که در کنار نهر غرسل شکار نکنند

کیلان و همدان این ولایات نیز اخباری
 دارند از قراریکه در روزنامه دارندگان نوشته اند
 مستطاب لطف الله میرزا حکمران دارندگان و مقرب آنجا
 میرزا اسد الله وزیر و انتظام امور نوکر و رعیت آن ولایت
 نهایت مراقبت را دارند و عالیجاه میرزا حبیب الله که مأمور
 نوکر آنجا در ساندن مراجع آنها بود کامی نوکر آنجا را در حضور
 نوای مغربی ایه بدقت سان دیده و قلیلی که از موجب آنها
 مانده بود مقرب آنجا قان میرزا اسد الله وزیر در حضور

بآنها عاید ساخته است
 و آنها و همدان و پیر و این ولایات نیز درین
 هفته اخباری نبود

۱۷۳۹

کتابخانه

اخبار دول خارج

از قرار بد در روزنامه اخبار دول خارج نوشته اند
بعد از رفع اختلالاتی که سابقا در دولت اسپانیول
روی داده بود و تفصیل آن در روزنامه های آن
اوقات نوشته شد و کلامی جدید که برقرار شد
تجهیزه امور ملکی مجلس تنظیمات متعقد گردید از آنوقت
تاکنون یکسال است که مجلس به تورات تعاد یافته و در
قرار و نظامات دولتی میسر در این اوقات مجلس
ختم پذیر و ولی اجرای احکامات تار ویت ویت
نظر پادشاه اسپانیول در مقامات آنها در مقام

دیگر نوشته اند که پادشاه ساردیه در فنون شکریه
مهارت کامل دارد در اوقاتی که بجهت شایستگی
بلور بسیار آمده بود اصول و قانون نظام و
تأشاور رسیدگی نموده بعضی مواد نظامیه آنها را
کرده و پسند نموده و بوزیر جنگ دولت خود معبر
داشته که مواد مزبوره را نیز در نظام دولت ساردیه
مجری و برقرار بدارد

دیگر نوشته اند که از قرار اخباری که رسیده بود
اواسط ماه گذشته ریح الثانی در دولت اسوج
قرار انعقاد مجلسی بزرگ که شامل شصت و دو نفر از
ضابطان عسکریه آنجا و ایلیان و ولتین و نخلین
باشد داده شده است

دیگر نوشته اند که بموجب اخباری که از طرف ملکین
رسیده در طوفانی که چند وقت پیش ازین در بحر

سیاه اتفاق افتاده بود در برون بغاز سینه
از سی و شصت قطعه سفینه تجارقی و شصت و شصت
سفینه رود و طونه پنج قطعه سفینه تجارقی و یازده قطعه
سفینه طونه با صل نجات رسیده و مابقی تار ویت
و سگته شده اند

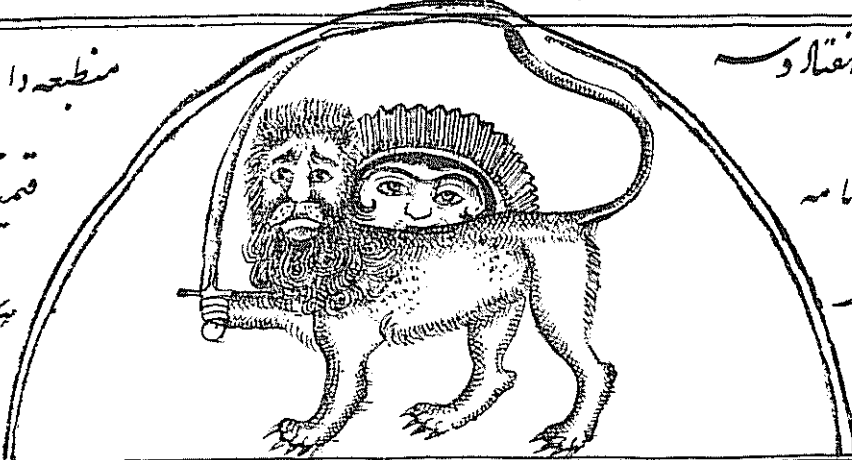
دیگر نوشته اند که در بعضی جایهای ممالک دولت
اسپانیول بارندگیهای شدید شده و سیلاب
جاری گردیده است گذشته از آنکه باره ویت و
و قصبات را سیلاب فرو گرفته و خراب نموده
از شدت سیل و بارندگی راههای آهن مسدود
شده و ارکار باران مانده و باینجه خستگی رت با نوبت
دارد آمده است و اینگونه بارندگی شدید تاکنون
در آن طرفها دیده نشده است

دیگر از اخبار دولت انگلیس نوشته اند از مالیات
و بلدان دولت مزبور که فی که اقل در ماهی پانزده
فروش که معادل سیصد تومان باشد و اوقات
در عرض سال صد و پنجاه از آنها بدو ان عاید میشود
و حساب کرده اند که در یکسال بدو این اشخاص افزون
صد و پنجاه یازده ملیان که بیت و دو که و ر باشد بدو
عاید شده است

دیگر نوشته اند که از حکام ممالک هندوستان حکمران مملکت غوده
بفرمانفرمای هندوستان عرض و حالت نموده از جانب
نخلین خراسان او را م بکومت مذکوره قائم مقام
شده و از حاصلات موجوده یانیت و پنجاه که دولت
هزار تومان باشد بجهت گذران عیال حکمران مزبور تخصیص

روزنامه قایم القایه تاریخ نویم شنبه هجری ۱۲۷۴
شعبان ۱۲۷۴

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر خط پانزده



مهره بیت و هفتاد و سه
قیمت روزنامه
هر نسخه ده

اخبار و حمله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران
چون هر ساله اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی
بجمله شب پانزدهم شهر شعبان المعظم که از یک
نختره و شب مولود مستود جناب صاحب الاموال
صلوات الله و سلامه علیه است در اوقاتی که
که موسم بهار و هوا خرمی و صفادار و بقصر قاجار
تشریف فرما شده و شب پانزدهم را در آنجا
بعیش و شادمانی میگذرانند لهذا در روز ۱۴
این ماه بقصر مزبور تشریف فرما گردیده و در شب
پانزدهم که امنای دولتی علیه و شاهزادگان
عظام و ائمه و مقربان حضرت گردون اسبست
در حضور مبارک بودند اسبش بازی که
که از قورخانه مبارک که با تاج برده بودند با اسباب
حش و طرب در حضور با هر النور چیده بلور
حش و سرور پر خستند و انعام ملوکانه بقورخانه
که مباحث اسباب اسب بازی بودند و سایر این

طرب میزد و لاف داده و بر وجود فیض احوال
بسیار خوش گذشت و نظر بکمال نزمت و صفا
و طراوت اشجار و خرمی بایتن و انهار باغ
خاطر ملوکانه مایل چند روز توقف و تفرج در آنجا
و افواج قاهره و سواره که احضار بر کباب نصرت
انتساب و مأمور خدمت و لایات میشوند و
حلب باغ مزبور فوج فوج و دسته دسته با کمال
اراستگی و اسباب و اسلحه شایسته حاضر کرده
و صف نظامی کشیده بنظر مهران حیرت وانی میسرند
بعد از ملاحظه آنها و انظار اتفاقات و رعایت احوال
و سرگردان و عسوم احاد و افراد قشون آنها را
مأمور خدمات مرجعه میفرمایند و احوال بعضی از
روزگار که خاطرهایون مایل تفرج و گردش شود
سوار شده بصفت شیران و آن اطراف
که درین موسم نهایت خضرت و صفادار
گردش فرموده و باغ مزبور محال و دت نمایند

چون مقرب الخاقان عبداللہ خان صہارم الدولہ
ہمسوارہ اوقات در مراتب جان ناری و مہ
سپاہداری جلالت و رشادت خود را مہر و خاطر
القدس ہمایون سرکار علی حضرت شاہ شہی و امن
دولت علیہ داشتہ و در تخییر قلعیات و اغلب معاک
قدیم تہو و پای جلالت از ہنگام پیش گذشتہ
و در سفر کرمان و فارس در قلع و قمع اشرار و
بلوچیہ و بندر عباسی کمال کوشش و اہتمام را نمودہ
خدمات اوس حسن و مقبول خاطر ملوکانہ افتادہ و این
اوقات کہ از ناموریت فارس بدر بار جہانکد
معاودت و شرفیاب حضور باہر النور ہمایون
ادبیای دولت قوی شوکت حسب الاشارہ اعلیہ
مقرب الخاقان شہارایہ را بر تبت جلیل و منصب
میر پنجہ کی سہ فرزند داشتند و در ازای منصب
یکشنبہ کلیجہ از ملبوس خانہ خاص با و خلعت
کردید

از قرار یکہ نوشتہ بودند چند وقت پیش ازین
بقدر پانصد نفر سوار از اعراب یا غی بعداد
بغیر ہم تاحات ایلات این طرف آمدہ بودند بعد
از آنکہ سہ ہزار و سوار ہستند در ہمہ جا دیدہ و
مایوس از دست اندازی شدند مر جعت نمود
بودند
دیگر نوشتہ بودند کہ از عشر اول جمادی الثانی
شروع بارندگی در بر و جرد و آن اطراف شد
و تا شب عید سلطانی و چند روز بعد از عید لا قطع
بارندگی زیاد شدت شدہ و خرابی فراوان
بر اجنبیہ و عمارات دیوانی و عنبرہ رساندہ است
خصوصاً بنجائہا و بناہای رعایا کہ اغلب از خشت
خام بودہ است خرابی فاحش روی دادہ و سیلاب
متعد و تیر بار شدید آمدہ و خرابی با غلبہ
وزراعات رساندہ است و پلہای بسیار محکم
کہ در معبر رودخانہا و ہندہا ساختہ شدہ بود
اکثری را سیل خراب کردہ است و در خرم آباد
نیز بہین طور بارندگیہای شدید شدہ و خرابی
زیادہ تجارت و زراعات رسیدہ است امتد
این بارندگی سی چہل روز لودہ و از اشخاص معمر
و مسن مسموع شدہ است کہ تا کنون باین شد
و طول مدت بارندگی در آن ولایت روی ندادہ
بودہ است

سایر ولایات
از ہماچان و ہسترا باد و ہمدان
و اصفہان ازین ولایات درین
اخباری نبود

بر و ہمدان
از قرار یکہ در روزنامہ پست کوہ و لرستان نوشتہ
بودند عالیجہ عباسقلینان سر تپ سہ چہ
الی با سہ ہزار و سوار ہستند در کر سیرات و سرحد
انجام مشغول خدمتگذاری و انجام خدمات دیوانہ

دیگر نوشتہ بودند کہ فوج بہادران جمعی عالیجہ
اقا جان خان سر تپ در ہمدان ہم ماہ جمادی الثانی

از سر بجه وارد بر و جبر د شده اند و آنها نیز
از کثرت بارندگی و برف راهها زیاده شکی
بوده اند چند روز در بر و جبر د لوقت کرده اند
که بعد از رفع کالت و تدارک کس و نقصان
بنه و اسباب بعبستان بروند و آب کمر
نایب الحکومه بر و جبر د در و د آنها و ابام تو
نهایت اعزاز و القات را در حق آنها معمول
داشته جمعی از سواره کوزه بر را مشخص نموده اند
که همراه سربازان نور تا عرستان بروند و
بنواب جلال الدین میرزا نوشته اند که سربازان
سرباز و مامورین را در منازل راه کیلان که
رو و خانها و آب کمر و عبور استرات میباشند
که از آن راه باستانی بعبستان رفته مشغول
انجام خدمات مأموره باشند و هم در آن
اوقات عالیجاه آقا جان خان با سرباز و
تدارک روانه عرستان شده است
بظام و خراسان و حمه و
وعراق و فارس و قزوین
و قشم و کاشان و کمر و ستان
و کمر و کس و کرمانشاهان و کرمان
ازین ولایات نیز درین مهله اجباری بود
کیلان
از قرار روزنامه این ولایت که در مقام این
نوشته شده بود مقرب اسحاقان عمید الملک
که از دربار جالیون بحکومت کیلان مامور گردید

بوده سنوز با تنجا وارد مکر و دیده ولی نواب
از جانب خود با تنجا فرستاده است و نواب
مغزی الیه در انتظام امر ولایت و رفاه و آسودگی
رعیت اهتمام کافی معمول داشته است از جمله
قرارداده است که احدی از محصلین و نوکرهای
حکومتی اذن ندارند که بدعات مردم برای انجام
خدمت و جمع آوری تفرقه برونند مگر اینکه اول
مالک ملک را از امر واقع شده احب نمایند
اگر صاحب ملک خود مستعید انجام آن نبود رفتن
محصل موقوف باشد و اگر صاحب ملک خود خوا
محصل بجهت انجام آن خدمت نماید آنوقت محصل باید
که با نوشته حاکم همراه صاحب ملک برود
و آن خدمت را انجام دهد دیگر در باب
راهدار خانها چندین بختهای جدید را که در زمان
حکام سابق معمول شده بود از قبیل مطالبه راه
از مرغابی و کوزه دوشاب و قلمه توت که بجهت
بقراء و مزارع میرند و ماده کا و که بجهت شیر بشیر
آورده و مراحت میدهند و متر دین نوان
که از قرار حول و حوش بشیر می آیند و شیرینی آلات
و کفش زنانه و امثالیه که دافین از شهر خریده
مباکن خود میبرند کلاً را موقوف نموده و نوشته
الترام از مستاجرین راهدار خانها گرفته است
که اگر حقه و دیاری ازین اشخاص باسم راهدار
بگیرند مورد مواخذه و جریمه و تنبیه باشند و
عموم متر دین را بنبی حال شکر گذار یاد دارند

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند معادل
 کلوله ریزی آنجا بسیار خوب و منظم و کارخانه های
 معاون کللاً در کار کلوله ریزی میباشند و نواب مستطاب
 شاهزاده لطف الدین میرزا حکمران مازندران و هم
 کرایه کلوله را بجهت حمل و نقل از مازندران بقورخانه دار
 مبارکه مقرر داشته اند مقرب انخاقان میرزا اسد الله
 وزیر مازندران داده است و کلوله حمل و نقل میشود
 و تخوایی نیز که سابقاً بجهت کرایه حمل کلوله داده شد
 نواب مغزی الب محصل تعین کرده فرستاده اند
 که اگر مبارک کلوله کلوله را تحویل قورخانه مبارکه دار
 نموده است قبض مبارک قورخانه را بنامید و الا
 حکماً حمل و نقل و از محلا مبارکه نموده بقورخانه تحویل بد
 و همچنین امور کارخانه شکر سازی و قند ریزی مازندرا
 نوشته اند که بسیار خوب و رواج بهم رسانده و
 یعقوب و استاد نور محمد قنار که اولیای دولت
 قاهره بجهت امر کارخانه منور فرستاده بودند آنجا
 رسیده و در کار میباشند که شکر داشتند
 بعضی انبار کرده بوده اند که بعقبت کران بفرستند
 نواب شاهزاده لطف الدین میرزا درین باب قدغن
 کرده و آدم فرستاده اند که هر کس شکر دارد
 بعقبت وقت بکارخانه دولتی فروخت قیمت از
 نقد دریافت نماید و سراج نیز موافق حکم اولیا
 دولت قاهره کسی شکر نبرد از آنوقت شکر کارخانه
 منور فراوان و امور قند ریزی رواج و رونق

خوب بهم رسانده و در کاشتن و بعلل آوردن شکر
 نیز اهتمام زیاد شده و ستر از سالهای دیگر کاشته اند
 دیگر نوشته اند که در ایام عید در مازندران سه روز
 لایق قطع بارندگی شد بدین شد بطوریکه عبور و مرور
 میسر نبود و خبر رسیده بود که در آن ایام بارندگی
 در دریای طوفان شده و فروند کشتی از مال
 رعایای سرخه رود و از شدت لطات امواج غرق
 شده و اموال و آدمی که در میان آنها بود همه
 تلف شده بودند

دیگر نوشته بودند که حفیظ مرزا غ مرز که بجهت
 طایفه عبد الملکی و زراعت آنها مجین شده بود در
 این اوقات بمقامت مقرب انخاقان میرزا اسد الله
 پیشکار و حسن ایتام عالیجاه علیخان قاجار هندس
 با تمام رسیده و بقدر دوازده سکنه آبر
 رودخانه بنهر منور جاری کرده اند و طایفه منوره
 در کار تقسیم کردن زمین بجهت رزق و کشت میباشند
 و نهایت شغف و خرسندی را دارند که زمین
 و آب آنها بهتر از زمین و آبی است که در یوت
 سابق داشتند و نواب شاهزاده لطف الدین میرزا
 نیز غنیمت دارند که در این اوقات بکشتی قلج
 که برای سکنا ی طایفه منوره ساخته شده
 بروند و امور آنها را منظم کرده سان خانوار
 موجودی آنها را ببینند

طایر و نهان و نهان و پیر و این
 ولایات نیز در این نهضت خبری نبود

اخبار دول خارجه

از قراریکه در روزنامه های دول خارجه نوشته اند یکی از تا جرهای قومیانیه کشتی بخار ساخته و اسم آنرا هرسیا یعنی ایران گذاشته است طول این کشتی صد و بیست ذرع ایران و عرضش چهارده ذرع و عمقش بیست و دو ذرع و قطر چرخهای آن که میگردند کشتی را راه میبرد سیزده ذرع و قوت بخار آن یازده از قوت چهار هزار است دولت و شصت و شش هزار برای تسبیح و تسبیح در او ساخته شده و صد و پنجاه کشتیان و عملیه تجاره را بر آن میگردانند و این کشتی بر کشتیهای تجارتی است که قومیانیه مر بوجهت برده و این انگلیس و یکی دنیا ساخته است

دیگر نوشته اند که در قومیانیه فرانسه اراده دارند تا چرخ الماسن بجهت و ستادن خبر از فرانسه تا استرالیا بطوریکه از اسکندریه و بیت المقدس و بغداد و بصره و حیدرآباد و ممبئی و لاهور و پشاور و کلکتة گدسته تا استرالیا سیسهای آن بمد بشود قطعه استرالیا در ایام پیدا شده بعد ازینکی دنیا و مابین یکی دنیا و چین است و اهل جغرافیا علاوه بر چهار قطعه کل دنیا که عبارت از آسیا و اروپا و آفریقا و امریکا باشد یک قطعه نیز استرالیا میماند چند سال پیش ازین در استرالیا بانه کلی فارسیکی یکی دنیا معدن طلا پیدا شد و از آنوقت تا حال از فرا و انگلیس و پر دول روی زمین مردم زیاد بجهت در آوردن طلا با بخار رفته اند و سمت آبادی گرفته است حال این بر چرخ الماس و سیم که میخواهند بجهت وصول اخبار از

تا انجام دهند نمایند قریب پنجاه فرسخ میشود دیگر نوشته اند که در صرا تاجانه فرانسه در مدت شش سال آخر بقدر دولت و شانزده کرو و تومان طلا که زنده و حساب کرده اند که بقدر طلای مسکوک یک ربع میل طلایی است که از کل معادن روی زمین بکل می آید و درین مدت بقدر صد کرو و تومان نیز نقره در صرا تاجانه فرانسه کسکه زده اند

دیگر نوشته اند که شتاد و پنجاه نظام مند و ستانی انگلیس که در هندوستان اردو داشتند پانزده هزار از آنها که زنده و داوطلب بوده اند در نظام عسکره کافی باقی برقرار و باقی را که لازم ندانسته اند از نظام اخراج

دیگر نوشته که در مکتب قشون بحریه فرانسه بعد ازین قرار داده اند تا که دانی که معین و نوشته می شوند که در قشون بحریه تحصیل نمایند باید از سن چهارده تا هفده باشند و از اینها بیشتر یا کمتر در سن و سال در مکتب بحریه برقرار نخواهند بود

و نیز دولت انگلیس چون در امور نظام بحریه کمال مهارت دارند از ضابطان امور بحریه فرانسه بعضی بجهت تحصیل و استکمال فنون بحریه بکانب لندن پای تخت انگلیس شده اند و اینها با منور ان انگلیس در تزیید فنون بحریه اهتمام خواهند کرد

دیگر نوشته اند که پادشاه ساردنیه در چهاردهم ماه جمادی الاول بعضی کشتی ها را از قوای دول خود رفته و با رسیدگی نموده بمقر حکومت خود مقرر کرده است

دیگر نوشته اند که در دولت اسپانیول با این دولت و اجزای مجلس ملت در بعضی موارد مخالفت ظاهر شده و کافه و کلا از مأموریت خود استعفا کرده و پادشاه اسپانیول استعفا می و زرای امور خارج و سحره و مالیه را قبول نموده و مضی نداشته است اما استعفا ی باقی و کلا را قبول نموده است

چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده بود در باب کندن چاه با آلات مخصوصه اقدام نموده و هر که بسیار عیش شده اند فواید آنها آشکار گردیده سابقا در لندن و پاریس و اسکندریه ایگونه چاهها با آن آلات مخصوصه کنده شده بود در این اوقات در لندن چاهی کنده اند تا سید ذرع کنده شده و هنوز باب نرسیده است

دیگر نوشته اند که از ابتدای ایجاد راه سیم و حرج تسبیح حصول اخبار تا بحال در دولت انگلیس بر آنجا تاسی و شش هزار میل راه سیم کشیده شده و کس مباشرت و مراقبت این راهها مخصوصه حساب کرده اند در مدت یک سال یک لیان که دو کربور اصطلاح ایران با مخارجه راههای مبرور شده است

دیگر از فراری که در روزنامه جریده اسخو ادث اسلمبول نوشته اند از جانب این شهر سحجه جماعت قصاب و حو معمله لعین شده بود که گوشت را کران نفروشد و هر کس گوشت را زیاده از نرخ بفروشد تا بد سو و بعضی قصابان در اسلامبول و غلطه حبارت کرده و گوشت را کران فروخته بودند بمقام خود

در آید و دو کاکین آنها بسته شده و فیات آنها تزل کرده است و قیمت نان نیز تزل کرده و ایستار از زانته شده و این معنی موجب شکر الهی اینجا گردیده است

دیگر نوشته اند که در بیت و ششم ماه گذشته شب در ساعت سه و نیم در حواله چور چشمه در محله پاشا از خانه مصطفی آقای چادرچی قضا و تظلم ظهور کرده در آن جن عا کرد دولتی و مأمورین سایر رسیده و در اطهای آن اتهام نموده و نگذاشته اند که بیشتر از شش باب خانه محترق بشود و پیش را خاموش کرده اند

دیگر نوشته اند که در سمت جنوبی استرالیا بمبافت صد و بیست میل یک اطله بزرگ ظاهر گردیده و از سفاین دولت انگلیس یک کشتی برای باسجارت رفته و اسجارا با اسم دولت انگلیس ضبط کرده است در میان جزیره مبرور کوهی است و اطرافش بیشه و درخت است و از بنی نوع آن خالی بوده است

دیگر نوشته اند که در این اوقات در کشتی سازهای دولت انگلیس همه جاد و کار ساختن کشتی میباشند حتی عمل کشتی ساز خانها شبها را نیز کار می کنند و علاوه مقرری یومیه آنها از جانب پادشاه و معین و بوکیل امور سحریه مقدر گردیده است که در وجه عمده مبرور عاید سازد

روزنامه قانع آفتاب پنجشنبه بیستم شوال سنه ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

مرکزیت و قتل و چها

قیمت اعلانات

هر خط یک خط

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده



اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

اعلیحضرت اقدس هالیون شاهی ایده الله
که بجهت صفا و خرمی باع و عمارت قصر قاجاریه
در آنجا توقف فرموده بودند در روز دوشنبه
از آنجا بدارخلافه باهره و متسلط غلظی حجت
فرمودند و جناب اشرف اجداد رفیع صدر اعظم
که بجهت سرکشی بعضی دعات خود اذن مرضی حاصل
کرده بودند در روز مبرور برکات حضرت آیت
پیوسته و شیراب حضو مبارک گردیدند
چون بجهت توقیر و احترام جانب علمای دینیین و
فقهای شریعتین و فقهم الله تعالی هر ساله سرکار
اقدس هالیون شاهی بیدین آنحضرت لایف
فرما و آنرا مشمول عواطف ملوکانه میزند لهذا
در روز سه شنبه گذشته بیدین علمای اعلام
تشریف فرما گردیده تشریف بجایه پیرامون مام جمعه
برده و از آنجا بجایه جناب شیخ عبدالحسین و از آنجا

بجایه جناب آقا شیخ رضا سلمه الله شرف ورود
ارزانی داشته هر یک از آنها بلوارم شکرانه و
و عاکونی وجود فایض اسجد هالیون پرداخته و
مشمول عواطف و تفتحات ملوکانه گردیدند
در این اوقات که غلامان ابوالجبار امیر الامراء و
مقرب آنخاقان سرکشکی باشی با اسلحه و اسب و
بنظر امدتس هالیون اعلیحضرت قوی شوکت شاهی
ایده الله پیشه رسیدند چون کمال ارادت و نظام را
داشتند خصوصاً غلامان نظام که همگی رنجه و آراسته
با ملبوس و سلاح خوب و اسبان فربه و توانا و
مردوب از حضور مظهر خورشید وانی گذشتند و نمودند
حسین و التفات ملوکانه گردید و نظر با تماماتی
که از مقرب آنخاقان شارالیه در انتظام و آراستگی
و مدارکات آنجا بعل آمده بود مورد توارش و عنایت
گردیده و یکیش کلیجه از ملبوس بدن مبارک تجویز
مفاخرت را لایه حجت گردید.

در این اوقات که ایام ماه مبارک صیام نزدیک است
 از آنکه در مرض هستند لکن از معاینه آنجا که طالب ترقی
 هستند البته بیکار نخواهند ماند و از مباحث و مطالب
 اگر چه هوای قصر قاجار و شمیرانات در نهایت صفا
 و بابتین و اشجار و انهار اینجا کمال خضرت و
 و خرمی را دارد و زیاده مطلوب مطبوع خاطر است
 هالیون سرکار علیحضرت شاهنشاهی است ولی بجهت
 رعایت جانب عامه لوکرباب و آیش و تهرات
 آنها و اجتماع ایشان در مساجد و معابد و مشغولی
 مجازم طاعت و عبادت و وظایف دعا کونی و
 ماه مبارک رمضان تشریف فرمائی اینجا را موقوف
 و انشاء الله ایام صیام را در دارالخلافه مبارکه
 تشریف خواهند داشت چون در ماه مبارک رمضان
 بقرار و قانون سایر ایام اجتماع خدم و حشم در
 خانه و اشتغال بخدمات دیوانی باعث حجت و
 مشقت است لهذا برباب اقدس ملوکانه قرار
 گرفته اند لوکر که بدار معدلت مدار و مشغولی هر
 سجدات محوله بخود داده شده و در این روزها
 مسطور میگردد که احدی از این قرار نباید تخلف نماید
 اهل لی نظام از توپچی و سرباز و سواره و خزینه که
 هر روزه در میدان ارک و میدان خارج دروازه
 دولت مشق میکردند درین ایام صیام از غزه الی
 از مشق نمودن معاف و مرضی میباشند که قوا
 قوا و نایبهای ارک و شهر بقرار نوبت معین در سرحد
 بودند و سایر عبادت و استراحت مشغول شوند
 معین و معین مدرسه دارالقانون نیز از غزه الی

آزاد و مرضی هستند لکن از معاینه آنجا که طالب ترقی
 هستند البته بیکار نخواهند ماند و از مباحث و مطالب
 در مس خودشان مباحثه و مطالعه کرده اگر بتوانند
 مسئله دقت و تحقیق نموده شرحی نوشته باشد که مطبوع
 معین و خزینه به در روزنامه خواهند نوشت که ب
 استهوار و اقیانوسها کرد و دوسار لوکر باب
 عظام و امنای دیوانخانه مبارکه و متعلقان کشیکخانه
 و طبسان سلام و غیرهم میباید ساعت بغروب آفتاب
 مانده در درب خانه سلطانی حاضر باشند و
 افطار را در خدمت جناب اشرف ارفع فخرم
 عظم خواهند بود و اشخاصیکه باید سلام جا
 مبارک شرفیاب شوند تا ساعت چهار از شب گذشته
 خواهند بود بعد از آن اذن مرضی خواهند داشت
 و اشخاصی را که جناب معز علی کار داشته باشند
 تا دو ساعت بصبح مانده در ارک سلطانی خدمت
 جناب معز علی خواهند بود و بعد از آن هر کس
 بخواهد خود خواهند رفت و نیز چنانچه در راه
 مبارک گذشته نیز نوشته شد اشخاصیکه در
 بغروب مانده در درب خانه مبارکه و در مجلس
 معز علی حاضر میشوند بجهت اینکه از لوکرهای آنها
 ریاده در درب خانه اجتماع و ازدحام نشود جای
 و ادانی علی اختلاف المراتب از دو لوکر تا پنج لوکر
 بیشتر مازون نیستند که همراه خود در درب خانه
 مبارک که بیاورند

چون در این لیالی ماه مبارک رمضان وقت	جمعه ۱۱	۴۷ دقیقه
از اکل و شرب و طلوع صبح بجهت بعضی اشخاص معلوم	شنبه ۱۹	۴۱ دقیقه
بود و احیاناً مؤذن دیر یا زود اذان میداد بجهت	یکشنبه ۲۰	۵۰ دقیقه
تسکین آن که هرگز بداند منجمین از غره ماه مبارک	دوشنبه ۲۱	۵۱ دقیقه
الی سبوح ماه منور وقت طلوع صبح را بقرار مسطور	سه شنبه ۲۲	۵۲ دقیقه
ذیل شخص کرده اند و در روزنامه نوشته میشود	چهارشنبه ۲۳	۵۴ دقیقه
که در ساعت غروب اعتبار نمایند	پنجشنبه ۲۴	۵۶ دقیقه
سه شنبه غره ساعت و سیزده دقیقه بدست	جمعه ۲۵	۵۷ دقیقه
چهارشنبه ۲ ساعت و ۱۵ دقیقه	شنبه ۲۶	۵۱ دقیقه
پنجشنبه ۳ ۱ دقیقه	یکشنبه ۲۷	۵۹ دقیقه
جمعه ۴ ۲۱ دقیقه	دوشنبه ۲۸	ساعت و ۱ دقیقه
شنبه ۵ ۲۴ دقیقه	سه شنبه ۲۹	۲ دقیقه
یکشنبه ۶ ۲۵ دقیقه	چهارشنبه ۳۰	۴ دقیقه
دوشنبه ۷ ۲۷ دقیقه	چون رای مبارک سرکار علیحضرت شاهنشاهی صان الله	
سه شنبه ۸ ۲۹ دقیقه	ایام سلطنته عن التناهی بتکلیف هرگونه علمی رعایت مایل است	
چهارشنبه ۹ ۳۱ دقیقه	غالباً تاریخ روضه الصفاد مجلس حضور اعلی خوانده و	
پنجشنبه ۱۰ ۳۳ دقیقه	معروض میشود رای مبارک را بطور ساده بخاریهای آخر	
جمعه ۱۱ ۳۵ دقیقه	غیبتی است و در حقیقت تاریخ خاصه سلاطین حثمت این	
شنبه ۱۲ ۳۶ دقیقه	ایران است و از زمان سلطان حسین بایقرا ای کورکانی	
یکشنبه ۱۳ ۳۱ دقیقه	تا حال سید و مقتاد و دوسال گذشته است	
دوشنبه ۱۴ ۳۹ دقیقه	در این اوقات رای مبارک اقتضا فرمود که وقایع این	
سه شنبه ۱۵ ۴۱ دقیقه	سنوای مذکوره برهفت جلد سابق الحاقی یا بدو مقرر	
چهارشنبه ۱۶ ۴۳ دقیقه	فرمودند که عالیجاه رضاقلینان ناظم دارالفنون که در	
پنجشنبه ۱۷ ۴۵ دقیقه	تواریخ سلف تسبیح تمام دارد سه جلد دیگر بران منتظر	

سابق بنماید و دست بر طبقات بنیاد سلاطین الی الان
 قرار دهد که تاخیر و تقدیم طبقات سلاطین و عدد
 آنان معین و زمان ملک ایشان واضح شود و چون
 اسکتا بچندین هزار بیت بر عسوم خلایق صیحت
 تمام دارد مقرر شد که بکزار نسخه طبع شود و
 مشارالیه در مدت دو سال تمام سه جلد بران
 بهفت جلد افزوده که مثل است بر حالات صفویه
 واقف ریه و الواریه و سلسله علیه قاجاریه الی
 تاریخ بکزار و دویست و هفتاد و دو در کمال تفحیح بام
 رسانید و تباریچ روضه الصغای ناصری طبع
 کشته بهترین تواریخ ایران است و جامعیت کامل
 دارد و غالب خلایق را رغبت بدستن و خواندن
 آن است و از روضه الصغای مطبوع بندر ممبئی هر آب
 بهتر است از دو جلد قدیم و جدید بکزار نسخه در دار
 روزه میشود و بعد از اتمام قیمت آن نیز در اعلانات
 این روزنامه نوشته خواهد شد

عالیجاه محمد سراف میرزا ملک خان سرمنک انا ما ژور
 مترجم مخصوص دولت علیه اجدان رکاب هان
 که از دربار شوکتدار مأمور سفارت خانه دولت
 علیه مقیم اسلامبول و ۲۴ رجب المرجب از دار
 روانه مقصد شده بود از قراریکه چند روزی در این
 تبریز نوشته بودند در نسخ رجب از اینجا روانه محض
 شد

در نهمین جلد یازدهم کاغذ اخبار موسوم بحسن الاخبار که در
 تفصیل در باب قمار مأموران دولت تکلیس و فایح اتفاقیه این

۱۷۶۰

این دولت و مأموران دولت مشایخ تباریخ هاشمیه
 که سینه هجری مطابق فوروری عیسوی نوشته شده بود
 فقرات مسطوره آن مطابق واقع و مقرون بحقیقت بود
 در ایضاح و اثبات کمال مراقبت و مواظبت اولیا
 این دولت بحفظ روابط دوستی و سلم و صفای نسوین
 قومیتین بیانات واضح و اشعارات بغیرضانه لایحه
 داشت و زحمات اولیای این دولت را در جبر و
 حرکات مأموران دولت مشایخ تباریخ هاشمیه
 غیر مستحسنه و رفع مفاسد عظیمه که ترتب آن بحکام
 منوبوره خصوصاً موافق شریعت مطهره اسلام و
 مملکت پر غیرت ایران علناً و جهراً محتمل بود از روی
 بصیرت و حقیقت مندرج و حکایت کرده بود و آن
 روزنامه از حسن اطلاع و انصاف روزنامه نگار
 بخوبی که دقت و مایل در فقرات مسطوره آن گردید
 مطابق بود با حقیقت اوضاعی که اتفاق افتاد
 و احتی مساعدت و مسراهی اولیای دولت ایران
 که نسبت بامورین دولت انجلیس مرعی داشته
 بودند بی اغراض نقل و حکایت کرده بودند لهذا مناسب
 که همان روزنامه حسن الاخبار در رین روزنامه
 لفظاً بلفظی کم و زیاده مندرج شود تا حقیقت اوضاع
 معلوم هر صاحب بصیرتی گردد

روزنامه که در مبنی و با بعضی قایح اتفاقاً بین و لیای دولت علیه ایران و مورین دولت نکلیس
چاپ زده شد از این قرار است

خبری که از دارالخلافه طهران معرفت یکی از دوستان دربار
عالیجاه مدی صاحب و دیگر انگیزان و سلوک و رفتار سفیر
ایشان رسیده برای اطلاع و احتضار ناظرین حسن الاخبار درین
هفته درج اخبار خویش نموده مجریش را لایه نگاشته است که
موری وزیر مختار دولت نکلیس که تازه بایران رفته بود در
دوستی و مراد و باد دولت علیه ایران را وجهه تبت خود
و علم دولت نکلیس که علامت استحکام بنیان دوستی با آن
دولت قوی شوکت بود انداخته و این همان علنی بوده که از روز
اول که بنای مودت و دوستی را گذاشته بودند برافراشته
از برای اجرای کارهای عجم خویش برپا داشته اتمامی تمام
بدان می نمودند و واقعه نگار موصوف آنچه در اخبار ناها دیده
از معتبرین شنیده و از دوزناهای طهران فهمیده برشته
کشیده اظهار می نماید که دولت نکلیس در اینکه دولت ایران
دولتی عظیم و قوی می دانست حرفی نمیزد و درین هم که آن
صدیق و خیرخواه خود بجا آورده بود شکی نیست و گویا هنوز
بهمان عقیده و اعتقاد سابق و برقرار باشد تا ما مورین
ایشان در ایران کلاً بواسطه اغراض نفی حرکتها کرده و
رفتار نموده که دولت ایران بلکه عامی امانی مذنب ملت
ایشان از دولت نکلیس رنجانیده اند بطوریکه تبحر بر آن
حتی اینکه با اعتقاد اخبار نگار مرز بر تعین نیست و اعتقاد از برای
دولت و ملت امانی ایران درین خصوص حاصل شده است و
ایرانیان اول دولت نکلیس را دوست خود میدانند
برعکس سابق دشمن قوی خویش می پندارند چنان نیست که

از انگیزان خیالهای بد در باره ایران دارند و اند دولت
از راهایان هندوستان می شمارند و آنچه ما مورین دولت
نکلیس در ایران برخلاف حسب رفتار می کنند همه از برای
دستور العمل دولت خود است اگر چه با اعتقاد در قسم
دولت نکلیس هرگز راضی باین قسم رفتارهای ما مورین
نستند اما بعضی رفتارها از دولت نکلیس هم درین دست
نسبت بد دولت ایران شده است که خیالات ایرانیان را
تقویت می کند از آنجمله کنیل صاحب وزیر مقدمه هرات
اینکه بی حق بود حرکتی نامناسب و خلاف طریقه دوستی و دوست
از او صادر شده و ترک مراد و کرده سفارت نکلیس را
از خاک ایران بجا که روم کشیده بوجو ضل اینکه دولت نکلیس
عمل او را قبیح شمارند حسین خان اجدان باشی را که از جانب
دولت ایران سفارت دولت نکلیس مامور شده بود بدین
راه ندانند و حال اینکه وی از برای همین رفته بود که دلا
واضح خود را بولیای دولت نکلیس حالی نماید و چرا باید
دولت نکلیس سفیر یک دولت قدیم را بجا که خود را ندانند
مکر دولت نکلیس میتوانست بدولت دیگر اسکونی باشد
کرده باشد و عهد و دلتی دولیتن را منوط بر جای نکلیس
ایچی خود نماید و حرف حسابی آن دولت نشود لهذا از
انروالی یومنا بداد دولت ایران از دوستی نکلیس
شده اند و تا امر و حرکت خلافی که از ما مورین نکلیس
در ایران صادر شده است اگر چه دولت ایران بنایت
متخل شو دولتی بقای مراد و باد آن دولت را بران حرکت

ترجیح داده با کمال اگراهی متحمل می شدند تبصرا اینکه کمال
 احوال را دار که دولت ایران بتواند مراتب رفقا
 مامورین انجلیس بدولت ایشان حالی نماید اگر سفیر
 نمایند دولت انجلیس نمی پذیرد و اگر کاغذ بنویسند جواب
 نمیدهد و با این که هر وقت بحکم ضرورت اولیای دولت ایران
 رفتار و حرکات ناشایست مامورین را بلا واسطه بدولت
 انجلیس می نوشتند جوابی نمیدادند و اگر هم بعضی اوقات
 جواب میدادند بمامورین خود می نوشتند که شما آمده بای
 دولت ایران اظهار نمایند و واقعه بخار مسطوکا حیرت
 دارد که با این احوال دولت ایران چه قدر در بند وستی
 دولت انجلیس بوده است هیچ دولتی نمیتواند متحمل اینگونه
 ناملایات بشود همچنانکه طوکی کشیده است که امیر بخارا
 ایستاده و بیهارا نتوانست متحمل شود و حکایت است
 اتفاق افتاد و شهره آفاق گشت و هر وقت مامورین
 دست بخاری قاعده زدند و در آن سخت گیری کردند تا
 آنرا سر و صورتی دادند مراتب را بدولت خود نوشته
 باز بعد از چندی آمده باولیای دولت ایران اظهار
 که دولت انجلیس عمل را تصدیق کردند از این فقرات
 معلوم میشود که دولت ایران چه قدر باید از دولت انجلیس
 بر بخت دیگر آنکه انجلیس صاحب حکایت بهرت را بجا نکرده
 انجلیس را بجا که روم نقل نمود و دولت انجلیس هم که در صفت
 انصاف و حقانیت بر خلاف عقیده سوانج بخار مشهور دنیا
 شده است همراهی با سفیر خویش کرده عمل او را پسندید
 و بر دولت ایران طوری سخت گرفت که از بهرات که ملک
 قدیم بود عجله صرف نظر نمود با وصف اینکه بودن آن
 در دست دولت علیه اند دست اندازیهای ترکمان و
 افغان باعث وقوع مناسبت عظیمه است مگر آنکه شیل صاحب
 مدام توقف در ایران چه سختیها که از برای کار خیر
 کرد و وجه مرا تها از برای دولت ایران که جایز نیست
 اول سفیری که سفارت انجلیس را پشت و پناه اشعار و
 و متمدن دولت ایران قرارداد شیل صاحب بود و چنانکه
 یکروز در زمان او کسی سفارت را بیست بید و شیل صاحب
 ادعا نمود و نویسند داشت که مردم را دعوت لبغارت
 میکردند و روگردان از خدمت و اطاعت دولت مشهور
 همچنانکه اینانی فارس و کوهک خان دینی و عبا تقی
 سردار لاریجانی حسین خان نظام الدوله و فرهاد میرزا
 و خانبا با خان خونساری را بی حبه و سبب و بدون آنکه
 دولت ایران خیال تعرضی نسبت بانها داشته باشیک
 دعوت بهست سفارت کردند و اولیای دولت ایران
 بزحمتهای زیاد بی مداخله سفارت آنها را راضی کرده
 است بیرون آوردند و نیز در عهد شیل صاحب وقت
 صاحب لاریجانی اصف الدوله در خراسان از دولت
 ایران باغی شده و چه حمایت او جانب داریها که
 و فرنت صاحب از یامغان دولت ایران در باطن
 کردند اعتقاد و اقدکار آن است که پولهای زیاد
 باب مایه گذاشتند که بلکه دولت ایران را بدست
 حزاب نمایند و واقعا اگر حمایت این دو نفر ماموران
 با لاریجانی شد لاریجانی طور میتوانست اینقدر در مقابل
 قشون دولت ایستادگی نماید و انصافا باینکه دولت
 ایران تا آنوقت قوامی نگرفته بود خوب از عهده این کار

برآمد و پادشاهان هراتی در مقدمه طغیان سالار خود
سوار زیاده بیک قشون ایران بر سر سالار آمد
و در و در مشهد کمال غمگنداری از دادن سوار و
و اسباب کرده و هیچ قسم مضایقه ننمود و پیشکش و
او همیشه بطهران می آمد و فرمان و حلقه هم از جانب
پادشاه برای او میرفت و بر عادت حکام قدیم
که را با اسم پادشاه ایران میزد و آنرا جزو مالک
ایران محسوب میداشت و بهین سبب طغیان طغیان
گشت و اینها دلیل قوی است که پادشاهان خود را نوکر
پادشاه ایران میدانست و از جانب آن دولت خود را
در هرات حاکم میدانست و بعد از فوت او پسرش
از نثر فرمان و حلقه پادشاهی بجای پدر حاکم
شد و او نیز مثل پدر بنای خدمت و بندگی کرد
از دادن پیشکش و سکه زدن و آنچه لازم حکومت
و بندگی بود و هیچ مضایقه ننمود و برادر خود محمد
خان را هم بطهران فرستاد که نوکر رکاب باشد
و خدمت نماید اما شیل صاحب خون این مراتب خوب
اطلاع یافت بنای لجابت و سخت گیری را گذاشته
هر روز اولیای دولت را بکاری مشغول میکرد و چون
دید که این را به مقصودش حاصل نمی شود بدولت
خود بطریق اشتباه چیزی نوشت و با تخته در لندن
باشیخ خان شاری دفر دولت ایران ترک می نمود
کردند و صریح او را اعلام نمودند تا امر هرات را اولیای
دولت با شیل صاحب بگذرانند افتتاح ابواب
نمی شود و در طهران هم شیل صاحب دست بجای

گفته رفته اسباب مرارت از برای اولیای دولت
روی کار می آمد تا قرار می فیما بین داده شد اگر چه
اخبار نویس مذکور از آن قرار داد بدستی مطلع نیست
اما آنچه مطلع شده که میا این است که از جانب دولت
انگلیس هیچ وجه من الوجوه مداخله و مراد و بهر هرات
باید نمود و احدی از انگلیس با پی نجاک هرات نگذاشت
یک کلمه کاغذ از جانب مأمورین انگلیس بجا حکم هرات
نشود اما دولت ایران هر قسم مراد و مداخله که در
عهد خاقان علی بن شیان فتحی شاه محمد شاه رضوی
جایگاه و اوایل دولت علیه در هرات داشته که
داشته باشند و عریضه و پیشکش و آدم حاکم هرات
بطهران بیاورد و برود و از دولت ایران هم فرمان
و آدم هرات برود و بیاورد و اگر از خارج کسی بخمال
هرات حرکت کند قشون ایرانی برود و جمعیت آنها را متصرف
سازد لکن دولت ایران هرات را تصرف ملکی نکند
و حکومت هرات و کابل و قندهار و در دست حکمرانان
خود بماند و از هیچکدام تعهدی و تعرضی دیگری نشود و
خلاف این قرار داد از جانب دولت و مأمورین انگلیس
شاید شود آن قرار نامه باطل و از درجه اعتبار
گرفته و بعد از شیل صاحب ثوبت بطاسن صاحب
از همه مأمورین سابقه یک دست بالا تر برخواست و
کاری در ایران کرد که در دنیا احدی ندیده بود و چنانکه
از برای اعتناش حواس دولت ایران اتمام مستطرا
محکم شد که بطورهای نامناسب در مقام متخوش
برآید و مفصل احوال او را هم در روزنامه های طهران

خواندیم که عاقبت بر سر قشون امام مسقط در سبزه عباس
چه آمد و از یک طرف هم خان او را کج را محترک شده که با
و جمعیت زیاد بر سر مرو و سرخس که از خاک جران است
آمد و بر سر او هم آمد آنچه آمد و بقتل رسید که فیصل
در روزنامه طهران و دیگر اخبار مندرج شده و واقعه کج
حیرت دارد که مأموران انکلیس باید در پایتخت دولت
ایران باعث اینهمه مفاسد عظیمه بشوند که بنای مراد
سجود و دوستی فیما بین نقصان پذیرد و تا امر فرستاد
که از دولت ایران خلاف دوستی نسبت بدولت انکلیس
ظاهر شده باشد که باعث آن شود که مأمورین دولت انکلیس
اینگونه در مقام اغتشاش دولت ایران برانند
کارها که طاسن صاحب کرده آن است که قرارنامه هر
برسم زده و بنای آدم فرستادن و کاغذ نوشتن
بهرات را گذاشته بود و سید محمد خان نوکر مطیع دولت
ایران را از خدمت آن دولت روگردان نمود و با هم
قناعت نکرده نوشت که یکی از انکلیسین بهرات آمد و
پهلوی سید محمد خان افتاد و بنای مفته را گذاشت
و سرحدات حرات را مغشوش کرد چنانکه خراسانی
از دست تاخت و تاز بهراتی و ترکان اسوده نبودند
و تاروژی که سید محمد خان فوت شد و شاهزاده
محمد یوسف حاکم بهرات شد انکلیس در بهرات بود
و کو یا هنوز هم در آنجا باشد اگر فی الواقع قرارنامه
بهرات انطور باشد که بواقع بخیر رسید است دولت
ایران حق داشته و دارد که آنچه صلاح خود را در باب
بهرات داند معمول دارد و آن قرارنامه را کان لم یکن

انکار دو درین صورت هیچجه ایرادی بر دولت ایران
و اردنی آید از اینها گذشته طاسن صاحب سبزه
حمایت ایرانیها را از دست نداده و ساعتی اولیائی
ایران را فارغ نگذاشته چنانکه حمایت از فرهاد میرزا
کرده و او را بابت سفارت دعوت نمود و مدتی از
برای او با اولیای دولت ایران در سؤال و جواب بود
و هم چنین حاجی عبدالکریم تاجر قندهاری را که چهل سال
با سیمت عربیتی دولت ایران در ایران زندگانی کرده
و صاحب زن و بچه و عیال شده و دخترکی از شاهزاده
هم گرفته بود با اسم اینکه پدران حاجی عبدالکریم سکار
بوده و سکار پور داخل ملک انکلیس است و بر سر مقدمه او
علم سفارت را انداخت و ترک مراد کرده عجبتر اینکه
حاجی عبدالکریم اقرار بشکار پوری بودن گذاشته و خود
تبعه انکلیس نمیدانسته و میگفت اصل من قندهاری است
و عیت ایران بوده و حال هم ستم و اقرار عربیتی ایران
مینماید چون نوبت طاسن صاحب گذاشت و نوبت سیم
رسید کارهای او با مره ترانکارهای همه شد از وقتی که
مشور شد مستمری خواهد آمد دولت ایران با قضا
وقت و معمول ساید و لهما تصور میکرد که شاید
از برای کارهای عده می آید که فایده از برای دولتی
حاصل شود و نیز آمدن او از برای آن است که آنچه از
سایر مأمورین انکلیس نسبت با ولیای دولت خلاف
قاعده باشد باشد تلافی نماید و بخار که ورت آنها
از دل بشوید ازین جهت دولت ایران بپور و او زیاد
منستطوری
و همچنین وارد سرحدات ایران شد یکی از نوکرهای خاص را

که بس عظیم ایشان مشهور دولت ایران بود و در آن
 معانداری بدان سرحد فرستاده و بر احوال احترام
 وارد طهران سازد و بجمع وجوه رضای خاطر او را
 بعل آورد و دقیقه از دقائق احترام نامری نگذارد
 بعد از ورود همه روز مستظر این بودند که کی چه
 بنای عرف و گفتگو خواهد گذاشت اما آنکه بعد از مدتی معلوم
 شد که او هم اقتدا با مورین بن کرده و اول تیری که از تیر
 او بیرون رفت حکایت فرما میزد که مجدداً او را
 دعوت سفارت کرد و بر سر او بنای سوال و جواب
 گذاشت بقتی که هر کس قادر طاسن صاحب را
 دیده بود با اینکه ناچار و بجا بود بر عمل مستمری
 میداد لاجرم چون فهمید که عمل فرما میزد از بی حق و
 عسکری پادشاه را نمیتواند داخل تبعه دولت بماند
 و ظلمی هم بدو شده است که بدو واسطه او را پناه دهد
 از آن کار صرف نظر کرده اقرار بجهت دولت ایران
 دست کارهای دیگر را از قبیل حمایت فرستادن
 که سرب کرده گرفتار گزها شده بود و تکرار تیر کرد
 که باید آن شخص یعنی سپاهیان پولیس که فرستاده
 گرفته است چوب کاری شود و چند آنکه بوی پیغام
 که آنکس خلاف قاعده نموده است که مستحق چوب
 خوردن بشود و تو نیز از جانب دولت خود مأمور بترتیب
 مردم اینو لایب نیستی اصلاً فایده نکرد و اصرار می نمود
 بچنین کارهای نامناسب بسیاری درین قلیل مدت توقف
 در طهران از او ناشی شد که قابل بخارش نیست و بر
 جوهای کاری و شغولی بوده و مرارتی از برای دولت

ایران پیدا میکرده تا آنکه کار میرزاهاشم خان پیدا
 کرد و حکایت او بر وجهی که واقع نگار معلوم شده است
 که میرزاهاشم خان اول در اندرون پادشاه غفران
 محبت و علامت بچه بود و چون اعلیحضرت پادشاهی در
 زمان ولیعهدی مأمور با ذریعان شدند او نیز با آن
 بدینجا رفت و چون اعلیحضرت پادشاهی مرخص گردید
 و بر تخت سلطنت جلوس فرمودند او را علامت پیچیدمت و
 دولت تومان موجب بجهت او مقرر فرمودند بعد از
 چندی وی استدعا کرده که در نظام نوکری شود نیز مقرر
 شد پس از چند روزی بی سبب و جهت رفته بفرمان
 انجلس و بت نشن طاسن صاحب خواست او را نشن
 اول سفارت قرار دهد و نشن کری او را با ولایای دولت
 نیز اعلام نمود او با ولایای دولت بخواجگی حاجی صاحب
 نمودند وی فتح الغنیمت کرده او را از نشن کری معذور
 دیگری را بجای او مضروب گردانید و با ولایای دولت
 اعلام نمود پس کار که اران دولتی خواستند او را از
 سفارت بیرون آوردند وی با مرز و فرامیگردانید
 و میگفت مرا اذیت خواهند کرد لکن طاسن صاحب ولایای
 دولت تکلیف نمود که چون او تیرسد من او را با یکی
 از دهای خود میفرستم ایشان را ضعیف شدند بواسطه آنکه
 بسیار اتفاق افتاده که چون کسی با آدم سفارت آید
 بعد از آن او را داخل تبعه دولت انجلس و رعایای اندو
 محبوب میشد از این جهت بطاسن صاحب گفتند اگر کسی
 داخل سفارت بیرون بیاید کمال محبت بوی خواهد
 بهین احوال در سفارت مانده بود تا ماستر مری وارد شد

و در ایام تابستان که اعلیحضرت پادشاهی دارکائنات
 و سفارت همبسیلاق میرفتند میرزا ماشمش خان هم
 سفارت به سیلاق رفت و از قراریکه از ایران نوشته بود
 و صدق و کذب آن هنوز برواقه کام معلوم نیست میرزا ماشمش
 خود را که یکی از شاهزادگان است و دانش طولانی چنانکه
 تخریرنی اید با خود به سیلاق برده نزدیک باغی که مستر می
 منزل داشت ممکن نمود و این کیفیت در شهر طهران بطور
 نامناسب با قبیح شهرت نمود و اولیای دولت خواستند
 که مستر می را ازین شهر تها اطلاع دهند که عذررسی
 و سفارتخانه دیگر دول که در طهران بود نوشتند و این
 مطلب را در پرده بهیمن آن حالی کردند که شاید مستر می
 خجسته شود و رفتار خود را تغییر دهد تا مفسده از برای
 او و ایرانیان برپا نشود مستر می اصلا بدین اظهارات
 اعتنائی نکرده تا آنکه وارد شهر و نزدیک سفارت خانه خود
 خانه برای زن میرزا ماشمش خان گریه کرد و در آنجا فرود
 و سکون یافت چون مردم شهر و علمای ازین واقعه مستحضر
 استغفار و کافذهای شرعی و عرایض چند با اولیای
 نوشتند نزدیک بود که بلوای عام بشود مستر می دید که
 پرده کارش دریده و شش از بام افتاده بهانه نمود
 که میخواهم میرزا ماشمش خان را تو کمر سفارت کنم
 و بفارس بفرستم و باین خصوص گفتگو و جواب و سوال
 با اولیای دولت نمود جواب دادند که تو نوکر و خانه
 دولت را بچه دلیل چگونه نوکر سفارت قرار میدهی اصلا
 بکوشش فرو رفت و باز در مطلب خود اصرار مینمود و
 اسم زن او را نوشته مطالبه میکرد و میخواست که او را

دولت را مجبور سازد که برضای خاطر او و مخاطرات عظیمه
 تن در دهند و زن میرزا ماشمش خان را بفارس بفرستند
 چون مفاصده عظیمه درین باب بر روی کار می آمد تکلیف
 قبول نکردند و همین کیفیت را بجهان کرده علم سفارت خود را
 انداخته و ترک مراد داده نموده از طهران بیرون آمدند
 روم رفت مجبور مذکور میگوید که بسیار عجب است که در ملک
 چنین امری واقع شود و بلوای عام نشود و شورش ناکند
 و معلوم میشود که اولیای دولت ایران چه خستهای بسیار
 کشیده و چه تدبیر اندیشیده که مانع همچنین فتنه عظیمه
 شده اند و کار را بدینجا ختم کرده اند و همچنینکه و آنچه
 موصوف شیده اگر طاعت صاحب علم سفارت را در
 بر سه یک نفر تاجر بود و چندان قباحتی نداشت اما بجهت
 خاطر یک زنی باین کیفیت علم تکلیس بنقیده چه قدر قباحت
 میدانم دولت تکلیس چگونه رفع این قباحت را خواهند کرد
 و با سفیر خود چه نوع سلوک و رفتار خواهند نمود و از قرار
 خبر رسیده امیر دوست محمد خان کابلی هم تخریک و ایداد
 بر سر قندهار کشیده و استجارا تصرف نموده و از آنجا قصد
 بهرات را دارد اگر چه صدق و کذب این خبر بر اتم معلوم نیست
 اگر چنین باشد معلوم میشود که برخواستن سفارت تکلیس از برای
 ایران برای تمهید چنین کارها بوده و الا بطریق این ناقابل
 سبب رخو استن سفارت و قطع دوستی و مراد و چندین ساله
 دولت ایران و تکلیس میتواند اینست تمامی اخباری که در
 باب سفیران انگلیس شسته بودند و الله اعلم بحقایق
 قمری که روزنامه نویسن مسمی در روزنامه خود

بجهت بی اطلاعی یا بلاخطه و یکم قید کرده و حالا
برای تکمیل اطلاع خلق درین روزنامه
میشود ازینقرار است

معاهده این دولت با دولت انگلیس عهدنامه مجلس است که تاریخ
۱۲۲۴ هجری مطابق ۱۹ مرداد ۱۸۰۹ عیسوی درایام
امیرکبیر خیرالقدردان سفیر دولت فرانسه باین دولت توسط
سر هر فانس منعقد شده و وسیله آفازدوستی درمیان
دولتین ایران و انگلیس گردیده است و ویمین عهد

مفصله است که بتوسط سر کروزیلی تاریخ ۲۹ صفر ۱۲۲۷
هجری مطابق ۱۴ مرداد ۱۸۱۲ عیسوی صورت انعقاد
یافته است ششمین عهدنامه است که بتوسط سر اسن تاریخ
۱۲ ذی حجه اسحاق ۱۲۲۹ هجری مطابق ۲۵ نوامبر ۱۸۱۴
عیسوی بین الدولین صورت اختتام یافته است درپیر
ازین سه عهدنامه معتبره محین و فصل بنعم عهدنامه
و فصل خپم معاهده و قوم و فصل ششم عهدنامه سیم
صراحت از طرف دولت انگلیس تعهد شده است که اگر فاجان
دولت ایران و افغانه جنگی و نزاعی اتفاق افتد دولت انگلیس
در آن میان کاری نیست و بیچطرف اعانت و امداد نمی
موزد مگر اینکه بجوایش طرفین واسطه صلح گردد و بهین
بود که در عصر فاقان خلد اشیان فتحش مغفور هرگونه
و نزاعی که میان این دولت و افغانه اتفاق افتاد و دولت
انگلیس ظاهر او باطناً هیچگونه مداخله درین باب ننمود و صورت
حاجتی بیچیک از طرفین ظاهر یا خت و لکن در عهد شاهنشاهی

مبرور که موکب هایدون بجهت قبیله متروان افغان نیست
هرات نهفت فرمود و مستر کنیل سفیر دولت انگلیس
نقض صریح محمدنامه معتبره دولتین انواع کاشکیها از
اینطرف و حمایتها از آن طرف ستر او علناً بعمل آورد
که تقصیر آن مثل آفتاب بر عالمی روشن است محتاج بکرا
نیت از آنوقت تا حال تکالیف خلاف معاهده عادی
مأموران انگلیس گردیده و یوما فیوما تراید و زبیده در
امور نیز بغایتی که در کاغذ اخبار حسن الاخبار مسطور است
منجگر دید حرکات جناب ستر می وزیر مختار دولت
انگلیس هم بوضعی که مستغنی از تفصیل زیاد است خاتم
اتحاد در اینصورت هر صاحب انصاف و بصیرت بطور
ثابته خواهد دانست که اولیای این دولت در محاسن
دوستی دولت انگلیس تا بچه پایه ساعی و مواظب بوده
چه قدر درین باب تدبیرات حسنه بکار برده و در ایام
آن کوشیده اند و مأموران دولت انگلیس تا کجا بتفصیل
حسن رفتار و اولیای دولت ایران و ترید حرکات ناپاک
و تکالیف شاقه خودشان قدم بی انصافی را بالاتر و
تندتر برداشته اند با وصف مراتب مزبور و باز اولیای
دولت ایران حاضر هستند که بقدر الامکان بطوریکه صلاح
شان و احترام دولت ایران نباشد در حفظ روابط دوستی
دولت انگلیس بکوشند و تا در قوه دارند از مودت و حسن
ساله این دو دولت چشم پوشند هر صاحب عقل با بصیرت
این معنی را باستانی ادراک میکند که مادام تکالیف ناموزن
دولت انگلیس از حد طاقت و تحمل بیرون نرفته باشد و
ممکن است که اولیای دولت ایران خود را باستانی رضی

ملل را بطاق سیان گذاشته خواسته اند
موافق دلخواه خود رفت نمایند و این
جزئی از ان ناشی گشته است

چون عالیجاه مقرب انخاقان هرغلی خان را
چنانچه در روزنامه سابق نوشته شد اولی
دولت قاهره حسب الاشاره العلیه از شاه
و بطام حواسته و بکومت ختمه سرافراز
لهذا در این اوقات بجهت انخوانین العظام محمد
قاجار بر حسب فرمان مهران مبارک بکومت
شاه هرود و بطام سرافراز و خلعت حکومت
نیز از جانب سنی ابجواب اقدس تایون با
مرحمتش و روایه مقرر ماموریت کردید

از سایر ممالک محروسه و دول خارج
اجبار بود ولی در نهفته اینده نوشته میشود

سم

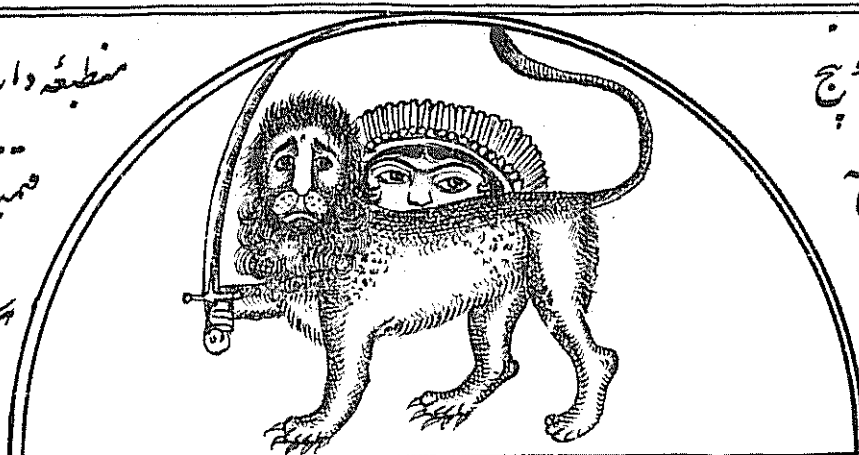
باینحسی نمایند که از دوستی دولتی مثل دولتهای
صرف نظر کنند و البته مادر قوه دارند برای خود
الزم و واجب خواهند داشت که غایت امکان
خود را در راه حفظ دوستی دولت مشارالیه
نمایند بخو که سر اوارشان دولتمین و خلافت
استرام دولت ایران و تکالیف فوق الطامه
نباشد اینکه در حسن الانباز مذکور در باب
میرزاهاشم خان نوشته است که عالیجاه
طامین نصاحب اورا کرده میخواست مثنی سعاد
کند و بعد ترک نمود حقیقت این کیفیت از قریب
که عالیجاه ستر طامین و همان خیال خود را
بود و لکن بعلت انتاب نوکری او بدولت ایران
و عدم امضا و اجازت اولیای این دولت
مشارالیه کیفیت را بدولت متبوعه خود نوشته
از جناب جلالت نصاحب وزیر امور خارجه
جواب آمد که چون ماموریت او منافی رضا
اولیای دولتی ایران است البته ترک این
خیال نماید بدیجبت ستر طامین نیز بدین
دولت خود عمل نموده و او را واکذاشت خلاصه
و حاصل کلام این است که دولت ایران از اول
بنای دوستی با دولت انخلیس تا امروز
مامورین و وکلای اند و دولت را بجهت نامه
که بنای عمل کل دول بر آن است دعوت کرده
و ذره از آن ستخلف نخبه است و لکن مباشین
اند و دولت دایم عمده نامها و رعایت حقوق

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه یوم بیستم شهر رمضان المبارک مطابق اولی سبتمبر ۱۲۷۲

منشبعه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پانزده



مزد ویت و نفکد و پنج

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

اخبار داند مالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز یکشنبه ۲۸ ماه گذشته اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی نظر بفرموده ام لوکایه در باره جناب اشرف امجدارفخ صدر اعظم بجاهان شریف و ما کردیدند از جانب جناب معظّم و بجاهان نظام الملک تقدیم قربانی و پای انداز و پیشکش بطور شایسته بجا آمده و متعلقان ایشان در لوازم مدارک اسباب صیانت و شرائط خدمتگذاران و اتمامات خود را طاهر ساخته مورد تحسین و تفات گردیدند و اعلیحضرت شاهنشاهی بنارادر آخا صرف فرموده بسیار بر وجود مبارک خوش گذشت و تا عصر را در آنجا تشریف داشتند بعد از صرف عصرانه و چای دو ساعت بغروب مانده بارک مبارک که سلطانی و مملکت عظمی بآل شوکت و الاجال مراجعت فرمودند

که سجد عید نوروز سلطانی شرفیاب در بارگاهان شده بود در این اوقات از جانب سنی انجواب اقدس نمایان شاهنشاهی صفت مهر طلعت مشایه مرحمت گردیده و اذن مرضی در روز یکشنبه گذشته از حضور مبارک حاصل نموده روانه مملکت گردید

و همچنین عالیجا معرب انخافان چرخسی خان که در این اوقات حسب الامر اقدس نمایان بکومت خدمت سرافراز شد در روز یکشنبه مرخص گردید و لایحه خدمت از جانب سنی انجواب لوکایه بشارت ابراهیم رحمت و شرفیاب حضور فرموده گردیده و اذن مرضی حاصل و روانه محل مأمور شد

در این روزها که ایام ماه مبارک رمضان است عموم خلایق از علای اعلام و سادات ذوی القربان

عالیجا معرب انخافان میر حسن خان حاکم عراق

و نوکر و رعیت یکی در ساجد و محابد بلوازم عادت
و عبادت و دعا گوئی و آنست قدس با بون باشد
اشغال دارند و هوای دارا بخلاف طهران نیز درین
اوان بجهت کمال خوبی و اعدال را دارد و نو
اعلب مردم شبها در اطراف میخوابند امیدست که
ایشان را لذت آخر ماه مبارک رمضان نیز هوا بهین
خوبی و عبادت استوده باشند

سایر ولایات

اورپایچان ازینولایت درین بقعه اخبار
استرآباد

از فرآر که در روزنامه استرآباد نوشته
امور آنولایت قرین انتظام کامل است و این
مراست و کمال نظم که مقرب الخاقان حضرت
ایلیخانی در میان طوایف ترکمانیه آن اطراف
و او بجات آنها داده است نهایت ایت کمال
حاصل است و کسی از او باش و اشراط و
مرئوسه حرکت حرکتی بخلاف حساب ندارد اما
استرآباد در عین اسودگی حتی بازن و بجهت میان
انها آمد و رفت بینا سبب از جمله امرا ده و فر
انظرف او به ترکمان واقع بوده بقدری چنان
مرد و زن که بواسطه عدم ایت از منته سابق بریا
امام راده مرئوسه که آق امام مینا مند فایز شده
بودند در این اوقات رفته و شب را در اوها
ترکمان همان بوده اند و کمال مهربانی و محبت از
ترکمانان نسبت با آنها بعمل آمده روز دیگر با تقاضا

رفته اند و زیارت کرده در مراجعت نیز شب دیگر
ترکمانان آنها را صیافت کرده و روز دیگر جمعی
از مرد و زن ترکمانان همراه آنها زیارت بانی امام
که یکفرنج امیطرف غلباش و زیارت آن نیز
سابقا برای ترکمانان معهود و نموده اند و شبیم
در خانه های غلباشیه مهان بوده صبح با و بجات
مراجعت کرده اند و ازین حسن مراد ده که ابن اوتان
مابین ترکمانان و امامی آنجا اتفاق افتاد و عموم امامی
طرفین کمال خرسند بر دارند

دیگر نوشته اند که بابونی ارضیه از سر طاق کدیم
فرسخی او به ترکمان واقع است منقود شده بود
بعد از دوسه روز معلوم نموده بود که مال او در
ترکمان است خود ضعیفه با بخار رفته و بارکش خود را
برهنه دیده بود که در آنجا میچرخد گرفته و میان ترکمانان
رفته مطالبه نمود و رشته او را کرده بود ترکمانان قسم
خوردند که ما خبر از نمد و رشته او نداریم و دوسه
روز است که این مال را دیدیم در اینجا پیدا شدند
و میچرخد و کسی نیز او را تصاحب نکرده است مع
مندی نو از خود بار رشته آورده و بروی یا بون
و بسته تسلیم ضعیفه مرئوسه نموده و او را معضی المرام
روانه کرده بودند

دیگر نوشته اند که توپچان توقف استرآباد دهم
در میدان مشق حاضر گردیده مشغول مشق نظامی
مباشند و روزی دو ساعت مشق می کنند و بچا نظر
نهایت اتهام در انتظام امرا آنها دارد

و هم چنین فوج عرب ابوالکحی لواب جهان میرزا
 همه روزه حاضر مشق گردیده با نهایت رسیدگی
 و مراقبت صاحب منصبان و وقت آنها مشغول مشق
 میباشند و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار اول
 اغلب روزها را بجهت مرغیب و تشویق توپچی و
 مشق میدان مشق آنها حاضر میشود بجهت اینکه حسن
 در این اوقات قدری تغییر بهم رسانده است
 جیره سرباز و توپچی آدمی بدار اختلاف مبارکه که
 صدور حکم از اولیای دولت علیه ارسال شد
 بود و ولی عالیجاه میرزا اسمعیل خان جیره آنها را
 نموده و از تجار قرض کرده و جیره آنها را را
 که رسیدن حکم اولیای دولت علیه و وصول
 و موجبشان در عسرت نباشند

اصفهان

از فرار که در روزنامه اصفهان نوشته اند لواب
 مستطاب هر اژه و الا تبار حمت الدوله حکم آن
 اصفهان در انتظام امور ولایت و رفاه و سعادت
 رعیت و انجام خدمات دیوانی و رسیدگی کار
 نظام توقف اصفهان و سایر نوکرهای دیوانی
 اهتمامات کافی بعمل می آورند و دست قضا و
 سارقین و او باشر ابرقت و شرارت بجائی
 کوتاه گردیده و کسی قدرت حرکت خلاف حساب
 ندارد و اگر اچنانا سرفتی اتفاق می افتد
 مبروقه پیدا و بجا حبس تسلیم می نمایند و باری
 سر او را عمل خود تنبیه میشود و عسوم ایالی اصفهان
 در کمال فراغت و آسودگی بدعا کوفی ذات قدس
 همایون شایسته اشتغال دارند

رسیدگی علیض و مطالب رعایا بوده و بامتیون
آنجایا بمو محاسبه ولایتی می پردازد

حمت

از قراریکه در روزنامه حمت نوشته اند امور
ولایت از هرجهت قرن انتظام و انضباط است و
کمال فراوانی و ارزانی و امنیت در آنجا حاصل است
عالیجاه مقرب الخاقان چرخ غنی خان که از دربار
هایون بک حکومت آنجا سه فرار شده عالیجاه میرزا
ولنجان پسر خود را قبل از ورود بولایت مازندران
بود از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته اند ایالت
بعد از آنکه با آنجا وارد گردید است امانی و عیان
و کدخدایان شهر و مباح شرین دیوانی را خواسته
و هر یک را بعل و کار خود مستقل و برقرار داشته
امور شهر و محلات را کمال انتظام داده و کفرها
و مستحقین با انجام خدمات محوله بخود مشغول و سه
و سه رت اگر اچنانا اتفاق بیفتد مرکب است
آمدن بنیه و تادیب میشود و همچنین در انتظام امر
طرق و سوارع قدغن اکیده کرده و قرا سوراها بجا
راها و محارست عابرین و مترددین می پردازد
باجمله عموم اهالی آنجا را بوظیفه و لیای دولت علیه
امیدواری حاصل شده بکونی ذالک میخوانند

سمنان و عراق

این ولایات نیز درین هفته اخباری نمود

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند

دیگر از فرار بکه نوشته اند امسال بجهت کثرت باران
در رودخانه زاینده رود حینست که سیلاب
جریان دارد و با غلبه عمارات و طوایین
زراعت که در اطراف رودخانه مینور بود حرا
بهم رسیده قبل از خیزلوز و زمان این اوقات
بهان طور سیل امتداد یافت و آب رودخانه
طغیان داشته است ولی درین روزها قدری
سیلاب کمتر شده و مردم تعمیر باغات و
طوایین عسیره که خرابی بهم رسانده بودند
و نواب مستطاب ختمه الدوله حکمران اصفهان
کاشکان این تعیین نموده و فرستاده اند که
خرابیهای باغات و زراعات و طوایین را
دیوانی و رعیتی بادقت باز دید و شخص نماید
و بعضی نواب بخری الیه برسانند تا آنچه مخارج
لازمه آنها باشد داده و آنجا را کمالی این کارها
بر وجهی و بطام این ولایات جاری شود

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند
در این اوقات کمال فراوانی و ارزانی در آنجا
حاصل است و مقرب الخاقان قوام الدوله در
غیاب نواب مستطاب ختمه الدوله حکمران
خراسان نهایت اهتمام و دقت در انجام
خدمات دیوانی و انتظام امور ولایت و حصول
آسودگی رعایا و برپا دارد و همه روزه مشغول

استطاب شاهزاده والا تبار مویذ الدوله حکم
مملکت فارس کمال اهتمام در ان نظام امر ولایت
رفاه و آسودگی نوکر و رعیت دارند و اگر از کسی
خلاف حساب و شرافتی ناشی و صادر بشود
نموده مقصر را و از حق تعصیر تنبیه مینمایند

از قزاقیکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک که با نظام امور
صفحات بندر ابوشهر مأمور بود در اوایل ماه حب
با عالیجاه جعفر قلیخان یاورد و سصد نفر از سر بازا
جمعی مقرب انخاقان مصطفی قلیخان میر نیجه وارد
انجا شده و عالیجاه میر حسنعلی خان دریاکی
حاکم ابوشهر و سایر اهلی داعیان و معارف انجا
لوازم استقبال و توقیر و احترام را نسبت بمقرب
مش رالیه لعل آورده اند و مش رالیه نیز لوازم
محبت را نسبت بمعوم اهل انجا معمول است

قرقون

از قزاقیکه در روزنامه قرقون نوشته اند امور
از اهتمامات نواب استطاب شاهزاده والا تبار عبدالصمد
حکمران انجا حسن مراقبت مقرب انخاقان حاجی حسنعلیخان
پیکار در کمال ان نظام و امر شهر و محلات و طرق
و سوارع انجا نهایت الضبط را دارد

قسم و کاشان ازین ولایات نیز درین
بنقه اخباری بنود

کر وستان

از قزاقیکه در روزنامه کر وستان نوشته اند

الولایت وین ان نظام و الضبط و عموم اهللی و رعایا
و سکنه انجا بدعا کوئی ذات اقدس هایون شایسته
استقبال دارند و از قزاقیکه نوشته اند درین
باران و برف زیاد در ولایت آمده است بطوریکه
تا چند وقت عبور و مرور قوافل و عابرین متعذر بوده
حتی در سرحد جوار رود که تا این ایام کمی بنجا طرد
که برف آمده باشد ثبوتی برف آمده بوده است
که راه تردد مردم از کوچ و محمد سبه شده از با
با هما بنجای یکدیگر عبور و مرور میکردند و دولی
این روزها قدری برف کم شده و راهها باز گردید
مردم از طرق و شوارع آمد و رفت مینمایند

و دیگر از قزاقیکه از جوار رود نوشته بودند در شب
دویم شهر جادی الشانی تخمیناً چهار ساعت از شب
گذشته خانه ملا حسن نامی از اهللی انجا زلزله وقوع
یافته مش رالیه با عیال و اطفال خود از خانهها بیرون
دویده اند و بعضی بیرون آمدن آنها جمیع اطفالها
دیوارهای خانه مزبور خراب گردیده است اگر چه
سجود آنها ایستبی نرسیده ولی آنچه سبب انباشت
که داشته اند کلاً در زیر خرابی معدوم و نابود
و چیزی بدست نیامده است و صبح که معلوم شده
زلزله منحصر بهمان خانه مزبور بوده و در هیچ جای
خانههای جوار رود زلزله اتفاق نیفتاده است
کر و س و کرمانشاهان و کرمان و
کیلان و مازندران و ملایر و نها
و همدان ازین ولایات نیز درین بنقه اخباری بنود

اجبار و دول خارجه

از فرایم که در روزنامه‌های فرانکستان نوشته اند
در این اوقات زوجه امپراطور ناپلیان فرانسه است
بود از جانب امانی پاریس بجهت تقدیم هدیه پادشاهی
ابتدا شده و کهواره منور را بر کتب قالی ساخته اند
تمام از نقره و بسیار خوب تصنیع شده و در گوشه پادشاهی
آن دو دیرک که در یکی از آن دیرکها صورت مرغ
که علامت دولت فرانسه است و پرده کهواره را
بدین گرفته تصنیع نموده اند و وجهی که در آن ضرب
شده معادل بیت هزار تومان پول ایران است و
کهواره که در ایام ناپلیان بزرگ مشهور که عموی این
ناپلیان است برای پسر او ساخته بودند سکنین تر
و بهتر ساخته شده است و از قرار روزنامه دیگر که
در ماه رجب گذشته در شراول ماه بجهت امپراطور
ناپلیان از زوجه منور پسر پسر پسر پسر پسر پسر
و برای شکر اجرای شلیک نموده صد و یک تیر توپ
انداختند و از قرار روزنامه بق که نوشته بودند
پای پای رومه که پیشوای مذهب کتولیک عیونیت
داشته که بجهت اسم گذاشتن پسر منور پسر پسر

دیگر نوشته اند که کتبی که قضی و شعری قدیم فرانسه
در مواد ملک و ملت تالیف تنظیم کرده بودند بعضی
متر و ک و اوراق و در گوشه‌های کتابخانه که نه فر
با عدم بوده است و در این اوقات از جانب امپراطور
ناپلیان فرانسه حکم کرده است که نسخ آنهارا

تجدید و تبارکی طبع و متشیل و بهایک و نه نوشته
نماید که عموم مردم از فوائد اخبار و فصاحت و
مستورات اخبار آنجا بهره‌یاب شوند

دیگر نوشته اند که از وکلای دولت اسپانیول
مارشال او و فل نام با اورنس نامی که از اجزای مجلس
گذشته اند اکران قونستوسون بعضی قبل و قال
که دولت امپراطور داده و یکدیگر را بچنگ روبرو که با
طپانچه و غیره می‌کنند و جنگ و ویل و دول می‌کنند
تکلیف کرده اند چون اینکه جنگ با این مامورین دولت
ممنوع و از جانب دولت نمی‌است باین ملاحظه
از ماموریت خود استغفا کرده اند که اقدام بچنگ
از جانب دولت اسپانیول استغفای اورنس
قبول و استغفای مارشال او و فل قبول شده است
برادر مارشال منور که قائم مقام ایالتی از دولت
منور بوده است از ماموریت خود استغفا و بدرود
پای تحت اسپانیول آمده است که بجای برادر خود
بچنگ دول اقدام نماید ولی هنوز خبر نرسیده است
که جنگ طرفین بچه نوع اجرا شده باشد

دیگر نوشته اند که از جانب دولت اسپانیول
در این اوقات حکم شده است که از شهر مدرد که
پای تحت آنجا است تا شهر سرانخوس که صد و
ساعت مسافت دارد راه آهنی ساخته شود و
نیم حله بصرافان فرانکستان اعلام گردیده انگلیس
فرانسه یک قومپانیه تعهد ساختن راه منور را کرده است
از این قرار که وجهی که در ساختن راه منور مصرف

در سالی صد و پنج مانع آن عاید او بشود

و دیگر نوشته اند که رئیس دولت جمهوری یکی دینی
شمالی که چهار سال بچهار سال عوض می شود و در این
اوقات که وعده ریاست رئیس سابق قریب بالقضا
بجبهه انتخاب رئیس تازه مجلسی در آنجا منعقد گردد
و تا بحال صد و شش دفعه قرعه کشیده اند سه
ریاست یک شخص را طالب شده اند و مابقی
اشاری آنجا هنوز را بن متفق نگشته و تاکنون
رئیس جدید بجهت آن دولت معین نشده است

و دیگر نوشته اند که در چهار خانه لندن بهال
از صد ملیان که دولت کرو را متجاوز روزنامه
کارت و سایر مکاتیب وارد و خارج میشود
با وجود این نوشتجات زیاد هیچ وجه سهو و اشتباه
سجبه مبشرین و علامه جات آنجا اتفاق نمی افتد و
پنجمین محل تعجب یرین است و پوست خانه خود را
مانند یک قلعه شده اند در پوست خانه که داخل
میشوند و الا فی بسیار دراز است و در دو طرف
آن سوراخها و کجها بترتیب حروف تبجی باطریق
ولایات ساخته شده کارت و محررات سایر
و در طرف دیگر امانات داده میشود و هر روز
دو دفعه صبح و شام مکاتیب و امانات پوسته
اخراج و بچاپارها تسلیم میگردد و صاحب جمع
پوست خانه بیت هزار نفر ابواب جمعی دارد و در پوست
بتهائی هزار و صد و پنجاه نفر و در میان محلات

چهار مکاتیب گرفتار پانصد نفر و بجهت رساندن این
کارت هزار و چهار صد نفر در کارند و هر روز
صد و پنجاه هزار روزنامه کارت با آنجا وارد میگردد
و بجهت سهولت از طرف پوست خانه کارت ها
عبر آنجای مخصوص ارسال و بپوست خانه آنها را حمل
و نقل مینمایند و شش ساعت از دست ساعت رفته
پوست خانه بسته می شود اگر یک مانده از آن بوعده
بگذرد و دیگر هر کس مکاتیب یا ورد از هر کس باشد
قبول نمیکرد و تا وقتی که باز پوست خانه کثود بشود
و آنچه از کارت و مکاتیب که بوقت می آورند بآن
نفر معین این کارند که عنوان آنها را بخوانند و حال
هر مملکتی معین شده بترتیب در مکاتیب خود گذارند
شود و آنچه از مکاتیب را که خطوط غریبه است و آن
اشخاص عنوان آنها را نمیتوانند بخوانند بمعلم هر روز
که بآن خطوط عالم است داده میشود و بمعرف آن
معلم تفریق می شود و مکاتیبی که تفریق نمیکرد در
سبد ها وضع شده بتوسط واپور بمحل خود
نقل میشود و بجهت پوست خانه در چند با خرج الماس
وضع و سیم آهن بجهت اجبار کشیده شده که نظر
و مبشرین پوست خانه از جای خود حرکت نکند
بیکدیگر اخبار میدهند و بجهت اینکه اخذ اجرت بکارت
در پوست خانه بهر روز ممکن نمی شود کاغذ های چهار
بشکل هر در پوست خانه چاپ شده که قیمت هر یک است
یک پوست است آنها بیع و فروخت می شود که قیمت
همان قیمت هر اجرت پوست است و عاید پوست خانه

میکرد و هر کس از آن مهر خایره بروی پوست
خود می چسباند و لبند و قهای پوسته که در
میان محله است وضع می کنند و از آنجا چاهار
و عجبیات پوست خانه آمده می بند و اگر صاحبان
مکاتیب بیشتر از عدد معین مکاتیب در پوسته گذاشته
و این مهر تعرفه را چسبانده باشند آن مکاتیب
بصاحبانش رد شده و اجرت آن دوساوی
معمول حکما گرفته میشود اجرت پوسته در شانزده
سال قبل ازین بست بقرب و بعد مسافت از سه
عباسی تا شانزده عباسی و داخل آن در سال
دو ملیان که چهار کرویرا پول آن ولایت است بود
در این اوقات مکاتیب و غیره بهر جا که برود خواه
دور باشد یا نزدیک و دوشاهی از اجرت سابق
تزل کرده و بسبب کم شدن اجرت بطوری
و غیره زیاد گردیده است که داخل آن چند مسافر
زیادتر از آن ایام شده است و دیگر در سالی که
سه چهار هزار مکاتیب بی صاحب در پوست خانه
می ماند در صورتیکه نایکجا صاحبش پیدا نشود بازگرد
میخوانند و با یکس که آن مکتوب را نوشته باشد
امانتی اگر در آن باشد رد می کنند و اگر یکس هم
که آن کاغذ را نوشته است پیدا نشود پوست خانه
رو شده تا ده سال تا نظور در پوست خانه می ماند
بعد از ده سال امانات آنها در پوست خانه وضع
شده و آن مکاتیب را می سوزانند و از امانات
پیشکونه مکاتیب که تا بحال در پوست خایه بوی

جمع گردیده قریب دو کرویرا چهار صد هزار تومان شده است
و دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که اگر کشتیها
تجارتی چند وقت پیش ازین یک کشتی آذوقه
بارگیری شده بطرف اسلامبول می آمده است
و نزدیک جزیره رودس دریا طوفانی شده و
ملاطم امواج کشتی را فرو برده و غرق کرده است
بیت و یک نفر از امانی آن کشتی با آذوقه که
او بوده است هلاک و مبرض تلف در آمده و از
کشتیهای تجارتی فرانسه نیز یک کشتی در آنجا
نزدیک غرق شدن بوده است اهل کشتی فی الحال
احمال و اطفال کشتی را بادی کههای او بدریا رخته
و کشتی را سبک کرده جزیره رودس رسانده
و خود بسلامت جل نجات رسیده اند
و هم چنین در بخار سحر سفید یک کشتی نخلین با
یک کشتی فلنگ قلع سلطانیه میکند رسته اند
بجمل قوم برونی که رسیده اند و آن عین در دریا
طوفان روی داده کشتی فلنگ غرق شده و
کشتی نخلین نیز قدری شکستگی و خرابی بهریده است
و دیگر در اخبار فرنگستان نوشته اند که امپراطور سرب در بخار
ارابه مکتبهای تحصیل اصول جدید نموده و درین ضمن دوازده
مکتب بجهت اطفال که یازده مکتب آن برای پسران و یک
برای دختران است ساخته و بجهت تعلیم آنها معلمان از
ازهر علی و بهر قتی معین و در روزنامه آن ولایت
اعلام کرده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج و نیم شهر مبارک مطابق ابوالوئی ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران

مبایعات

هر پیر پنجشنبه



مزه بیت بخت و شتر

قیمت روزنامه

هر نسخه دوازده

احبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات ماه مبارک رمضان چنانچه در روزهای این ماه مبارک داران نهایت رفاه و خورسندی گزشته مسطور گردید امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون لبیک سینه و سایر چاکران باریک یون روزها را از التزام خدمت در بخت خانی و بجهت تقدیم طاعات و عبادات در مساجد و معابد حاضرند و شبها را هر یک از باباشیان و بزرگان در سجده در منزلی که در دربار باریک یون دارند بقرار یکدیگر میایستند و بکارهای دیوانی و انجام خدمات محوله بجا میآورند و از جمله جناب اشرف ارفع محمد صدر اعظم و جناب نظام الملک و امیرالامراء العظام سوار کل و سایر باباشیان و صاحب منصبان نظام تا نزد سحر باین نظام امور محوله بخود میسر دارند و تاکنون که اوایل عشر ثانی ماه مبارک است بواجب اند در این خوبی و اعتدال گذشته و موسم خوبی بهار است و در این هفته گذشته نیز کبد و شب باران بسیار

مبوق آمده کمال فراوانی و ارزانی و هر گونه نعمتی و فواید و برای روزه داران نهایت رفاه و خورسندی گزشته مسطور گردید امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردون لبیک سینه و سایر چاکران باریک یون روزها را از التزام خدمت در بخت خانی و بجهت تقدیم طاعات و عبادات در مساجد و معابد حاضرند و شبها را هر یک از باباشیان و بزرگان در سجده در منزلی که در دربار باریک یون دارند بقرار یکدیگر میایستند و بکارهای دیوانی و انجام خدمات محوله بجا میآورند و از جمله جناب اشرف ارفع محمد صدر اعظم و جناب نظام الملک و امیرالامراء العظام سوار کل و سایر باباشیان و صاحب منصبان نظام تا نزد سحر باین نظام امور محوله بخود میسر دارند و تاکنون که اوایل عشر ثانی ماه مبارک است بواجب اند در این خوبی و اعتدال گذشته و موسم خوبی بهار است و در این هفته گذشته نیز کبد و شب باران بسیار

آذربایجان

از قرار روزنامه شهر که در هفته قبل از ماه مبارک
 رمضان قلمداد شده بود محمد علی نامی محلاتی که در
 اصفهان در زمان حکومت عالیجاه مقرب الخاقان
 چرخسایان مرکب سرقت شده و یکدست اقطع
 گردیده بود از آنجا بطور ان آمده باز دزدی کرده
 و کوشش اورا بحکم نواب مستطاب بزرگوار و ایالت
 ارشد میرزا حکمران دارالخلافه بریده بودند درین
 اوقات مجدداً دزدی کرده دستگیر شده بحکم
 نواب معزی الیه دست دیکرش را نیز قطع و در
 بازارها گردانده از شهر دارالخلافه اخراج و اتمام
 گرفته شد که دیکریدار الخلافه بنیاد
 و جمشید حیدر نامی اصفهانی سابقاً دزدی کرده و
 سیاست در آمده کوشش بر بریده بود و باز در
 اوقات مرکب سرقت شده یکدستش مقطوع و ممنوع
 از بودن و در دارالخلافه اخراج مبد گردید
 و نیز بعضی از او باش و ارازل از قبیل شکر و جبار
 و دلاکی بادی و نفر دیکر شرب و شرارت کرده و
 هرزگی شده بودند آنها را گرفته بمیدان ارک آوردند
 و بحکم نواب معزی الیه از هر یک بتبیه تالیف آمد
 عالیجاه حاجی میرزا تقی که خدا در پید کردن مالی که از
 خانه شخصی بربقت برده بودند اتهام نموده و متهمین
 خاطر امنای دولت علیه افتاد و لهذا بجلت طلبت
 بمایون مباحی سراز کردید
 سایر ولایات

از قراریکه در روزنامه آذربایجان نوشته اند
 امور آنولایت از حسن مراقبت نواب مستطاب
 حکمران آذربایجان در نهایت انتظام است و سرقت
 و شرارت کمتر اتفاق می افتد و اگر احیاناً سرقت و
 شرارتی بشود زود در مقام مواخذة و تنبیه بر می آید
 از جمله علی قلی نامی شیپورچی همیعی نامی طلال کشته
 اورا گرفته آوردند و بحکم نواب معزی الیه در میدان
 دیوانخانه بعضی رسانیدند و جمشید پاشا نامی از
 احواط آنجا شرب نموده و باقتضای مستی مرکب سر
 گردیده بصیر نامی رشته و فرار کرده بود و نواب معزی
 یک نفر جا مار با یک نفر آدم عالیجاه حاجی افغان
 که خدا ما امور و مقرر داشتند که قاتل را در هر کجا
 حکما بدست آورد و بچگونگی نواب معزی الیه بیاید
 دیکر نوشته اند که شخصی اخوند که در سلک ارباب عالم
 در محله مسقط ساکن بود با برادر زن خود گفتگوی
 محاسبه در میان داشته شب اورا بتدویر و تدبیر
 سجانده خود برده و در آنجا بزرچوب انداخته خدا
 چوب زده بود که هلاک شده مراتب تعرض نواب معزی
 رسیده فرستادند ملائی مر بورا آوردند و حکم
 بحبس او نمودند تا بحکم و بطریق مطاع بشود
 سایر چاکران دیوانی که در آذربایجان اند از فراموشی
 در انجام خدات محوله بجهت نهایت اتهام را بعین می آورند
 خصوصاً مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد خان دبیر مهمام

خارج که با کمال معقولیت و حسن سلوک خدمات
مرجوعه بخود را منظم و با قوسو لها و کار گذاران و
متجا به بطریق محبت و یکسانی رفتار می نماید و همچنین
مقرب الخاقان محمد رضا خان بیکر یکی در نظم امور
شهر و محلات نهایت مراقبت و رسیدگی را دارد

باران کاملی آمد جمیع اقال و صحاری و زراعات و مکار
سیراب و رفع تشویش اهالی انجام گرفته و دیده زاید الو
خسند شدند و امیدوار بودند که در چهل و
و پنجاه و ششم از عهد نیز که نوبت بارندگیست باز
بارندگی خوب شود

دیگر نوشته اند که بواسطه برف و کولاک زیاد که
در آذربایجان آمد ایلات آنجا کلاً کوسفدان خود را
چه خود گشته اند و چه سرما تلف کرده است و این
جهت روغن و پنیر و شیر در این اوقات گران و
کمیاست ولی سایر اجناس و ماکولات از هر
چیزی نهایت و فزادار دکنم خردوار هزار مثقال
در سه تومان و هفت هزار و پانصد و جو بهمان قیمت
و سایر اجناس باین منظمه تغییر دارد
استرا با و و اسد اباد و صفها
ازین ولایات درین اخباری نبود

دیگر نوشته اند که ایلات لرستان در سالی دود فحه
بنای سرفت و تعدی می کند اشتد یکی در زمان جنگ
بکرمیرات و یکی در ورودیه بیلاقات درین سال
اکبر میرزا چنان مراقبت در نظم طرق و شوارع آن
دارند که کسی از ایلات مزبور جرئت هرزگی و تعدی
نکرده است مگر مکرر عبور آنها دور رس یا بواز آسیاب
سبقت رفته بود مراتب بعضی نواب معزی الیه رسیده
چند نفر سوار مأمور کردند که بمیان کل طوالیف مزبور
رفته تفحص نمایند و ماله های مسروقه را پیدا کنند و
پیدا شد از هر طایفه تو شمال الطایفه را برداشته
بیاورند مأمورین رفته و سه چهار روز در تفحص بودند
و طوالیف مزبور سه چهارم وی قیمت یا بولار را
داده بودند که محصلین مراحت نمایند قبول نکرد و بودند
تا آنکه مالها را با اسباب شبانه آورده در منزل محصلین
رنگارده بودند و آورده به جایش تسلیم کردند و در
فقره خورده دزدی نیز که پاره او باشد و جتال
کرده بودند دستگیر شده و مورد مواخذه و سزا
گردیدند بعد از آن مدت ده پانزده روز که ایلات
مزبور در آن حول و جوش بودند از احدی از آنها
خلاف حجابی ناشی و صادر

بر و خبر و
از قرار یک در روزنامه بروجه نوشته اند که
ده دوازده روز از عهد تاسی و حیم باران بآن
ولایت نیامده و چون اغلب زراعت انولایت نیم
نیامدن باران تا آن موسم باعث اضطراب رعایا
وزراعت کاران شده و بعضی از زراعات نیم نموده
عدم باران رزوده و صاحبان از محصول
مأمورین بودند تا درسی ششم عبد که با صلاح
فش میگویند از تقضات باری تعالی یک شبانه روز

بظام و خراسان و حمت و سمنان
و عراق این ولایات نیز اخباری

فارس

از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور
انولایت احسن مراقبت نواب سطات پراد
والا بتا رمویدالدوله حکمران مملکت فارس
انتظام است و در انجام خدمات دیوانی و قضا
حال رعایا و برابری تمام کامل داشته جوید
بعضی ضعیف غوررسی نماید و در انتظام امور
و طرق و شوارع انولایت قدغن آید به حکام جزو
مباشرتین و سخطین و قواسو را بجا کرده اند که در
در حد و مان هیچک اتفاق نیفتد و اگر سرت و شمر
واقع شود در د و مقصر را حکما برب و رند که مورد
مواخذ و سیاست شود و همچنین در انضباط
و محلات قدغن مبلغ شد است که دار و نه و کد فدا
کمال مواظبت را داشته باشد که خلاف حسابی
کسی ناشی و صادر نشود و شرب و شرارتی اتفاق
نیفتد

از قراریکه در روزنامه بندر بوشهر نوشته اند
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک که بنظم امور
ما مور بود بعد از ورود بانجا کمال انتظام در کار
انجا داده و نوکر و رعیت در عین اسودگی و فرحت
هر کس بکار خود مشغول و از کسی خلاف قاعده ظهور
منیر سد نوکر نظام از توپچی و سرباز که در انجا
همه روزه بمیدان مشق حاضر شد و مشغول مشق

و بعضی روزها نیز مشق شیک و تیراندازی می
دار جانب صاحب منصبان مراقبت تمام در مشق و
انتظام امر انجا بعل می آید و مقرب انخاقان حاجی قوام
نیز بجهت تسویق و ترغیب توپچی و سرباز بعضی روزها
بمیدان مشق انجا حاضر میگردد

دیگر نوشته اند که آب انبار جدید لیسهای بوشهر که
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک در سال گذشته
بانی آن شده بود درین سال تا نصف آن از آب
باران پر گردیده مقرب انخاقان مشا را لیه بجا
ورود با انولایت بر آب انبار پرور رفته قرار داد که
نصف دیگر از آب شیرین آورده بریزند و برکا
سقایان را خواسته از قرار هزار بار الاغی هشت
وجه آب بجا داد که بعد چهارده هزار بار آب که لازم
آورده آب انبار پرور را پر نمایند که در تابستان سکن و حاج
انولایت این رکذ در رفاه باشند عموم انولایت
که در سنو آه سابق از آب قدری عسرت در تابستان
داشتند از این معنی زیاده مشغوف و خورسند و غلگو

دات قدس علون شاهسای میباشند
دیگر نوشته بودند که عالیجاده میرزا حسن خان
و حاکم بوشهر در انتظام امر انولایت و انجام خدمات
و فرمایشات دیوانی و حسن سلوک با نوکر و رعیت
اتهام را دارد و یکی از او رضامندی تمام دارند
بهین صاحب منصبان نظام توقف انولایت در
نهایت معقولیت با انانی انجا رفتار میکنند و زیاده
مراقبت اند که خلائی از احاد نظام ظاهر نشود

قرنین و قسم و کاشان و گرد و کمر و کس

ازینو لایات نیز ورین بقعه اخباری بود
کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند اما
انولایت دکنال امیت و اسودکی بدعا کوفی ذات
افس هایلون شافشی مشول و امیرالامرا عظام
سپهدار حکمران کرمان با طریقه عیت داری در
نشی سلوک و رفقا رتاسه باالی انولایت سلوک
و در انتظام امور ولایت و حصول رفاه و آسایش
و امنیت طرف و شوارع نهایت اهتمام و رسیدگی
مینماید و قراول و مستحفظ در قراول خانه ها و دهنه ها
را بهای که مخوف و محل عبور قطع الطريق و اشراط و حیا
همه جا مستحفظ و حر است مشول و راهها امن و عابری
ایمن از تشوش عبور و مرور مینماید چنانچه در این
اوقات زواری که از ارض قدس مراجعت کرده
بودند بسیار آنها را شکر گذاری از امنیت راهها
و هم در این اوقات با جمعی زوار از انولایت عظام
ارض قدس شده اند باینکه قراول و مستحفظ
در همه جا مستحفظ و مخصوصا حاجی بیک سخی با جمعی تفکیکی
مأمور بد رفقه رواوشده آنها را از اماکن مخوف
سالم گذرانده و بمنزل امن رسانده قبض و حصول
و رضامندی گرفته مراجعت کرده اند و همچنین در نظم
امور مبله و بلوک و دفع و منع سارق و شریران
اکید به حال و مباشترین و که خدایان شده است که

مراقبت را معمول دارند و اگر مالی بربقت برود زود
پیدا شده بصاحبش تسلیم و سارق بمقام تنبیه و است
می آید از جمله خانه حاجی فطعلی نام شالباف را در زود
سوراج کرده و یک طاقه شال بربقت برده بود گذار
بعض سپهدار رسیده پنجاه تومان قیمت شال او را
از خود نقد تسلیم نموده و از که خدایان شهر الترام
گرفت که سارق را در هر کجا باشد حکما گرفته بیاورد و بعد از
چند روز شخص دزد را با شال و تمامی اموال مسروقه که
مبرور در مدت دولت از جاییهای دیگر دزدیده بود
در بلوک کوپایه دست آورده حاضر ساختند و
صاحبان اموال هر یک آه نشانی مال خود را داده
تصاحب نمودند و بعد از بسته داد اموال مسروقه
سارق بادی و نفر دیگر که دستیار او بودند یک قطعه بدو
دیگری بقطع پی و دیگری بمبارسیات شده اخراج
ملک گردیدند

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
مستطاب بحمدالدوله حکمران انولایت سخی و افغانی و حمید
کافی در نظم و ولایت و اسودکی نوکر و رعیت دارند
و بجمع که خدایان و مباشترین شه و حوالی قدغن کرده اند
که جزئی و کلی امور اتفاقیه را همه روزه روزنامه گردانم
نزد نواب معزی الیه بیاورند که عواری کل در هر مواد حاصل
شود و موسم چنین در کار نوکر انولایت از نظام و غیر نظام
کمال رسیدگی می نمایند و فوج رنگه را مقرر دارند و همیرای اکثر
سان بیند که مواجب آنها را پرداخته محض نمایند

دیگر نوشته بودند که بعد از آن بارندگیهای شدید
که رستان در صفحات کرمانشاهان و آن اطراف
و در روزنامههای بق نوشته شد تا این اوقات که
موسم بهار و بارانش بجهت زراعت النفع است باریک
ورستی شده بود و مردم فی الجمله تسویتی داشتند
در بیستم ماه شعبان باران کامل بسیار نافع در ایلات
آمد و زیاده باعث تشکر مردم گردید بجهت انچه
خداوند و ارزانت کندم خرواری بازده برادر
تا نه هزار بجهت خوبی و پستی و خسته شود و سایر
نیز این نسبت معروف و ارزان است

کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته بودند که
مقرب الخاقان عمید الملک والی کیلان در بیستم
شعبان وارد رشت گردیده و اعیان و اهل ایلات
لازمه استقبال و توقیر و احترام را بعمل آورده اند
و آنها را بوظائف و لای دولت علیه حسن سلوک
و رفتار خود امیدواری تمام داده عسوم خلق ایلات
و ضیعا شریفا بدعا کونی وجود فانی وجود ابدی
شامشاهی صدابند کرده اند و بعد از ورود بایلات
همه روزه باین نظام امور ولایتی و انجام خدمات دیوانه
و عرایض مردم و رفاه حال رعایا از روی دقت
و اهتمام غوررسی کامل مینماید خصوصاً در رفع احمقاف
چندکه در شوارع بهم رسیده و بمردم معمول و سبب
آزار و اذیت عامه نمردین و عابرین شده بود

قدغن اکید همه مباشرین کرده و از مستاجرین شوارع
کلاً نوشته بقید الترام گرفت است که از قرار معمولی
قدیم حبه و دیناری تخلف ننمایند و آنچه جدید
برقرار شده بکلی موقوف و متروک دارند و بجهت
رفع و ترک احمقافات جدید و حصول دعا کونی
سه هزار و چهار صد تومان با جارات ساقی بقیع
داده و از هر یک از مستاجرین الترام گرفت
که نسبت بر رعایا و دلقین عسوم مترددین
کمال خوش سلوکی را بعمل بیاورند چنانچه احد
از رعایا یا عابرین از آنها در مقام شکایت برآید
مورد تنبیه و بیات بوده باشند االی ایلات

ازین فقره زاید الوصف است که در دعا کونی و با
نهایت دگر می و امیدواری هر سر بکار خود
مشغول و از احدی نسبت بدگیری هیچوجه تعدی
و خلاف حسابی واقع نمی شود با الجمله امور ایلات
از هر حیثیت و هر جهت قرین انتظام و انضباط کامل
و اکثر اوقات امیر الامرا بطعام مقرب الخاقان یا
مصرف و انجام خدمات و فرمایشات دیوانی و
رفاه حال نوکر و رعیت و رسیدگی بعرایض
و حصول دعا حی حبه دات اقدس همایون
اعلی حضرت قوی شوکت شامشاهی خلد الله ملکه و
و افاض علی العالمین برده و حسانه پشما و کمال سودگی برآید
الالی انجام حاصل است

مازندران و طایر و هت و ند و بهدان
و یزد و ایزن و لایا تحسیر درین منطقه اخباری نبود

از فرار که در روزنامه های فرنگستان نوشته
 بموجب اجباری که از ولایت چین رسیده بود
 مفدین الولايت که در اکثر جایا سگت خورده
 بودند حال را بدتر شده اند و استعداد و توان
 بیشتر از لشکر خاقان چین است بخصوص در ولایت
 وسط مملکت چین و رنهای چینی نیز با مفیدین
 متفق گشته اند و یک فوج از زن بر
 داده اند که با اتفاق آنها بجنگ میروند و این جنگ
 باعث خرابی مملکت و عیبت چین شده است
 است که بنا بر صیحه که در این اوقات در فرنگستان
 شده دول یورپ با هم آنجا بر دارند که استخانت
 اهل چین معشوش نباشد و زوان در ولایت
 چین بسیار زیاد شده اند و بجهت بیگانه های
 نمیتوانند با آنها بجنگند و از اطمینان بروند
 بنا بر این یکی از اهل دیو آنجا به مجلس عز کرده است
 که بهتر آن است که از جانب دولت انجلس چند
 سببه رفع دزدی و اطمینان بفرستند و بگویند
 که دولت انجلس حکمی درین باب بدرباریکی آن
 اطراف فرستاده است
 دیگر نوشته اند که در شهر لیون فرانسه دو نفر
 همسایه بودند یکی تمامی شب را بیدار بود و صبح
 میخوابید و آن دیگری کما نچه زن بود و شب را بیدار
 میخوابید و صبحگاه که بیدار می شد بنای کما نچه زن
 میکشید و آواز ساز او همسایه را که از سرب
 الوقت سخوابیده بود مانع از خواب شیرین میکرد
 چند آنکه از او خوشش کرد که در آن هنگام ساز زن
 قبول نمود و گفت هر کس در خانه و حار و لوار خود
 اختیار دارد که هر کار بخواهد بکند مثلاً اگر آلت
 سازنده را بنیاب شیرین کریمه که ضبطه و لپوس می
 برده آنها نیز بهین پنج جواب دادند که ما را با او حرف
 حسابی نیست و شخص مختار است که در خانه خود هر کار
 بخواهد بکند بعد از آنکه کرده که خانه او را اگر آیه
 که خودش بجای دیگر برود سازنده باین قسم را
 شد آن شخص گفت برادر حق داری و بیار زار رفته
 صندوق سازی که او از درشت داشت و بگفته
 که کوک مسکردند تا یک هفته میزد و خریده آورد و در
 همان طاقی که است برده در آنجا کما نچه میزد که داشته
 کوک مود و خود بجای دیگر رفت و تا یک هفته این
 لایق قطع با او درشت خشن شخص کما نچه را میزد و
 او را قطع نمود آخر کما نچه زن ازین آواز بنگ آمد
 بزد مت یه آمده نیازمندی اهار و التماس نمود
 که آن صندوق ساز را از آن مکان بردارد
 داد که هر کس در خانه خود اختیار دارد که هر کار
 بکند کما نچه انداز را پاداش سنگات کما نچه زن
 ازین معارضه مثل عاجز آمده آخر بخت و و داد
 و رضای طرفین رفع مایعالت شد
 غریب احوال سگته هند و چین و عجایب است
 آنها معلوم از باب مطالعات در طرف شرقی هند
 و جنوبی چین ولایتی است که سیام می نامند آنجا

استحاج حلوئی مذموب اند و حیوانی را که سفید یکت بوده و هیچ نقطه سیاهی در جلد او نباشد پرشش میکنند و این را نمونه گرفته اند از اینکه این باید کب صفاموده در روش از ظلت صافی و بکمال نورانی پیوسته باشد و باین خیال حیوانات سفید پوست پرورش داده پرشش می کنند و گویای از اینها پرشش فیل سفید و بزرگ که از نقطه سیاهی صاف و پاک و از او بزرگتر حیوانی نیست عادت کرده اند و اعتقاد دارند که روح پادشاهی در جسم این حیوان حلول کرده و کلاً و خدّمه که بجهت پادشاهی برای این فیل برقرار و توقیر و تعظیم سلاطین را در این او معمول میدارند و در اجتماع عیش و عامه این فیل پادشاهان بر میروند جامه لباس و از همه ممتاز و تاجی بجاها بر سر او نصب میکنند و در رکب او بزرگ و کوچکی و جان شاد می کنند و حیوة او را از زندگانی عالم می شانند و او را با حال خود تسلال می کنند و در وقت بحالت تغیر داری حکداران او را قتل و اعدام و ذکور و اناث به باس می کشند و در چهار سوق و بازار کریبان خود را چاک بپاشانند و کهنه و حشائیکه در گلیسی یکدیگر معاشرت می نمایند و این فیل را می نمایند و عمارتی طوکانه شکل بر بیوت و جوار و خدم و مصاحبان امور کار و اس سلطنت برای او ترتیب داده و او را مانند پادشاهان می برند و هر روزه برای او شکر و سر بودی و نثار و کشتن و جیره بر وی و تعطیلات طبعیه بر وی آید و هر کس چنین ایمله ماکولات و شکر و بانس تنزل کند جبهه شکر فزادان آورده و پیش او می رود و حرکات حیوانیه او را اتقان دست بر سینه عرض تهنیت و استبها

۱۷۸۴

میباشد و چند وقت پیش ازین یکی از اینها که بطرف هندستان می رود در آن نزدیکیها غرق و امانی او تلف شده بود و مذکر یکی از آنها شده و فغان و خیزان بشهر سیام افتاده و در اینجا خود را بصورت ظاهر کرده بعد از چندی او را حکیم بایکری فیل مذکور برقرار گردانید و از ده سال باستقامت مزاج فیل مداومت می نمود صاحب خانه و ثروت و نفوذ فراوان گردیده بخیال وطن مالوف قفا بیرون خود را متعذر میدید و زیاده پیر شدن فیل را نیز فهمیده اراده کرده بود که فیل مسوم و هلاک نماید خود مختلص شود گفته بود که بخرج استزاج فیل انحراف طاری شود بالجمعه او را متعجیف داد و تریاک زیاد داخل غذای او کرده بود و فیل بعد از خوردن قصد طبیب را یافت و او را بخرطوم در زیر قوایم خود گرفته هلاک کرده و خود نیز مدتها بود درین بین خدّم و شتم داخل شده و فیل نیز از سگ تریاک قدری حال اندام آمان اوقات مرده بود و بزعم اهل آنجا جوش انتقال نمود و او را با تعطیلات بسیار بردند به ارخصه فیل کرده و جسد طبیب را به جایی انداخته پس شبانه روز طوارم تغیر داری فیل را در دست طبیب رانیده بیدار شد و سرش متحرک گردید از قراریکه معلوم میشود نسبت بدست جسد فیل عمرش نیز طول پیدا کرد سیام فیل سابق بعد از مرده سیام در این مام سنه هزار و دویست و هفتاد و دو در اوایل شهر جمادی الاول بر عزم قالب عبور کرده که آن مام و گبر و محترمین حاضر شده بخجرات زیاد پیش جسد او کشید و او را بمقبره اصال و مقبره را از خود و جسد مالا مال کرد و بزرگان آن ملت مدبر او کشته و در گوشه پائی او حکم ان بالذات قایم شد ملو از مام و تغیر داری پرده چشم بعد از انجام حجت گردید بطریقیکه مرقوم شد چنانچه روز تغیر داری کرده اند و این فیل در روزنامه هندستان نوشته شده و تفحص کنند که فیل دیگر پیدا کرده

بجای اول نصب ناسند

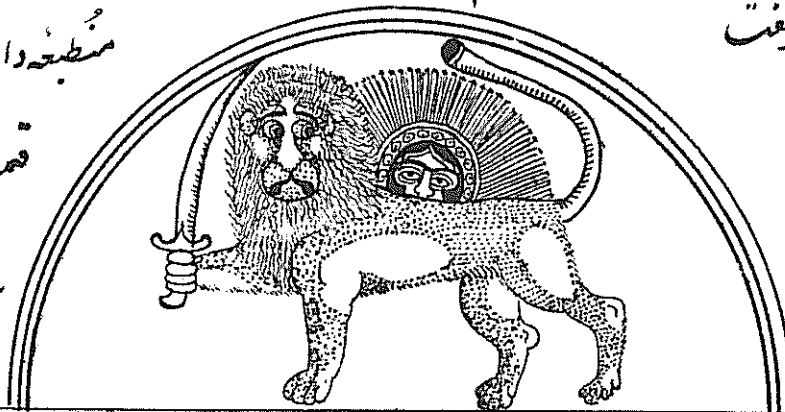
روزنامه فایح انقابت ساج پویم به منم مضران المبارک مطابقی سی ۱۲۷۲

مزه حیات بقول هفت

منطبعة دارالخلافه طهران

قصیدات

هر طبع پیر



میت روزنامه

هر نسخه دپاشر

اخبار داخله مملکت محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این روزها بقرار استوار هر ساله میدان جلوسه پل را این سبدهی کرده بعلاده دکانین جلوسه که همیشه در اینجا است سایر کسبه و اصناف چادرها و ابل هر صنعت و حرفه صنایع خود را آورده در اینجا چیده اند چون این قانون از عهد خاقان مغفور پادشاه خلد از امکا به البسمه به طلل النور در دارالخلافه مبارکه معمول و در ماه مبارک رمضان کسبه و اصناف جمع گشته و صنایع خود را بمعرض بیع در می آورند هم مشغولیتی برای روزه داران که نقایص ضعف عطش چندان با آنها نماید هم بازار داد و ستد کسبه گرم و منتفع میشوند با بقا جلوسه خان مسجد ولج از آن صحن اما نهاده زید یک سال این اساس چیده می شد در این اوقات که دو سال است میدان جدید حسب الامر اقدس علایون شایستهی صانان ایام سلطنته عن التماسی ساخته شده است چون

بجای دست فضا و سگوه بنا بهتر و بدرب خانه نیز نزدیک است کسبه و اصناف در میدان مریور دکانین ترتیب داده داد و ستد می کنند و ایام مالی نیز بعد از ادای صلوته و فرغت از عبادت بجهت تفریح و مشغولی میدان مریور آمده تا حوالی اوقات را مشغول دارند از آنجا که مراتب کفایت و درایت عالیجا بهر محمدا بر اسیم خان یزدی در کاشان مشهود رای او لیای دولت علیه کشته بود لهذا این خدمت حکومت خون رو کلیان بعهده کفایت و اهتمام او مفوض و محول داشته فرمان همه لمعان علایون شرف صدور یافت و حلفت هدایت مرحمت شد لکن این ایام مستبر که ماه مبارک رمضان بجهت احترام این ایام توقف در دارالخلافه نموده بعد از ماه مبارک رمضان تفرع حکومت خود خواهد رفت

سایر ولایات

از فرمانروایان از قرائیکه در روزنامه از فرمانروایان نوشته اند امور آن ولایت قریب نظام و انضباط و نواب مستطاب شاهزاده و الایهات روضه الدوله حکم آن از فرمانروایان کمال مراقبت را در امور لوگو و رعیت و انجام خدمات دیوانی و روانه کردن نوکر نظام و غیره مامور بدربارها و نوبداران و کل حکام و چاکران دیوانی حسب احکام نواب معسری الیه هر در سر خدمت و محل ماموریت خود مضبوط و ربط ابواب جمعی خود مشغول و مشغول مالی و رعایای آنجا در عین آسودگی و فراغت بدعا کونی ذات اقدس با لایون شافعی اشتغال دارند و امور طریق و سوا مضبوط و مستحفظ و قراقران و در راهها فطنت و محاربت مشغول و عابرین و متردین بخاطر جمعی عبور و مرور می نمایند

استرآباد و واسه آباد و صفا
ازین ولایات درین نفعه اخباری نبود

بروجرد

از قرائیکه در روزنامه بروجرد نوشته اند بجهت بارندگی زیاد که چند وقت پیش ازین در آنجا شد بود در حصار قدیم دور شهر خرابی بسیار روی و امر کرک فی الحکله بی نظم شده بود که مردم بار از راه و رخصتا شهر آورده و از کرک میکشیدند نواب اکبر میرزا نایب الحکومه بروجرد حجتا سر بار فوج خدا بند لورا در بند شهر بجهت رفع غلب این

اشخاص و محافظت در دزدان از سرقت و شرارت قراول گذاشته اند و قرارداد داده اند که بعد از ورود نواب مستطاب شاهزاده و الایهات حشام الدوله حکم بروجرد و لرستان و عربستان و بخساری حصار حجتا باذن و اجازت نواب معسری الیه در و شهر بکشد

دیگر نوشته اند که در این اوقات زنی در بروجرد پیدا شده بخانه های مردم آمد و شد میکرد و در بعضی جاها مثل خانه های بزرگان و خواجه که در آنجا اختلافه مع وف اندالها را اعتبار میداد که مرا در طهران قدر وجه حاصل است و بخانه های خواجه بزرگان آنجا راه دارم و بخانه های تجار که میرفت خود را مقدمه مینمود و بنهار و او را مشغول می شد و درین ضمن هر جا که فرصت میکرد مینویست سبقت میبرد و اسباب زیاد بدو را قبیل ستر فقره و مسینه آلات و غیره از خانه های مردم درید و در این اوقات که صاحبان اموال سر و قد نقض بودند مشارالیها دسگیر شده و اسباب مردم در نزد او برود کرد آنها را دریافت و صاحبان تسلیم کرده چون سارقه مرزبوره ایشیانی بوده است نواب اکبر میرزا او را بجایگاه میرزا کریم خان کدخدای سپند که روانه ایشیان نماید

سلطام و خراسان

ازین ولایات نیز درین نفعه اخباری نبود

حمه

از قرار یک در روزنامه حتمه نوشته اند چون
 سال نسبت با لهای دیگر غله در آنجا قدری
 سقیم داشت و جماعت جباران کم می بخشد و مردم
 خصوصاً غریبا ازین محله کمی در عسرت بودند لاجاً
 میرزا و لیجان نایب الحکومه پس از استحضار بر
 این معنی قرار گذاشته از صاحبان غله آرد و گندم
 خریداری کرده بنه جباران تقسیم نمود و قدغن کرد
 که اگر یک دکان جباری بعد ازین سببه باشد
 بایان کم بپردازد یا کران بفروشد مورد جریمه و
 باشد و بعد ازین قرار داد و رسیدن غله بناؤ
 بالفصل در همه دکان جباری مان هر روز خوا
 و غرباد و حجره و مسکن از این معنی زیاده را ضعی
 شکر میباشند

دیکر نوشته اند که احمد حاجی زنجانی که سابقاً نیز
 بدزدی و سرارت مشهور بود در این اوقات
 سرقت کرده داروغه شهر او را پیدا و دسگیر
 بنزد عالیجاه میرزا و لیجان آورد الاغ را حبس
 و سارق را قبیله مضبوط نموده بعد از مهار کردن
 دور کوچه و بازار را اخراج بده نموده حبس الحکم
 از آنجا بیرون کردند

دیکر نوشته اند که در ماه گذشته شخصی جوان
 بنزد داروغه آمده مدکور داشته بود که نقشی در صحرا
 دیدم که او را مقتول کرده اند داروغه مراتب را
 لیا لیا نایب الحکومه اظهار نمود فرستاد جنایت
 مقتول را آوردند مردم او را شناساندند که از اهل

ولی قاتل او معلوم نشد کیست لاجاً مثنی را الیه آدم
 بتفحص گذاشته و بکده خدایان و غیره سفارش و اتهام
 نموده است که قاتل را پیدا نمایند تا مدبر بارها یون
 عرض آنچه حکم شود در باره او معقول دارد

دیکر نوشته اند که لاجاً مثنی را الیه در رسیدگی بامور
 و قطع و فصل مطالبات و دعاوی مردم و احقاق
 حق کمال دقت را بعمل می آورد و اتهام در روز گذشته
 دارد و طلبی که مردم از یکدیگر دارند و عارض می شوند
 اگر مال این ایام است بعد از شوت حکم آدم میکار دکه
 وصول و طلب کار عاید سازد چنانکه شخصی برآز عارض
 شد که از بزاری دیگر که در خارج شهر است شازده
 تومان بوجوب تسک شرعی طلب دارم و مثنی را الیه در
 ادای آن حال متبجح است که بطله و دفع الوقت
 بنماید فرستاده او را بشهر حاضر کردند بعد از تحقیق و اقرار
 مدعی علیه خواه را از او گرفته صاحب خواه عاید سبب
 خواه شاکر و دعاگو از آنجا بیرون آمد و اگر طلب خواه
 مطلقاً آن رجوع نمی کند و مدعی را جواب میگوید

س و ه

از قرار یک در روزنامه س و ه نوشته اند در حاتم
 این ماه ناکاه هوا بر شده و در عدد برق و بارندگی
 شد بدین شروع کرده چنانچه در نیم ساعت سیل عظیم
 برآه افتاد و ب و ه و باغات آن اطراف خرابی
 زیاد رسانده بطوری رود سیل فرو گرفت که کنگره
 خاشاک در تیریل بود و هیچکس خود عیال اطفال را بردند دیگر فرست
 اسباب برون نشد بقدریکه بچاه باب خانه در خود

خراب شده و روز بعد اوسیل که اینقدر خانه دیدند
که خراب شده است بسیار خانه های از سیلاب
بوده است که آنها را هم گمان میکردند اند که خراب
شد

سنان و عراق ازین ولایات نیز در
این هفته احباری بنود فارس
در روزنامه فارس نوشته اند امور ولایت
از بهر جهت قطع و نواب مستطاب شاهزاده
والا تبار موید الدوله حکمران مملکت فارس
نهایت مراقبت را در انتظام امور ولایت و رفاه
حال رعایا و برابری اهل میاورند و بعضی مردم
فقر و عجزه خود بنفست رسیدگی می نمایند و خبری
و کلی امور از روی دقت و خورسی می نمایند
و در باب نظم طرق و شوارع اهتمام زیاد نموده اند
و راهها کمال آسایش را دارد و اسواران و مستحفظ
همه جا مستحفظ و حر است مشغول و عابرین و متردین
آسود خاطر عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که در بلوکات فارس و حول
شیراز امسال سجد الله آثار مانع که چند سال
در فارس می آمد در هیچ جا ظاهر نیست مگر در بلوکات
وقت و سر و ستان قدری گر مانع بیرون آمده است
نواب مستطاب موید الدوله بجز استماع حکم کرده
و محصل فرستادند که اهالی بلوکات را بجمعیت کرده
آنها را تا بال و پر در بیاورده و بهر و از بیاید
جمع کرده و تلف نمایند که انشاء الله حاصل از ضرر

آنها محفوظ بماند

دیگر از قواریکه نوشته اند در بلوکات خنج و حر
مگر بسیار درشتی که باندازه تخم مرغی بود اند
و پاره از حیوانات و محصول انجا را تلف و ضایع

موزده است

دیگر نوشته اند که شش عراده توپ و چهار
از دربارهای نون سمره عایلی جعفر قلیخان
تو پنجاه مامور گردیده بود در این اوقات و از
شیراز گردیده و در روز و در نواب موید الدوله
اهل نظام متوقف شیراز را با استقبال فرستاده
و آنها را بنوبخانه شیراز وارد کرده اند

و همچنین در روز و در سربازان فرج خاصه شیر
جمع صاحب منصبان و اخواجی را که در شیراز
بوده اند نواب معزی لهیه با استقبال فرستاده
و با کمال عزا و احترام وارد کرده اند و نواب معزی
خود نیز بعد از ورود و کلا خطه آنها رفته و با حاد
افراد سربازان و صاحب منصبان آنها رسیدگی
نمودند و کمال تحسین و توارش را کردند

دیگر نوشته بودند که شخص قتادی را اسک دیوانه گردید
چون بغاوتی که باید برود بمشهد امین درخت و با
خود را گذاشته در جهت ناید عمل نموده بود در این
اوقات بهان مرض فوت شد
قزوین و قسم و کاشان و کرد
و کرد و کس

از این ولایات نیز در این هفته اخباری بود

کرمانشاهان

از قراریکه در روزنامه کرمانشاهان نوشته بود
ضعیفه سارقه از زبان کدخدای ابو القاسم که خدا
محله فیض آباد به بقعه چهل پنجاه تومان جنس از نواز
گرفته بود و شخص بر از مطالبه وجه اجناس را از کف
مهر نور خود او ادا کرده بود که من السلامه طلع عیدم
و کیرایش تو نفرستاده ام ولی پیدا کردنش
در دهم من است و در مقام تفحص سارقه برآمد
روز رنی را دیده بود که بخانه رفت و بعد از لحظه
باباس و چادر مبدل بیرون آمد و اگر قفسه
براز را آوردند معلوم شده بود که همان است
اموال مسروقه از او کاما بعینها استرداد و بعضا
تسليم کردید از قراریکه نوشته بود ضعیفه مهر نوره
خالی از جنونی نبوده است

دیکر نوشته بودند که ضعیفه طفل دوسه ماهه داشته
شبی طفل گریه و بیایی زیاد کرده بود مادرش
قدری ریاض بخورد او داده بود که آرام بگیرد
با سراجت بنوا بدخان خوابیده بود که دیکرید

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته بودند
سیزده عید جماعتی از شایبان و یکسبه بر
تفرج بیرون شهر رفته بودند درین بین با سخت
بنای دریدن گذاشته و هوار تار یک دانه را
از هم متفرق کرده بود نزدیک غروب که هوار

شد و یکدیگر را پیدا کرده بودند پسری شاکر دشت
که سبن دوازده سال بود غایب دیدند و شب
بخانه نیامد در مقام تفحص او برآمدند بعد از دوسه روز
معلوم شده بود که شدت باد و غبار و تاریکی هوا
او را بجای از چاهای قنات انداخته دلاک کرد

کیلان

از قراریکه در روزنامه کیلان نوشته اند امیرالاعظم
عمید الملک والی کیلان بعد از ورود با تولا یست
تخصیل موجبات سودگی و رفاه حال رعایا و
هر گونه تعلبات و حصول دعا کوئی بجهت دانت آمدن
همایون شایسته صان الله بایام سلطنتش
اهتمام را معین میدارد از جمله در این اوقات
دور رسیده و کم وزن در میان مردم پیا شده و
موجب ضرر و خسارت ارباب محاطات شده بود
قدغن اکیه نمود که آنچه اشرفی که زیاده از یک کدم
کسر داشته باشد جماعت صراف حرب الترام خود
جمع نموده و بضر آنجانه بپسند که شگه جدید تمام
عیار مشکوک نمایند که بدریچ این پولهای کسری
از میان مردم برداشته شود و نیز که خدا بپایان
بلوکات و عقود و مناکحات مبالغه کراف تقدیر
از رعایا و دافین با اسم تعارف اندک کردند
خصوص الترام از کدخدایان و ریش سفیدان گرفت
که بعد ازین این قاعده مبروک و موقوف باشد
و باین رسم اگر رعایا و دافین چیزی بکنند مورد عتاب
و همان و نیز دافین دلیات نیز جاری نبود

از قراریکه در روزنامه‌های خارجه نوشته بودند
 چون بقاعده مذبح عیسوی طفلی که متولد می‌شود مردی
 وزنی وکیل او می‌شوند و این وکالت را وافتیر می‌کنند
 در این اوقات که سخته امپراطور فرانسه پیری با
 سه‌دکذاشته و بنایان موسوم گردیده است از
 حبله و گورپای رومی که بزرگ و پیشوای ملت کتو
 عیسوی است و از حبله انات زوجه پادشاه اسوج
 او شده اند و امپراطور فرانسه و زوجه اش تنگ
 لهذا قرار داده اند که درین سال هر طفلی که در فرانسه
 متولد شود از اعلای یا ادانی وافتیر یعنی کبیل او با
 و نیز نوشته اند که در اوقات جمهوری آخر فرانسه
 لوی فیلیپ که لوی ناپلیان رئیس جمهوری و بعد از او
 بهم حوزده لوی ناپلیان با امپراطوری فرانسه تخصیص
 بعضی اجزای جمهوری و کبرای ملت که با امپراطور مخالفت
 کرده و امپراطوری او را تصدیق نکرده و قول نگذاشته
 حکم باخراج آنها شده آنها را از خاک فرانسه بیرون
 کردند در این اوقات اشخاص مزبور تصدیق نامه امپراطور
 لوی ناپلیان را قبول گذاشته و تمنا می‌معاودت
 بولایت فرانسه کرده اند از آنها هر کس که تصدیق
 نامه مزبور را مکر کرده و قول کشیده است امپراطور
 فرانسه اذن داده است که بوطن خود معاودت
 نماید و هر کس تصدیق نامه امپراطوری را ممضی
 اذن معاودت ندارد و هم چنین در احتلال مزبور
 بعضی معصرین بعضی هلاکت و اعدام درآمده بودند

در این اوقات که ولیعهد امپراطور فرانسه متولد شد
 از جانب امپراطور برسم تشکر و میمنت قدوم ولیعهد
 جرایم و قبایح معدومین بخشیده شده بازماندگان
 آنها را اذن داده و اعلام کرده اند که هر کس بوطن
 خود مراجعت نماید
 و هم چنین از اصول و قانون قدیمه دول او روست
 که وجه مسکوک را در یکطرف صورت پادشاه آن
 دولت و در طرف دیگرش در کنار اسم و در
 وسط بخند و واج باشد که میزنند در ایام این جمهوری
 آخر فرانسه و جوی بهان قانون باصورت دخترینی
 حسب احکام جمهوری در فرانسه سکه زدند و آن
 تا این اوقات در آن ولایت رواج بود و داد و ستد
 میشد امپراطور فرانسه بعد از تولد ولیعهد حکم کرده
 که آن مسکوکات موقوف متروک باشد و همه
 جمع کرده نصرا بخانه ببرند که آب کرده سکه جدید
 نمایند و ما مورین دیوان حسب احکام امپراطور در کارند
 که آن مسکوکات که باصورت دختر رسم از میان مردم جمع نموده اند
 دیگر نوشته اند که از دختران پادشاه انگلیس بکجا
 رشد و کمال رسیده و حکمداران المانیا هر یک
 تمنا می‌مواصلت و تزویج او را بجهت پسر خود کرده و
 هر کدام علاقه ارسال شکر و رسائل با تعظیمات و احترام
 نموده اند پسر و ولیعهد پادشاه دولت پروسیه
 که در غفوان جوانی است چند پیش ازین بیاحت
 لذن رفته و چند وقت اقامت نموده بدولت
 پروسیه مراجعت کرده بود در این اوقات را

مجدد اعازم لندن شده اس از فراری روزی که بجا ی پول در انجا رواج است بقدر هفت کرد و
می نویسند که منظورش ازین سفر ارا ده موصلت
با کریمه مر بوره باشد
دیگر نوشته اند که مابین دولتین استریه و سارین
سابقا بجهت بعضی مواد برودنی روی داده و همچنان
طرفین از محل مأموریت کشیده شده و بدولت خود
پیوسته بودند و در این اوقات مابین دولتین
برودنی نمانده و رفع کدورت از جانبش شده
ایچیان طرفین کما فی السابق بمأموریت خود برقرار
و روانه محل مأموریت می شوند
دیگر نوشته اند که بجهت اختلالات چند سال قبل
در دولت استریه اتفاق افتاد از امانالی و یک
و لمبارو یا بعضی کسان که مصدر را شوش شده بودند
بعد از تسلط و استقلال امپراطور استریه بمالک او پاد
زار کردند و از جانب امپراطور استریه حکم ضبط
اطلاک آنها شده و در ضبط دیوان بودند در این اوقات
از امانالی بر قوم بعضی کسان مایل معاودت با دایان
خود شده با امپراطور استریه عرض حال نموده و عریضه
نوشته هستند عای اذن معاودت کرده اند و از
جانب امپراطور نیز حکم شده است که دیوانیان
اطلاک آن اشخاص را بنحودشان و اگر اندک آهنگ
در او طان و اماکن خود ساکن شوند
دیگر نوشته بودند که از امانالی ایر کند که جزو ولایت
انگلین است شخصی سدر نام بعضی اوقات در باجی
لندن توقف نموده است و از هر قسم کاغذها

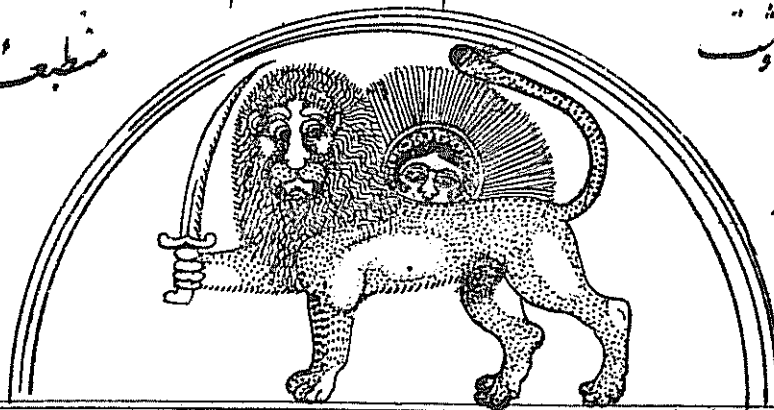
که بجا ی پول در انجا رواج است بقدر هفت کرد و
علاقه ای ساخته و کسی هم نفهمید و بود بجهت اینکه بسیار
با یک سس دیوان ولی تفاوت ساخته بود و این
هنگام سهارا کلا با تجارت و غیره معامله و داد و ستد کرد
آخر معترف و محترمه شده از جمله اجزای مجلس ملت
انتخاب شده بود باین منصب که رسید باین خیال افتاد
که عاقبت برده از روی کار من برداشته خواهد شد
و دیوانیان ثقل بر او خواهند فهمید و کار من خراب
خواهد شد باین خیال و اینه او قوت گرفته و بهلا
خود را ضعیف کرده و دیده خود را هلاک نموده است و از
بیت و پنج سال قبل تا این ایام مشغول این عمل بود
و مانند او در قلابی کری ماهری تا این ایام دیده
نشد
دیگر در روزنامه جریده الاحداث نوشته اند که از حاکم
انگلین در محلی کیلی نام یک شخصی در جوانی خود در حاله
کرده و باین رسم و خیال در خوابگاه خوابیده و کاف
نار از کاشیده هیچ از اطاق خود بیرون نمی آمد و خود
خود را بدست محافظت میکرد و تا چهل و نه سال باین
مسئوال گذرانده که هیچ از خوابگاه خود بیرون نیامده
همیشه میگفت که بچه در شکم من است تا بسن مفقود سال
که رسید چند وقت پیش ازین فوت شده و در این وقت
از گوشه انزو اما تند بیچاران بیرون نیامده است
تعجب است
دیگر نوشته اند که از اعضای مجلس نجبا و صلندان دولت
پرستیه شخصی با وکیل ضابطه دولت مر بوره بجهت بعضی

گفتگو با رنجش خاطر و عداوت بهم رسانده یکدیگر را بجنب
 دُول که جنگ رود و با طباچه و خیر است دعوت کرده
 یکی از مقربان دولت پروسه نیز این کیفیت را بدو
 کرده هر قدر خواسته بود مابین آنها التیام میداد
 با صلاح بگذرانند فایده نکرده طرفین بمیدان جنگ
 آمده بعد از ترتیب رسوم که در جنگ دُول دارند
 طباچه بیکدیگر خالی کرده و کیل ضربیه مضروب و
 شده بود آن شخص مقرب نیز که میخواست صلاح یابی
 از خشم اینکه چرا در کار اینها اجمال کردم یا چرا
 مراقب نکند و فوراً طباچه خود را بسینه خود خالی کرد
 و هلاک شد است
 دیگر نوشته اند که از امانی غلطه اسلامبول شخصی
 شان تیمونی نام بفرستاد و تاریخ و نجوم و انواع علوم
 داشت ولی صاحب لایحه و ذهن مستقیم نبود و از اینکه
 با کثرت و بضاعت بود همیشه صحیح کردن کتب مستوفی
 اقدام نمیداد و جایحانی را که دیده بود و تاریخ و
 مشعل برجش و زواید بسیار که خارج از قاعده تاریخ
 بود می نوشت و باین جهت اظهار مغایرت و مباها
 می نمود مثلاً اسلامبول را تعریف کرده که در فلان
 محل فلان چیز است و فلان چیز نیست با جمله شایسته
 چند وقت پیش ازین بیارس پای تخت و این
 غنیمت کرده پس از وصول با تنجا در یک کوچه از
 چهار عمارات یک طاقی اعلی کرایه کرده و کتب خود را
 در چهار گوشه طاق ترتیب تا دم طاق چیده و خود
 بمطالع کتب مرنور مشغول بود و کانی بجای معلمان
 نموده اخذ معلومات میکرد و غالباً سکوت محض بود
 و هیچ صدائی از او بیرون نمی آمد و هر دو سه روز
 یک دفعه از اطاق خود بیرون می آمد و دستایکان او این
 معنی کمال تشکر و رضامندی از او داشتند و
 باینطور بود تا اینکه مدت یکماه کسی او را ندید که از منزل
 خود بیرون بیاید دستایکان بکرا و افتادند که این شخص
 تا یکماه در اطاق چگونه زیست نموده بایا شاید در
 بیرونها چون غریب و نابلد این ولایت است بمرطه
 افتاده و هلاک شده باشد که از شنیدن این خبر بطنیه اعلام
 کرده ضابطان رفته در باطاق او را که از اندرون
 بسته بود و کسوده دیده بودند که کتا بهار در اطراف
 خود چیده و مشغول مطالعه بوده است از شدت مطالعه
 مضرف با کله و شرب نشسته تا در گذشته است
 جنازه او را با اعزاز و احترام برداشته و دفن کرده اند
 مضمون اینچون فزون در حق بعضی ملها ما صدق بهم رسانده
 ولی با وصف کرسی کسی تا دم بردن از شدت مشغول
 بجای صل غذا نخورد تا هلاک شود تا کنون دیده نشده
 دیگر در روزنامه چیده حوادث نوشته اند که در این اوقات ارگشهای
 تجارتی یکی دنیا یک کشتی شراع دار بزرگ ارگشتی سه باره دراز بود
 چهار دیرک داشت آمده در دماغه سرای لکرانداخته است
 و باین ملبه ی کشتی تا حال در روی دریا دیده شده
 و مردم جهت تماشای کشتی مرنور با تنجا رفته و از جباب
 و درازی آن کشتی تعجب داشته و تعریف زیاد می نمودند

روزنامه قایم القایست پنجشنبه بیست و نهم شهریور المبارک سلطنت ایل

نزد ویت پهلادوست

منطبع دارالخلافه



قیمت روزنامه

هر نسخه دهم

قیمت

هر طریح

اجبار و احکام محروسه پادشاه

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه بیستم این ماه اعلی حضرت آید
 هایون شاهی تفریح و تماشای میدان جدید
 که کتب و اصناف متعه و لورات و نفایس
 چیده بودند تشریف فرما گردیده جناب شرف
 امجد ارفع صدر اعظم و بعضی ارباب خواص مقربان
 حضرت گردون بطریق سینه نیز تشریف فرما حضور
 مبارک بودند و بقدر یک ساعت در اینجا تفریح
 و تماشا فرموده اشیاء غریبه و صنایع و نقاشی
 بدیده که در دکا کین و حجرات چیده بودند بعضی
 عرض حضور مبارک در آورده و بعضی از آنها که
 خاطر طوکانه گردید فرمایش بابتیاع آنها فرمودند
 و اصناف و کسبه از زیارت وجود فانی خود
 هایون شاهی که عمل مقاصد آنها بود در اید
 خرمی و خرسندی بهم رسانده تقدیم شکر گذار
 نمودند و علاوه بر آن از اشیائی که پسندیدند
 ملوکانه گردید و فرمودند بابتیاع شود اصناف مزبور
 منتفع و بهره یاب شدند و بعد از تفریح و تماشا
 حجرات و این بندهای کسبه معاودت مبارک
 مبارکه سلطانی فرمودند
 از غرایب اتفاقات و عجایب مواصله که در هیئت
 در روزنامه شهر دارالخلافه نوشته شده بود طفلی
 متولد شده که سه سر داشت یک سر آن
 بصورت متعارف انسانی همه چیز شننجای خود در
 مگر یک چشم داشت که جای چشم بودی تخم چشم و
 دندان داشت و زبانی کوچک و زیر مثل زبان
 خرگوش سر دیگر بقدر نارنج بزرگی بود موی سر داشت
 ولی آمار و علامتی دیگر نداشت و سر سیم تقدیم
 قراباغی لی آمار و علامت دستهایش پیچیده مکتب
 و پایش نیز پیچیده در دستها چهار ده انگشت
 الت رجولیت نداشت ولی خصینین داشت ممر لوش
 سوراخ کوچکی بود آوازش مانند اولاد جوجه خرگوش

بیت و چهار ساعت زنده بود و بعد فوت شد مگر توله قابله دست بدان او انداخته بود که او را از رحم بیرون کشید از تیزی دندان او دست قابله خیم شده بود	خود را متوجه میسند که از جهال و او باشد خودشان یا از خارج سرق و سرقت و سرزنی سرزنی و سرزنی و متردین مطئن و اسوده خاطر عبور و میرود
خراسان و حمت و سمنان و شاهرو و عراق ازین ولایات نیز درین هفته اخباری بنود	سایر ولایات افزاید بایجان و ستر آباد و اسدا و اصفهان ازین ولایات درین هفته اخباری بنود
فارس از قمار یک در روز نامه فارس نوشته اند بهار سال بجه الله بارانهای نافع بسیار خوب بلوکات و کمریات فارس آمد بهب خوشی	بر و خبر از قمار یک در روز نامه بر و خبر نوشته اند کمال انظام و امنیت در اینجا حاصل است و توان اکبر میرزا نایب الحکومه اینجا اهتمام کامل در نظم ولایت و انجام خدمات دیوانی و اسودگی
عموم اهالی فارس کردید و زراعات از اغلب اوقات که اکثر سالها روی میداد تا بیستم شهریور که وقت دروغه پاره کمریات است مصون و محفوظ بوده و امید کلی داشته اند که ثواب الهی بحدی	دارد و عموم اهالی در عایا و سکنه آن سال بدعای دات اقدس هائون اشتغال دارند غله و از آن قسم اجناس از قمار یک نوشته بود در ماه شعبان تعیرشان قدری روبرقی بود
اینها فی مراقبت تمام در انظام ایلات بعل آورده با کمال نظم و حسن سلوک از حد و دوسامان خود گذشته اند و از احدی حرکت خلافی ناستی	ولی بعد از بارندگی آن اوقات که بسیار نافع و موبق بود دیگر نرخ غله بالا رفت بلکه روبرق و این معنی سبب میرید تشکر و خرسندی عموم ریا
و صادر کردند است و اهالی دات و صاحبان اطلاک و زراعات نهایت رضامند و از آنها داشته دیگر نوشته اند که لو آب سلاب شاهزاده و	و اهالی انولایت گردید دیگر ام ایلات انولایت از حسن مراقبت نواب معز می ایله نظم کامل داد اگر چه بحکم مستحق و قواسوران سحر است معابر
مؤید الدوله حکمران مملکت فارس در نظم امور جمهور و امنیت طرق و محابر نزدیک و دور و رفقا	مستولند ولی خود طوالیف مبرور نیز هر طایفه از خودشان آد هما گذشته و طرق و سواخ

حال رعایا و برابری اتهامات کافی بعل می آورند
 حکام جزو و مباشرین و کارکنان دیوانی
 حسب الحکم لو اب معری الیه بانجام خدمات محوله بخود
 مشغول و نوکران امور ساخوی سرحدات و بنا
 هر یک در سرکار و خدمت خود مراقب باشند
 از حمله عالیه باقرخان سگستانی بالهیکلی الواجبی
 که ما مورساخو بند رعایا بود با اینکه بعضی
 تعقیبهای او مریض بوده اند نهایت خدمتگذار
 نموده و لو اب شاهراده مؤید الله و له نهایت
 رضامندی را از او داشته اند و همچنین تو سخی
 و سر بازار ما مؤره در هر جا با کمال نظام حسن سلوک
 بوده اند و کسی شکایتی از آنها نداشته است
 قروین و قس و کاشان و کرمان
 و کرمان و کرمان و کرمان
 این ولایات نیز دین نفقه جاری بود
 کیلان
 از فراری که در روزنامه کیلان نوشته اند
 عمید الملک و الی کیلان بعد از انتظام امر اولاد
 و قرار کار رعایا و مباشرین و الی مله و بلوکات
 در سیم ماه رمضان المبارک بانزلی رفته و بعد
 ورود بانجا دوروز توقف نموده و احاد و افراد
 ساخو انجارا از تو سخی و سر بازار و قورخانچی خوا
 و بوقت رسیدگی نموده و نوازش و انعام بها
 نموده آنها را دلگرم خدمتگذاری کرده است و به
 باستانها و قورخانه انجا رسیدگی کامل نموده
 آنچه وجه و اسباب که بجهت تعمیر و تدارک آنها
 لازم بوده است سرانجام نموده و امور انجارا
 از هر جهت منظم داشته مراجعت برت کران
 دیگر نوشته که شخصی از سارقین مشهور کیلان
 که کبریات گرفتار شده و متخلص گردیده بود در
 این اوقات باز سرقت کرده و دستگیر گردید
 چون سابقا اهل شهر و دلقین هر چه دزد گرفته
 می آوردند و زوجه استخلاص خود افرایند
 می بست که فلان کس فلان مبلغ از من گرفته است
 و فلان نخواه را که سرقت کرده ام بفلان کس داد
 و کارکنان حکام سابق بعضی که مدخل خود را بطا
 بودند و مطلقا احقاق حق منظورشان نبود حرف
 سارق را قبول و بدون پرسش و تحقیق و جوه قلمداد
 او را حکماً از ان الشخاص گرفته و دزد را میگردند
 این فقره نیز خسته از مداخلات آنها شده اگر مال
 کسی بوقت میرفت از ترس اینکه بجای رده دیگر گرفتار
 خارت نشود اقدام بگرفتن سارق نمی نمود این
 نیز که دستگیر شده بود خواست بقرار سابق تمت
 بدیکران بزند امیر الامرا لفظاً عمید الملک اقول
 کا دبه اورا مسموع مدشته بعد از غور رستی و
 سرقت او سیاستی که شایسته عمل او بود نمود تا
 دیگری بعد ازین متکب سرقت نشود
 باز در ان و طایر و نه و نه و نه و نه
 و نیز و این ولایات نیز دین نفقه جاری بود

اجبار و ول خارج

که آنها را رنگ کرده و رنگ آنها را با رنگ چای

از قرآنی که در روزنامه های دول خارج نوشته اند

مطابق نموده مخلوط می کنند و بفروش میرسانند

در همه ممالک روی زمین در چیزهایی که خرید و

فروش میشود بسیار ثقل و حمید بکار میرند و

در میان قهوه جوبات دیگر از قبیل نخود و غیره

آنچه با کولات و مشروبات متعلق است تقدیر

که نسبت بقهوه ارزان است داخل می کنند و در

آن غیر آن جنس با مخلوط شده بعضی اصناف

میان شکر مکی که سفید است و با شکر شاهی

بی انصاف بجهت تکثیر کسب کار تحصیل منافعی

داخل می نمایند و بشکر رنگ کرده هر چیزی که بتواند

هر چه میخیزند مخلوط بچیز دیگر کرده و چند مسای

اعم از آنکه آن چیز سمیت داشته یا نداشته باشد

آن قیمت که خرید و اند بفروش میرسانند و

مخلوط می سازند و در میان مکررات القدر است و

در حق عموم مردم بسیار مضرت دارد و لهذا در

میان یک چیز که در او نمیند آب انکورات و با

دولت انگلیس و دولت فرانسه هر یک محکمی

ضرر بسیار بوجود و ابدان مردم می شود سر که

بسیار خوب عبارت شده است از شراب و آب

تجربه تشخیص بی عیب بودن ماکولات و مشروبات

از اجرای دیگر معین کرده اند میباید جوبات

و تیزاب و سایر چیزها نیز ازین قبیل قیاس می شود

و آرد شده آنها و از مشروبات رنگ کرده و

حال در انگلیس فرانسه این قرار داده اند که

و غیره بمعرفت مأمورین مجلس مبنی بر

تقلب از ماکولات و مشروبات بشود و سایر

در بازارها و کوچه ها فروخته شود و مأمورین

اوروپا نیز در پی این مطلب خواهند بود

از این اشیاء را بمقام تجربه و امتحان رسانده

دیگر نوشته اند که امپراطور فرانسه بجهت اتمام حد

حاضر جمعی و تشخیص خوب و بد آن بفروش

خود و عیال خود که سفره حضرت باشند نفر تبیین و

اولا در میان کوبیدنهای خاک که جز غلظت

سی و شصت نفر از بزرگ و کوچک ضابطان عسکر خاص

از هر جوره چیزهای دیگر میکوبند و در محوم و بعضی

تخصیص داده اینها بگیت جوانان بلند قامت و

جایها حیواناتی که مردار شده اند لاشه آنها را

نمایان و همه بیک قد میزنند و نفرات آنها تجبه ای

آورده گوشتان را داخل محوم ماکول می نمایند

بشک خدمت و آمده اند هر یک بکثیر خدمتکار

و در میان نان بقدر صد و ده اشیا دیگر صتم

دارند و در وقت سفر و مسای جیره یارین

میکنند انواع چائی که از چین با بر ولایات

با بجا جیره داده میشود

می آورند از نصفه ریاضات و ترلعنهای خود ردی گوشت

دیگر نوشته اند که مابین دولت انگلیس و حکومت

فاس درین روزها معاهده تجارتی قرار داده و
واختتام معاهده مزبور بمسئولین برنفع تجارت طرفین
و در این اوقات در کار ساختن میباشند

و دیگر نوشته اند که در ایام عید سلطانی در شهر

یوزغاد بطوری طوفان شده بود و برف ریخته
آمد که کسی از خانه قدرت بیرون آمدن نداشت
و کاکین جنابزی عسیره هم پشته شده بود که

معمود ساله و صد ساله اینگونه برف و طوفان
در آنجا ندیده بودند سهل است از آباد اسلاف
خود نیز شنیده بوده اند که اینگونه برف و برف

در آنجا اتفاق افتاده باشد ولی نوشته اند
که این برودت زود رفع شود و در اندک زمانی
هوای طایم گردید

و همچنین در طوفانی که چند وقت قبل ازین در شهر
شده بود خسارت زیاده بکشتها رسانیده است
از جمله در طرف کوه سنجه بارز و فزونی کشتی

سیاهی افتاده بعضی بایلمه شکسته و تلف شده
و بعضی خرابی زنا و بهم رسانده خندان زیاده
عاید روزگار تجارت کرده دیده است از فاق بجهت این

صدمه خواه جمع کرده بمسئولین قاضی آورده
و دیگر نوشته اند که پادشاه بلجیا در دویم ماه
از مرقه حکومت خود حرکت کرده و روانه لندن

شده است
و دیگر نوشته اند که راه آهنی که بطرف و نزدیک

و لوئیسبار دیوایتا لیا قرار بود ساخته شود و قوتی
روشن شد مشهور لغت وجه مخارج آنرا کرده است
و در این اوقات در کار ساختن میباشند

و دیگر نوشته بودند که از یهودیان استان یکی چند
وقت پیش ازین در اسلامبول تجارت و داد و
میکرد و با عیال خود قیام نمود سه دفعه ناگاه خانه

او سوخته و لو بوطه افلاس گرفتار گردیده و درین
بین دو نفر پیرمائی او بیرون رفت شده مستغرق الالم
و تکرر ریاد شد قروضی که تجارت داشت مقدورش

نمود که اداناید از یکی از تجارتخانه های اموال و
گرفته و بخیال پیش ازین بطرف دارنه رفته بود
از آنوقت دیگر کسی از او خبری نداشت و طلبکاران

چند آنکه بتفحص او برآمدند اثری نیافتند تا درین
اوقات معلوم شده است که یهودی مذکور درین
ایام اجتماع عساکر دول اربعه در سیواسمبول

بارد و نای آنجا رفته و داد و ستد و معاملات
کرده و خیلی منفعت حاصل نموده در این روزها
با اسلامبول مراجعت کرده است و قروضی که بجا

داشت کلاً ادا نموده بعد در مقام ادای منافع
دیون برآمده بعضی از تجارت منافع خود را قبول و
در یافت کرده و بعضی دیگر با و بخشیده و او را

از ادای منافع معاف داشته اند و همه تجارت از
درستی و صداقت یهودی مزبور کمال تعجب را
و مامند

دیگر نوشته اند که در دولت انجلیس سبب محاسن
فقر او مردمان بی بصاعت و رلندن سی و
هزار و دویست و سی و دو نفر اصحاب پول
شده اند و پنج طایف اصحاب خیرات دیگر که هر
که ام در عرض سال یک لیر اجته مخارج فقرا
نماید لعمد کرده اند درین صورت امور محاسن
فقرای آنجا بکمال خوبی انتظام یافته و ارسته
از قیاس سوال و یکدیگر شده اند

دیگر نوشته اند که در اوایل شعبان در آذربایجان
دکان شخص جلاچی قضا، آتش ظهور کرده و بواسطه
چون شدت طوفانی بوده و باد شدید میوزیده
چهار ساعت امتداد یافته دولت و چهل باب
دکان و پنج باب کاروانسرای بزرگ و سی و
کاروانسرای کوچک و یک انبار آرد و دکان
اطراف انبار منور و شب میخانه کلا سوخته است
تا بعد آتش را خاموش کرده اند

دیگر نوشته اند که بجهت و لعیده امپراطور دولت
فرانس که در این ایام متولد گردیده است از
باب دولت اسپانیول یک قطعه نشانها
معتبر دولت منور مصوب ماموری مخصوص
پای تحت فرانسه ارسال شده است

دیگر نوشته اند که در مقرر حکومت پارمه که در
ایتالیا واقع است یکی از وکلای پوس را که
در کوچه محفوظ و حراست مشغول بوده است
در کوچه کشته بودند و قاتل او معلوم نبود و از
کارهایش از فقر و صدمه و چهار مصفت اعلان کرده است که بدو

فرار روزنامه که در این اوقات رسیده است
تبعه حکومت منوره باحداث اختلال محقق حیات
منوده بعضی از ارکان حکومت را که باشرایط
موافقت نداشته اند سه چهار نفر بطور مطلق
کرده و مخالفت هم نموده بودند سببه گرفتن جلوه
این حادثه از طرف دولت استریه جنرال
قانونی با قدری عساکر نامور و بواسطه عساکر
مردم مالی منوره محصور شده اند

دیگر نوشته اند که در دولت جمهوری سیکلی دنیا
شمالی در این اوقات سببه ریا کردن کشتیهای
دولت منور مجلسی منعقد و وجهی معتدیه صرف
منوده بنا که داشته اند و فرودستی زیاده
دیگر نوشته اند که سابقا کاغذ ارگنه پنبه و کتان
ساخته می شد حال یکی از علمای علم کاغذ ساری
در انجلیس اختراعی کرده است که ساختن کاغذ
منحصرا به کهنه نباشد بلکه از هر کهنه نباتات ساخته
شود و اعلامی که کاغذ از تنهایی که در کوهستان
میردیند لعل می آید و بعد ازین از طرف دولت
همجبات مخصوص بجهت جمع کردن نباتات برای
ساختن کاغذ شخص خواهد شد

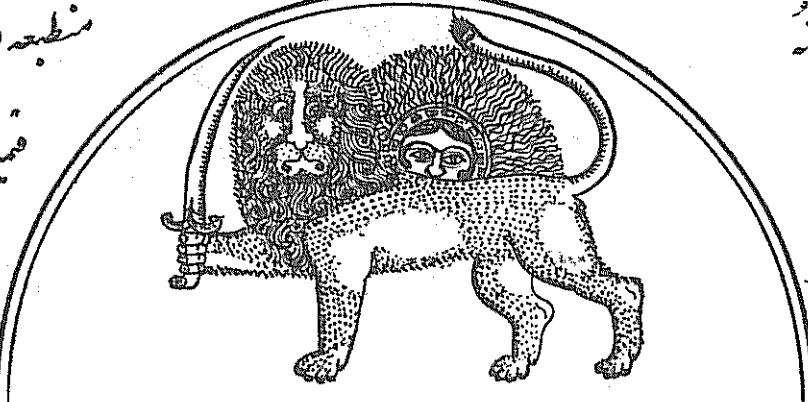
دیگر نوشته اند که منافع محسنات را این در دول فرانسه
مهور نام دارد در این اوقات دولت با ویرانه ها را بهائی که
از شهرهای بزرگ بیکدیگر ساخته است از قبضات محکمت خود بیکدیگر
اراده کرده و در دو وجه صرف وجه خارج آن بجهت پنبه که دایم این
کارها پیش از فقر و صدمه و چهار مصفت اعلان کرده است که بدو

روزنامه فایز افغانیست پنج شنبه غره ماشوال المکرّم مطابقی لوی میل ۱۲۷۲

منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر خط پنج شبر



مذہب و مکتبہ

قیمت روزنامه

هر خط دوشبر

اجبار داخله ممالک محروسه پادشاه

چون بر وجود هماون زاید الوصف خوش گذشت
شب دیگر رانیز درها نجا غریت توقف فرمودند
ایام ماه مبارک صیام تحیر و خرمی با تمام رسیدن
جمیعت دارالخلافه طهران سجدہ حصول امت و غایت
عامہ مردم و کثرت معاطات روز بروز درتراید
و از اطراف ممالک محروسه اہل عرفہ و صنعت و عہد
دارالخلافہ آمدہ توطن مینمایند بدینچشمہ سال بسالی
عباد و سلین در مساجد و معاہدہ شہ است چنانچہ
در مساجد و صلوات جامعہ و مجالس و عطا ازیں سال
و دیگر ریا و ترجیعت عبادت کاران و دعا کو بیان
میشد

نظر بقابلت شایستگی عالیجاه مری فیلیخان و لدعای
مقرب الخاقان محمد سعید خان نوری و اہتمامات او
در انجام خدمات محولہ سجدہ دوران اوقات موافق
حکم نظامی منصب سرکاری سرفراز گردید

دارالخلافه طهران
نظر بطور و فور محرم خاطر اقدس هماون
صان اللہ ایام سلطنتہ عن التسنای در حق جناب
اشرف ارفع صدر اعظم در روز یکشنبہ گذشتہ
بباغ نظامیت متعلق جناب معظّم کہ بحسب طرح و
روح و صفات متنازع و درین فصل بہار کمال حرمت
ترتیب دارد تشریف فرما گردیدند از جانب
معظّم و جناب نظام الملک لوازم قربانیہ
و پانہ از بطور شایسته بعل آمدہ افطار و سحور
در آنجا صرف فرمودند بعد از افطار کہ بعضی از
عظام نیز شرفیاب حضور مبارک بودند اساجشن
و تشبازی بطرح تازه و کتبہ کہ معین و نمکی ختم
بودند در حضور مہر طور روشنی افزای مجلس
گردیدہ و بسیار مطبوع و سخن خاطر ملوکانه افتاد و از
متعلقان جناب معظّم لازمہ تقدیم خدمتکداری
آمدہ مور و تحسین و التفات خسروانی گردیدند

۱۷۹۹

سارولایات
 اذربایجان و اشتر آباد و ایسدا
 و اصفهان و بر جرد و سلطام و خرا
 و حمت و سمنان ازین ولایات در این
 اخباری بنود

عراق از قراریکه در روزنامه عراق
 مقرب الخاقان میرزا حسن خان که از دربار تاجان
 بمقر حکومت معاد دت نمود بعد از ورود بآنجاد
 انتظام امور ولایتی و نظم دلت خالصه اتهام کامل
 نموده است چون آل بجهت بارندگی زیاد و خراب
 سیل بعضی رعایای خالصجات و غیر متفرق شده
 و بجایای دیگر فرسته بودند آنهارا و ستاده و جحفیف
 و بد معاش الطینان و خطره جمعی داده باوطن
 و اماکن خود مراجعت کرده مشغول عیسی خود هستند
 و که خدایان و رعایای کل بلوک عراق را از گزند
 و فزائون و شراره و خنجه تمان سلطان آباد بجهت
 داد و ستد بده بسته خواسته و اما لی بلوک متوال
 می آیند و بامور هر فرقه رسیدگی کامل نموده نایب
 معین و بدی رعایا شخص قدغن آکیده شود که کسی دینار
 زیاده از رعایا مطالب ننماید و بهیچ مقصی المرام و
 دعاگو با امیدواری تمام مراجعت بخانه های خود ننمایند
 و بجهت بودن ما چشام شبهار العذار افطار با ست
 پنج شش بسته بامور ولایت و عیت رسیدگی نماید
 و محض حصول دعای خیر جبهه دات اقدس تاجان
 شاهنشاهی شهبای ماه مبارک را استمرا اراشی

پنجاهشت من برنج مخصوص فترا و اهل استحقاق
 طنج نموده اطعام مساکین می شود دیگر نوشته بود
 که پل دیز آباد که معبر قوافل و زوار و از بناهای
 شاه عباس صفوی انارالد بر مانه است درین
 سال بجهت شدت سیل خراب و کار عابرین صعب و
 مشکل شده بود مقرب الخاقان مشا را لیه معمار
 بنا و عله و سهاپ معین کرده روانه نمود که بزودی
 پل مزبور را محکم و مضبوط بزند که از برای زوار و
 قوافل معطلی حاصل نشود و با الفتن و عله در آنجا مشغول
 می باشد چون پل مزبور معبر عام و عبور زوار و قوافل
 اغلب ممالک محروسه از آنجاست ساختن آن الزم و واجب
 میرید دعاگوئی عامه برین است

فارس و قزوین و قم و کرج
 و کردستان و گروس و کرمان
 از این ولایات نیز درین بقیه خبری بنود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند نهایت
 امنیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و رعایا
 و بریایا آسوده خاطر بدعای وجود مبارک علحضرت
 اقدس تاجان شاهنشاهی مشغول اند و امیرالامرا را
 سپه دار در نظم ولایت و غوررسی امور عیت و
 خدمات دیوانی زیاده اتهام دارد و کار طرق
 سوارع منظم و با کمال امنیت عبور و مرور میشود
 چنانچه پهل رسام الولایت بوده است که یک دفعه
 در بهار و یک دفعه در پاییز زوار آنجا روانه ارض اند

میشوند اما بسبب امنیت طرق و سوارخ در
اوایل بهار و دفعه جمیع از زوار منعقد شده و

ارض فیض بنیان گردیدند

و دیگر نوشته اند که عالیجا هاما علی خان میرتب که

انتظام بلوچستان است در آن صفی ت کمال تلقظ

و اقدار را دار چون سرحد داران سابق که ما

انجام می شد ند بجهت جلب نفع خودشان کارشان

چندان پیشرفت نداشت عالیجا هاما علی مقتضای

کمال معقولیت و کار دانی خود و سفارشات امیرالاکام

سپه دار پیشرفت خدمت و یکنامی دولت را

بر جلب منفعت تقدیم داده و اشعار و او باش اولاد

که معتاد به بزرگی و افت دند در مقام اطاعت و تعبد

در آورده کسی قدرت تقدیمی و قلب ندارد از جمله

قلعه کس سیزده نفر زن و طفل عوض بدیوانی خود

آورده بودند بعد از تحقیق معلوم شده بود که اینها

از جای دیگر اسیر کرده و بجوض مالیات آورده اند

عالیجا هاما علی ان سیزده نفر اسیر را داده

برده با و طان خود برسانند و امالی منوره را بان

عمل مذموم توبیخ و محصل کاشته مالیات دیوانی را

دریافت و غنغن کرده بود که امالی هر یک از قلعجات

آن سرحد اگر از یکدیگر اسیر بگیرند مورد مواخذه بیع

باشند

و دیگر نوشته اند که تا یکجا بعد از عهد در آن ولایت

بارندگی نشده است و بمزارع خالصه و اربابی از

بیابی فی الحقیقه ضرر رسیده و امالی آن ولایت قدری

داشته اند و بعد از یکماه از عهد هوا را بشدتی سرد

کرده بود که سرد رختی باغات را با تمام سرما زده

ضایع نمود

و دیگر نتیجه اجناس کرمان را نوشته اند که سوای پنج

و روغن که فی الحقیقه کران بود سایر چیزها و اوان

ارزانست و عبور قوافل و زوار با سودی کمی میشود

کرمان

از نیولایت نیز درین هفت ماه حب ری رسیده

مازندران

از قراریکه در روزنامه مازندران نوشته اند

نواب هزارده و الا تبار لطف الله میرزا و مقرب

میرزا اسد الله وزیر که بجهت باز دیدن طایفه

عبد الملکی و رساندن موجب و رسیدگی قلعجات

و جانی که برای آنها ساخته شده رفته بودند

و رود بانجا نظم تمام در میان ایل منور داده و سان

نواکر آنها را دیده و موجبشان را نفر منور در حضور

دادند و به نرواب و قلعجات و زراعت آنها

رسیدگی نموده آنچه لازم زراعت داشتند از بد

و عوامل سایر مصالح الا ملاک قدغن نمودند برای

انها تدارک شده با کمال فراغت و اسودگی

عمیتی و زراعت میباشند

طایر و منور و منور و منور

میرد

ازین ولایات نیز درین هفت ماه خبری

ح

اخبار دول خارجه

از قرائکه در روزنامه‌های دول خارجه نوشته شد
در جزایر مملکت بیان که در سمت شرقی چین و
جزیره نیقون نام که بقدر سه کرو در خلق و اورد
مقر حکومت آن که بشهرید و مشهور و عاوی مشهور
ببر خلق است در ماه کانون اول فرنگی در شب
باز دهم بوقت نصف شب زلزله عظیمی وقوع
یافته صد هزار خانه و پنجاه و چهار عبادت خانه و
کتاب خانهای متعدد و عمارات دارالحکومه و یک
کتابخانه که صد و پنجاه و چهار هزار کتاب در آن
باله خراب گردید است و در سنگام زلزله
بعضی جایهای زمین دهان باز نموده و پاره‌های
و خانه‌های فرو ریخته زمین فرو رفته است و بعضی دیگر
چپه آتشی که ظهور کرده است کلاً سوت و محو شده
و اغلب اهالی شهر تلف گردیده اند مگر بعضی اشخاص
که پیش ازین حرکت شدید چند دفعه که زمین حرکت
جزئی کرده بود احتیاط کرده چادرها در صحرا زد
سکنی گرفته بودند خلاص شده اند و بجهت زور بخار
زیر زمین که از زیر دریا زور آورده و آب دریا را
بجایهای دیگر با کشید است اغلب اراضی آن
مملکت را آب گرفته و خرابی زیاد رسانده است
و از متزلزل شدن زمین آنجا بکرات آنچه معلوم
گردیده است معدن کوگرد آنجا خلیان نموده اند
اهالی مرقومه که باطنیان خاطر سکن بوده اند بجهت
فوران آب بقدر دو هزار گشتی و زورق شکسته

و تلف شده و نیز ماهی بسیار بجا کشیده شدن
آب بدیاد و خشکی مانده و صید کرده بودند و از
کثرت زلزله در آنولایت که بکرات شده است آنجا
مقر زلزله میشاید گفت و بجهت بعد مسافتش باین
ولایات بعضی تفصیل احوال آنها از تواریخ صحیح
مستور میگردد و شهرید و نام مذکور که مقر حکومت
جزیره نیقون و ذکر آن گذشت از اینکه مملکتی بزرگ
در سبط مقالات معلوم میشود اطراف آن مبادت
بست است و کوچه‌های آنجا بسیار وسیع و مثل
باغچه‌ها و بناهای آنجا یک مرتبه و است و در یک خانه
پیش از یک نفر عیال سکنی نمی‌کند و حکام آنجا را قلوب
میگویند و دارالحکومه آنجا عمارت بزرگ که پنج عت
مسافت دور است و در میان آن شهر است و
بلده صحرا رود و لوار محاط و از عمارت حکمران خواص
و عوام اهالی و سکنه در عبور رعایت شرایط آن
مینمایند و در شهر مذکور در هر محله بجهت ده نفر یک کفر
لصب شده و این ده نفر ابو اجمیع یک ده باشی و
ابو اجمیع یوز باشی و یوز باشیان در زیر حکم یک
وینک باشیان ابو اجمیع امیر تومان و بهین است
تا سکه آن سپرده اند و باین جهت چیزی نامعلوم در
نیت باجمعه از احوالات غریبه جزیره بیان کنند
زلزله این اوقات کیفیتی عظیم است و خسارت و ضرر
زیاد با اهالی آنجا رسانده است

دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که در نزدیکی
مسجد جامع شریف که از بناهای سلطان احمد خان

سید رفتی است که ات میدانی مشهور است باین اسم میباشند
 و سکنی در میدان مزلور نصب است بجهت پیدا کردن
 تاریخ سنگ مزلور بنای کندن زیر انرا گذاشتند
 اوکل زیر میلی را که از مس مصنوع و تبریک پیچیده بهم
 بالابرده اند گفته بقدر یک قلاج و نصف که تخمیناً
 دوزخ باشد یک لوح پیدا شد بعد از آن زیر سنگ
 مزلور را کندن یک لوح مربع شکل پیدا شده و
 اطرافش خطوط بعبارت رومی بود که معلوم شد
 سنگ مزلور را از مصر آورده اند و در تاریخ هزار
 و پانصد سال قبل ازین ایام در عهد توپودوسوس
 نام پادشاه آنوقت مضروب گردیده حتی پادشاه
 مزلور آن سنگ را در مدت سی و دو روز نصب
 کرده بود نوشته بودند و میدان مذکور در آن
 ایام یک میدان وسیعی بوده و باب و عرابه
 داشته است و بان سبب بآت میدانی شته
 یافته بعد از زمان فاتح باطراف میدان مذکور یک
 چند بنای دیوانی و بعد از آن مسجد جامع ساخته
 و پائین سنگ مزلور همور بعد و دوزخ در زیرین
 مانده در این اوقات که تاریخ پیدا شد برای پیدا
 کردن آثارهای قدیم بنای حفرتی گذاشتند
 همچگونه آثاری پیدا شد خندق را باز کردند
 و بقدر باطراف لوح سنگ مزلور از جانب سلطنت
 سینه پنجه آهن وضع میشود و بغیر ازین سنگ سابقاً
 سکنی دیگر تعلیم نموده وضع کرده و اطرافش را
 بنجاس تصنیع نموده بودند و نحاس آن برورفتند
 و جایهای خالی آن تبیین نموده و بجهت بیرون آوردن
 تاریخ سنگ مزلور در این اوقات از جانب سلطان
 سنجهر آن اقدام شده و در آثاری کندن زیر سنگ
 تخمین از زمان اسکندر از نقره دو عدد و از مس
 هفت عدد و ظرف پیدا شد
 دیگر نوشته اند که در ولایت نکلین بالفعل با نروده
 هزار چار چار خانه موجود است در سال گذشته
 چهارصد و پنجاه میان مکاتب که هصد گزور باشد
 ازین چار خانه فروتن شده و اجرت چهار
 این مکاتب پانصد و پنجاه هزار یک که تخمیناً یازده
 گزور پول این ولایت باشد حاصل گردیده و این غیر از
 اجرت روزنامه ها و پراوراق است
 دیگر در باب راه سیم و چرخ صاعقه که بجهت اخبار
 متداول گردیده است نوشته اند که این کیفیت از
 محنات عالم و یک ماده برق توام است که در یک
 طرفه العین ازین سرزمین بان سرزمین خبر میرساند
 درین اوقات از بعضی جایها بیکدیگر که این سیمها
 شده عادتاً از هر طرف باریها اقبیل شطرنج و لایق
 و غیره نیز وقوع یافته و اخبار میشود از امانی لندن
 کسی که مراقب بازی شطرنج دارند با چرخ صاعقه از
 راه دریا و خشکی پاره بهر کس که طالب باشد و حجر
 بازی آنها بشود و اخبار کرده اند در جانی که تا لیدن
 بیت و پنج میل مسافت دارد در سر راه چرخ صاعقه
 آمده بازی شطرنج پیچیده و با حریفها که هیچگاه یکدیگر را
 بازی شطرنج خوب نموده و این گذارش بسیار ماکس

انگلیس و از راه سیم که بفرانس می‌رسد و دانستند
 که دیده درین روزها در هر طرف باین گونه کارها
 و سواهی این تخصیص اوقات شب و روز از
 ولایات دور و تعیین آن در هر ولایتی بحسب قریب
 باین اسباب در کمال زودی و آسانی معلوم شود
 با بجهل مانند منجین که گرفتار آفتاب و ماه و احوالات
 فلكیه و وقت و زمان و اختلاف هوا و شدت و لطافت
 آن را خبر میدهند مبادی این را چرخ صاعقه نیز
 می‌تواند خبر بدهد که درین دقیقه و درین ثانیه
 هوای فلان مکان چنین و چنان است و باین احوال
 خبر عامه مردم با وصف بعد مسافت از احوال یکدیگر
 خبر دارد و رفته رفته با بنجایب که دوستانی که از
 دیدار یکدیگر بحسب بعد مسافت متعذرند صحبت و مکالمه
 نمایند و همیشه از احوال یکدیگر با خبر باشند
 دیگر نوشته اند که درین اوقات خبری پودنام
 از اهل صنایع فانوسی بزرگ بجهت روشنائی مجاری
 کشتیها در دریای اسلامبول که شبها راه را کم
 و بسک و سیاهی بخورند ساخته است فانوس
 زور و روشنائی بیت و پنجه را چراغ دارد و آن
 حیثی است کشتیها در دریا بر روشنائی او عبور
 و مرور کرده بمقصد میرسند
 دیگر نوشته اند که پسر یکی از حکمرانان المانیا که پسر
 البطرشور پادشاه انگلیس منسوب است و هولن لوح
 موسوم در این اوقات بقصد اینکه در سبک کر نظام
 انگلیس مسلک بشود حسب الاستدعای خود بندن رفت

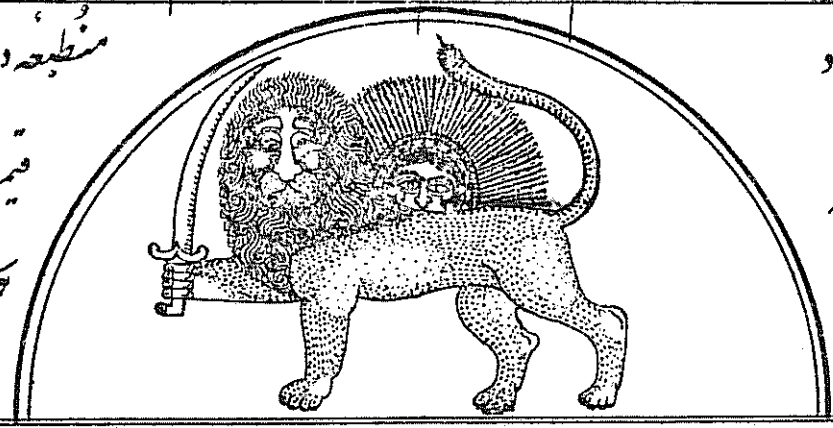
از جانب دولت منور با و التقات شده و
 بزرگی دسته از نظام بحریه با و داده شده است
 دیگر نوشته اند که در سمت شمال فرانس در کنار
 قلعه نام در فوج بیت و محکم محافظ خالوی یک سرباز
 چاوش و چو و فروش و شدت ممک و صاحب
 نفوذ فراوان بود چند وقت پیش ازین فوت شد
 بمقتضا و پنجه از فراتقه پول الوالات وجه نقد او بوده
 چون وارثی دیگر سواهی چاوش و دش عکرم نور
 نداشت اموال او با تمام انتقال باین چاوش
 یافت
 دیگر نوشته اند که راه سیم صاعقه که از اسلامبول
 می‌آید و در نزد متد شده اخبار آن تاکنون بزبان
 فرانس بود بعد ازین بجهت سهولت کار تجارت اسلام
 و آرامنه که زبان فرانس می‌اندازد از جانب سلطان
 حکم شده است که بزبان ترکی حروف مقطعه بجا
 ترتیب در سه سیمها نصب کرده بترکی نیز اخبار
 مطالب نمایند و این کدازش را بتجار اعلام کرده
 که هر کس بزبان ترکی مطلبی از اسلامبول بادرند
 و شمنی بخواهد اخبار نماید بچرخ صاعقه رفته مطلب
 خود را بمبادی آن فلهاد کند

روزنامه فایع افقیه پنجشنبه سهر سال المکرم بقیع الومئیه ۱۲۷۲

روزیت و شتاد

قیمت روزنامه

هر نسخه دشار



منطبعة دار الخلفه طهران

قیمت اعلانات

هر خط دشار

اجبار واحد ملوک محروسه پادشاهی

دار الخلفه طهران

در روز پنجشنبه گذشته که روز عید سعید فطر و انقضاء ایام ماه مبارک صیام بود بقانون اعیان معظمه علیه علیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی خلد الله علیه سلطان به تالار دیوانخانه بزرگ تشریف فرما گردیده بوجود فایض اسجود هالیون زیب و زینت بخود و سلام عام بوجود جناب جلالت آفتاب شرف محترم عظمی و شاهزادگان عظام و ایر مقربان حضرت کرد و نبط و سران و صاحب منصبان نظام و خوانین کرام و چاکران دربار هالیون و بقدر کنجایش دیوانخانه مبارکه از احاد توپچی و سرباز با کمال شکوه و آبرویی انعقاد یافته هر یک در مرتبه و مقام خود در مقابل حضور محرم ظهور گردیدند و اجرای شلیک توپ نمودند شده عالیجا خطیب باشتی ادا ای خطبه بیع بنام اقدس هالیون و اختتام بدعای غمزد و دولت ابد مرقون نموده بعد عالیجا میرزا محمد علیخان شمس الشعرا قصیده غمزد که در این

و مدح اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی منظم کرده بود معروض پیشگاه حضور بابر النور داشته و مور و تحسین و التفات ملوکانه گردیده پس از تعظیم ترتیبات معموله اعیان و بزرگ سلام عام منقصدی گردیدند

چون معتمد دربار سپهر احتشام مقرب الخاقانیم بحسن کفایت و کار دانی و فرط مراقبت در خدمت دیوانی خصوصاً در انتظام امور آذربایجان خاطر اقدس هالیون شاهنشاهی و امنی دولت علیه را از خود خوشتر داشته بود درین اوقات که از دربار معدلمدار اذن مراجعت با آذربایجان حاصل می نمود و نظر بطور و غور مراحم ملوکانه در باره مقرب الخاقانیم از جانب سنی اسجوانب اقدس ملوکانه یک حلقه الماس گر اینها و یک ثوب چمه ترمه خوشبختی از لباس خاص در حق او حجت گردیده و در روز چهارم شوال بیاع نکاحستان نقل مکان نمود که روانه آذربایجان شود

۱۸۰۵

عالیجاه سرخراسین سر رشته دار قورخانه مبارکه در
انجام خدمات محوله بخود و تدارک و ارسال قورخانه
سپردات خاطر امنای دولت علیه را از خود نشنود
داشته لهذا درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه سرمه
خلعت از جانب سنی الجوانب اقدس هالیون
مرحمت شد

بعد از آنکه اولیای دولت علیه مقرب الحضره الخاقان
میرزا حسین خان کار بردار سابق دولت علیه مقیم
مبتهی را بدر بار شوکتدار احضار فرمودند عالیجاه
همراه میرزا صادق که در کارپردارخانه آنجا نیابت
او اقامت داشت در سررستی معده دولت علیه و
کارهای آنجا و تقدیم لوازم و وظائف مأموریت خود
آنها را تمام و مواظبت و قاعده دانی و درایت را
در پیشگاه اقدس هالیون اعلی منصبه ظهور رسانید مشمول
مراحم ملوکانه آمد و با عطای لقب خانی و نشان درجه
سیم شهنشاهی و موهبت منصب نیابت اول کارپردار
آنجا بر حسب فواین حمت این سرافراز گردید

مراتب اقب و خدمتگذاری و مواظبت و صداقت شای
عالیجاه میرزا احمد ششی سفارت دولت علیه مقیم هالیون
که مقرب الحضره الخاقانسته حاجی میرزا احمد خان مصلحتدار
آنجا بعضی اولیای دولت علیه رسانید مورد الطاف
خسروانی گردید و بر حسب فرمان هالیون با فروزون
نچاه تومان بر مواجب سابق او سرافراز آمد

نظر بحال توجه باطن و فرط محبت قلبی جناب صلابت مآب
مرحمت گردید

چون مقرب الخاقان فرخ خان مسدود در حیات
سبب جوهر ذاتی و قابلیت و استعداد روز
اقدام خدمتگذاری بر ترقی و تیر و بر مدارج و مراجع
مناصب و مراتب از همگان و تنگ کو بندگی فراز
و بیشتر یازیده و بسبب ظهور کیمت و شایستگی و
وفور ارادت و خدمتگذاری در رتبه بعد از خرمی مؤد
عنایات ملوکانه و مستوجب مناصب ارجند گردیده الی
یومنا هذا مناصب مناسب سرافراز و از عهده هر گونه خدمت
که با و محول و مرجوع گردید با کمال کفایت و فطانت
برآمده خاطر اقدس ملوکانه را از خود خرسند و
امثال و اقران بر بخت چند امتیاز یافت در این اوقات
که محاسن خدمتگذاری مقرب الخاقان مشارالیه در پیشگاه
حضور بابر الملوک کمال ظهور بهم رسانده نظر عنایت با عطف
مدارج و ارتفاع مراتب او فرمود و بقلب جلیل الملکی
موافق فرمان خورشید المعان مبارک مزین بدستخط
هالیون سرافراز و با عطای یک قطعه نشان مقصود
بیشال اقدس ملوکانه و تکلیف بالباس عزاء عیار و
یافت

مقرب الخاقان عین الملک در اوقات ماه مبارک
رمضان بجهت مراقبت و مواظبت افطار و سحور خاطر
ملوکانه را خرسند و مسرور داشته مستوجب شمول رحمت
آمده بود و لهذا بجهت مزید مباحات و مفاخر تمسایر
یک ثوب جبهه ترمه از طبوس خاص بن مبارک با

مرحمت گردید

شرف ارفع المحکم صدر عظم در باره معتمد
 سپهر حاتم مقرب الخاقان قیام مقام بعد از نیا
 احیای ماه مبارک رمضان شبی مخصوصاً بمنزل مقرب
 مشارالیه محض مباحات و سرافرازی او تشریف فرما
 گردیده و لوازم تکلفات و تدارک صنایع متنوع
 بعل آمده افطار و سحور را در آنجا صرف نموده و تماشاج
 در آنجا تشریف داشتند

سایر ولایات
 اذربایجان و استرآباد و سایر
 و اصفهان و بروج و سلطام
 ازین ولایات درین مهله اخباری نبود
 خراسان از قراریکه در روزنامه خراسان
 نوشته اند امورات ولایت قرین انظام و ضبط
 و کمال ارزانی و فراوانی در آنجا حاصل است
 رعایا و برابرا سوده خاطر بدعای دات اندک
 بایون ساهتای اشتغال دارند و امری که منافی
 نظم و قاعده باشد وقوع نمی یابد

و دیگر نوشته اند که عالیجاه یزدان نیر و نجان برادر
 مقرب الخاقان سام خان الیخانی امور سرحد خراسان
 و آن صفحت را بسیار منظم و مضبوط دارد
 و دست تطاول طایفه ضاله ترکمان بکلی از آن
 و سامان مقطوع است باینکه جمعیت قشون خوشا
 بهمه مقرب الخاقان الیخانی مأمور خدمت اند ما
 عالیجاه مشارالیه مقصد شصت نفر سوار بکلی
 پانصد نفر پیاده و ششای پیاده و اما ده سبت قوشتجا

و دولت آباد فرستاده است که مشغول حفظ و
 حراست و قراولی آن صفحات باشند و باین
 جهت طایفه ضاله ترکمان از تاخت و تاز آنجا ممنوع
 و کسی از آنجا قدرت تعدی و خلاف حساب اند
 حمیه و سمنان و شاهرود
 ازین ولایات نیز درین مهله اخباری نبود

عراق

از قراریکه در روزنامه عراق نوشته اند
 در ماه مبارک رمضان در فراوان تکرک
 شدیدی آمده است و قنوت اسخران
 نظام آباد را با لمره خراب کرده و کل زراعت
 چند مزرعه را ضایع نموده و سیل نیز آمده چنان
 خانه و باغ از سران بکلی خراب نموده و بقدر
 یکصد و پنجاه ریس کوسفند را در صحرا تکرک شده
 و یکصد ریس قاطر و چند ریس الاغ را سبیل
 و تلف کرده است

فارس و قزوین ازین ولایات نیز
 در این مهله اخباری نبود

قزوین

از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته اند امورات
 از هر جهت منظم و مضبوط است و عالیجاه
 زین العابدین پیکار آنجا در غیاب مقرب الخاقان
 و ذوالفقار خان که در دار الخلافه طهران است کمال
 مراقبت و رسیدگی بامور ولایتی و داد و ستد
 و لویانی و عرایض رعایا و برابرا مینماید

مخاوند

از قراریکه در روزنامه بنا وند نوشته بودیم
مقر بانخاوان محمد رحیم خان نقی پاشی و حاکم بناوند
در اوایل ماه مبارک رمضان وارد آنجا گردیده
و رسیدگی بکامل با امور رعایا و وصول بها یا نظم
خا لاجا ست نموده و امور الوالات را بهر جهت نظام
واده و سواره خزل را که احضار رکاب نصرت
شده بودند در او اسط ماه مبارک سال آنها را
به وقت دیده آنچه بی اسب و یراق و اوضاع بود
اهتمام در تدارک اسب و یراق و سایر طر و مات
انها نموده که بعد از انجام تهیه آنها روانه در باب
معدلت مدارشان نماید

دیگر نوشته اند که در ایام بهار بقسی بارندگی در
الولات شد که پیران معمر اینگونه بارندگی را
در آولاتی شده مکرده بودند و حاصل آولات
سبب و فور بارندگی سجد الله بیا رحوب آمده
وزار عین و صاحبان املاک از بمنی کمال مسرت
و شکر گذاری داشته اند

دیگر نوشته اند که در شب دوازدهم ماه مبارک
رمضان نیم ساعت بصبح مانده زلزله عظیمی در آنجا
وقوع یافته و زمین حرکت بسیار شدیدی کرد مردم
تیش خرابی انبیه و اتلاف نفوس زیاد داشتند
ولی سجد الله خرابی بجائی و صدمه کسی وارد نیامد
همدان و یزد و ازین ولایات نیز خرابی
درین هفته نبود

دیگر در روزنامه قم نوشته اند که در شب نوزدهم
ماه مبارک رمضان بکشد بقعه تبر که حضرت معصومه
علیها آلاف الشمار و التجه بعد از ظهر نور باران شد
که جمیع خدمه و سایر مردم مشاهد می نمودند
و صلوات بر جناب ختم رس وادی سبل رسول
صلی الله علیه و آله لطیفین می فرستادند و در این
در آن مشهد تبر که بعضی اماکن مشرف مشهودین
نبوی گردیده چنانکه هم در بقعه تبر که حضرت معصومه
خند سال پیش ازین بار نور باران شده و مشهود
کلی مالی آنجا گردیده و درین روزنامه های نوشته شده
بنی

دیگر از قراریکه نوشته اند در آولات کمال فراوان
و و فور هر گونه نعمتی است از جمله کد م خرداری
یکهزار دینار و جو یکتومان و نان یکین پنج سی و کو
و پیر شعریکین هزار دینار و برنج یکین چهار عبا سی و
روغن یک من و وریال و کاه خرداری شش هزار و
پانصد و بیاد و سایر اجناس و ماکولات ماین
منطقه متعرو کمال و و زرا دارد باینکه ولایت
مر نور محل عمورا غلب عابرین و متر دین از حاکم
محروم یکدیگر است سجد الله سجد الله و هیچ یک
از آذوقه و ماکولات معطی حاصل نمی شود و این
رکبدر کمال سکرانه را دارند

کاشان و کرستان و کروس
و کرمانشاهان و کرمان و مازندران
و ملا میر ازین ولایات نیز در این هفته اجباری نبود

اجبار دول خارج

از قراریکه در روزنامه های دول خارج نوشته شد
 چند وقت قبل ازین موافق روزنامه های انگلیس
 حکامی المانیا حکم کرده بودند که در ماه آینده
 فرنگی ستاره و ناله دار ظاهر خواهد شد لکن
 نجوم و هیأت ملک انگلیس ناپولی ستاره و ناله
 نوشته اند که در چهار سال بعد ازین ظاهر خواهد
 و در اغتوس اینده تکذیب کرده اند که ظاهر
 نخواهد کرد و این ستاره و ناله دار که ظاهر
 خواهد کرد دید چهار صد سال قبل ازین ظاهر گرد
 بسیار کس بسبب ظهور آن ستاره حکم و هیأت
 کرده بودند در آنوقت بادشاه المانیا که
 پنجم مشهور و عظمت اسپانول را ضبط کرده
 در پای تخت اسپانول لوای استقلال خواست
 بود و ظاهر شدن ستاره مذکور را دلیل انهدام
 بنیان جاده و جلال و افتخای سلطنت و استقلال
 خود دانسته تارک تاج و تخت و سلطنت کرده
 بیک کلیسایی در آمده طریقه رهبانان پیش گرفت
 و جنسی که نیز توهمات زیاده کرده بودند
 این ستاره با این دفعه که ظاهر شود پنج دفعه مشهور
 شدن آن را منجین روزگار گفته اند و اینکه در
 اغتوس ظاهر شدن او را گفته است از منجین بشر
 موسیو بوم نام شخصی پانزده سال قبل ازین
 و صرف انکار و تشیع انواع کتاب نموده پیدا
 کرده و نوشته اند که در زمان شدل پنجم که ظاهر

شد مشایر ایه با بنیان قضا و قدر مرتبه
 سجد جنون رسیده تارک ملک و سلطنت کرده
 درین نوبت که منجم مذکور هر حرف انکار کرده و وقت
 ظهور را از خبر داده است اگر در آنوقت ظاهر شود
 حال آن منجم خدا میداند چگونه خواهد بود با بجهت
 از منجین ایران میر کسی وقت ظهور ستاره مذکور را
 استخراج کرده و مشخص نموده باشد در این روز
 میگرد و غشوس عبارت از سبیل یا میران در اینست خواهد بود
 دیگر نوشته اند که قشون دولت انگلیس که در
 بودند سان کلیه دادند و میدان حرکت قشون
 در دست مرکزی که وسط سبیل و حیدر باشد
 اگر چه قشون سب را هنوز خبر نداشند ولی
 هنگام طبع صحیح همه حاضر بودند و در ساعت
 کل قشون در این محل حضور بسیارند و در وقت
 ظهور توپ اخبار کشتی شش سلطان بجهت آمدن بنام
 و مکرم قشون مذکور انداخته شده صدر اعظم
 و کتبان پاشا وزیر قشون بحری و وزیر امور خارجه
 عثمان پاشا و سرکردگان و سهرداران و اهلجان
 و دول خارج همه در خدمت سلطان بودند و یکده
 از فوج خاصه سلطان با اسباب موزیکان مقابل
 قشون ایستاده و سلطان با انگ موزیکان جلو
 قشون مذکور رفته و قشون با نوا نوازی سلطان
 و ملک انگلیس صدا بلند کردند بعد از این همه قشون که
 تدریج حرکت میکردند توپخانه سواره و توپخانه
 افواج مختلفه سودا داد و انگلیس منته که خبر قشون

نخمس است و فوج بولاک و غیره بعد از آنکه مشق
و حرکت خود را تمام کردند سواره نظام بروی
سلطان مشق نمودند حرکات جمله قشون در نظر
بسیار سخن نموده بعد از آن بجای دوی که مخصوصاً
بود تشریف فرما شده توصیف زیاده از کم کرده
و سر کرده افواج متهم نموده بآنجا نوازش و التماس
فرمودند و مکالمات سلطان با سرکردگان ملوک
بزرگان فرانس بود و بسیار تعجب داشت از فوج
جدید متهم که در مدت قلیل چگونه در حرکات و
نظامی و رزیده و ماهر شده و از اول و در وسط
و مشق افواج و سواره نظام تا آنوقت که عجل
کشیده بود و آنگاه توپ حرکت خالی کرده و سلطان
مقر سلطنت روانه شدند و از اهل اسلامبول بپاشا
انجا جمیع زیاده آمده بودند بعد از مراجعت سلطان
سرکرده نخمس سرکردگان و بزرگان و معارف
عهد را حقیقتی سنگین نمود

دیگر در روزنامه ماه شعبان نوشته بودند که در
در میدان قیور یعنی دره اسبهای پنج و زنده قشون
نخمس را که توانا بودند قوت نموده یک میل نیم
رفتن و یک میل و نیم آمدن که در باب و ایات هر یک
در نیم ساعت باشد دو اندک راه یک ساعتی را
در شش دقیقه قطع کردند آنها شده شده
این اسبها از بسیار وقت بکار رفته اند و کم
اسب و اینها و بجهت میل بودنشان از فوج
خود امیر کللی دارند و سایر پان مستعد است که با

آنجا بتوانند بدوند میدان اسب دوانی را از
دو طرف ریمان می کشند و با نصب بر قهای
سرخ حدود از اینها می کشند و کسانی که تها
در بیرون ریمانها که کشیده اند جمع می شوند
و چاک سواران این اسبها بوزن سی و شصت
اوقیه که تخمیناً ده من چیزی کم باشد بیشتر نباید
و بسیار نازک اندام و بجهت اینکه در وزن با هم
تفاوت نداشته باشند هر کدام که در قیون
سی و پنج یا سی و شش اوقیه در میانند که آنها
تاسی و شش اوقیه اسباب دیگر اضافه می کنند
و می بندند که وزن همه مساوی باشد و طبق
بپاس سرخ و سبز و زرد و سایر الوان کشیده
نه اسب با هم قوشه کرده یکبار حرکت کردند و دیگر
بنای زدن که استند از دو طرف اسبها همچو
برق عاظم بک و ما زاده اند تا حد نیم ساعت
راهی که مشخص شده و در محبت با آنجا که نوشته
کرده اند این یک ساعت راه را در ظرف مدت
شش دقیقه طی کردند و پیش و پس بودن اسبها
از یکدیگر زیاده ترازد و سه و چهار بود و آنکه
پیش از همه آمده بود و تقاضا نمیکند درین دولت علیه
معمول است و چه اول را که زیاده تر بود بر داشت
و بعد از آن وجه کمتر از آن را تیرتیر و این دسته
و دو که دو لده بودند بعد از آن چند دسته دیگر
قوشه کرده دو اندک که تفصیل آنها را نیز نوشته ام ولی
باین روزنامه ها شد

۱۸۱۰

روزنامه قایم القیامت پنج یوم پنجم شهرالاکرم بنیالوی سید ۱۲۷۲

نزد هیت هشتادیک

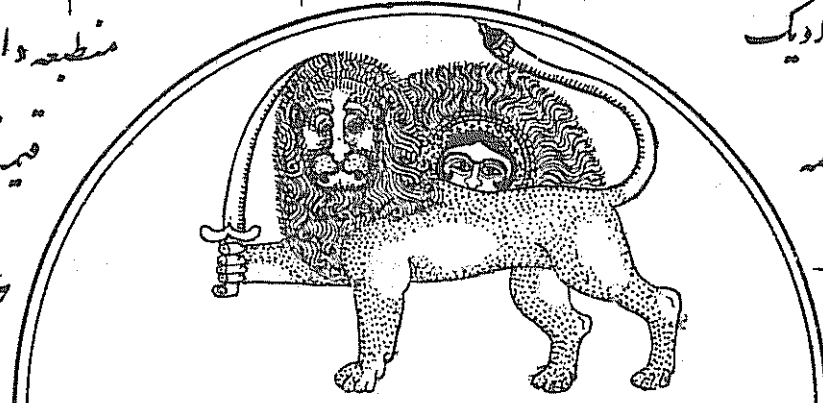
منطبعة دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه دپیر

هر طریحی



اخبار واحد ملک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در این اوقات که هوای دارالخلافه طهران باقضا
موسم تابستان فی الجمله گرم شده و پیدا قایت
شیران مطبوع و سخن خاطر اقدس هایون پادشاهی
خلد الله ملکه و سلطانه بود حب الامیر شیخانه و تدار
بیدار قنیاوران که بعد و بت بار و لطافت هوا
و مستغنی از شرح و بیان است فرستاده شده عمارا
سلطانی انجارا زیب و صفا دادند و در روز پنجشنبه
هشتم شهرشوال اعلیحضرت اقدس هایون بالسلوک
والاجلال تشریف فرمایان و ران گردیدند و بعد
از نهم از خواص خدم و حشم ملزم موکب سیروری کوا
بوده امنای دولت علیه و مقربان حضرت گردیدند
بسط سینه بقرار معهود و هر یک در اکنه و خام خود
منزل نمودند جناب جلالت آیت شرف مخمس صدراعظم
بجهت انجام بعضی مهات دیوانی یکد و روز بعد از حرکت
موکب هایون در باغ نظامیه توقف نمودند و در شب

جمعه بمنزل معتمد دربار سپهر احتشام مقرب الخاقان
قایم مقام که بنکارستان نقل مکان کرده است تلف
برده شب در آنجا ماندند و لوازم خدمتگذاری و تکلیفات
صیافت از جانب مقرب الخاقان مثالیه بعمل آمد
مطالب مستغنیات او را با بخلج مقرون داشتند
و مقرر شد که روز دوشنبه روانه آذربایجان شود
و جناب معظم بعد از فیصل امور و انجام مهات دیوانی
در روز شنبه بار دوی سیاوران پیوسته شرفیاب
حضور مهر طوهایون گردیدند
چون معتمد دربار سپهر احتشام مقرب الخاقان قایم مقام
اقدس طوکانه را از ظهور کفایت و کار دانی و اهتمام
در انجام خدمات دیوانی خوشنود داشته بود
در این اوقات که مشمول عواطف حسروانی گشته از
در بار هایون اذن مرخصی حاصل نمود که با وزیر کجا
معاودت نماید مجدداً بطور غنائی و دیگر رقت او را
زیاده فرموده با عطای حایل نشان مرتبه جلیل میرزا

۱۸۱۱

قرین امتیاز و اختصاص فرمودند

نواب مستطاب هزاره والاتب رار دشر مسوز
و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر در انتظام امور دکن
استیارات پنج بعل می آوردند که خدایان و سایر
دیوانی که در دارالخلافه مرکب که توقف دارند حکم
نواب هزاره امر شهر و محلات را در کمال نظم دارند

و کسی قدرت برقت و دهرزگی و شرب و شرارت ندارد
قراونخانه مضبوط و قراول و کرمانه بحفظ و حریت
مشغول و چشم بین امور قورخانه و جبه خانه و سایر

بایتام صاحب منصبان نظام و حاکمان دیوان
منظم و مضبوط و اصناف کارخانجات همه
در سرکار و خدمت خود میباشند و نهایت
در کارهای آنها میشود

امورات قسطنطنیه
افواج قاهره نظام از لوتچی و زینورچی و سایر
بقرار استوار در میدان ارک و میدان خارج
شهر همه روز مشغول میشوند و صاحب منصبان
و محکمین کمال دقت و اهتمام در تعلیم مشق و قواعد
نظامی دارند

نظربجاسن خدمتگذاری و شایستگی مقرب الخاقان
جعفر قلیخان قاجار سر قیاف افواج مراغه که خاطر احد
هایون شایستی و امنای دولت جاوید مدت
علیه را از طرز خدمتگذاری خود خرسند و میروند
داشته مستوجب رحمت ملوکانه آمده در این اوقات
مضرب جلیل میرنچی کی با رعایت گردیده بدین

رنت او اعتدایا قه بین الامثال والاقران قرین
سرافزاری و مباحثات آمد

عالیجا حسین بیک باور قورخانه آذربایجان چون
در نظم امور قورخانه استجا و انجام خدمات محو که بخود
سعی و اهتمام نموده بود در این اوقات بمصوب
سرنیکی قورخانه مبارکه سرافزار گردید

سایر ولایات
اوربایجان اجباری این ولایت درین
بوده

استرآباد
از قرار روزنامه استرآباد که در دویم این ماه
نوشته بودند مقرب الخاقان جعفر قلیخان اینجانی
که بعد از تنبیه اشعار که بجنور در رفته بود هنوز مرا
باسترآباد نگردیده است ولی برب و آرمائی که در
نظم امور انولایت داده و کمال مراقبت و مواظبت که
عالیجا میرزا اسمعیل خان پیشکار در غیاب مقرب الخاقان
مشارالیه دارد امور استجا از هر جهت منظم و مضبوط
در عیاد و دماقین و امالی بلده و بلوک در نهایت
مشغول دعا کوئی ذات اقدس همایون شایستی
میباشند و از وقت رفتن مقرب الخاقان اینجانی از
استرآباد تا کنون از اسیرمانی که از ازمنه سابق در
میان طوایف ترکمان بود بقدری نفراورده تسلیم
عالیجا میرزا اسمعیل خان کرده اند و ما بزم متوالیاً
خود طوایف ترکمان آنچه اسیر که از راه دریای خنکی
بودند آورده عالیجا مشارالیه می سپارند و

و عالیجاه مشایخ را به در انتظام امر قورخانه و توشخانه
 آنجا ریاده ساعی پیاستد چنانچه باروت کوب و
 و بنجار سجه تجمید باروت که از رطوبت خراب شده
 و مرمت سایر اسباب قورخانه بشخص و بکار انداخته
 و وجه مخارج آنها را داده اغلب روزها خود رفته
 بکار آنها رسیدگی مینماید و نیز برای موجب پویان
 متوقف آنجا چون قرار شده است که تاریخ محمول
 بر عایا حواله نشود و تنخواهی بقدر مقصد تومان قرض
 و بتوچیان کارسازی کرده است که در عسرت نباشد
 و با سود کی از عهده مراقبت خدمات مرجوعه باشد
 دیگر نوشته اند که بعد از تمییزه شرار ترکان که در
 اکمل بعل آمد و مقرب انخاقان جعفر قلیخان الیخانی بطرف
 بجنور در رفت عالیجاهان میرزا علی محمد ستونی استرآباد
 و اسماعیل بیگشاد و لایحه وصول و حصول مالیات
 طوایف کوککان و بیوت فرستاده تمامی طوایف مربوط
 در مقام شکستاری و انقیاد و از همه اوجکات و جوه
 مالیات بدی خود را آورده تسلیم مینماید در این اوقات
 خبر به بنجور رسیده بود که سوار که جمعی کرده
 عزم تاخت و تاز سمت سملقان و مانه را دارند و قورخانه
 مشایخ را به بخش استماع آدم بانه و سملقان فرستاده
 سواره و پیاده آنجا راجع و مستعد نموده و خود نیز
 از بنجور و کت و با قفقاز نواب جهانگیر امیر امیر قلیخان
 و با قورخان چکنی و سواره اگراد و غیره در چمن
 اردو زده سواره و قراول به پنج راه که معبر سواره

ترکان که مختصر با بنیاد بنجر گیری و ستاد که معلوم
 نماید از کدام راه می آید تا بمقابل آنها ستاد برآید
 رفته بعد از تفحص در حاجت نموده بودند و از هیچ یک
 از آن راهها آمدن سوار که هنوز معلوم نشده بود
 الیخانی هم از چمن منبور کوچیده در سیلابی که در کوه
 ها چمن است اردو زده چند روز بنای توقف
 در سیلاب منبور داشت که از اراده و حرکت آنها
 خبر صریحی بشخص و مقتضای هوای کار و رویه اکامی
 با آنجا رفتار نماید
 استرآباد و اصفهان و پروچرد
 و بسطام و خراسان و جغتای
 ولایات نیز اخباری درین هفته بنود
 دارالمرکز مازندران
 از قرا که در روزنامه مازندران نوشته اند کمال
 اهیت و آسودگی بجهت مالی و سکنه آنولایت حاصل
 و رعایا و برابرا در عین فراغت و رفاه بدعای بقا و
 وجود فایض اجداد و یون و ازدیاد چاه و سوگند
 ابد معقول میباشد لواط شاهزاده لطف اله میرزا
 در اوایل ماه مبارک رمضان به بلده بار و فرود
 رفته بامور آنجا رسیدگی نموده و کارهای آنجا منظم
 کرده و در نهم ماه منبور ببلده ساری مراجعت نموده
 و بکار نوکر و رعیت بدقت رسیدگی می نمایند و عوم
 مالی آنولایت کمال رضامندی از حسن سلوک و غوری
 نواب عسری الیه و مقرب انخاقان میرزا اسد
 بیگ آنولایت دارند

و یکم نوشته اند که در بیت و دویم ماه مبارک
قبل از ظهر زلزله شدیدی در آن ولایت وقوع یافت
و لی سجد الخرابی و اذیتی رساند

و یکم از قرار یک تعمیر اجناس ماندن آن را نوشته
مان یکم ده شاهی و برنج یکم هفت شاهی و سیب
و روغن یکم سه هزار و گوشت یکم چهار
و قدرسی و جوهری یکم پنجاه و شش هزار و سیصد
ماکولات باین قرار است

و یکم نوشته اند که در فضل بھار بارندگی زیاد و در
صفحات کرمانشاهان و آن اطراف شده بعد از
آنکه هوا اعتدال بهم رساند چند وقت بارندگی می
کرد و بعد از آن نیز دهم ماه مبارک رمضان بارندگی
بارندگی را که است و در دامن کوه قوره تو که نزدیک
اسپروان است و مزارع تنگ کوه و بعضی از
بلوک زهاب تکرکی باریده بوده است که از قرار
مذکور هر دانه آن بقدر نارنجی کوچک بوده است
قریب صد و بیست روس کوسفند و نه روس
کا و دو دور رس مادیان این تکرک تلف گردیده
و طيور صحرائی از هر قبیل بسیار کشته شده بود
و زراعات آنجا نیز از این تکرک ضرر رسیده است
و هم در آن اوقات تکرکی بحد پارچه مرز و یک
از بلوک هر سه باریده و چینی ضرر بجای آنجا
رسانده بود

سمنان و شاهرود و عسراق
و فارس و قزوین و قزوین و کاشان
و کردستان ازین ولایات نیز
درین هفت اخباری بنود
کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
آن ولایت از هر حیث قرین انتظام و انضباط است
و نواب مستطاب شاهزاده و الایثار عماد
حکمران آن ولایت در رفاه و آسودگی رعیت و نظم
طرق و سوارع اتصالات کافی معمول میدارند و در
منازل عرض راه عتبات عالیات در همه جا
حسب الحکم نواب مغربی لیس مستحفظ و قراسور
محفظ و حر است راهها مشغول و زوار و قافله آسود
عبور و مرور میباشند از جمله یکدسته سرباز و یکدسته
سواره در قصر شیرین و یکدسته سرباز در
پل زهاب کشته شده و از سربازان الی غایب
عابرین را صحیحاً و سالمأ بمنزل میرسانند و باقی

و یکم از قرار یک زرخ اجناس و ماکولات کرمان
نوشته اند و در این اوقات کدو خرواری کینه
و جو خرواری پنجاه و روغن یکم سی و پنج شاهی
و برنج یکم پانزده شاهی و گوشت سه
و نان سه شاهی و سایر اجناس نیز باین
تعیین دارد و در اول

کرمان و کمر و کس ازین ولایات نیز
در این هفت اخباری بنود

۱۵

۱۸۱۴

کلیکان و خواب

از قراریکه در روزنامه اینولایت نوشته بودند
عالیجاه میرحسن خان نایب الحکومه استیجاب آن
وارد شده المالی واعیان آنجا اورا اعزاز و استقبال
نموده اند و مشارالیه سمع لجاز و ورود رسیدگی
کامل با امور رعایا کرده بعضی رعایای دماکت کلیکان
و خزان که بسبب خرابی سیل خسارتهای دیگر
بی سامان و بنجارج متفرق و پراشیده شده بودند
آنها را امید و اوی داده و باد طمان و اماکن خود
مراجعت کرده مشغول عیسی و زراعت بنیادند
و دیگر نوشته اند که چند فقره در وی در آنجا
بود که بعضی از سارقین معلوم و اخذ اشیاء سرود
مشکل و بعضی غیر معلوم و مجهول مانده بود و عالیجاه
بعد از ورود و تمامی سارقین را بدست آورد و اموال
سر و قه را از آنها مسترد و صاحبان اموال نسیم
و دزدان را قبیله مضبوط نموده است و المالی آنجا
از حسن سلوک مشارالیه و رسیدگی با امور محال
رضامندی را دارند

گیلان و لرستان و طایر و
منا وند و همندان و پرده ازین
ولایت سیر درین منطقه اجباری بنود

احبار و دول خارجیه

در روزنامه های سابق نوشته بودند که دولت
انگلیس بت و پنجه از قشون بحری و یکصد و ده فروند
لشتری جنگی بجهت مهاجمت بحریه خبر کرده است که حاضر

شده سان بدینند از قرار روزنامه طمس کرده
این روزنامه رسید سان قشون بحری و کشتیهایی
جنگی در پورتموث دیده شده قریب یکصد هزار
خلق بجهت تماشا جمع شده بودند بطوریکه گرایه کین
در یک شب معادل سی و هفت تومان پول اینست
رسیده بود و در ساعت شش جمع عمارات تفحص
و کلیسا و ناقوس خانه ها و بالای منارها و جاده
دیگر که در یادیده می شد مملو از مردم بود پادشاه
انگلیس بجهت قبیله بنظر مانده وارد آنجا شد و در عمارت
سرا راه آهن سرداران قشون بحری باشریفات
و شکست زیاده حضور ملکه آمدند و بعد از آن ملکه
بکشتی مخصوص خود که پاخت مشهور است نشسته در میان
کشتیهایی جنگی که در شوق و حرکت بودند عبور
و تفریح آنها را می نمود

و دیگر در روزنامه مورخه ۲۴ ماه آوریل از حلب
نوشته بودند که امرغسی در ۱۲ ماه منور در شهر
ماراش وقوع یافت تفصیلات اینکه در شهر ماراش
موسیو کارمانی قونسول دولت انگلیس با قاضی
شهر منور در باب لول بجای نموده و قاضی چنان
و انمود کرده که قونسول با و یا بدین و ندیب او
محش داده است با بجهت مسجد قیسه و اصناف
و کسبه شهر را جمع نموده بعد از نماز ظهر مردم را
شده و با او اتفاق کرده بجا وکیل انگلیس هجوم
شدند و بعد از بی احترامی زیاد بیری او را انداختند
و چند تیر لنگ بطرف او خالی کردند و خانه او را

زیر و زبر نموده تاراج کرده و آتش زدند
و خودش بطله آتش نیم سوخته وزن و اطفاش
با یکفرغ بخت سخته و تلف گردیده بودند

دیگر نوشته اند که قشون سواره فوج عثمانی که
در نظام انگلیس تعلیم یافته بودند در بویک جنگی در
حضور محمد شهباشا سان دادند و حرکات
انها بسیار مستحسن و موافق مشق انگلیسی تعلیم گرفته
بودند

دیگر آن قراریکه در روزنامه های خارجه نوشته اند
دریاچه دندیک تنگ و پاره جاییهای او قطعه قطعه
جزیره شده است اگر چه سابقا یک لکره کوچک
و آنجا بود اما از خیلی وقت قبل این تا حال
باد شده با بخته سخرانی نزدیک و مانند باتلاق
شده است در این اوقات از جانب دولت
استریه لکره گاه و ندیک را بطرز ترتیبی تعمیر
مینمایند و یک کشتی بخار بجهت عبور مردم و کشتی
دولت اسب دارد ساخته و بدریاچه میفرستند
دیگر نوشته اند که در میان قشون فرانسه که در
اسلامبول بودند ناخوشی مباحی عارض شده
و بیمار خانها پر از مریض گردیده و بسیاری از آنها
هم ازین ناخوشی تلف شده اند بعد از آنکه ولی
والی کردید از ناخوشی آنها خبردار شده بود چهل و نه
صندوق لیمونه پور تو قال برای آنها فرستاد

بود که در بیمار خانها تقسیم شود و صاحبان
قشون فرانسه از این معنی که دلیل احترام و موالات
بسیار مسرور و شاد گردیده اند
دیگر در روزنامه اسلامبول نوشته اند که از
مسندان اروپا بپای قلم از دربار عثمانی و به نفر
بپای سبای سخت فرانسه و دو نفر بویک پای
استریه و لندن بای سخت انگلیس برای تحصیل علوم
نظامیه و غیره در این اوقات مأمور و آنها که بسیار
عازم بوده اند کشتی بخار پارسی فرانسه نشسته
بسمت مارسیل روانه شده
دیگر نوشته اند که از کشتیهای انگلیس و هالک
مجموعه سیکی دنیا چند ی کشتی ازین چهارصد پانصد
حیوان باریکیر حمل نموده باسلامبول آمده و معاودت
کرده و کشتی بخار حبیتم انگلیس که چهارصد نفر
آدم در میانش بوده است در ماه رجب بدریا
رفته اند و تاکنون خبری از آنها نیامده است
اینکه شاید غرق و تلف شده باشند بجهت نقص
کشتیهای مریخ چند کشتی از طرف دولت انگلیس
و جمهوری سیکی دنیا تعیین و ارسال شده است

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم دوم شوال المکرم بنیالوئی ۱۲۷۲

نمره چیت و شتادودو

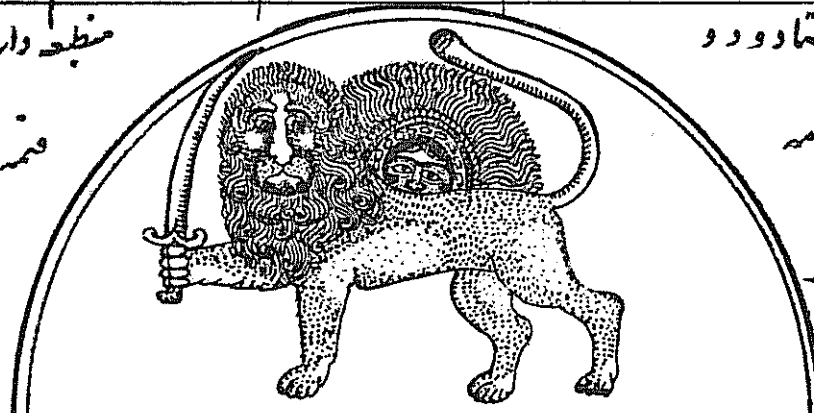
منبع دارالخلافه طهران

قیمت روزنامه

قیمت اعلانات

هر نسخه ده شایر

برخط بر



اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوئی هالیون
اعلیحضرت اقدس هالیون شاهی صان الایام
سلطنته عن التماهی درسیلاقینا و ران تشریف
دارند و امنای دولت علییه و مقربان حضرت
کرهون بسط سینه و سایر خدم و حشم بخدمت
محموله بخود اقدام داشته اهل سلام هرروزه شرفیاب
حضور مهر ظهور خسروانی میکردند و نظر بخوبی هوا و صفا
اطراف بعضی روزها را خاطر اقدس ملوکانه
مایل گشت و تفریح شده سوار میشوند و منزهات
تفریح و تماشای میفرمایند

سرمنکی سرافراز و نموده و فرمان مبارک شرف
صدور یافت
عالیجاه نتیجه الامراء العظام سردار سلطانعلی خان
منظرالدوله پیرمردم سردار کهندل خان کرم
قدلمر که سابقا برکاب مبارک آمده بود اجازت
از تفرضات و سوسلوک امیردوست محمد خان
اولاد سردار کهندل خان مرحوم متواری و فراری
شدند و آنچه داشتند از آنها گرفتند و برچون
ایند و لت آورده با ستلها و امیدواری تمام
بجانب دربار شوکتدار هالیون بارادش سردار
عبداللہ خان و جمعی از خوانین اچکزانی خانه و کوچه
و از جانب سنی ابوالناب هالیون خلعت سجد و حرم
شد و امر و مقرر فرمودند که در خراسان جاو سکن
شایسته سجد خود و عیالشان مقرر دارند و از نفقه
و جنس سجد اخراجاتشان محبت فرمودند که در ظل
دولت ابدیت با سودی ببرند

دارالخلافه طهران

در این اوقات که موکب فیروزی کوکب عالمون
در نیوران تشریف دارند امور دارالخلافه طهران
بحسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب شاهزاده
والا بتبارار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران
و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر منظم است
خبر و زاست که هوای دارالخلافه طهران بمقتضای
فصل قدری گرم شده کاهی باد گرمی میوزد و بعضی
ارضیفی کاری خیار و غیره را باد گرم فی الحاله نبود
که دماست

فراغت و اسودگی بجهت عموم مالیات ولایت حاصل
و نواب مستطاب شاهزاده والا بتبارار میرزا الدوله
حکمران فارس بحسن مراقبت و رعیت داری امور
اتولایت راهبه حبه منظم دارند و مقرب الخاقان
شجاع الملک و شیر الملک در نظم امور نوکر و رعیت
و انجام خدمات دیوانی اهتمام کافی بعمل می آورند و
سال محصول اغلب بلوکات که سالهای سابقین
ملح خواری و غیره تلف می شد بجهت الله محفوظ ازین فایده
مانده و رعایا و صاحبان اطلاق ازین معنی نهایت
و شکر گذار را دارند

در یوم سنبه ۱۳ شوال چهار نفر از الوالد
که ناشانی در بیرون در وازه محمدیه مددی نمود
نمودند آنهارا گرفته خدمت نواب مستطاب شاهزاده
ار د شیر میرزا آوردند و اسباب سر و قد از آنها
مسترد شده بصاحبانش تسلیم و اینهارا بحکم
نواب معزی الیه تبیه مضبوط نموده و چهار کرده
در بازار که دانه اخراج می نمودند و التزم گرفته

دیگر نوشته اند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
که احضار بشیراز شده بود وارد گردیده و چند روز
بجاسبات او رسیدگی شده نواب مستطاب میرزا
قرار گذاشتند که بعد از فراغ از محاسبه در دویم شهر
شوال روانه در باب محمد اهدارها دین شود و نواب
حلال الدین میرزا را بنیابت نواب عبدالباقی میرزا
موده با یکصد نفر سواره شامسون روانه خطه لاریان

شد که دیگر بشهر طهران بنیابند
سایر ولایات اذربایجان
و استرآباد و اسدآباد و اصفهان
و بروجرد و سلطام و خراسان و
و خوار و کلایکان و سمنان و عراق
ازین ولایات درین نفعه اخباری نبود

دیگر نوشته اند که عالیجه لطفعلی خان سرتیپ که بهر
فوج ایلات قشقائی حیدری بود مأمور خدمت کوه کلوئیه
بود در این اوقات نواب شاهزاده مؤید الدوله او را
از مأموریت آنجا خوانسته و عالیجه علیخان سرکرده
سواره شامسون را حلقه داده با چهار صد نفر سواره
شامسون ابواب جمعی اهل مأمور کو کسلویه که ده روانه نمودند

فارس

از خوار که در روزنامه فارس نوشته اند کمال

که مشغول نظم امور اتولایت باشد

دیگر نوشته اند که حاتم خان نام از طایفه نفر که از حمله
 سارقین مشهور و سالها بدزدی و قطع طرق و اذیت
 عابرین و مترددین می نمود و حکام سابق
 هر چه میجو استند او را بدست میاورند میر می شد
 در این اوقات نواب مستطاب مؤید الدوله او را از
 مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی حکم خود استند
 مقرب الخاقان مشارالیه نیز او را فرستاده گرفتند
 و خدمت نواب معری الیه فرستاده چون ریاض
 مصدر سرف و شزارت و سک دما شده بودند
 او را در نظام سیاست نموده بفرای عمل خود رسانیدند
 دیگر نوشته اند که در این اوقات فیما بین جماعت
 و قشائی و الوار که کسویه نزاعی واقع شده و جماعت
 بختیاری جمعیتی کرده بودند که بر سر طایفه قشائی
 و الوار که کسویه بیانند چون ایل و شام قشائی
 در سرحد فیما بین این دو طایفه نوشته اند و اگر میان
 دو طایفه نزاع بشود حارث بایل و شام قشائی
 میرسد لهذا نواب مستطاب مؤید الدوله حکم نمود
 که مقرب الخاقان محمد قلیخان اینجانی از رفوز آباد
 که چیده بزودی باین سرحد برود و بطریق خدا
 مابین آنها را اصلاح و التیام دهد که رفع منازعه
 طرین شده باشد
 دیگر نوشته بودند که قورخانه شیراز چون کوهک
 و محضر بود و فضای شایسته و بیوتات حکم بجهت
 و غیره نداشت نواب مؤید الدوله محلی
 بجهت قورخانه معین نموده مقرب الخاقان محمد قلیخان
 شجاع الملک مقرر داشتند که با تمام برساند
 و مقرب الخاقان مشارالیه نیز بنا و عمله زیاد بکار
 عمارت قورخانه مقرر انداخته از روی جد و استقامت
 مشغول بنائی میباشند و محقر قورخانه بسیار خوب
 و محکم مثل بر بیوتات حکم در اینجا ساخته خواهد
 دیگر نوشته اند که نواب مؤید الدوله در سال
 ماه مبارک رمضان هم بجهت ظهور القات نسبت به
 و سرباز و هم برای حصول دعای خیر بجهت وجود قاضی
 اقدس طایون شاهی قرار دادند که بگل فراول
 و مستحفظ توپچی و سرباز که در دربار خانه و ارباب
 و فقرا و سنیوایان که عا کرد عا میباشند اطفا سحر
 از کارخانه نواب معری الیه داده شود و تا آخر
 ماه مبارک مستند باشند
 دیگر نوشته بودند که در ۲۳ رمضان دو نفر جوان
 بسن پانزده و شانزده ساله مسجد فرستاده برای
 منبر و عطا حاجی ملا محمد شینار باستماع موعظه نشسته بودند
 و موعظه هم در ذکر فضایل و محامد جناب مولای مقین
 امیر المومنین علی علیه السلام بود بعد از انقضای مجلس موعظه
 آن دو جوان با هم در صحن مسجد سیر میکردند و یکی از آنها
 اظهار وفور ارادت و فرط عقیدت نسبت بجناب امیر المومنین
 می نمود و نقش گفت اگر راست بگوئی سر خود را در
 راه جناب امیر المومنین علی علیه السلام بده و نیز فوراً بدو
 تمام چاقوی از جیب خود در آورده بقوت تمام بکوبی خود
 کشیده و برید و چندان کشاکش داد که دشتش از قوت افتاد

از پای درآمد خوشن و کن او مطلع شد و اورا بر
 و به تراج حاضر کردند که شاید بنجیه نمایند و خوب شود
 ولی کار از محاسبه گذشته بود و بنجیه و مسم فایده
 نگزیده بعد از دو روز درگذشت

دیگر از قراریکه در روزنامه بندر ابوشهر نوشته اند
 معتب الخاقان حاجی قوام الملک امور آلو لای
 انتظام کامل داده و از اتهامات علیحده محبس
 میرزا حسنعلی خان دریایی و حاکم ابوشهر نهایت
 امنیت و انتظام در آلو لایت حاصل است و هر
 از چاکران دیوانی که مامور توقف اینجا هستند
 کار و خدمت خود سعی و مراقبت و انجام میدهند
 همچو له جو مشغول میباشند توپچی و سرباز متوقف
 اینجا را در ماه مبارک رمضان از مشق معاف
 کرده بوده اند و مالی اینجا در مساجد و معابد
 و انبارهای شاهنشاهی استعمال شده است

هم در روزنامه بندر ابوشهر نوشته بودند که در
 و لو در بلوک دشتی باران غطیسی آمد که به چکش باران
 باین شدت در آلو لایت بخاطر نهشته است
 اینجا که از سامان زیارت و پرورد خون بدر میزد
 از شدت بارندگی طغیان سخت کرد بطوریکه از
 هر طرف رودخانه تخمینا یکفرسخ زمین را سیلاب
 غرق گرفت قرار و دمائی که در کن رود غرق بود
 همه را سیلاب خراب کرد و آنچه دواب و غنایم
 در بیا ریخت و از کف اصل رودخانه تخمینا بیست
 بیج ریز آب بالا آمده بود اگر چه حاصل اطراف

رودخانه را از هر طرف بقدر یکفرسخ که سیلاب میزد
 تلف نموده ولی بعد از رفع بارندگی و سیلاب بیان
 زمینها را حاصل دیگر از قبیل بنیه و بند وانه و خرنه
 کاشتند و بسیار خوب بهی آمد و بنجیه آه رودن سیلاب
 خارج را بان زمینها تا ده سال غله در آن زمین
 خوب بهی می آید و در اینجا که رودخانه بدریا میرزد
 و بی زیر رود نام از بلوک برود و خون در اینجا واقع
 چون از سه طرف آب رودخانه طغیان کرده و بطوریکه
 نیز دریا بود و خوش صحرایی خود را بر سر تلی مرتفع که در
 نزدیک ده مرز است کشیده بودند تخمینا بعد از
 آه و دخر کوشش و کار بودند و از دشت سیلاب
 بیکدیگر تعرض نمیکردند بعد اهل اینجا مطلع شدند
 تمامی آنها را صید کردند و در سامان هم و زیر و با
 که سر آب رودخانه است تخمینا ده هزار اصله نخل و سی
 چهل خالو را با دواب بکلی سیلاب تلف نمود که اثر
 از آنها محسوس نگردد و بهم دهی از دشتی برستان
 نام که در یکفرسخی بندر کنکان واقع است حوزی دارد
 که آب از آن حوز بدریا میرود با اینکه ده مرزور نیم فرسخ
 از حوز دور است آب حوز چنان طغیان کرد که قلعه و با
 خانه محکم را که از سنگ و گل ساخته بودند خراب نمود
 چون روز روشن بود که این حادثه در گرفت بمقتضی
 اهل اینجا تو هستند که فقط عیال و اطفال خود را بکوشیده
 از آن مهلکه جان بدر بردند و اموال و اثاث بکلی آنها
 بکلی تلف شد بطوریکه اثری از قلعه و ده باقی نماند
 در این اوقات حیدر خان ضابط اینجا اتهامی دارد

که ده نور را بجلیه آبادی در آورد و ولی خسارت نیاید
با مالی انجام دهد و شد است

دیگر نوشته که مقر بانخان حاجی قوام الملک بجهت
حصول دعای سلامتی وجود فایض انجو و اقدس
ها لویون شایسته فقرای پوشه را گفت کلاً چهار سراج
حاضر کرده و آنها را ملبوس داده همگی بلوازم دعا
اقدام نمودند

قروین

از قرائت که در روزنامه قروین نوشته اند امور
الولایت اخشن مراقبت نواب مستطاب هرا
والا تبار عبد الصمد میرزا و رسیدگی مقر بانخان
حاجی حسنعلیخان پیشکار قرین النظام و انضباط
والی آلولایت در عین رفاه و آسودگی بدعا
از دیار عس و دولت و شوکت اقدس هالون
شایستهی رطب لسان میباشند و مقر بانخان
حاجی حسنعلیخان ایام ماه مبارک رمضان را
قدغن نمود که با شرفین مطالبه مالیات ارزها
و حواله الهاتی نمایند که آسوده خاطر بلوازم
طاعات و عبادات اقدام نمایند و رعایا این
مرحله کمال شکر گذار بر داشته اند

دیگر نوشته بودند که در پنجم ماه رمضان المبارک
بعد از ظهر قریب دو ساعت تکرک بسیار شد
آه از دلت و بلوکات هنوز خبری نرسیده بود
که تکرک در آنجا جکرده باشد ولی باغات دور
شهر که معلوم بود کجایش میو جانش از تکرک خراب

و تلف گردیده است و کمان داشتند که بلوکات
و دلت نیز از تکرک خسارت سید باشد

دیگر نوشته بودند که امور شهر و محلات قروین در
کمال نظم است و وزدی و سرقت بسیار کم اتفاق
می افتد بلکه در این اوقات نوعی استقامت درین باب
شده و کز مه و سختین مراقبت بعمل می آورند که در شهر
مطلقاً وزدی نمی شود و همچنین امور طرق و شوارع
بسیار مضبوط و قراقران مستحفظ در همه راهها
بجظ و حر است مشغول و عابرین و ترددین باینها
آسودگی عبور و مرور می نمایند

قسم و کاشان و کردستان و کرمان
و کرمانشاهان و کردستان و کرمانشاهان
نیز درین مه اخباری بود

کیلان

از قرائت که در روزنامه کیلان نوشته بودند چیزی
بود که در آنجا ناخوشی و باروز کرده بود این اوقات
اسم الله از تفصیلات خداوندی رفع شده از اکثر
جایهای آنجا که ناخوشی و قوع یافته بود رفع شده
مثل این است که هیچ نباشد

دیگر نوشته بودند که امور آلولایت از حسن مراقبت
و عوزرسی و استقامت امیرالامراء العظام حمید الملک
قرین انضباط و انتظام است و هر روز از صبح
الی ساعت از شب رفته در مقر حکومت نشسته
بهر کس را عرضی و مطلبی بوده باشد بلا مانع خود
آمده عرض می نماید و بعضی اورسیدگی شد موافق دعا

و انصاف حکم آن می شود و عموم اهل آن ولایت
کمال شکر گذار بر او دارند و در رفع بعضی بدعتها و
که در ازمنه سابقه بر او در آن ولایت متداول
شده بود نهایت اتهام میشود با اینکه این در آن
ولایت از همه ملوک محروسه از آنرا است بجهت
پیکش و تمیلاتی که بصفت نعل بند رسم کرده بودند
نعل بندی سواری و هزار و بیشتر قرار شده بود
درین باب قدغن اکید شد که تعارفات اتباع
حکومتی که از سابق متداول شده بالمره موقوف
و متروک باشد و کسی هیچ اسم و رسم دنیا
از صنف مزبور نگیرد و از صنف مزبور نیز الزام
گرفته شد که دستی چپش را نعل نایند و ازین قرار
تخلف نمایند و همچنین در سنگ اوزان رشت
اختلافات فاحش بهم رسیده بود و کسب از آن
تقلب اجناس را بسبب زیاده می خرید و بسبب کم
می فروختند درین باب نیز قدغن شده سنگ
این نوزن تمام ساخته و مهر نموده تمامی کسب
داده شد که بغیر از آن سنگها داد و ستد ننمایند
و اگر بسنگهای دیگر داد و ستد نمایند مورد
مواخذة باشند و همچنین قمار بازی را که پیش
سابق وجه منافع او را لغو و جرم میداشتند بکلی
موقوف کرده و قدغن شد که احدی مرکب
علی قمار بازی نشود و دیگر در شهر آخر ماه رمضان
یک نفر در عظام علی نام که از سارقین مشهور بود
و مدتها در محال کسب آن سبقت اقدام داشت

و علاوه بر فعل شایع سبقت در مقام عمل قبیح
نسبت با آن و خیال بر عاید و دلقین بر می آمد
دستگیر شده بنزد امیر الامراء اعظام عمید الملک
آورده شد بعد از تحقیق و اثبات قبیح اعمال او او را
سیاست شایسته کرده و در بازدارند گردانید
و شر او را از سر اهل آنجا رفع نموده همه مردم از
این امر حله کمال شکر گذاری اقدام نمودند و نیز
سارق دیگر آسی و زدیعه بودند آنها را نیز
گردانیدند اسب مسروق را از آنها دریافت و بصاحب
تسلیم و آنها را تنبیه مضبوط نموده حسب حکم مجری
بجمله امیر الامراء اعظام مشارالیه نظر معقولیت خود
و اقبال حکم و استرضائی خاطر اقدس مایول
الاملی آنجا را بحسن سلوک شاکر و مسرور و اغلب
اوقات خود را در انتظام امور ولایت و اسودکی
لوگو و رعیت مصروف دارد و با کمال کفایت و
عزیزی در کارها دست تطاول اشرار و سارقین را
از سر عجزه و ناکین کوتاه کرده هیچ وجه کسی قدرت
لغوی و حرکت خلاف حساب ندارد و رعایا
برایا اسوده خاطر به غای بقای وجود فانی وجود
بجایون و از دیار شوکت و دولت ابد مقرون
اشتغال دارند

مازندران و طایر و نساوند و بهمان
و نیز در این ولایات نیز درین وقت اخبار
نبود

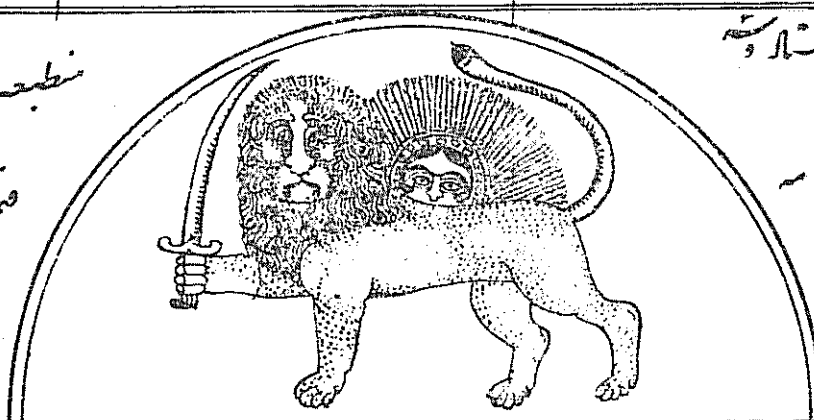
روزنامه قایم انقابت ساج یوم شنبه بیستم شوال الکریم بقیع الودیع ۱۲۷۲

منطبه دارانخلا و طهران

نمونه دیت و شالوده

قیمت اعلانات

هر خط پنج مر



قیمت روزنامه

هر نسخه دپایمر

اجبار و سله مالک محروم پادشاهی

۱۸۲۳

چون مقرب انجمنان محمود و خان قراکوزلو
مراتب صداقت و ارادت خود را در راه حد
دولت ظاهر و هر خدمتی که مأمور شد آنها کفایت
و کار دانی از او مشهود کردید علی الخصوص در امور
سفر بطریق که موافق اراده علیتیه همایون در
استحکام میانی دولتین ایران در روس از
سعی و افی و جهد کافی مضایقت نمود در نیوقت
که حسب الامر احضار رکات مبارک کردید در
ازاء خدمات مشایره منصب میرنجه کی که
از اقله مناصب این دولت علیه است حمت
و فرمان مهر لجان همایون شرف صدور یافته
با عطای خلعت انقابت طلعت مبارک مفتخر و
کردید

نظربا لبکی و قابلیت و خدمتگذاری عالیجا
حضر خان یا ورتو پخته مبارک که ساهاست در تحصیل
نظام ربط نامی حاصل نموده و مسواره در کاب مبارک

ارو و می همایون
اعلیحضرت قوی شوکت شاهساهی در سبلاق
نیایوران تشریف دارند و در این اوقات که
موسم گرمای تابستان است هوای نیایوران
نسبت با یرجا با کمال برودت و صفار و
وازه هر گونه میوه و آوان و ارزانت و بر وجود
فایض انجو و همایون بسیار خوش میکند و در
روز و شنبه گذشته بشارت کاشانک ملکی جناب
نظام الملک که در جنب نیایوران و بحسب صفا
نهایت امتیاز دارد و بصیافت جناب نظام الملک
تشریف فرما گردیده و از جانب جناب مغزی
لوازم پیکس و پای انداز و قربانی بعل آمده است
خدمتگذاری او مقبول و تحسن خاطر ملوکانه افتاده
نهار را در آنجا صرف فرمودند و تا عصر در آنجا
تشریف داشته بعد از صرف عصرانه و چای
بشارت نیایوران معاهدت فرمودند

آذربایجان و استرآباد و سمرقند
و اصفهان و بروجرد و سلطانی و
ازین ولایات درین مقعه اخباری بنود

حکم

از قراریکه در روزنامه خسته نوشته اند عالیجناب
چراغعلی خان در پانزدهم ماه مبارک رمضان وارد
انجام شده و اعیان و اشراف و عسکرمآلی
لوازم استقبال را بجا آورده اند و مقربان خان
مشارالیه بعد از ورود االی انجارالو اطاف اولیا
دولت جاوید مدت علیه امیدواری کامل داد
همگی شادمان و مسرور بدعای بقای وجود فانی
قدس بایون و از دیاد شوک دولت امین
اقدام نموده اند

و بکرنوشته اند که از استقامت و مراقبت مهربان
چراغعلی خان نهایت انتظام در امور آن ولایت
و دست تطاول اشرار بکلی کوتاه شده کسی قدرت
حرکت خلاف حساب ندارد خصوصاً طوائف شیون
که سابقاً سرقت و هرزگی و ابله خسته را اذیت میکرد
در این اوقات مطلقاً از آنها بی نی ظاهری شود
والی حمته ازین محصل کمال شکر گزار پیرا داور
و امور طرق و سوارع تنظیم و مضبوط و عایر
و مترودین در نهایت اسودکی عبور و مرور می نمایند
از بابت حاصل قدری تلویش سجه الی حمته
حاصل بوده است ولی در ماه مبارک رمضان باره
کامل شده و رفع تلویش الی انجا گردیده است

خدمت بود محض رحمت ملوکانه عالیجاه مشارالیه
جلیل سرسنگی توپخانه مبارکه حسب فرمان جهان
سرافراز و کیطاقه شال ترمه نیز با و خلعت حمته
دارا خلطه طهران

نهایت انتظام و اینت و وفور هرگونه نعمت در آن
طهران حاصل است و چاکران و دربار بایون
دارا خلطه مبارکه که هر یک در انجام خدمات محله
سجود مشغول و مراقب انجام خدمات و عیال
میباشند و کسی قدرت حرکت خلاف حساب
و اگر احیاناً کسی مرتکب شرارت و هرزگی و سرقت
شود در مقام مواخذه و تنبیه برنی آید از جمله
نفر درین روزگار مرتکب سرقت و سرقت شده بود
آنها را گرفته خدمت نواب مستطاب هر از
والا تبارار دشیر میرزا حکمران دارا خلطه آورده
حسب احکام نواب معزی الیه و اخذ تنبیه هر یک
تنبیه شدند

درین روزگار اخذ طلا کاطم که از جمله قهقهه و تنبیه
دارا خلطه مبارکه بود داعی حق را البیست اجابت
گفته بچهار حجت ایزدی پیوست و جنازه او را
با نهایت احترام برداشته الی شهر و ضعیفان
بتشیع جنازه حاضر شد و مجلس فاسخه او را در
شاه کدائش علمای اعلام و سادات ذوی
و اعیان و اشراف و الی دارا خلطه تاسه روز
بمجلس تسخیر مقعه بعد از آن مجلس تسخیر را چیده

سایر ولایات

و مقرب انخاقان مش رالیه ایام ماه مبارک
 رمضان را سببه حصول دعا کوفی قدغن کرده بود
 که مباشرین از بابت مالیات حواله و اطلاق بنیاد
 تارهای اسوده خاطر در مساجد و معابد بوظایف
 طاعات و دعا کوفی اقدام نمایند و قدری کرا
 و کم یاب بوده است عالیجاه میرزا ولیخان بایک
 قبل از ورود حاکم ریاده از پانصد هزار غله از
 کافی که غله انبار کرده بوده اند که فقه سجماعت
 خباز داده و تخواه از از خبازان تعیین وقت
 دریافت و اصحابان غله تسلیم نموده و بعد حکم کرده
 جابر کشیده اند که هر کس بخوابد در خانه مان بزد
 بیاد و در سر کوچه بفرشته شود و ذوات و نحس
 حملت نخواهد نمود درین بین از تفضلات الهی
 بارندگی خوب و بوقع نیز که شده است نرخ
 غله تنزل کرده و ارزان شده و با العمل نان
 و خور دارد و فقرا و غریبا ازین معنی اسوده خاطر
 دیگر نوشته بودند که بعضی اشخاص تخواه از مردم
 گرفته بودند و در راه ای آن تعلل می نمودند و
 مجادیر می شدند در این اوقات که فهمیدند که
 مقرب انخاقان مش رالیه در احقاق حق وقت تمام
 تمام دارد بجه کاران بدون عذر و دفع الوقت
 طلب مردم را کار سازی می کنند و کسی طلب
 حساب با کسی نمی تواند رفت و برگشت
 دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا محمد علی در شب و روز

ماه مبارک رمضان در خانه شخصی مهمان بوده است
 وقتی که سبانه خود را حبت کرده بود دیده بود که
 دزد سه اسب او را در طویل زمین کرده اند که بزرگ
 سارقین و زار اختیار کرده بود و دزد مش رالیه را
 بجایگاه میرزا ولیخان اهلدار داشته و بدار و غله
 قدغن شده بود که حکم دزدان را پیدا نماید بعد از
 دور و زیک نفر از آنها دستگیر کردید معلوم شد
 بود که از جمله قاتلین حسین بیک اردل است که سبانه
 اسبی نیز سرقت کرده بگریزد او را محبوس نمود
 و مراتب را با منای دولت علیه معروض داشته
 تا به آنچه حکم از دربارهایون صادر شود و معلوم دارد
 خواند و کلیایکان و سمنان و عراق
 ازین ولایات نیز درین غله خبازی نمود

فارس
 از قراریکه در روزنامه فارس نوشته اند امور
 اتولایت اخسن مراقبت نواب مستطاب مؤید
 قرین انتظام است و حساب حکم نواب معزی الیه مقرب انخاقان
 مصطفی قلیخان میرنجه با پنجه آده توپ دیگر آده چهاره
 و توپچی و خور خاچی و دو فوج فدوی قراکوزلو
 مامور انتظام صفیات لار کرده در میجده ماه
 شعبان از شیراز حرکت و در یازدهم ماه
 مبارک رمضان وارد خطه لار کرده دیده و ارد
 رده ایالی آنجا لوازم استقبال را بجا آورده اند
 و بعد از تنظیم امور آن صفیات دیرتسم ماه فروردین
 از آنجا حرکت داده و اردشهر لار کرده دیده است

دیگر نوشته بودند که عالیجاه جعفرقلیخان سرتنگ
تو بخانه مبارکه باز دید تو بخانه ابوالجهمی خود را بجا
ورود بخدمت لارمخوده با اینکه در راههای آنجا
کشتهها و گردنهای متعددی سخت واقع و عبور تو
از آنجا با کمال صعوبت را دارد و تو چنان سعی
و اهتمام زیاده نموده و تو چنان بی عیب و نقص
عقبات سخت گذرانده و مقصد رسانده بودند
و اسبان تو بخانه نیز در کمال فریب و دماغ بودند
و تو چنان با نهایت خوشوقتی و دلگرمی و انتظام
و در خدمت لارمخوده و امورات آنجا را از هر نظم داشته
عالیجاه مقرب آنجا قان مصطفیقلیخان سرسبز آنجا زو فوج
رضامندی از نظم و کار دانی عالیجاه مشارالیه
و حسن سلوک تو چنان ابوالجهمی و طعموده است
و پنجمین عالیجاه علیقلیخان سرتنگ فوج خرقانی آنجا
نوشته بودند در ایام توقف در خدمت لارمخوده خود را
با کمال نظم داشته و خدمات محوله بخود را با کمال
خوبی و معقولیت با انجام رسانده و امانی آنجا خزن
سلوک مشارالیه و نظم سربازان ابوالجهمی بسیار
رضامندی داشته اند و مقرب آنجا قان مصطفیقلیخان
سیرنج فوج عالیجاه مشارالیه رسان دیده وقت
رسیدگی نموده است نظام و ارادت کی تمام داشته اند
و آخرین خدمتگذاری و مراقبت عالیجاه علیقلیخان
بهیچوجه عیب و نقصی در کار فوج مزبور نبوده و
تمامی رضامندی از او داشته اند
دیگر نوشته اند که مقرب آنجا قان مصطفیقلیخان

سیرنج بعد از ورود بخدمت لارمخوده و امانی آنجا را
بعواطف اولیای دولت جاوید مدت علیه لکرمی
و امیدواری تمام داده و اعمال و مباشرین
صفیجات مزبور را احضار کرده و قرار داده و
وصول و حصول مالیات دیوانی را بطوریکه
رعایا در رفاه باشند داده و عسوم رعایا
آنجا با کمال خرسندی و دلگرمی مشغول غیبتی خود
و دعاگوئی ذات اقدس بپایون شایسته
و افواج قاهره متوقف آنجا را با انتظام تمام
انجام خدمات محوله بخود دارد و هر روزه در
دیوانخانه نشسته و بعالین مطالب مردم وقت
و غوررسی کامل مینماید و در ایام ماه مبارک صیام
از سه ساعت از ظهر گذشته الی طلوع فجر اوقات
خود را مصروف رسیدگی امور ولایت و انتظام
امور و رعیت داشته و بحسن کفایت و کار دانی
و سلوک و مهربانی امانی آنجا را خرسند و سیر
دارد و کسیر قدرت شرارت و بزرگی و تعدی
و خلاف حساب نسبت بد بگیری نیست و از
هر گونه آذوقه و اجناس با کولات و عنیره در آنجا
فراوان است مگر غله که امسال بجهت کم آمدن باران
در آن ولایت فی الجمله تعدی داشته است و مقرب
سیرنج آدم و دواب معین کرده و روانه نموده است
که عند ابتیاع و بخدمت لارمخوده و نقل نمایند که
سیورسات نوکر متوقف آنجا آماده باشد
و عسرت نمائند

اچار دول خارج

تخت ز را با طغش شست و شوداده و لباس

فاخر با نھا پوشانده از زن چون ماہیاره بسیار خوش کل نظر او جلوه کرده اورا برای خود عقد و با او صاع نام عروسی نموده از فکر کشتن خود خلاص

یافت و بعد از آن راتا برای قراں فرستاد بود که شاید معلوم نماید کیت کسی اورا نشاخته و از حرکات بی تربیت کودک که از او استنباط شد

باجمله مشارالیه ایکونه خواب دیدن و ترویج کدا سبب رفع خیال طغش شدن مقام تعجب است در هر صورت اخترا طالع آن زن از برج دولت

طلوع کرده با فقر و فاقه که شبها در کلخنها سیر میرد حال صاحب عمارات عالی و قصور مرغوب گردید عیالی بزرگ معتبر شده است

دیگر نوشته اند که در ایام بیت و بیخا ل پیش این که قراں دولت اسپانیول فوت شد وصیت کرده بود که دخترش بجای قراں باشد و حال

اینکه موافق قانون دولت اسپانیول سلطنت معمول بود در آن اوقات بهین سبب اختلاف عظیمی در دولت مزبور روی داده بالاخره مشارالیه

غلبه و استیلا یافته بقرالیت اسپانیول مستقل گردید و بعضی از ذول یورپ قرالیت اورا تصدیق کرده و بعضی دیگر تصدیق ننموده بودند

از جمله امده اطور سابق دولت روس قرالیت اورا تصدیق نکرده بود در این اوقات که مصافحہ دول در احوال حاضره منعقد شد درین ضمن

از قرائیکه در روزنامه خارج نوشته اند از ترک زادگان دولت یور تو قراں شخصی که نفوذ و املاک او بسیار و بحساب و شمار نمی آید اغلب اوقات خود

دفع سیر و سیاحت نموده و از آنجا که در دنیا عمر آدم بیکار رود میگذرد مشارالیه در مسکام پیر عمرش بدرجه کمال از زندگانی دلنک شده

بفکر فراہم آوردن اوضاع ہلاک کردن خود افتاد باین خیال خواہش برده بود در عالم خواب دید که پیری را بہ روی او آمد و گفت که تو

خود را تلف خواہی نمود و لکن صبحگاه از در خانہ که بیرون میروی زنی که بتو راست می آید اورا ترجیح

میکنی کہ رائی تو از بلای ہلاکت با نیواسطه مقرا مشارالیه بیدار شده و عقش بر شش اصبحگاه در ب خانہ را کشود و با طراف و جوانب بگریست

زنی بصورت کدایان در لباس مندرس پوشیده که کودکی سالہ سمره داشت با و رو برد آمد کویا ملاحظہ خواہی کہ دیدہ بود مکر رفتن اورا ب

ہلاکت خود دانستہ بفکرت فرو رفت و ضعیف مزبورہ بر رسم گدی و سنوال پیش آمدہ چیزی خواست آن شخص پرسید کہ پدر این کودک کہ

سمره داری کیت و در کجاست چون جواب درستی نشد بر طبعش کراں امده فکرش زیاد شد بالاخرہ دست کودک را گرفته و ضعیف را بخارجہ خود تکلف نموده و بعد از بردن او بخانہ

روس قزالت مکه سپانیول را نیز تصدیق نمود
و نامه مخصوص رسال دشته است

دیگر نوشته اند که از کوههای سوزنده سنک
که اخنه که منجم میشود و بزبان فرنگی و لغاتین میگویند
پیش ازین در حالت که اختکی شل شیب چپ نمصر فی
بود در این اوقات یکی از هنرمندان انگلیس
ادقوق نام سنک مزبور را با اجزائی بسبوت
آب کرده و سنگی اعلا از آن حاصل نموده و بهر
کاری می آید و بروی او چیزهای نفیس گذاشته
میشود و این که از شش بفرانسه و نیکی دنیا
نموده و بجاصل کردن این نوع سنک قومی
مخصوص ترتیب داده اند و در بعضی جایها از
سنک بقدر پنجاه خانه بنا کرده اند و بروی
سنگهای مزبور نقوش و تصنیفی که میشود بسیار
ظریف و خوب منظر می آید و قیمت نیز از آنرا کم
میشود

دیگر نوشته اند که از دولت فحیمه روسیه
سفیر دوم و مدخض مجلس مکالمه پاریس جناب
پره نوف بجهت دادن بیان نامه رسمیه فوت
امپراطور سابق روسیه و جلوس امپراطور
دولت مزبور در عرصة ماه گذشته شعبان بطرف
لندن عازم شده است

و همچنین بجهت تجدد حقوق دوستی و مصافحات
ما بین دولتین فرانسه و روس از جانب امپراطور
روسیه علک اندزد و دوم با مورد مدخض مجلس

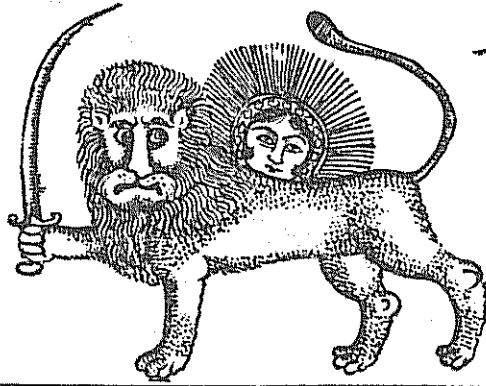
مکالمه پاریس جناب قزالت ایلوفت در اختتام
مجلس مزبور نامه رسمیه جلوس امپراطور
و تهتیت تولد و لعید دولت فرانسه بایلیان
سیتم را تبریک نامه خدمت امپراطور
داده و مهابانی مخالفت و و داد دولتین را
نموده است

دیگر نوشته اند که بجهت ساختن راه آهن و
بعضی عمارات دیگر در حاکت پور تو قال قوال خان
سه هزار ملیان لیرا که بول آنولایت است قرض
کرده و مسنغ مزبور را قرار داده که بمباشین
راههای مزبور تسلیم شود که مشول ساختن باشد

دیگر نوشته اند که از واورانی که در هنرهای
کار میکنند و هنرهای مزبور را تخیه مینمایند یک واپور
در سنکامی که سالها با سلاصول می آمد در محاذی
دماغه سرای بیک واپور بزرگ مسه بجهت توج
آب خورده سنگته و غرق گردید کمر را یک واپور
دیگر جلب کردیده بجهت تردد و در هر طونه ده ماه
گذشته شعبان بطرف واره ارسال شده
و واپور مزبور از وسط مالک فرانسه حرکت
و بوسط مالک متعمور و مرور او معین گردیده

روزنامه قایم القایه تبایح یوم شبیه بنفتم شهر ذی قعدة الحرام مطابق سال لوی میل ۱۲۷۲

منطبعة دار الخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر سطر پنج شبر



نزد ویت هشتاد و چهار
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شاهی

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

اردوی بهایون

مؤکب پروزی کوکب اعلی حضرت اقدس بهایون
شاهی شریف فرمای نیاوران میشد و بر خود
فایض ابجد بهایون بسیار خوش میکرد و امنای
دولت علیه و مقربان حضرت کردند و بطلب سینه
و سایر چاکران در بار بهایون هر یک بانجام صدا
محو که بنجد مشغول و اهل سلام همه روزه شیراب
حضور با هر التور میکردند و در این اوقات که شد
گرمای تابستان است هوای سیاق نیاوران کمال بود
و صفارا دار و علی الخصوص عمارت مبارکه سلطانی که
مثل برانهار و اشجار و قصور و بیوتات باغین
و مطبوع و تخمین خاطر ملوکانه و حجب عدوت با
ولطافت هوا امتیاز تمام دارد

نظر بحسن اوقات نوب مستطاب نهاده و ابلا را در شهر
حکمران دار الخلافه طهران در نظام امور دار الخلافه و فوط

غنائت خاطر اقدس بهایون شاهی در باره
نواب معزی الیه درین اوقات یک ثوب جبهه ترمه
رزمه ای حاشیه نواب معزی الیه حرمت فرمودند و
بجهت ظهور کفایت و کاروانی مقرب انخاقان میرزا موسی
وزیر دار الخلافه الباهر عصائی مرصع بجواهر نیر مقرب
مشار الیه التفات فرمودند

چون مراتب حسن کفایت و اهتمامات نواب مستطاب
والا بتا رموید الدوله حکمران مملکت فارس در نظام
اتولایت و انضباط بندر عباسی و سایر بنا در فارس
مشهود خاطر اقدس بهایون شاهی گردید در این
اوقات یک قبضه شمشیر مرصع از جانب سنی ابج
ملوکانه بجهت مزید مفاخرت و مبالغات نواب معزی
مرحمت و ارسال گردید

نظر بنظوقا بلیت و شایستگی عالیجاه علی آقا نایب خود را
در این اوقات بوجوب حکم نظامی منصب سرمنکی سرفراز گردید

از قرائت حکام و مباحثین ولایات نوشته اند
 عالیجاه اسمعیل خان چایچی باشی درین اوقات بم
 منازل را اسبهای تازه خوب خریداری نموده و
 و چای پارخانها را منظم داشته که از برای بچیک
 از مترودین معطلی حاصل شده و نمی شود چنانکه درین
 روزها چایاری از اصفهان دور و دور و نصف آمد چای
 کرمانشاهان سه روزه و راه خراسان با اینکه از جانب
 دیوان حکم شده است شش اسب بسته شود و مگر
 مأمورین دولتی شش هفت اسب برداشته اند و چنان
 که از آن طرف و این طرف می آمدند و در دو سه اسب بسته
 و در یک منزل بهدیکر برخوردند که در یک مرتبه
 ده اسب در ذاب و ایاب از یک منزل برداشته
 میشد و برای بچیک معطلی حاصل شده همگی را اسب
 داده روانه مقصد نموده اند بدون حالت معطلی علی
 نظر بحسن خدات عالیجاه چایچی باشی و کمال حمت
 طوکانه در باره مشارالیه که خاطر اولیای دولت
 قاهره را از حسن خدمات خود راضی داشته درین
 اوقات یک طاقه شال ترمه و یک ثوب قبای رتی
 برسم خلعت بجایگاه مشارالیه مرحمت شد که برجم
 طوکانه امیدوار بوده روز بروز بحسن خدمتگذاری خود
 بیفزاید

دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه مبارکه از هر جهت منظم و مضبوط
 سرقت و شرارت کمتر اتفاق می افتد از جمله درین روزها
 قافله خراسان می آمده است در و راه این بعضی مال آنها را

جماعت زر که سرقت کرده بودند در محال شهریار
 دزد و مارا گرفته آوردند حسب الحکم نواب مستطاب
 شاهزاده والا بتبارار و شیر میرزا احکمان دارالخلافه
 طهران و توابع اموال مسروقه دریافت و حبس
 تسلیم و دزدان تنبیه بیهوش شدند

عمده الامراء العظام محمد خان امیر تومان همه وقت در
 عمارت ارک جناب شرف ارفع صدر اعظم مشغول
 رسیدگی بامورات نظام و خدمات محوله بنحوی
 و عالیجاه علی آقای نایب اجدان باشی را که تازه بنشین
 شده و در اطاق نظام گذار شده است که قراولان
 عمارت مبارکه سلطانی را رسیدگی نماید و عالیجاه
 عباس آقای نایب اجدان باشی بقراول خانها
 شهر گذار شده بامور قراول خانها رسیدگی می نماید و بعضی
 شبها بقراول خانها سرکشی می کند و سر بازاران قراول
 با کمال نظم مشغول قراولی خود هستند توپچیان و
 افواج قاهره متوقیفین دارالخلافه بواسطه گرمی هوا
 از مشق مرخص میباشند لکن صاحب منصبان افواج
 قاهره که بجهت مشق احضار رکاب مبارک شده اند عالیجاه
 رفیق قلینان سرمنک یک ساعت قبل از طلوع آفتاب
 آنها را در میدان مشق حاضر کرده دو ساعت مشق مید
 و هر یک از معینین و متعلین مدرسه دارالفنون همه روز
 بقراول مدرسه مشغول تعلیم و تعلم هستند

سایر ولایات

اور با بچکان و استر اباد و اسداباد
 ازین ولایات خبری نرسیده است

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند بحال
 و انتظام از حسن اقبال و اهتمام نواب مستطاب
 و الایثار حجت الدوله حکمران اصفهان در آن ولایت
 حاصل است و نواب محضی الیه هر روز از
 آفتاب الی یک ساعت از شب گذشته در عمارت حسن
 می نشینند و هر کس از اعالی و ادانی عرضی و مطلبی داشته
 باشد بدون مانعت و مزاحمت حاجب و دربان
 عرض خود را می نماید و بر وفق عدالت امر و فیصل می
 ورعایا و برابرا در عین آسودگی بدعای دوام
 شوکت و دولت اعلیحضرت قوی شوکت شاهی
 خلد الله ملکه و سلطان مشغول میباشند و عالیجاه
 زکی پیشکام حسب الحکم نواب شاهزاده همه روزه باستوفیا
 اصفهان در دفترخانه نشسته مشغول محاسبات و معاطات
 و داد و ستد مالیات میباشند و هم چنین امور محلات
 منظم و مضبوط و مستحفظین بحفظ و حرمت مشغول
 و سرقت و خلاف کتب و وقوع می یابد

فوج ابوالجحی عالیجاه نصرالله خان سرتیپ همه روزه
 در میدان نقش جهان مشغول مشق میباشند و عالیجاه
 بحال مراقبت را در مشق و انتظام امر آنها دارد و کسی
 سر باز نمیزد و قدرت حرکت خلاص حساب ندارد و اگر
 بندرت یکی مرتکب شذارتی بشود تنبیه نظامی مضبوط
 میشود و فوج ابوالجحی عالیجاه ابوالقاسم خان سرکن
 اصفهانی هر قدر حاضر شده اند در میدان همه روزه
 مشغول مشق میباشند و بحال نظم را دارند و صاحب
 نهایت اهتمام در مشق و انتظام امر آنها بعمل می آورند

دیگر نوشته اند که چند نفر از اشرار و مفیدین گروان
 که با نفوذ علیخان ضابط آنجا عدوت قدیم داشتند
 در این اوقات زیاده مصدر شرارت و فساد
 و در جبال و صحاری متواری شده بقطع طرق و
 اموال و سبک دماغ عابرین و مترددین مشغول بودند
 و گاهی نیز بقرا و آبادیهای آن اطراف دست انداز
 میکردند مراتب بعضی نواب حجت الدوله رسیده
 چند نفر علام بکرفتن آنها مامور نمودند علما و آنها را
 در باغی یافته و زردان در آن باغ محصور و بنای تیراندازی
 و زرد و خورد کرد داشته بالاخره علما و آنها را که چنانچه
 نفر بودند مقتول و شتران را از سرالای آنجا رفع
 کرده بودند

دیگر نوشته اند که قراولانهای طرق را آنچه متعلق
 سناک اصفهان است نواب شاهزاده از هر طرف
 مضبوط کرده و سواره و مستحفظ تجمیع حفظ و حرمت
 گذاشته و عابرین و مترددین با سودکی و ایمن
 از آنجا عبور و مرور نمایند

دیگر نوشته اند که چند روز است حسب الحکم نواب
 حجت الدوله بنای و علمه بعمارات دیوانی و میدان
 نقش جهان گذاشته مشغول تعمیر خرابیهای آنجا
 میباشند

دیگر نوشته اند که فوج محال اربعه اصفهان را نواب
 شاهزاده احضار نمودند که بموجب آنها رسیدگی نماید
 و قرار دادند که از اول ماه دیفقهه موجب آنها را خود
 بدست خود بآنها بدهند که تدارک خود را دیده و او را
 بایون شوند

بروجرد

از قراریکه در روزنامه بروجرد نوشته اند نواب
 مستطاب هزارده والا تبار هشتم الدوله حکمران
 بروجرد و بخشناری و عربستان و لرستان و غره
 ماه شوال از عربستان وارد بروجرد شده اند
 و بعد از ورود بنای رسیدگی بامور لرستان گذاشته
 و تو شمالان و ریش سفیدان طوائف لرستانی کلاً
 با کمال امیدواری خدمت نواب معزری الیه آمده
 چون از سوسلوک و رقا میرزا عبدالحسین مبارک
 خود شاکمی بودند نواب معزری الیه او را غل نموده
 و عالیجاه میرزا علی را که بحسینلوک معروف و اهل
 طالب او بودند به پیشکاری نواب جلال الدین میرزا
 منصوب و همراه تو شمالان فرود روانه نمودند
 اهل لرستان از نیمه حله کمال مسرت و شکر گذارا
 اظهار نموده بد لکرمی و امیدواری تمام روانه لرستان
 شدند و نواب معزری الیه بانظام امور هر دو بالا گریه
 پرداخته قرار کارهای انجمن بطوری دادند که همگی
 اسوده باشند و نسبت بیکدیگر تعهدی نکنند
 و بیکر نوشته اند که خلعت آفتاب طلعت که از جانب
 سرکار اقدس هائون شاهنشاهی بجهت نواب مستطاب
 هشتم الدوله مرحمت و ارسال شده بود و در نیم
 ماه شوال بانجا برتو و وصول افکنده نواب معزری الیه
 استقبال و توقیر و احترام خلعت هائون را بجل آورد
 در باغ شاه زیب برود و شش افتخار و مباحات
 ساخته اتفاقاً سلام و صرف شربت و شیرینی

۱۸۳۲

و اهل سلام بدعای بقای وجود فانیس بجز دها یون و
 از دیاد شوکت دولت روز افزون میادرت نموده

و بیکر نوشته اند که ناخوشی مطبقه و محرقه در بروجرد
 زیاد بود و آنچه ناخوش می شد اغلب بهان ناخوشی
 فوت میکردیدند درین اوقات تحفیف کلی بهم رسانید
 ولی هنوز بآلوده رفعت است

و بیکر نوشته اند که در بیت و دو تیم ماه شوال
 مجتهد العصر آقای میرزا محمود و چند نفر دیگر از علماء و محققین
 سایر مردم که قریب پنجاه نفر بودند بغیر زیارت
 عبات عالیات از بروجرد روانه گردیدند
 خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته اند که
 نهایت اشیاء و دوز هر گونه نعمت در آن ولایت حاصل
 و حاصل خوب بعل آمده است مکرزاعات دیم کا
 که بجهت کم آمدن باران قدری نسبت بآلهای دیگر
 کمتر بعل آمده است ولی سایر زراعات خیلی خوب است
 و این اوقات در کار دروغ غله میباشند و فانیس
 زیاد کاشته اند و بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است
 دیگر امور قراونخانه بسیار مضبوط و منظم است
 و قراونخانههای ارض اقدس بمرکز فوج قزوین
 سپرده است و مشارالیه بایا و راههای خود شبها
 در محلات و قراول خانهها گردش نموده لازمه
 حفظ و حراست را بعل می آورد و باین واسطه
 کم اتفاق می افتد

و دیگر آن قرار یک تاجیه جناس از صفت اقدس را
نوشته بودند بقرار مسطور ذیل است

کندم	یکجوار	پانزده هزار	سی
جو	یکجوار	پانزده هزار	سی
نان	یکین	یکجای سی	۰۰۸
گوشت	یکین	چهار عباسی	۰۰۵
برنج	یکین	یکهزار دینار	۰۰۳
پنیر شور	یکین	یکهزار دینار	۰۰۳
قند یزدی	یکین	پنجاه هزار	۰۰۶۰
بنات	یکین	چهار هزار و پانصد	۰۰۴۵
شکر سفید	یکین	چهار هزار	۰۰۴۰
شیر خوب	یکین	هزار دینار	۰۰۵
روغن	یکین	دو هزار و پانصد	۰۰۴۵
فلفل	یکین	هشت هزار	۰۰۸۰

و خوانین و چاکران دیوانی باستقبال خلعت ها و
شاهانه لوازم توقیر و احترام راجل آورده در
قلعه حاجی کریم زیب پیکر مفاخرت و مهابت
خود نموده صرف شربت و شیرینی و اجرای
سلک توپ کرده و شب نیز با سرتش بانی
فراسم آورده ملو از م حش و شادمانی خفته اند

و دیگر نوشته اند که کاشته عالیجاه مقرب انجان
امین شکر که حالی بخواه مواجب سرباز و صاحبان
فرج خلیج ساوه متوقف کرمانشاهان بود با بجا
وار و کر دیده نواب شاهزاده عماد الدوله لجا
میرزا علی اکبر شکر نویس مقرر داشتند که فرج
در باغ حاضر ساخته و سان دیده بخواه آنها را
نفر بنفر عاید و طومار پامهر گرفته تسلیم کاشته
امین شکر نمود

و همچنین عالیجاه پشین صاحب که از دربار هان
مامور کرمانشاهان بود که در آنجا مشغول مشق و
تعلیم سربازان متوقف کرمانشاهان باشد
وارد آنجا گردیده و عالیجاه جان مجروحان شکر
فرج خلیج سرباز خود را حاضر کرده همه روزه در میان
مشغول مشق شدند و عالیجاه پش را الیه کمال اتمام
در مشق و تعلیم آنها بنمایند و توپچیان متوقف کرمانشاه
نیز همه روزه در کار مشق اند و عالیجاه فرج الله بیک
یا و توپخانه اتمام در نظام آنها دارد و کروس کرمان گیلان و
مازندران و لایق و همدان و این ولایات نیز اخباری بود

خمس و خوات و کلیه بچان و سمنان
و شاهرود و عراق و فارس و
قزوین و قم و کاشان و کردستان
ازین ولایات نیز در این هفته اخباری بود
کرمانشاهان

از قرار یک در روزنامه کرمانشاهان نوشته اند
خلعت مهر طلعت هان که از دربار جهاندار
سجده نواب مستطاب شاهزاده والا تبار عماد الدوله
حکمران کرمانشاهان مرحمت شده بود و بوصول
نواب معری الیه باتفاق اعیان و اشرف ولایت

اخبار دول خارجه

در این اوقات که در دول یورپ قریباً کل و استحصال آسایش دانی بجهت عسوم اهل میث از اهل ایطالیا بعضی اشخاص که با حداثت اختلال تجارت و سیرت و قطع طرق مبادرت نموده و چنانی آنها از حد تجاوز کرده سکنه بلاد بیشتر از دست تطاول و شرارت اینگونه اشخاص در مرارت مستند اصلاح این مقدمه نیز از جمله لوازم صلحنامه محسوب میشود پس پارلمنتوی انگلیس سر وکیل دولت فرور با این رسم اعلان نموده است که اکنون اعتشاش ایطالیان از حد افزون و از مقوله طاعنی و یاغی در روم از طوق صلح بیرون شده اند از جانب دولت انگلیس این سند در دست است و بجهت اصلاح انحصار فتنه با بر و ساعی از لوازم میناید چونکه اینگونه اختلال فوق العاده ایطالیان در حق سکنه بلاد و قری فقر حال و ضرر و مایهت کونا باعث شده است در اختتام کلمات مذکوره از طرف اجرای مجلس با اتفاق آرا بجهت ادخال این مطلب در دایره اصلاح تعهد و جوه و تدارک سباب لازمه آنرا نموده اند و دولت فرانسه نیز درین باب بجهت صرف همت نموده و مجلس مذکور درین خصوص بنحای ختم شده است

دیگر نوشته اند که بعد از چهار قشون انگلیس که از ایطالیا گرفته شده در زمانه متوقف بودند بعد از قریباً یک ماه از آنها بخاطر و پنج لیر پول انولایت اعلان کردند که باید که با خلوی و محافظت مملکت عود نمایند و

که تازه تبصره دولت انگلیس آمده است بر ویند از اینها بعد از حد و پنجاه نفر که بجهت امور لازمه در وقت وطن خود ناگزیر بودند در ولایت خود توقف اختیار کرده اند و با بقی کلاً داوطلب شده و با کمال شغف و اطمینان وجه فرور را گرفته و عازم محل مأموریت گردیده اند

دیگر نوشته اند که پادشاه انگلیس در اواخر ماه مایس فرنگی با سربازهای کشتیهای احتیاط بجهت کشت و سیاحت دریای افریقه بجزیره ماده رایت داشته است

دیگر نوشته اند که بجهت مصالحه دول یورپ در احوال حاضره اغلب دول و قوای فرنگستان در مقام دوستی و مصافحات با یکدیگر برآمده بعضی از آنها چنانچه در روزنامه های سابقه نوشته شده یانس پیدین امپراطور فرانسه آمده اند از جمله پادشاه و ارمنیورق که از همه پادشاهان فرنگستان پیرتر و سلطنت بیشتر کرده است در این اوقات پیدین امپراطور فرانسه آمده و از جانب امپراطور لواریم اعزاز و احترام و بارینش را بیهل آمده است

دیگر نوشته اند که در شهرت ولایت انگلیس و سربازان و سبکی و سانی بروی سربازان و سباده و مخالفت نموده بودند با وقت توپخانه و سربازان مأمور کردند که اعتشاش آنها را رفع نمایند

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت یوم چهارشنبه روم و یقیناً محرم امطابین سال لوتی ۱۲۷۲

منطبعة دار الخلفه طران

نزهت و تباد و پنج

قیمت اعلانات

قیمت روزنامه

هر خط پانزده

هر نسخه دوازده



اخبار و احداث ممالک محروسه پادشاهی

ارووی هالون
روابط مودت و دوستی که فیما بین دولتین
و فرانس از قدیم الایام حاصل بود این اوقات بواسطه
فرستادن سفیر مخصوص از جانب اندولت بهیه بدو
دولت علیه و انعقاد عهدنامه مابین دولتین سمیت
استحکام و استمرار یافته است و طرفین با طمأنینه
کمال مودت و یگانگی نسبت یکدیگر بطور شایسته قیام
اقدام دارند این روزنامه اعلیحضرت کیوان رفیع امیر
ممالک فرانس بنا بقواعد متداوله مابین سلاطین با
دول یوروپ که معتبرترین نشانیهای دولت خود
که دلیل کمال موافقت و موالات است یکدیگر را
نیامیند اعظم نشانیهای دولت خودشان را از درجه
اول لژیون و نمر صبح بالماس با حایل و لوازم
بانضمام نامه مهر علامه نزد جناب جلالت آبسپور
وزیر مختار و ایچی مخصوص دولت بهیه فرانس مقیم
دولت علیه ارسال جناب معززی الیه را مأموریت
آن بانجن حضور سرکار اعلیحضرت اقدس هالون

شاهشاهی داشتند و باین واسطه دلیلی واضح برای
استحکام تعلیم دوستی و یگانگی مابین دولتین
ایران و فرانس اقامه نمودند بعد از آنکه جناب
معززی الیه را اطلاع از مراتب دادند اولیای دولت
علیه نیز نظر با تحاد و دولتین روز پنجشنبه گذشته بمقام
ماه ذی قعدة در قصر هالون میلان قیام و انوار
شریفی جناب معززی الیه بمجلس حضور هالون و ابلاغ
علامت دوستی و یگانگی اعلیحضرت امیر طوری تعلیم
شرایط احترامات لازمه را از اینقرار معین داشتند
که عالیجاه مقرب الحضرة الخاقانیة محمد حسن خان نایب
الشیخ آقاسی باشی مأمور از جانب سنی ایوان هالون
بابیت نفع غلام از غلامان خاصه پادشاهی و ده نفر
از فراتان درباری بمنزل سفارت اندولت بهیه
رفته جناب معززی الیه را با عالیجاه مجدست سر اسپیو
لژن نایب سفارت که مخصوصاً از پاریس حاضر
شده بود و اجزای سفارت بحضور اقدس هالون
دعوت نمود و ایشان را در کمال احترام در ساعت

بکشیکخانه هایون پادشاهی که قبل از وقت برای آرام
و استراحت ایشان مهیا شده بود و در وقت
مختص احترام این روز و سفارت آن دولت جمعی از
احبار و معتبرین چاکران دربارهایون بالباسها
رسی در کشیکخانه مبارکه جناب معزی الیه را پذیرفتند
بعد از آرام و استراحت بحضور اقدس هایون شاهی
اجبار و در حالتیکه سرکار علیحضرت قوی شوکت
شاهنشاهی طبعش بلباسی که در چنین روزها رسم است
بودند و از شاهزادگان عظام نواب اردشیر میرزا
حکمران دارالخلافه و نواب علیقلی میرزا اعتضاد
و نواب احمد میرزا و نواب المیرزا هر که نام از
ایشان یکی از اسباب جواهر عزانه پادشاهی را پیشتر
سپهر مرصع و غیره که در سلامهای بزرگ رسم است
حامل و واقف حضور اقدس بودند و از اجله چاکران
دربارهایون جنابان جلالت بآبان نظام الملک و
وزیر امور خارجه بالباس درباری و شانهای
در پیشگاه اقدس حضور داشتند و در منظره هایون
سلامی خاص از یوزباشیان و غلامان خدمت بطریقه
منعقد شده نواب المغانی قاجار و مقربان قاجاری
هر یک در مقام مخصوص خود شرف اند و بحضور با هر نور
جناب سرتی الیه مقربان محمد ناصر خان شکیب
باشی دربارهایون شرف اند و در حضور با هر نور
جناب وزیر مختار در کمال آداب و قاعده و ادب و ایستادگی
خود را بعد از شرفیابی باینطور بعضی رسانید که میفرمود

۱۸۳۶

بمانوریت علم از جناب علیحضرت امیر الطوری مانور
این دولت علیه شده و آن این است که چون بر واپس
دوستی باین دولتین سرحد کمال است علیحضرت
امیر الطوری بجهت اظهار دلیل مجتهد و برای کمال اتحاد و دوستی
شان درجه اول دولت خود مرصع بالباس موسوم
بدشن دُز را برای علیحضرت پادشاهی فرستاده و
مانوریت داده اند که بلا واسطه ابلاغ نمایم بعد از
پادشاهی جناب معزی الیه را با عالیجاه مجتهد
میفرستد که نامه مهر علامه و نشان علیحضرت امیر الطوری
فرانسه را در میان سینی طلا گذاشته و در دست گرفته
پیشتر خوانسته نامه و نشان را بدست هایون گرفته
و نمائشات ملوکانه که سر او چنین مقام و شایسته
حاکم است بلفظ دربار تقریر فرمودند و دلایل
دوستی خود را با علیحضرت امیر الطوری فرستادند
بواسطه چنان نمائشات و پذیرتجدید و محکمه فرمودند
بعد از طی مکالمات جناب معزی الیه و صاحب منصب
حامل نشان بهمان ترتیب و احترامات بمنزل جناب
اشرف امجدار فرج صدر اعظم رفت و ساعتی نشستند و
لازمه مکرم و احترام در حق ایشان بعمل آمد بمنزل
سفارت مراجعت نمودند

از منظر

چون صفحات دماوند و فیروزکوه در این اوقات
بسیب خوبی آب و هوا و شکارگاههای خوب
است کرم نافع مستحسن و مطبوع خاطر اقدس هایون
سرکار علیحضرت شاهنشاهی گردید و مایل بفرستادن

گشت آن صفت شدند در روز دوشنبه یازدهم
 سوکب فیروزی کوکب هایون از سیاق نیوران
 با قلی از خواص و مقربان حضرت گردون بلب
 و بقدر لزوم از سایر خدمت چشم بست و با
 حرکت فرمودند چون از خادمان حرم سایر
 نوکر چشم کماکان در سیاق نیوران و سایر
 دشت شیران فرمایش شد که توقف داشته باشند
 لهذا مقرر فرمودند که عالیجاه محبت و جدت
 مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سر تپ در غیاب
 سوکب هایون مشغول نظم اردو بوده در انتظام و
 انضباط امور محوله مراتب اهتمامات خود را مشهور
 دارد و چادر پوشش بزرگ در درب خانه زده
 شود که مقرب انخاقان شاره الیه ویر نوکر باب که
 در آنجا هستند روزها حاضر شده و همه روز نشسته
 بر نظام و انضباط امور امانات من حیث المجموع
 محول بجایگاه شاره الیه بوده و قراول خادمان
 حرم میباید در اطاعت او باشند از نوکر باب که
 در شیرانات باشد از اعلی و ادانی از نظام و
 اگر خلاف قاعده ارکسی سر بزند احتیاطیه و باید
 آنها با عالیجاه شاره الیه است در غیاب سوکب هایون
 در کل امور شیرانات تسلط تمام حکومتی سواي مطالبه
 بجایگاه شاره الیه داده شده که در انتظام و انضباط معتد
 باشد و اگر کسی خلاف او امر نماید مورد مواخذه خواهد
 شد مقرب انخاقان میرزا علی بن قایم سفید در
 اندرون است باید تمام اعیان اطاعت او را نماید

و او هم از احوالات اتفاقیه اندرونها و نواست
 شاهزاده اعظم و لیعهد مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان
 اطلاع بداد
 چون از قدیم فیما بین دولتش و ذی کتین ایران
 و فرانسس مراد و دولت مسالمت برقرار و باقتضای
 وقت سفر از جانب دولین قوی کتین بدر بار جانین
 مامور میگردد و درین عهد فیروزی مهد نیز جناب
 سیو بوره وزیر مختار و الهی مخصوص اند و دولت بهیه
 از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت امیر اطوار
 مأمور در بار این دولت علیه گردید و این دوستی و
 مراد و قدیم با انعقاد معاهده دوستی و تجارتی فیما بین
 این دو دولت قوی گشت سمیت است حکام پذیرفت
 بر حسب اراده علیه هایون بجهت مرید دوستی و مسالمت
 جناب جلالت تابین الملک فرخ خان هند و قد ارجا
 با وصف الهی کری کبیر از طرف قرین شرف اعلیحضرت
 اقدس هایون شاهشاهی خلد الله سلطانه بانامه
 هایون مأمور بدر باران دولت فحیمه گردید و روز
 دوشنبه ۱۱ از دربار هایون خض شده و انتم صوبه
 و نیز ماموریت مخصوصه و جداگانه با و داده شد که بربا
 دولت قوشوکت عثمانیه روانه شده و
 ابلاغ نامه محسوس علامه هایون از جانب سنی
 اعلیحضرت اقدس شهر یاری با اعلیحضرت
 کیوان رفعت سلطان دام سلطانه نموده
 مکتوبات خاطر هایون را که شفا بخواب الهی کبیر القاشده است

بلا واسطه با بنجمن حضور علیحضره سلطان تسلیم نماید و بدین واسطه مبنای دوستی و یکپارگی قدیم که بین این دو پادشاهین برقرار و استوار بود بشتر استقامت و استحکام و استوار پذیرد

چون مقرب انخاقان و ذوالفقار خان حاکم قلم و در انجام خدمت دیوانی و رفاه حال رعایا مراتب خدمتگذاری و حسن اتمامات خود را مشهود و ملحوظ اقدس بایون شاهنشاهی و امسای دولت علیه شاهنشاهی و سر اوار محبت ملوکانه آید در این اوقات بمنصب جلیل و شغل نبیس استیفا از قرار فرمان مبارک میرافراز گردید چون عالیجا مقرب انخاقان محضر علیجان بنجمن همواره اوقات انجاسن خدمات خود را مملو و فارسی و انتظام بنادر انجا خصوصاً بندر عباسی که تفصیل آن در روزنامه های آینده نوشته خواهد و وصول و ایصال قطب الیات دیوانی خاطر اقدس بایون شاهنشاهی و امسای دولت علیه را از خود را و خوشنود داشته مستوجب جزئی مجده آید لهذا در این اوقات یک قطعه نشان از درجه اول میرکلی مقرب انخاقان مشارالیه عنایت گردیده و فرمان مهر لعل مبارک هم درین باب شرف صدور یافت

چون مقرب انخاقان عیسی خان بیکرینی قاجار بصفت منصف و حسن کفایت در انجام خدمات دیوانی معروف است اقدس بایون شاهنشاهی و امسای دولت علیه را با خدمتگذاری و عیب داری او و ثوق و اعتماد تمام است

۱۸۳۸

لهذا در این اوقات مقرب انخاقان مشارالیه را انجمن ملایر و تولیس کان بموجب فرمان مهر لعل مبارک سرفراز و از جانب سنی انجانب ملوکانه یک ثوب جبهه ترمه و در زنجیره با خلعت حکومت محبت گردیده این روزگار وانه مقصد میشود

چون عالیجا خان حاجی محمد حسین و میرزا احمد این سجاد قزوینی و سایر برادران و منسوبان ایشان که از جمله معتبرین دولت علیه میباشند و در اکثری از بلاد ممالک محروسه و در بعضی از بلاد خارجه عامل و شریک و علاقه دارند و داد و ستد و همواره از جانب دیار دولت علیه خدمات که با آنها رجوع شده و فرمایشات و چنانچه باید وید از عهده برمی آیند و اولیای دولت علیه نیز ایشان را دائم مفتخر و سرفراز نموده و میفرمایند لهذا در این اوقات نیز حسب الاشاره علیه و طاقه شال کشمیری عالیجا خان مشارالیه محض از راه محبت خلعت التفات و عنایت گردیده و فرمان مهر لعل مبارک سرفراز ایشان صادر شد که مایه افتخار آنها شده و بر مراتب اعتبار ایشان میفراید و با کمال امیدواری بشال تجارت و عیشی خود و پرداختند

عالیجا مقرب انخاقان زین العابدین خان کریم که مدتی در دیار همایون بود در این اوقات از آن مرضی حاصل نموده و محض حجت ملوکانه یکشور کلیجه از طبوس بن مبارک بنجه مبارک او هم گردیده و عالیجا علیه رضا خان پسر او بموجب فرمان مبارک بنیاد حکومت کرد و سرفراز و مواجب در حق او محبت گردید

و از انجمله طهران

بسمه تعالی کمال انیت در در انجمله حاصل است و جاری تاز

نیک که در روزنامه نوشته شود

سایر ولایات
آذربایجان آیین ولایت دین منتهی حجاب

استرآباد
از قرائیکه در روزنامه استرآباد نوشته اند

کامل در امور آن ولایت حاصل است و رعایا و
در کمال سودگی به عا کونی ذات اقدس

شاهی شاهی اشتغال دارند و امور طوائف کوکلان
و موت احسن مراقبت مقرب الخاقان جعفر قلیخان

ایلیخانی در عین انتظام است عالیجاه امیر کونه خا
خواهرزاده خود را درین روزها دار و نم طایفه

میوت کرده و بمیان طایفه مرپوره فرستاده
و او و ستمالیات دیوانی میباشد و طایفه

کمال خدمتگذار بر اینها میگرد و فرقه از آنها که
در کنار و ریایا میباشند کاهی جمال آنها مرکب هر که

بنابر عادتی که طبعی آن وحشی خصالان است میباشند
بعد از آنکه ریش سفیدان آنها مطلع میشوند از خوف خود

مقرب الخاقان ایلیخانی در مقام اقدار برآمده رفیع
از جمله درین روزها و نفر توپچی را با یک نفر کرد محله

که عوض امورین قلعه سلطان آباد میرفتند و راه گرفته
دبرده بودند عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیشکار استرآباد

پس از استحضار از باب تمام حجت شرعی ریش سفیدان
طایفه مرپوره نوشته مصحوب کلانتر استرآباد و

نموده بود بوصول نوشته و ورود کلام آن سالان
الطایفه خبری و نداشت و بر یکمین این عمل را سرش و

مست

نموده هر سه نفر را آورده در استرآباد تسلیم نموده
در حجت کردند

و دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان جعفر قلیخان ایلیخانی
این اوقات از بخورد عارم استرآباد بود و دین بین

خبر رسیده بود که ترکمانان که سبقت قطعه را از عرم
تاخت توجه اند مقرب الخاقان شاه رالیه با سواره

که همراه داشته است بجلوگیری سواره گرفته
و هنوز خبری رسید است که با آنها چکرده باشد

و دیگر نوشته اند که و را دقانی که مقرب الخاقان شاه
در بیرون بخورد و اردو زده بود پیری قوی بیکل

نمایان شده خود پیاده متوجه او شده درین بین
یکی از غلامان اسب حاکم کرده سوار شده و نزدیک

بهر که رسیده بود تفنگ با و خالی کرده همان تیر
اول کار کرده و بر ملاک شده لاشه او را با

و دیگر نوشته اند که امسال بجهت کم آمدن باران
حاصل استرآباد چون اغلب شتوک کاری است و

آب ریایا لازم دارد و مانند سایرهای دیگر نیامده
رعایا از بیعتی فی الجمله پریشان خاطر بوده اند عا

میرزا اسمعیل خان خودش چند روز سبدها
خالصه رفقه و ارسبی و اجسام در امور زراعت و

فلاحت انجام نموده رعایا و زارعین را دلگرمی داد
و قنات خالصه را قرار داد تنقیه نمایند که آب

ریا د بشود و امور انجام فتنم کرده مراجعت نمود
مست

مست

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند بواسطه
مستطاب حشمت الدوله حکمران اصفهان درین
اوقات چنانچه در روزنامه سابق نیز نوشته
در باب تعمیر عمارات دیوانی آنجا اتمام نموده
از جمله عمارت علی قاپی چون معظم عمارات است
تشکلی در تالار او بهم رسیده بود تعمیر از اول
دائمه آلات و ادوات تعمیر از مقرر داشتند
که فراهم آورده باطل است حکام بازند و
سایر عمارات دیوانی نیز هرکجا تعمیر لازم داشت
حسب احکام نواب معزی الیه بنا و عمل انداخته درگاه
تعمیر میباشند و سرایداران و باغبانان را از اجنبی
خواست و بان و مقرری و مرسومات آنجا
نموده و در حفظ عمارات و باغات و غرس اشجار
تاکیدات آگیده نمودند و بهم چنین در تنقیه مادیات
و نظم زراعات خالصه و غیره بسیارترین محل
قدغن بلع نمودند و از قراریکه در روزنامه اصفهان
نوشته اند اسال آب زاینده رود چینی شیراز
سالهای دیگر است اگرچه در وقت طغیان خرابی
بزرگات و طوایع اطراف رسانده بود ولی
این اوقات که آب زیاد مطلوب است همه
و نه پراست و بعضی از هنرها که سالهای دیگر
درین موسم نشان مقطوع می شد و امالی آنجا
عسرت از کم آبی می کشیدند اسال از وفور آب
خرسندی و تشکر را دارند

۱۸۴۰

دیگر نوشته اند که در شب بیست و ششم ماه رمضان
محمد حسن نام ولد محمد علی باغ بد رانی که بسجده
ساله بود بنجانه محمد حسین نامی عطار رهمان بود و جمعی
دیگر نیز در آن مهانی بوده اند صبح آنجوان از آنجا
دیوانه بیرون آمده و معلوم نبود که در غذا چه کجا
برده اند بعضی میگویند که پنج قف که علفی است مشهور
و بخورد و هر کس بدیند دیوانه می شود با و خوراند
مراتب بعضی نواب مستطاب حشمت الدوله که رسیده
و ستاند آن شخص عطار را که صاحب خانه بود با
مهمانان آورده حکم بحبس آنها نمودند تا بعد از تحقیق
بمقتضای عدالت حکم آنها را فرمایند
دیگر نوشته اند که شخصی از اهل کاشان در این اوقات
روز بنجانه های مردم میرفت و دزدی میکرد و است
و از خانهای متعدد اموال و اسباب سرقت کرده
و کسی پی بعل او نبرده بود صاحبان مال عارض شده
و نواب معزی الیه قدغن آگیده باروغه و که خدایا
نمودند که حکم باید ویزد را بدست بیاورند آنها نیز
سجد در مقام تقصیر و جتس برآمده بعد از دور و راه
با اسبابی که تازه سرقت کرده بود دستگیر گردیدند
نواب معزی الیه آوردند اسباب و اموالی که مبروران
خانهای مردم برده بود از او استرداد و بجا
اموال تسلیم گردید و خود او را محبوس نمودند تا بعد
اگر اسباب سرقت از او برور کند دریافت
کرده بصاحبش رد نمایند بعد از آن او را بجزای عمل
خود برسانند

بر و جرد و بظام و خراسان و جمعه و
خونار و کلیان و سمنان و مرا
و فارس و قزوین و قمش و کاشان
و کرمان و کرمان و کرمان و کرمان
و کرمان و کرمان و کرمان و کرمان
و کرمان و کرمان و کرمان و کرمان

بنود
کسان
از قرار که در روزنامه کیلان نوشته اند امور
من حیث المجموع قرین انتظام و انضباط است و سخته
هر گونه نعمتی وافر و ارزان است و تمام رعایا بکلی
دات اقدس هایلون شاهنشاهی و کسب و کار خود
شغل میباشند در سال گذشته نظر بعضی حواری
در فضل نوحان تجارت و داد و ستد ابریشم
قدری کمتر گشته و برای خریداری ابریشم تاجهم
کم آمده بود امسال نوحان بسیار خوب آمده و خرید
ابریشم نیز از هر طرف زیاد آمده اند و در بهار
است و کی مشغول خرید و فروش ابریشم هستند و
منظومه امسال از پار سال ده یک بلکه ده و دو ترقی
دارد و مکان هست که برای اربابان و رعایا منفعت

بشتر عاید بشود
دیگر نوشته اند که خلایق افتاب شعاع نور وری که
میر الامراء اعظم مقرب الخاقان عمید الملک حاکم کیلان
و عمال و اعیان ولایت از دربار شوکت ارشاد
رحمت و مصحوب فرخ بیک تفکد را القا شده بود
باجایا پر تو وصول ائمه مقرب الخاقان را

با اعیان و اشراف و عسوم انالی لوازم
و توقیر و احترام را تا محل خلعت پوشان خارج
شهر رشت بعل آورده خلایق خوشید شعاع هایلون
ریب برود و شش مختارت و مباحثات خود

ساخته با نهایت مسرت بدعای وجود فایض
اقدس هایلون شاهنشاهی اقدام نموده العظام
دیگر نوشته اند که در بیت و نغمه ماه سوال
سپرد از لی بجهت انجام و انتظام امور انجاری

و استاد محمد تقی معمار را که از دربار هایلون
باز وید و برادر و شبانی باستان و عمارات
آن سرحد بود و با دو نفر نویسنده بیاز وید
مرئوس گذشته و کمال دقت و رسیدگی نمود
صورت باز وید آنها را نوشته آورده اند که بدین
هایون روانه نماید و در انجام اسباب و آلات
ضروریه بجهت حل و نقل کارخانجات که از حاجی ترخان
می آورند اتمام وافی بعل آورده موازی و وسیع
فروند که حاجی علی احباب مقرر است گرایه نمودند و وجه
گرایه را نیز پیش دادند که شکام رسیدن ابجا رخانجات
بدون معطلی حل و نقل نمایند و چند فروند لاکه که بجهت
حل و نقل اسباب بر رک باید ساخته شود چهار فروند
با تمام رسیده و آنچه نیز باقی مانده قریب با تمام
مانند ران و طایر و نه و نه و نه و نه

ازین ولایات نیز در این بخته خبری نبود

یزد

از قرائیکه در روزنامه یزد نوشته اند نهایت
امیت و انتظام در آن ولایت حاصل است و عا
و برای ابد عای وجود فایض وجود اقدس جایون
شاهشاهی اشتغال دارند و مقرب الخاقان
نایب الحکومه کمال اتمام در انتظام امر ولایت و
رفاه و آسودگی رعیت دارد عالیجه میرزا شفیع
در هفتم ماه مبارک رمضان وارد یزد گردیده
و بهات دیوانی و محاسبات ولایتی مشغول است
و مقرب الخاقان نایب الحکومه با حضار عالی و بیا
و که خدایان بلوکات آدم فرستاده است که یکی
با اسناد دیوانی بیزد آمده حساب سه ماهه
بپردازند

۱۸۴۲

دیگر در روزنامه قصبه عقد نوشته بودند که در راه
فیما بین یزد و شن و خاک اصفهان تخمینا بمقدار
شته بار تنها کوه خرم از کریمیرات عبور میکرده
سی سوار بختیاری بجزم دزدی بسر راه آنها آمده
و بنای یزد و خور در ا گذاشته بودند اهل یزد و شن
خبردار شده بامداد قافله رفته و دو نفر از بختیارا
به تیر کوله رزده بودند دزدان بختیاری چون صفر
در جنگ ندیدند همین قدر کرده بودند که دو نفر نفوذ
خود را برداشته و در کمال خذلان خواری فراری
شده بودند و هم در روزنامه بقیه دیگر نوشته بود
که کاروانی از یزد بفرزین میرفت شش فرسخ از عقد
گذشته هفت نفر سوار بختیاری بسر راه آنها آمد

با هم بنای دعو را گذاشته بودند درین بین از
صدای تفنگ اهل آبادی آن نزدیک خبردار شده
بامداد کاروان رفقه ولی تا وصول آنها و زدن
دو بار قماش از کاروان برده بودند بعد از آنکه
دیدند امداد بکاروان رسید همان دو بار قماش
اکتفا کرده و برده بودند شبانی در راه دزدان را
و دیده و شناخته بودند زینل نامی بوده است از
معلقان کنجلی خان بختیاری باد و سپر و دود و براد
را ده که در خانه اصفهان ساکن اند این روز که
نواب حشمت الله و که حکمران اصفهان کنجلی خان را
که مشغول سیرت و فساد بود گرفته اند این اشخاص
که منوبان او هستند بکوهها فراری شده و بطریق
شوند مقرب الخاقان نایب الحکومه یزد بعد از
استحضار باین گزارش عریضه خدمت نواب
حشمت الله و له نوشت که رفع آنها را نیز بنمایند و
از خود هم سوار بآن راهها مانور نمود که محافظت قافله
و مترددین را کرده باشند

دیگر نوشته اند که بعضی از کسبه و اصناف یزد
که از راه تغلب سبک کم خیر میفرجند مقرب الخاقان
نایب الحکومه یزد آنها را تنبیه مضبوط کرده و داد
سبک این بعیاد درست ساخته مهر نمود و یکسبه
دادند و قدغن شد که اگر بعد ازین بغیر از این
چیزی بفرجند مورد مؤاخذه و جریمه و سبک
باشند و از این مرحله امانی یزد زیاده شاکر گرد
به عا کوفی اقدام و آسوده خاطر شدند

روزنامه قایم انفاقیست پنج یوم بیست یکم شهر رجب الحرام مطابق اولی سید

منطبه دارالخلافه طهران

قیمت اعلانات

هر سطر پنج بر



مزه چیت و شتاد و شتر

قیمت روزنامه

بر نسخه دشار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

بزرگان دولت روسیه و جنرال ابودانت با شرف
 حش آب با جمیع اجزا و صاحبان دایره خورشان
 و عمارت متعلقه بشارت کبری حاضر شده و یکفوج سوار
 زاندرم که سواره حساب هستند و بغیر از اعلیحضرت
 امپراطور و خانواده سلطنت برای احدی حاضر نشدند مقابل
 عمارت صف کشیده بودند و کاک که مخصوص اعلیحضرت
 هم برای جناب جلالت اب عمده الامرا العظام سیف الملک
 ایچی کبیر دولت عتبه و کاک که دولتی دیگر بجهت اجرای ع
 کبری حاضر کرده بودند پس از انقضای مراسم در بانی و دو
 با جناب سیوسینا و بن بکال که امپراطوری نشسته روانه
 آهن شدند فوج سواره نیز بعد از ادای احترامات نظایه
 دو قمت شد قسستی از پیش قسستی از عقب تا بر راه آهن بکال
 توقیر و احترام بشارت کبری را رسانیدند جمعی از خبر الهای
 و بیکریکی و رئیس اجتاب و اجزای وزارت امور خارجه تا
 راه آهن رفتند و یکفوج سوار هم در سر راه آهن بکال
 و موزیکان حاضر کرده بودند با بیدق و بشیر و موزیکان
 احترامات نظایه بعل آورده سلام زدند و کاک که بخاری که

ار و وی هایون
 موکب سیر و زی کوکب سرکار اعلیحضرت اقدس شاهنشاهی که از سیلان نیوران تشریف فرمای صفحات
 دماوند شدند در یوم عادی قنده درامیچ و میان
 کره دماوند نزول اجلال فرموده اند و بر وجود فایض
 هایون بجهت بسیار خوش میگذرد و هوای آن صفحات
 و درودت و خرمی که درین موسم مطلوب است تخنی از
 توصیف بیان است و از قرار که چاپار از تلپین بار و
 هایون وارد شده و صورت تشریفات و احتراماتی که
 از جانب کارکنان و دولت بهیه رسته از هنگام حرکت
 از دار السلطنه بطریق بزرگ الی ورود و از تلپین
 بشارت کبری محمول افتاده و با دلیای دولت علیه
 معروض داشته بودند از این امر است که درین روزنامه
 مکتوب میگردد
 روز حرکت از بطریق بزرگ سیوسینا و بن بکال و
 خارجه و جناب سیولیف و ناظم امور خارجه ایستاده
 اجزای وزارت امور خارجه و بیکریکی شهر بطریق که از

انرا

سای

۱۸۴۳

مخصوص علیحضرت امیرطور و خاوند سلطنت است
 سببه جناب معزنی الیه و سببه اتباع سفارت کاسکهای
 دیگر حاضر بودند و سرینک هندس که مباحثه تعمیرات
 راه آهن است آمد از جانب علیحضرت امیرطوری با
 مأموریت خود را نمود که تا مسقوباید داخل اتباع سفارت
 بوده مواظب کاسکهای نجاشد از پیر بونع الی مسقود جمع
 منزل عرض راه که کاسکهای یکت یکند یک نفره
 با شیرینی حاضر بود و هر چه سباز اول بود حاضر شد
 باطن و موفیکان احترام نظامی می نمودند و مسقود
 بیکرکی شد و رئیس کل احتساب که هر دو خبر الی معتبری
 با اکثری از خبر الیها و اشرف شهر مسقوباباس سبی
 حامیل و ن تمام در سر راه آهن حاضر بوده در ششم
 بعل آورده فوج سواره ران درم نیز که در بیرون
 صف کشیده بودند پس از آنکه جناب معزنی الیه سوار
 کاسک مخصوصی که فرمانفرمای مسقود شده بودند
 احترام نظامی بعل آورده با کمال انتظام در اطراف کاسک
 روانه شدند کینیا زابالنتکی که یکی از اکابر و رئیس
 و علامت خدمت خاصه حضور علیحضرت امیرطور است که
 میگویند از جانب علیحضرت امیرطوری مأمور بهاندار
 سفارت کبری در ایام توقف مسقوبود در سر راه آهن
 حاضر شد و تبلیغ مأموریت خود را کرد و همچنین بزرگی که
 اجدان و فرمانفرمای مسقوبود از جانب جناب معزنی الیه
 مأمور بهاندار بود آمد و تبلیغ مأموریت از جانب جناب
 فرمانفرما نمود و تنیت ورود گفت بعد از آن روانه شد
 در جمیع قراولها که در هر سفارت کبری بود قراولها
 دو مقابل کرده احترامات نظامی محمول میداشتند و در

معا بر و کوچه عموم مردم از دحام کرده کلاهای خود را
 بر داشته ایستاده بودند در مقابل درب عمارت که منزل
 سفارت کبری و بهترین عمارات مسقوبود و یکفوج سربازان
 افواج خاصه با بیدق و موزیکان حاضر کرده بودند و
 آن ادای احترامات نظامیه با بیدق و شمشیر و موزیکان
 نموده را بورت داده پس از آن جمیع سرکرده و بزرگان
 و روسای دیوانها با لباس سی در دربار عمارت
 مراسم پذیرائی بعل آوردند و روز دیگر جناب معزنی الیه با
 اجرای سفارت جناب فرمانفرما و ملاقات نمودند در
 عمارت جناب فرمانفرما جمیع سرداران و خبر الیها و
 از ارباب بشیر و قلم بکی با لباس رسمی حاضر بودند
 از دربار عمارت و پله و او طاقها تا زال بزرگ تبت
 شان و منصب از دو طرف صف کشیده و ایستاده
 تعظیم و احترام و پذیرائی معمول میشدند و جناب جناب
 ایچی کبیر نیز به یک علی قدر ماتبهم اظهار محبت و مهر بانی
 خود فرمانفرما در رفتن و مراجعت تا سر بله استقبال و
 مشایعت کردند بعد از مراجعت بمنزل بلا فاصله جناب فرمانفرما
 با همان لباس و با همه سرکردای بزرگ آمده باز دید
 بعل آوردند و ایام توقف مسقود و معانی بال سکین جناب
 فرمانفرما سببه جناب معزنی الیه ترتیب دادند از تجار معتبر
 که صاحب کارخانه بودند و از جانب علیحضرت امیرطور
 حکم شده بود که کارخانهای بزرگ را بنجاب معزنی الیه
 بنامند سببه تاشای کارخانه چند معانی سکین ترتیب داد
 و در هر یک از کارخانها از متاع همان کارخانه پیشکش
 سببه علیحضرت اقدس شهبازی و عارف برای جناب
 معزنی الیه حاضر کرده بودند و بقیه احتراماتی که در مراجعت

سفارت کبری محمول میشود میتوان گفت که زیاده ران
 متوقع نیست و در دوستی دولتی چسبیری فروگذار نمی
 هنگام حرکت از سقونیر فرما نفر ما خود با جمیع جنرالها و
 ولایت بمنزل جناب ایلی کبیر آمده و دواع نمود و با همان
 احترامات روز و روز اکثری از جنرالها و بزرگان بکفر
 شهرت یست نمودند یکفر اجودان فرما نفر ما با حکام نو
 و بلوکات عرض راه تا انتهای خاک مسقود اول خاک
 طول سیرا بود و در هر منزل لوازم میزبانی بعل
 و در جمیع منازل بزرگ پست خانه تاپت خانه دیگر
 بود و راول خاک طولایک نفر اجودان حاکم با حکام
 بلوکات عرض راه آمده تا ورود طول در منزل لوازم
 میزبانی مرعی کردند و این قاعده در جمیع شهره ال
 تقلیس محمول بود در شهره ای عرض راه که عبارت از
 و وار و ژو تو چرکس و استوار پول باشد حاکم
 ولایت و جنرالهای بزرگ با بنجبا و روسای هر شهر
 علا و سایر احترامات خارج العاده در دخول و خروج
 آنجا استقبال و شایسته نمودند و در هر شهر مکانی با
 ترتیب دادند با آنکه وقت تاش خانه که نستان
 منقضی شده بود محض ورود و سفارت کبری تاش خانه
 ترتیب داده بودند و در هر شهر در حین ورود آنجا
 فرج سواره ژان درم در بیرون شهر با حکام و سارن
 صف می کشیدند و در مقابل درب منزل هر چه از قشون
 در شهر حاضر بود از پیاده و سواره و توپچی با بیدق
 و موزیکان با خبرال و سربینک حاضر شده احترام
 محمول میداشتند و با بیدق و شمشیر تعظیم کرده سلام میدادند
 و روزنامه و راپورت شهر و قشون را سر کرده و پیش

احساب بختیاب جلالت تاپ ایلی کبیر میدادند و در
 عرض راه هر جا که قشون بود حاضر میکردند و با بیدق
 موزیکان احترام نظامی بعل می آوردند و در قفقاز
 در حقیقت مثل سایر شهرها آباد نیست بلکه شهر کوچک
 نظامی است که سکنه آن کلا سرباز و توپچی و قزاق
 و در شهر نو حاکم شهر و هر چه صاحب منصب بود
 استقبال کرده هر چه از نظام در شهر موجود بود در
 مقابل عمارت با بیدق و موزیکان حاضر شده بود
 و احترام نظامی محمول داشتند سردار بزرگی که سپه
 عا کر آن سامان است در چند فرسخی و لا و قفقاز
 ارد و مشغول تیه و فرستادن قشون بود و در لکزیه
 محض ملاقات جناب معزی الیه آمده با لباس سی
 دیدن نمود و جناب معزی الیه هم عصر آن روز مبارک
 رفتند و هنگام حرکت از لا و قفقاز هر چه قشون از
 پیاده و سواره و توپچی در شهر بود در مقابل منزل
 سفارت که میدان وسیعی بود با بیدق و موزیکان
 حاضر شده همان سردار سابق اندکرا آمده مشغول
 و سبکت د فیلد از پیش جناب معزی الیه گذشتند و
 سردار خود نیز محض دوستی و امانت ماند سایر
 صاحب منصبان حالت تعظیم داشتند و جناب معزی
 هم بیان قشون آمده اظهار مهر بانی به آنها نمودند و
 جمیع شهره علا و برمه بانیهای دیگر در باغهای شهر که
 سبجه گردش مردم ساخته اند چراغان نموده و موزیکان
 حاضر کرده کا و مردم از زن و مرد حاضر میشدند
 و بنجای شهر آمده جناب معزی الیه را بجا شای باغ
 و اجتماع مردم میرد و علا و بر احترامات معموله شهر

در شهر نو کس و استوار پول و تخلص اجرای
 شلیک توپ کرده بیت یک تیر توپ انداخته
 شد از استوار پول الی تخلص بجهت احتیاطی که از
 جماعت لکزیه دارند در هر پشت خانه بقدر سیصد
 سواره قراق حاضر بودند که عوضی شدند با شکر
 و صاحب منصبان خود از طرفین کاسکامی آمدند و
 نفر قراق با شمشیر منته در دو طرف کاسک که جناب
 ایلی کبیر بودند در هنگام عبور کوه قفقاز علاوه بر
 مهندسان صاحب منصبان او که مواظب تعمیر راهها
 چند نفر سرباز و صاحب منصب دیگر با حاکم آن نواحی
 و ضابط بلوگات در سیر راه حاضر بودند تا تخلص
 مواظب کاسک که جناب عزیزی ایلی میشدند و در
 و فرار نمی پیاده می شدند با سواره بطوری که کاسک را
 حرکت می دادند که گویا در سربستی می آوردند در
 یک منزلی تخلص اجودان جناب جانشین آمده تهنیت
 و رود گفته روز و تخلص در یک فرسخی شهری
 سرداران و سپه لاران و اکابر ولایت با فوج
 ران درم و سواره که خود جانشین بعد از سفر
 ترتیب داده که مخصوص خود جناب عزیزی ایلی می
 با صاحب منصبان خود رسیده پذیرائی نمودند و
 خبر آنها و سرداران سواره در اطراف کاسک میر
 و عموم مردم شهر زن و مرد با طبل و علم پیروان
 بودند هر مقلی از مسلمان و عیسوی و یهودی دست
 ترتیب داده بودند رعایای دولت علیه ایران نیز
 با مقرب الخاقان میرزا محمد حسین خان قونسل خبرال

دولت علیه استقبال نموده بودند رعایای دولت
 علیه با میرسلیمان از یکفرسخی شهر کشتن قربانی و اطعام
 شادمانی شروع نمودند تا باغی که در نیم فرسخی شهر
 چهل ریس کوسفند و یکموس کاس و قربانی کردند در
 باغ هم جناب خبرال ایلی مباشر امور خارج با جمعی از
 و بیکریکی و ساسی شهر استقبال چاقی و میوه شیرینی
 حاضر کرده بودند در آنجا پیاده شده بعد از صرف
 عصر از اجودان جناب جانشین آمده از جناب جناب
 مغزی ایلی تهنیت و رود گفت و کاسک مخصوص خود
 که بصاحب اجودان مزبور برای جناب ایلی کبیر و چند
 کاسک دیگر بجهت اجرای سفارت سربستی فرستاده بود
 سوار شده روانه شهر شدند بقدری از دهام شده
 بود که در حوالی باغ پشت بامی که بقدر شصت نفر
 در بالای آن بودند خراب شد و بحدی آسیب
 فوج سواره ران درم در پیش رو سواره جناب جانشین
 از غیب بزرگان و صاحب منصبان سواره در اطراف
 کاسک که جناب مغزی ایلی بودند تا وارد شهر شدند
 در هنگام ورود چنانکه سمت ذکر یافت بیت و یک
 توپ از قلعه تخلص انداخته شد و در عمارت جناب
 کمینا ز بهد و ف که بهترین عمارات تخلص و در کن
 رودخانه کزو واقع است و بجهت ورود جناب مغزی ایلی
 خالی کرده بودند پیاده شدند در میدان مقابل عمارت
 یکفوج سرباز از افواج خاصه بابیدق و موریکان صف
 نظامی کشیده با همه صاحب منصبان که در قشون
 تخلص نامورند با فرمانده قشون تخلص که خبرال معبر

و بالباس بسی در سرفوج استیاده و فرمان خرد
نظامیه میداد با بدق و شمشیر مورخان اختر لعل
آورده سلام زدند و را پورت قشون را داده
صاحبان را معرفی نمود در دربار عمارت خیرال
لویسیلوف که پارسال برسم سفارت بدار الحاکم
آمده مراجعت نمود با چند خبرال دیگر عسوم
و یوانخی نه استیاده بودند مراسم پذیرائی را
داشتند بعد از ورود و اطاق یک نفر اجودان جناب
جانشین با شیرینی و چند کد ان کل آمده از جانب
مغزی الیه تنیت ورود و گفت فردای آن روز خبر
لیلی با قلعه یکی آمده و اجودان جناب جانشین
مخض جناب مغزی الیه را آورده داشت نفر سواد
مخصوص که در دید و بازدید رسیده همراه کالک
جناب مغزی الیه میروند حاضر نمودند جناب جلالت
باجع اجزای سفارت و خبرال لیلی و سایرین ملاقات
جناب جانشین رفتند در دربار عمارت جانشین
شهر با چند نفر از صاحب مضبان بزرگ استیاده بود
از سر پله تا اوطاق پنجم که محل ملاقات بود در باب
همه سرداران و خبرالها و رؤسای ولایت و صاحبان
از اهل شیر و قلم بالباس بسی از دو طرف صف
استاده بودند در هنگام عبور الی کعبه تعظیم
در اوطاق و دو تیم جناب کینیا ز بهبه و ف استقبال
در اطاق چهارم جناب جانشین خود استقبال کرده و
پنجم رفتند جناب جانشین سرداران و خبرالهای بزرگ
معرفی کردند و جناب الی کعبه هم اتباع سفارت

معرفی نمودند بعد از صرف شیرینی و چای و سایر
طرز و مات مجلسی برخواستند جناب جانشین تا سیر
جناب مغزی الیه را بعت کرد و گفت جلاله شما
دیدم هر قدمی که با شما بر میدارم غنیمت می شمارم
بیکریکی شهر با چند نفر از خبرالها جناب مغزی الیه را
تا کالک شایعیت نمودند خبرال لیلی با اجودان جناب
جانشین جناب مغزی الیه را تا منزل سراسی کردند
بعد از ورود و منزل جناب جانشین بلافاصله با جناب
کینیا ز بهبه و ف و جمیع سرداران و خبرالها بیابان
جناب مغزی الیه آمدند بعد از صرف چای و گذشتن
سایر لوازم مهربانی مراجعت نمودند روز دیگر جناب
بازدید جناب کینیا ز بهبه و ف و سایر نظام
تفقداریه و خبرال لویسیلوف و خبرال لیلی فتنه روز
چهارم جناب جانشین تنیت مکانی بزرگی دیده جناب مغزی
و اتباع سفارت را دعوت نمود جمیع سرکردهگان و
اعاظم و عسوم صاحب مضبان از ارباب شیر و قلم
مکانی منزل حضور داشتند جناب جانشین جناب مغزی
مقام برخود نشاندند بعد از صرف غذا بمنزل مراجعت
نمودند

موجب اخباری که در ثانی از اردوی عابون رسید
روز یکشنبه هفدهم خا طرا قدس طو کانه میل متفرج
و سواری فرموده بکنار دریاچه که در نزدیکی اردوی
عابون در میان کوه واقع است تشریف فرما شد
و جناب جلالت آب شرف اجد اکم صدر اعظم ختم
نیز با جمعی از چاکران دیوانی در آن روز طرزم کاب
عابون بودند و بعد از صرف نهار نزدیکی لغروب

مر اجب بار دو فرمودند و در آن روز از تماشای آن
دریاچه و هوای آنجا که یکنوع طراوتی داشته است بر جود
مبارک بسیار خوش گذشت و روز سه شنبه نوزدهم
سرکار علیحضرت شاهنشاهی مجدداً تماشای دریاچه
تشریف برده و بنا بر آنجا صرف نموده تا عصر
تشریف داشتند و بعد از صرف عصرانه و چای

بار دو فرمودند
اردوی نیوران و صفیای سیران که سپرده

مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سرتیپ است کمال
نظم را دارد مقرب انخاقان شارالیه و سایر
دیوانی هر یک مراقب و مواظب کار و خدمت خود
میباشند چند روز قبل ازین ترانجی در تشریف
افتاده بود مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان خود
حسب احکام سوار شده با بنیاد رفت و رسیدگی نمود
بعضی را که مرکب شرارت شده و مقصود تندیبه
تا دیب بزرگ نمود

دارالخلافه طهران

هوای دارالخلافه طهران نسبت بهفته های سابق
گرمتر است ولی ناخوشیهای تفرقه بسیار کم است
و ناخوشی مشهور و بابیار کم میباشد بطوریکه بعضی
روزها هیچ بروز نمی کنند بعضی روزها یک نفر
نفر از غربا که پرستاری ندارند از هرزه خور
باین مرض تلف میشوند دیگر بجهت کمال نیست و این
در دارالخلافه حاصل است و هر چیزی فراوان و از
خصوصاً میوه جات و حبوبات و گوشت نهایت و فوراً

دارو بطوریکه هیچ سال در این موسم اینگونه غلظت
و آرزائی در دارالخلافه حاصل نبوده و امالی و قاطبه
سکنه دارالخلافه از وضع و شرف در کمال اسود
و فراغت بدعا کونی ذات اقدس علوی شاهنشاهی
اقدام دارند در حول و حوش شهر چند نفر از اعیان
و متفرقه مشغول زدوی و هرزگی بودند قرا سوارهای
انهارا گرفته خدمت نواب مستطاب هزاره
ار د شیر میرزا حکمران دارالخلافه آورد و حسب حکم تندیبه

شدند
دیگر نوکر علیجا به بیکر صاحب صاحب سفارت دولت
روس یک نفر از قهای خود را شب در زکند منزل خود
مجان کرده بود شبانه پسر همان برخواست و بیکر
اسباب از علیجا به بیکر صاحب زد و بدین طریقی او را
و بدست خود سپرده خود واری و پنهان شده بود
علیجا به بیکر صاحب پس از مختصر مراتب را اظهار داشته
علیجا به زکیان که خدا حکم در مقام تفحص برآید و چنانچه
بدون کسر و نقصان از کسان آن پسر به تصرف

علیجا به بیکر صاحب داد و قصص کرد
از تاثیر تربیت عمده علوی و دولت روز افزون شاکردن
در سه دارالفنون اغلب در فن خود مهارت کامل حاصل کرده اند
از جمله حاج میرزا محمد علی جراح نظام که عمل میدارد و مقرب انخاقان
حکیم پولاد حکیم باشتی تحصیل کرد از فطرت و مراقبت مهارت
بهم رسانده اعمال از دست او بخوبی جاری می شود از جمله این
سنگ مشایخ نوه علیجا به ضاقلیان لاله باشتی را بی عیب و نقص
بیرون آورد و یک نفر ضعیفه استقامت شیره به پهلوی چپ
آورده پنج شش من آب از جای شیره منقح شده حال

معالجه هر دو مواظب است

۱۸۴۸

سایر ولایات

اذر بایجان از قرار یک در روز نامه تبیین
نوشته اند خلعت مهر طلعت هاپون که بجهت نواب
ستطاب هزاره والایان رنصره الدوله حکمران
اذر بایجان حرمش بود بانجا پر تو وصول
در بیت و دویم ماه سوال نواب معزی الیه لوازم
استقبال و توقیر و احترام خلعت خورشید طلعت را
بعمل آورده در باغ شمال خلعتشون کرده صرف
شربت و شیرینی و اجرای شلیک نمودند و او
خطبه بنام اقدس هاپون و اهتمام بدعای از دنا
دولت و شوکت ابد مقرون نموده سلام منقضي کرد

دیگر نوشته اند که امسال در صفحیات اذر بایجان
قدری غله گران بود و مردم تشویش داشتند و
از تفضلات الهی بارانهای پر نعمت در موسم
باطراف و جوانب باریده رفع تشویش خلعت
و با انفع غله در آنجا فراوان واردا

دیگر نوشته اند که فوج اردبیل و مشکین ابوالفتح علی
حسنعلی خان سرمنک در بیرون شهر تبریز چادر
مشغول مشقتند و منتظر حکم میباشند و چون
فوج قراجه داعی ابوالفتح علیجاه مقرب آنجا قان
میرنجه در تبریز مستقر و رود حکم از دربار هاپون
و فوج خوی ابوالفتح علیجاه ابراهیم آقای سیر
ماکونی در قراول خانهای شهر مشغول قراولی و حفظ
و خراست میباشند

استراباد

از قرار یک در روز نامه استراباد نوشته اند کمال
و انتظام در آنولایت حاصل و رعایا و برایا در عین
فراغت و آسودگی بر عبتی و کسب و کار خود و دعاگو
ذات اقدس هاپون شایسته ای استعال دارند
و عالیجاه میرزا اسمعیل خان پیکار استراباد نهایت
وقت و رسیدگی در نظم ولایت و رفاه و آسودگی
رعیت دارد و با املای آنولایت از اعالی داد انظر
محبت و مهربانی سلوک مینماید

دیگر نوشته اند که خلعت خورشید طلعت هاپون
که بجهت عالیجاه میرزا اسمعیل خان حرمش بود
در عزه ذیقعد الاحرام پر تو وصول بانجا افکنده عالیجاه
شارالیه لوازم استقبال و توقیر و احترام را بعمل
آورده خلعت هاپون را زیب برود و دوش افتخار
و مباحات خود نمود

دیگر نوشته اند که دو نفر طفل یکی پسر و دوازده سال و یکی
کوچکتر از قریه امیر محله بیرون شده از پی علف رفته بودند
در راه چند نفر از اشرا و قطع الطریق ترکمان با آنها برخورد
و هر دو را گرفته باو به خود برده بودند در آنجا طفلان را
فرضت کرده اسبی سوار شده و طفلان را بر کمر خود
کشیده فرار نموده بودند درین بین باو به دیگر رسید
ترکمانان آن او به اسب گرفته و طفلان را را کرده بودند
طفالان پیاده بر راه افتاده در راه تشکی با آنها غلبه
سیر چاهی رسیده بودند بند زیر جاههای خود را بهم
بسته و زیر جاهها را بچاه فرو برده و بالا کشیده فشرده

است از خورده رفع عطش خود کرده و براه افتاده بودند باز در راه بشت نشسته شده بودند آن طفل کوچک از تشنگی هلاک شده بود آن یکی دیگر منزل رسیده کن و را خبر کرده بودند و رفته و صحرائی گمان نقش طفل را پیدا کرده بمنزل آورده و دفن نموده بودند

و دیگر نوشته اند که مقرب الخاقان حنفی قلیخان اینجانی بعد از تبیه ترکمانان با عتیقه بجنور د رفته و قرار داد بود که چند نفر از ریش سفیدان آنها بجنور داده و اسیر که در میان آنها حبس و زنده و آنچه اسیر نیز که اینجانی از آنها گرفته است در نمایه و کروی معتبر بند چنانچه طایفه میوت و کوکلان این وعیت هستند آنها باشند و ماحت و تاز و هرزگی را موقوف نمایند تا رعایای آن صفحات اسوده خاطر باشند چندی فقط آنها بود که آمده بقرار مذکور آمد خود را بگذرانند در بندهم ماه شوال خبر رسیده بود که باز ترکمانان مکه بنای هرزگی و خیال خود سری دارند و در محفل قری که صحرائی است پر آب و علف جمعیتی فرس آورده ارا و چپاول صفی تخرسان را دادند و از قرار مذکور بقدر دوازده هزار سوار جمع شده بودند مقرب الخاقان اینجانی بعد از استماع این خبر آدم بر راه و کدزکاهای آنها همه جابجاولی فرستاده که آمدن آنها از هر طرف محقق شود خبر به بند که بمقابله شتاب و چند نفر نیز میان طایفه کوکلان فرستاد

سواره آنها را احضار کرده بود که رسیدن خبر بیک از وقت پانزده روزه خود را برداشته در جلگه تاز که در دو فرسخی بجنور دست بارد و ملحق شوند عالیه باقرخان سرتیپ سواره چکنی زیاده طالب مستعد است دوست نفر از سواره او که اسبهای خود را در لادایج بچراگه داشته و فربه کرده بودند احضار نمود و دست نفر دیگر که در ستر اباد بودند آنها را نیز خوانسته بودند فایده مقرب الخاقان اینجانی گفته بود که آنها دورند و با سخاوت رسید با همت جمعیت که موجود است با قبال نیز وال شاه شاهی جمعیت که را اگر بیت هزار نیز باشند از پیش بر میدارم و در روز نوزدهم شوال با سواره و استعدادی که داشت روانه مانده شد که اگر ترکمانان مکه آمدنی باشند بجنک آنها برود و اگر نیامد بچکن کاپوش آمده در آنجا توقف نماید تا بروت هوا و منظور از آمدن بکاپوش آن است که به ستر اباد و بجنور د هر دو نزدیک باشد و نیز چون چمن مشون باب و علف فراوان است اسبهای خود را فربه نمود بجهت کار باشند

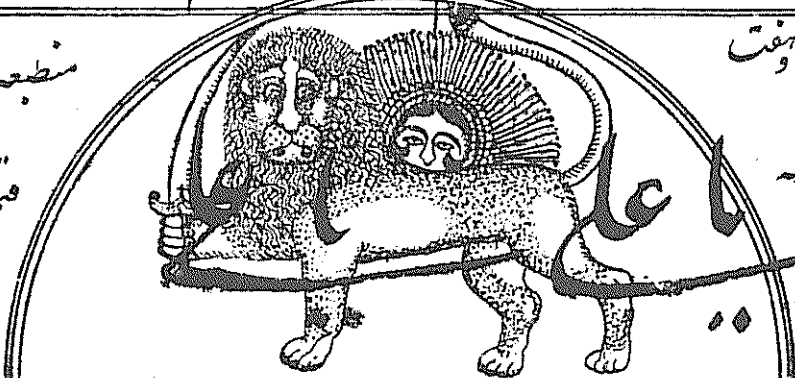
و دیگر نوشته اند که در صحرائی کوکلان تن خاکی در لب آب کرکان واقع است آب پهلوی او را شسته کالبه قوی بکلی نمودار کردید از قرار مذکور از سوراخ اسخو کرش یک آدم تنومند میگردد و علیقلی سلطان نام سلطان فوج فذرک با چند نفر از اهل زبان محل فذرک تماشای رفته و یک دین او را آورده بودند که بقدر یک من نیم هر وزن داشته است

روزنامه قایم اتفاقیت شرح یوم شبیه بیست و ششم شهریور ۱۲۸۲

منطبه دار الحکله و طهر

قیمت روزنامه

هر نسخه دشار



قیمت روزنامه

هر نسخه دشار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

ارووی همایون

بموجب اخباری که در بیست و یکم آبان از اردو
همایون سید علیحضرت اقدس همایون شاهی
در همان چمن چمن او کنار رودخانه نواحی ماسیج
اعمال دماوند تزلزل اجلاال دارند و تجمه خوبی
آب و هوای آنجا که مطبوع و سخن خاطر ملوکانه
افتاد است تا آخر آبان ماه عزیمت توقف در آنجا
دارند بعد از آن تشریف فرمای آفری که در آنجا
معاودت بار دوی نیوران خواهند نمود
وقتی که علیحضرت امیر طور دولت فرانسه
انظار علامت کمال دوستی خودشان لژیون
مکمل بالماس از مرتبه اول را برای سرکار
علیحضرت شاهی خلد الله سلطانه به دیار
دارند چنانکه تفصیل آن در ضمن روزنامه منفه
گذشته قلمی شد با قضای کمال دوستی و حسن تمیز
ایران و فرانسه چنان شایسته دیدند که نسبت
جناب شرف ارفع صدر اعظم دولت علیه

که در استحکام بنای مودت و لیتین مرتب خیرخوا
و حسن نیت بتقدیم رسانیده اند بطرز خاص و لیلی
از خوشنودی خاطر همایون اقامه نمایند و همچنین از
جناب جلالت مآب نظام الملک نیز که صدق عقیدت
و پاکی طوینشان نسبت بهرد و دولت درجه
کمال دارد و تقدیمی فرموده باشند لهند و قطع
نشان دیشان لژیون دنیکی از درجه اول برآ
جناب شرف امجد ارفع و دیگری از مرتبه سیم بجهت
جلالت مآب نظام الملک لصحاب عالیجاه محبت
سیولژن که حامل نشان برای سرکار علیحضرت
اقدس همایون بود ارسال و حمایت فرموده بود
جناب جلالت مآب سیولژن و وزیر مختار دولت
فرانسه و عالیجاه محبت سیولژن مایه
سفارت فرادای آن روز که بجهت ابلاغ نشان علیحضرت
شاهی شرفیاب حضور اقدس شدند کمال
مودت و دوستی بنزل جناب شرف امجد ارفع آمده
هر دو نشان را بتوقیر تام بجناب صدارت پناهی

۱۸۵۱

جناب نظام الملک ابلاغ داشتند و ایشان لوازم
تعظیم و تکریم از دلیل تفقدات خاص علیحضرت
امیر اطوری بعل آوردند و همچنین چون عالیجا به حضرت
میرزا عباس خان شش اول وزارت امور خارجه و عا
فیات سر و میرزا ملکم خان مترجم مخصوص دولت
علیه در انقا و عهد نامه مبارکه مابین دوین سنتین لوازم
سعی و جهد را در حد شکذاری بعل آورده بودند برای
هر یک از آنها نیز نشانی از درجه پنجم لرئون در
از جانب علیحضرت امیر اطوری اعطا و عنایت
بود جناب وزیر مختار در بحان جلین جناب ارفع
اشرف امجی تسلیم نمودند و آن مجلس بشرايط موافقت
و یکاکنی مابین ایشان و جناب وزیر مختار ختم شده
ما احترام تمام مراجعت بمنزل سفارت نمودند انگونه
رسوم و آداب دلیل واضح است که مابین دوین
شوکت دستگاه و اولیای دوین کان یکجهتی و
حاصل است و روز بروز این معنی اخسنیت انسانی
دو دولت دراز یاد خواهد بود

ار دوی نیاوران کمال نظم را دار و مقرب انجا
محمد ابراهیم خان سزب قراول واردی از سزب
و توپچی و رار دوی نواب سزب طاب بزرده اعظم
و بعد دولت علیه و خادمان حرم و هر جا که لازم است
کذاشته بجز است و قراولی مشغولند و خود مقرب انجا
مش رالیه نیز شهبازا نامزد یک صبح در گردش و
بقراولها میباشد نهایت اهتمام در نظم تمام شیه انانیت
و سواره قراوران در راهها گذاشته اگر سرفقی انفا

بقصد سارق دستگیر شده تبیه می شود از حجه در
کاشانک از خانه عالیجا میرزا احمدی مستوفی تثنی
و اسبابی سرقت شده بود یک ساعت صبح مانده
همان دزد را در زیر رستم آباد قراولان گرفته بایشان
سروقه بنزد مقرب انجا خان مش رالیه آورده بودند
وقتی که کک ن عالیجا میرزا احمدی بجهت اجتناب این سرقت
آمده بودند اشیا سرورقه بدون کسر و نقصان از
دزد مسترد شده و موجود بود تسلیم کک ن رالیه
قبض رسیدگی دریافت گردید در شهر شرتی داشت
که در اردوی نیاوران ناخوشی و با است بعد از
تحقیق آنچه معلوم شد و سه نفر از خارج ناخوش بود
بآنجا رفته بودند اند فوشت شده اند و با افعول
هیچیک از دنا ت شیران بچالند ناخوشی نیست

دار الخلافه طهران

کمال آفت و انظام در دار الخلافه مبارکه حاصل است
و هر گونه چیز فراوان و ارزانت هو اینر در این دوین
که با دخنک دزد زده است تفاوتی کرده صولت
حرارت شکسته رو با عقدال آورده است ناخوشی
بقراولیکه در روزنامه نهفته گذشته هم نوشته شده است
کم ظهور دارد بعضی روزها در هیچ یک از محلات خیری
نواب سزب طاب بزرده و ابارار شیر میرزا حکمران
و مقرب انجا خان سزب موثقی کمال اهتمام در انظام امور انجا
دارند و عالیجا مان کلاتر و کد خدایان در سرکار و خدمت خود
مراقبت و عهده الامرا العظام محمد خان میر تومان در امور نظام
و نظم قراول ارک و شهر و امور محو له بخود مراقبت تمام دارد

موسیو شلم طبیب علم مدرسه دار الفنون دستور علمی
 حجت ناخوشی و بانوشته و آن باین است که در این
 روز نامه مسطور میگردد

چون مذکور شد که در بعضی از بلاد ایران مرض
 بظهور رسیده و در طهران نیز همین مرض مذکور میشود
 بعد از تحقیق معلوم شد که عمومی میباشد بلکه اکثر بزرگان

افراط در اغذیه و میوهجات زیاد و ثقل یافت میشود
 لهذا لازم آمد که تدبیری لایق که تجربه رسیده نوشته
 شود تا اینکه عامه حلق تدبیر مذکور را دانسته جایز
 دارند بلکه نشاء الله تعالی بواسطه همین خبری تدبیر

مرض گردد و تدابیر و محالجات دیگر لازم نشود و اگر
 بآلوده رفع مرض نماید اقل استکین میدهد و تفصیل او

ازین قرار است چون ابتداء علامات قی و اسهال
 بهم رسیده از پانزده تا بیست مثقال روغن کرچک
 بدون آب در ظرفی که با آب بسته باشد که قدری
 باطوط باشد تا اینکه آلوده بروغن مذکور نکرده شود

در اکثری که بعد از یک ساعت در معده وجع شدیدی
 در معده بهم میرسد در آنوقت پنج مثقال منظم
 در صد مثقال آب نیم گرم مخلوط کرده حقه نمایند و اگر

سکین ننمود بفاصله ساعتی دیگر حقه دیگر بستر
 مذکور نمایند که نشاء الله تعالی تسکین کلی خواهد نمود

مالیجه عبد الحسین خان پسر مقرب الخاقان حاجب الدوله
 از شاگردای پیاده نظام و درس زبان مدرسه
 دار الفنون میباشد و مشق پیاده نظام را بر تبه

کمال رسانده و مستحق الثفات و قابل رجوع خدمت
 شده است از راه حجت درباره او و تشویق سایر
 شاگردای مدرسه بمنصب سر بنکی خارج از فوج

و یکصد تومان بر موابج سابق او افزوده
 تسعرا حباس و از اختلاف

کندم یکخوار دو تومان شش هزار
 برج غنبرو چهار من دوریال اهدا

برنج رسی چهار من دو هزار
 روغن چهار من یازده هزار

گوشت یک من هزار دینار
 نان یک من پنج شاهی

پیر شور چهار من شش هزار
 شمع یک من دوریال اهدا

پیه که اخته یک من دو هزار و یکجاسی
 قنداری یک من شش هزار

قندیزی یک من چهار هزار و دوجاسی
 شکر یک من سه هزار یکجاسی

بنات یک من چهار هزار و پانصد
 طالبی و کرک چهل من دوریال اهدا

هندوانه چهل من سه هزار
 الکور بیست من سه هزار و پانصد

ذغال یکخوار هجده هزار و پنجاه
 بیمه یکخوار نه هزار

جو یکخوار ده ریال
 کاه یکخوار چهار هزار و پانصد

سایر ولایات

اثر بایجان از قرار یک در روزنامه ذرا
نوشته اند جناب جلالت اب عمده الامار العظام
ایلی کبیر دولت علیه که از دار السلطه بطرز نورع بدر الشرف
تغییس با اجزای سفارت آمده بودند از تغلیس نمرکت
کرده از راه خدا فرین رودارس می آیند نواب استیجاب
شاهزاده والایا حضرت الدوله حکمران آذربایجان
حکم کردند که دو دسته سرباز از فوج مقرب انخاقان
جعفر قلیخان میرچمه مراغه و دو دسته از فوج ششم
ابو الجحج علیجاه محمد باقر خان سرهنگ بادوش
سواره باستقبال جناب معسری الیه رفتند و آقا
حسین ناظر خود را نیز بجهت تدارک ارمغان نمود
و روانه داشتند

و یکبار از قرار یک نوشته تجارت تبریز درین روزنامه
معمد دربار سپهر مقام مقرب انخاقان قائم مقام
در دهم این ماه وارد خلعت پوشان شده و از
جانب نواب استیجاب حضرت الدوله اشخاص مخصوص
باستقبال آمده واعیان واعظم و خوانین و صاحبان
نظام نیز لوازم استقبال را بعل آورده اند و روز
یازدهم از خلعت پوشان حرکت کرده و در نزدیکی
تبریز بباغ مرحوم نجفعلی خان دهنلی منزل کرده و بجهت
خوبی آب و هوای آنجا چندی در همان باغ توقف
خواهد داشت

اسر آباد و اسد آباد

ازین ولایات در این هفته اخباری نبود

اصفهان

از قرار یک در روزنامه اصفهان نوشته اند خلعت
خو رشید طلعت بیایون شاهی که بجهت نواب استیجاب
حمت الدوله حکمران اصفهان مرحمت شده بود
در بیست و نهم ماه شوال بانجا پر تو و وصول نموده
نواب معری الیه با اعظم و خوانین واعیان لوازم
استقبال و توقیر و احترام خلعت مهر طلعت بیایون
بعل آورده و در باغ قوشخانه ریب برود و شش
و مباحثات خود نموده اجرای شلیک توپ و صرف
شراب و شیرینی کرده ادای خطبه بنام آقا
بیایون و اختتام مدعای اربابا و سرود دولت
ابد مقرون گردیده جمیع اعظم و اعیان را در همان
باغ بنهار صیافت کردند و طرف عصر بجا رستند
معاودت نمودند

و یکبار نوشته بودند که در این ایام دو مرتبه آثار
رعد و صاعقه در اصفهان ظاهر شده باینطور که
یکشب بدون اینکه ابری ظاهر بشود و روشنی تابید که
تمام شهر روشن و منور گردید ولی زیاده بر چیزی
معلوم نشد بعد از دو سه روز طرف عصر صدای
همی مثل آواز توپ در آسمان ظاهر شد بعد از آن
روشنی مثل شعله آتش بزرگ که بسیاری از اهل
شهر دیدند عیان گردید فردای آن روز رعایای
سه دهنی بشهر آمده حکایت نمودند که این روشنی
سه بار چه شده و بار چه آن بزمین فرو رفت که از
آب نیز گذشته اثری از آن ظاهر نیست و یکبار چه آن

بقدر دوزخ برین فرو رفته بود بعد از آنکه برون
آوردند پارچه سکی بوزن دوشمن شاه که چنان
تبریز باشد و نصف آنرا بجهت شاه مصحوب چار
بدر بار جایون فرستادند که بنظر اولیای دولت

علیه برسد

بروجرد و نجات ماری ازین ولایات
نیز اخبار می نمود

بطام از قراریکه در روزنامه بطام بوش
عالیجاه جانمحمد خان حاکم بطام و شاه بود در نظام
امرو لایت و رفاه و آسودگی رعایا و امنیت
و شوارع انجا زیاده اهتمام دارد و با اینکه در
این اوقات کمال امنیت در راههای انجا حاصل
باز زوار و مترددین و نامورین دیوان که از انجا
آمد و رفت می نمایند سواره و تفکیکی همراه کرده
از منازل که سابقا محظوف بود میگذرانند

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بود
علامه ضابک مروی و صفک ترکمان و خان
هزاره را مقرب انخاقان قوام الدوله برای فتح
شرارت اشترار ترکمانان سرخی بهر خس فرستاده
بود که اسیرانی که از خراسان برده اند زندان
بعد از ورود مشایر الیم ترکمانان انجا جمع شده
پنجاه و دو نفر اسیر که موجود بود با ولید محمد اسیر
تیم خانسوار کرده بودند که آورده با رض افس
وارد نمود و علامه رضا خان از سرخس نوشته بود که

قدری از اسیران در قریایا بستند و پسر اراض خان را
فرستادیم که آنها را بیاورند و قرار شد که یک سر
دیگر اراض خان بارض افس آمده عوض اراض خان
در مشهد بماند و خود اراض خان بهر خس برود که
هر چه اسیر در انجا مانا باشد جمع آوری کرد

بارض افس بیاورد

دیگر نوشته اند که دولت نفر سواره سرخی با
یکصد نفر از ریش سفیدان آنها بار دوی توان
مستطاب شاهزاده و الا تاج حاکم سلطه کلان
مملکت خراسان فرستاد که ملزم رکاب نجوای
معزی لیه بود مشغول نگهداری باشند

خمسه و خوانسار و کلیکان و سمنان
و عراق و فارس و قزوین و
قسم و کاشان ازین ولایات نیز
در این مهله اخبار می نمود

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند
فرمان مهملعان و خلعت خورشید طلعت طالبان
که بافتخار و مهابات مقرب انخاقان والی کردستان
شرف صدور یافت و رحمت گردیده بود در
بیت و سیم ماه رمضان المبارک با انجا پر تو
الکندره مقرب انخاقان شراییه با همه اعیان و
اشراف و اعالی انجا تا خلعت پوشان با استقبال
شافت و لوازم توقیر و احترام را بعلی آورده
جایون را ریز برود و شش مفاخرت و مهابات

خود نموده صرف شربت و شیرینی کرده و حجت
نمود و روز دیگر جمیع امانی ولایت را در مسجد
جمع نموده فرمان عیون را که مبنی بر اظهار مسامحه
طوکانه در باره مقرب انخافان مشارالیه و امانی
ولایت بود داد و در بالای منبر قرائت نمودند
همه امانی و سکنه آنجا کمال خرسندی و امیدوار
بعواطف اولیای دولت جاوید مدت علیم
بدعا کوفی وجود فایض بحد سرکار آقا و سنان
شایستهی رطب اللسان گردیده و در سر حد
آنجا نهایت امنیت حاصل آمد اشخاص منفرد
جو و مسکانه طلب سر بز و ایامی خمول کشیدند
و دیگر نوشته اند که در این اوقات پنج نفر از امانی
ارومیه بجهت معامله داد و ستد بقصه سنج
بودند و جوی که همراه داشتند همه ریال مسکوک
سکه دار سلطه تبریز بود قدری از آن ریالها
ببازار برده بودند که خرید و انداختند و از آنجا
به دست صرافان افتاده و دیده بودند همه قلابی است
نزد مقرب انخافان و امانی آورده فرستادند
تخواه را آوردند اول بمقام انکار درآمده بودند که
این ریالها از مائیت بعد از تنهید اقرار کردند که
از این جور ریال مسخن یکصد و بیست و شش تومان
در دست داریم و از تبریز آورده ایم که در اینجا
نایم مقرب انخافان مشارالیه حکم بجس آنها نموده
باشایک نایب توپخانه مستدعی شده بود که آنها

به دست او سپارند و در توپخانه آنجا نگه داری نماید
تا مراتب بدر بار معدلت مد اعرض شده بدین
حکم اولیای دولت علیه در باره آنها صادر شود
معمول آید مقارن اینحال نوشته از تجار و صرافان
همه آن بصراف و تجار گردستان رسید که زیاده از
هزار تومان ریال قلب سکه تبریز در عهد آن پیدا
و عامل آن معلوم نیست خبر دار باشید اگر با آنجا
ازین پولها بیاورند صاحب آنرا بگیرد معلوم
کنید که از کجا و چه جا این عمل قلابی ظاهر شده است
و دیگر نوشته اند که در روزه اسنه از ابتدای حمل
تا پانزدهم شهر رمضان المبارک در آن ولایت
بارندگی شده و بارانهای نافع بسیار خوب
موقع در مزارع و مراتع و صحاری آمده حشمت
پر آب و کوه و دشت سبز و خرم و حاصل آنجا
خیلی بهتر از سالهای دیگر لعل آمده است ولی از
جوانمرد و نوشته بودند که در دوازدهم ماه رمضان
مگر کی در آنجا آمد که به مرغ صحرانی و خاکی که خورد
ملف کرد بقدر ربع ساعت امتداد یافته بود امانی
آنجا همه بجانها و بخیولها گریخته بودند که از ترک گشت
نه میبشتند بغاغات و سر درختی خرابی بسیار شدند
و از قرار یک نوشته بودند و انهای ترک از گرد
بزرگتر و بقدر بیضه مرغی و کوچه بود است

دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه طهران از هر جهت منظم و قواعدها
قراولانها مضبوط و عسوم الهی دارالخلافه
از دیاد شوکت و دولت ابد مقرون شایسته
دارند نواب مستطاب نیزاده جنس والای تبار در
حکمران دارالخلافه و عمت الامراء الخطام محمد خان میرزا
و مقرب الخاقان میرزا موسی و پسر هر یک در اوقاتی
درب خانه که منزل دارند همه روزه تا نزدیک
اقاب نشسته بامور رعیت و نوکر رسیدگی نمایند
چون بجهت وقوع ناخوشی و نزدیک بودن ماه محرم
مردم شهر غلبه بغریه و آرمی میشوند و در خانه
شبهامرثیه خوانی می کنند لهذا اقوالان را که
و شهر در حفظ و حراست محلات و غیره ریاست
از سابق مراقب و مواظب هستند که خلاف حسابی
از کسی ناشی و صادر نشود

ز و آوار بخارائی در صد و اباد با رعایا نزاع کرده
و مرکب قتل شده بودند مراتب بعضی نواب
مستطاب نیزاده والای تبار و شیر میرزا
فرستادند همه را بدارالخلافه مبارکه حاضر کردند
بعد از تحقیق و غور و سیجریک نفر که قاتل بود
و یکت تاجر که خودش در دارالخلافه ماندنی شد
سایرین را مرخص نموده و آنچه اموال و اسباب
از آنها گرفته بودند به حسب احکام با آنها رد نموده و
بر آن خبری داده نیز بانه داده شد که با سودی
و مقصد خود روند

دیگر منکام آمدن مقرب الخاقان حاجی میرزا محمد
و بیز مهم خارج از آذربایجان در نزدیکی منزل کرج
بیکر شس قاطر بنه او مقتود شد و بود قراولانها
پیدا کرده او زده تسلیم نمودند

چون افواج متوقف دارالخلافه مبارکه و متعین
دارالخلافه دمشق و تحصیل کامل شد این واقعه

و متعین مرخص شدند
نظر بطور محبت قوکانه در باره مقرب الخاقان میرزا
محمد زمان در این اوقات منصب جلیل امارت دیوان
مبارکه که سرافراز و خلعت مهر طلعت بهایون دراز
منصب مزبور با و عمت گردیده و در روز سه شنبه
شهر تخریب محرم در چهار دیو آخانه مبارکه اردوی
جمعی از شاهزادگان عظام و مقربان دربار سپهر
بهت منصب مزبور حضور بهم رسانده خلعت
ریب برود و شش افتخار و عتبار نمود و فرمان
که درین باب شرف صد و ریافت بود در آن مجلس
شده صرف شربت و شیرینی و لوازم تهیت و
بعل آمده بعد از انقضای مجلس مقرب الخاقان مبارکه
بالتفاق نواب سان میرزا الله باشی نواب مستطاب
شاهزاده اعظم و بعد دولت جاویدت علیه
و جمعی دیگر از اهل مجلس شرفیاب خدمت نواب
موظف الیه شدند

سایر ولایات
آذربایجان و استرآباد و اسد
ازین ولایات درین مهت اخباری نبود

اصفهان

از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند کمال است
و انتظام در آن ولایت حاصل است و نواب مستطاب
شاهزاده و الا تباعثت الدولة حکمران اصفهان در
نظم ولایت و رفاه حال نوکر و رعیت نهایت کمال
و اهتمام را دارند و افواج متوقف اصفهان همه
در میدان مشق حاضر شده مشغول مشق میباشند
پروچر و عربستان و بطام و شاهر و
و خراسان و خمنه و حوین و کلکان
ازین ولایات نیز درین مهته اخباری بنود

دارالمرزمازندان از قراریکه در روزنامه
مازندان نوشته اند امور آن ولایت احسن است
نواب مستطاب لطف الدین میرزا و مقرب الخاقان
میرزا اسد الله وزیر قرین انتظام و انضباط
و امر کارخانه شکر ریزی و قد سازی و دولتی
منظم است و استاد و عمل کارخانه منور دکان
و عیب و نقصی در امر آنها نیست و درین اوقات
که محل یورت طایفه عبدالملکی در امیر آباد حسین
مشخص گردیده و قلچجات و نه آب و محل زراعت
انها درست و معین گردیده اسوده خاطر بامر رعیت
و رعیتی خود مشغولند نواب مستطاب شاهزاده
و مقرب الخاقان و زیر آدم فرستادند که بقیه
منور را که در بلوکات با فروش و سایر
جایها متفرق بودند کو جانده بامیر آباد حسین
برند که مانند سایرین در آنجا مشغول غنشی شدند

سمنان و عراق و فارس و قزوین

و قسم و کاشان ازین ولایات نیز
در این مهته اخباری بنود

کردستان

از قراریکه در روزنامه کردستان نوشته اند
ایل جاف که در سال قبل سکامه حاجت اگر میرزا
بمیلقات کردستان سرایلان آنها چند نفر از
پسر و برادر و منوبان خود برسم گروی بنزد
مقرب الخاقان و الی کردستان فرستاد بودند
و بدین واسطه دست تعدی اشرا ایل منور از دست
کردستان کوتاه بود اما سال چند بیت که وارد
سرحد کردستان شده اند هنوز گروی خود را
نفرستاده اند و اشرا آنها بنای تعدی و بیجا بی
گذاشته و بجا برین دست و دین دست اندازی
میکنند از جمله چند نفر را برسم کرده بودند آنها از
جاف فرار کرده بنزد مقرب الخاقان و الی آمده است
تعدیات ایل منور را اظهار داشتند مشایر
نیز آدمی از خود بنزد سرایلان فرستاده کاغذی
بنی بر ضرب بآنها نوشت از قراریکه جواب نوشته
بودند اظهار اطاعت و انقیاد و بخیبری ازین مقدمه
کرده و تهدید نموده بودند که گروی خود را بقرار معهود
بفرستند و آنچه هم اشرا و قطاع بطریق آنها از عاقرین
و مشردین گرفته اند از آنها مسترد کرده بفرستند
کرویس و کرمانشاهان ازین ولایات
نیز درین مهته اخباری بنود

کرمان

از قراریکه در روزنامه کرمان نوشته اند از حسن
مراقبت و اهتمام امیرالامرا العظام سپهبد ارجمند کرمان
کمال انتظام و انضباط در امور اقلایات حاصل است
و رعایا و برابرا سوده خاطر به عا کونی دات است
بنا بر این شایسته است که در این وجه مزید
حصول دعا کونی قرار مالیات را امیرالامرا العظام
مشاریه اینطور داده است که تا رفع محصول برآید
حواله و اطلاقی هیچوجه نشود که با شود کی بعد از
رفع محصول از عهده ادای مثال دیوانی بمانند
بر آیند و عالیجا سپهبد لاری از جانب خود قرار
داده است که در دیوانخانه آنجا هر روز نشسته
بدر ایض و مطالب مردم رسیدگی نموده مطالب
آنها را معروض دارد تا بروقی عدالت فصل
و عالیجا معرب انخاقان میرزا محمد مستوفی بیگ
کرمان همه روزه با مستوفیان آنجا در نشست
با در معاملات و محاسبات از روی وقت رسیدگی
مینماید و انضباط و مباشرین و که خدایان را
مختم داشته کسی قدرت تعدی و خلاف
ندارد

شایسته محاد دت بکر میرات صفی ت بلوچستان
مموده مشغول انتظام و انضباط امور آن سالان
و رفع شرارت شرار بلوچیه باشند
دیگر از قراریکه تبحر اخبار کرمان را در روزنامه
آنجا نوشته بودند تبحر مسطور ذیل در این اوقات
مستراست

کندم اعلا	یکخوار	دو تومان و شش هزار
کندم وسط	یکخوار	دو تومان و پنج هزار
یکخوار	سیرده هزار	۵۰۰
یک من	هزار	۵۰۰
یک من	هزار دینار	۵۰۰
یک من	مشتدینا	۵۰۰
یک من	پانصد دینا	۵۰۰
یک من	یکریال	۱۰۰۰
یک من	پنج شای	۱۰۰۰
سه من نیم	یک هزار دینا	۵۰۰
یک من	هفت هزار	۱۰۰۰
یک من	پنج هزار	۱۰۰۰
یک من	سه هزار	۱۰۰۰

دیگر نوشته اند که حال نام بهار لکه از خاک فاسد
م تی در خاک کرمان کن و شرارت مشغول بود امیرالامرا
سپهبد اراد و سیکر نموده بار بهیم بیک وکیل
و شش نفر ابدلی سپرده روانه در بار محلت
هائون نمود

دیگر نوشته اند که امیرالامرا العظام سپهبد
نوکری را که مامور کرمیرات و سمت بلوچستان
از سواره و پیاده احضار بکرمان نمود که سال
آنها را دیده و با سلحه و اسباب آنها رسیدگی
کرده امور آنها را از هر باقیم برادر که با دارا

تبارخ ایوم که پنجمین شهر حال است روز نهم
 از اردوی هاپون رسید بقرار است که نوشته شود
 از قرار نوشته مقرب الخاقان جعفر قلی خان ایلیانی
 خبر از بخور در سید بود که طوایف که اجماع کردند
 بجزم خرابی و قاحت و تازار بیرون آمده اند لکن
 مثالی که اراده آمدن است آباد داشت فتح این
 نمود با سواره که داشت روانه رانند بود بعد از
 ورود برار معلوم شده بود که امالی که در چمن قوروق
 که باین زمین و درون واقع است کلاً اجماع و اتفاق
 کرده منقسم بینا و از قوشخانه باین که خبر داده بودند که
 سواره کوکلان و سواره و پیاده شاد و لور اجمع کردند
 بمر راه شامی آید بعد از وصول این خبر بمر را از این
 موقوف نمودند ولی از سه چهار هزار جمعیتی که در همان
 بودند پانصدش صد نفر بخت دره خرفه بیت نفی
 دره جزی را دسگیر کرده مراجعت نموده بودند چون
 بخور جانی است نزدیک بانگ هم بولایت و هم بیک
 رفت و آمد داشتند و فرقه شدند فرقه را غلبه
 و فرقه مایل باین سمت کردند و فرقه ثانی کاغذی بایلیانی
 برافروستادند که شب بیاوند بخور را بتصرف شما مییم
 و خود نیز کوچ میمانیم باین مقرب الخاقان مثالی
 از راز با جمیعتی که همراه داشت روانه بخور شده فرقه
 اول آدم بقوروق نیز که فرستاده بودند که ایلیانی بمر
 می آید شما باد و بیاوند تا بخور را بتصرف مییم چون
 سفت آنجا نزدیک بود دیگر و بیشتر باد و بیت نشکلی

که با اصطلاح آنها مکن بنامند آمده بخور را متصرف
 و از فرقه که مایل باینجا نب بودند پنج و دسی گرفته بودند
 ایلیانی نیز از این سمت بخیر آمده نکه با طینان خاطر
 طلوع صبح که بانجا رسیده بودند و به بود کسی از آنها
 پیش بنا در سبیل است از برج و باره بنای تفنگ اند
 که استند مقرب الخاقان مثالی که با استعداد و قلی
 حرکت نموده بود لکن مراجعت را شاق و ناگوار است و رعیت
 و رود آنها از سنگر بستن نموده آنچه کدو و مبر و کوه و کمری که
 سرکوب بودند تا مارا گرفته راه چاره از چار سو بانه بسته بود
 یکروز و یک شب لایق قطع از طرفین تقاطع و مجادله لعل آمده
 روز دیگر از دهنه باین سر بخور که متصل بانگ است اسب
 و شورش برخواست معلوم شده بود که مجدداً از آنکه
 و پیاده زیاری با راه بخوری آمده اند انتب و روز بهم
 علی الاتصال بجدال مبادرت نموده رویشم قراولی که در سر
 گذاشته بود خبر آورد که از سمت بالای کوه سوار انبوی از
 که آمده سرکوب و آب و راه هر و گرفته اند از طرف دیگر نیز سوار
 و پیاده که از دهنه باین بخور آمده بود با مکن و جمعی بخوری
 از دو جانب زور آورده تشحرب برافروختند و از سمت بالا
 سوار انبوه که ظاهر و نمودار و عرصه لشکر فیزی اثر شک شده
 انداخت که دستان از کار و کاشان از دست برود ولی
 مثالی که دل دیگر کون نموده متوکل علی جمیعت خود را در دو
 قسمتی بنواب جهاننور میر اسپرده عالیجا این محمد خان
 و مرتضی قلی خان سنک و محمد جیم خان و محمد قلی خان و شیر محمد خان
 بر یک در سگری گذاشته و خود مقرب الخاقان مثالی که در
 سبیل غنیان بر دشته بطرف سواری که سمت بالای سر گرفته

۱۸۶۱

شفاقه شکامه سیزده و برادر که کرده بعون غایت الهی و
 اقبال بیروال شاهی جمعیت آنها را ایش مرتبه شکست
 فاحش با آنها داده بهادران صف شکن و کردان مردان فتن
 چهار فرسخ آنها را تعاقب کرده بسیاری از آنها شمشیر آید
 تشک صاعقه بار کرده از طوطی و انهرام آن کرد جبره سر
 نواب جهان سوز و سایرین نیز که با قلعه کبان مشغول گردید
 بودند مستطیر و جری کشته بادی قوی زور او را کرد بدین
 آنها را از سکر کزیرانده و در قلعه محصور و سواره آنها را
 شکست فاحش داده جمعی را مقتول و بقیه را محذور و لاوا
 از دهنه نخو بیرون کرده تا دشت امک تعاقب نموده مسخو
 و منظر با سر و ایرم حجت نموده سه روز دیگر نیز در مسخو
 توقف کرده بودند چون سرب و بار و طواذ و غیره محصور
 تمام شده و قلعه نخو نیز در جای سخت واقع و گرفتن آن بی تو
 شکل بود مقرب الخاقان مثالیه مصلحت و امر حجت دید
 جنگ سر و اسیر و اسب از پانصد تنجا و زبدت عسکر محصور
 افتاده و سی چهل نفر نیز ازین طرف مقتول و زخمی شده
 و در از این فتح و جلالت مقرب الخاقان را لیه از جانب
 سنی انجانب ملوکانه یک قبضه شمشیر مرصع بسیار خوب تجه
 مرحمت و انقاد گردید
 دیگر از فراری که امیر الامراء العظام مقرب الخاقان سپه دار حکمران کرمان
 محمد شاه خان سی که در صغیر بلوچستان بیل ویر و محکمی محکم مستطیر بود
 و بواسطه استحکام قلعه سب و گرمی هوای آنجا چو قشون دولتی تبعه
 دست فتنه بود و قلعه سب قلعه است محکم که نوشته بود بدین
 خشت عرض دیوار بنه و سی و در دوزخ ارتفاع دارد که میت درخ
 دارد و دوازده زرع از خاک تر با لا و محمد شاه خان سنی بامان در شاهان

پیش با استحکام قلعه مخرو بوده همیشه از خدمت دولت روگردان بود
 چندی قبل بر این حب الای مقرب الخاقان را لیه علیا علیا علیا علیا
 سیرت افواج کرمانی را با قشون کرمانی و خلیج و غرما و بلوچستان کرده
 خان ستم شخص تعلیم با قشون دولتی از در محاصرت و مخالفت را کرده بود
 نه روز و نه شب علیا علیا علیا علیا علیا علیا علیا علیا علیا علیا
 بوده در و شب ۲۳ ماه شوال بیاری الهی یزدی تحت بلند عصمت
 شاه شاهی بضر و پوپ عدو کوب یک به قلعه آکو بند و لقب
 برج برده پیش زنده ظهور و در دهنه قلعه مستطیر و محمد شاه خان را بامان در شاهان
 پیش چویتی که داشت و کبر کرده و جمعی از عیال و پهلوان که در آنجا گرفتار
 بودند همه از خص کرده آنها که لوکر و اتباع او و شرار بلوچیه بودند مقتید
 محبوس نگاشته اند و کانی هم که در دعوا و یورش کشته شده بودند
 نظر با ستمد عای بزرگان بلوچستان آنها را مکر کرده اذن داده اند و فن
 کابند و ازین زکله را و لیای دولت علیه از آنها را راضی و سخاو
 و میخوانند این قاعده یکیکه که در منازعات و محاربات
 بود که کشته و مقتولین را سر میرند موقوف دارند
 روز و شب دوم این ماه که موکب فروری کوکب هایون از بلوچان
 بودند تشریف فرما کردند از غریب این بود که در عرض راه میان دره
 بود که از زیران یک رود میگذشت و برف مثل پاش بود بعد از
 قدم راه و بطوری بود که در قلب آلتا بتان قریب هزار نفر آدم
 که طهرم کاب هایون بودند از روی آن پل برف گذشتند و اصدا
 مطلقا تغییر بجالت آن راه نیافت و محکم از پهلای سکی
 اجری بود و سرکار علی حضرت شاهی محض تاش بزران
 پل تشریف برده در کنار آن رود آب قوه و قیلان میل
 سوار شدند

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه و شنبه و آردا شهر پنجشنبه مطابقی سال لوی میل ۱۲۷۲

منبعه دار الخلافه طهران	مزه ریت و شتا دونه
قیمت اعلانات	قیمت روزنامه
هر خط پستی هر	هر نسخه دهم شهر

اجبار داخله مالک محروم پادشاهی

اردوی هایون
موجب فیروزی کوب شاهی کماکان در دماوند
تشریف دارند و هوای اینجا مطبوع و سخن خاطر ملوکانه
میباشد.

چون باقتضای رایی عدالت پیرای هایون مقررات
که خدمات عمده و خدمات مهمه بعد از قابلیت و استعداد
اشخاصی از چاکران عتبه علیه سفوض گردد که در مرتبه
عبودیت و امر اسم خلوصیت بدرجه علیا و مرتبه قصوی
رسیده باشند که نه آن خدمت مهمل ماند و نه موز
رحمت کتی محل آید از جمله مقرب انخاقان پاشا خان
پیشخدمت خاصه هایون است که در رسیدن بخوان
قشون حضرت منون و باز دید قورخانه مبارکه که از خدمت
عمده و زحمات مفصله است و حسب الامر با و مامور
مخصوصه داده شده بود بطوریکه منظور نظر هایون
بود از عهده خدمت بطور احوال برآمد و خاطر رحمت
مظاہر هایون را قرین رضا و خرسندی داشت

لهذا بموجب صدور فرمان مهر لجان مبارک و اعطای
خفت آفتاب طلعت بقلب نبیل این ضره قشون
حضرت منون نظام و غیر نظام مفتخر و مسر افراز و مقرر آمد
که بعد ازین کل تنخواه موجب و سیورسات و سایر
که به عهده قشون طفر منون مرحمت شود تقریر قطعی باطله
عالیجاه شارا لیه بوده باشد و پس ازین مدخیت
استحضار او را در نیاب محل اعتنا و اعتبار دانند
و او را باین لقب نبیل مخاطب و احترام او را باندازه
این عنایت رعایت نمایند

چون عالیجاه مقرب انخاقان میرزا محمد تقی سپهبد مستوفی
در تقدیم خدمات در بار ملک مدار و تنقیح محاسبات
دیوان ساعی جمیله معمول داشته و کتب مانع بخوان
که شجاعت بر احوال انبیا علیهم السلام و جمیع سلاطین
روی زمین و عموم علما و حکما و مذاهب و ادیان
تصنیف کرده که در هیچ دولت و مملکتی کنونی بدین سیاق
محرر نیامده و قواعد شعر فارسی را که از قرون صیه

که بکفایت امور خارج از ریجانه با بجان نامور و متوقف
دار استلطنه تبریز بود و بر حسب امر قدس در هیئت
تجهه بعضی امورات لازمه موقتاً احضار کباب سارک
شده بود این اوقات که دماوند محل نزول اجلال
موجب همایون بود بر کباب مستطاب مبارک مشرف
و شرف اندوز حضور مهر ظهور همایون گردیده کمال
مرحمت و عنایت نسبت بآو میزد و ول و از خدا
مثالی در آیام توقف تبریز منتهای رضامندی
از جانب سنی ایوان همایون بهی آمد

دار اختلاف طهران وارد وی نیاروان
روز سه شنبه دهم که عید سعید اضحی و از اعیاد معظم
اسلام بود اول صبح نواب مستطاب هزاره والا
او شیر میرزا حکمران دار اختلاف طهران و مقربان
میرزا موسی و بر و علیجانان محمود خان کلانتر
و که خدایان و از قبل نظام نصرت فرجام عهده الام
محمد خان امیر تومان و مقربان خان قاضی آقا میرزا
تو پناه مبارک و علینقی خان سرپش و سایر صاحب
منصبان نظام و غیر نظام و بعضی از ارباب قلم و حوا
و خدم و معارف ولایت گلاسوار شد بمصلای خارج
شهر که بر ساله شتر قربانی در آنجا خرمی شود حاضر شدند
و ابتدا خطبه سلامتی وجود مسعود همایون در آنجا خوان
شده بعد از آنکه مقربان خانان نتیجه الامراء العظام محمد
پیر امیر الامراء العظام میرزا محمد خان کشیکچی باشی که خود
نیز منصب کشیکچی باشی نواب مستطاب هزاره والا
افخم و لعیهد دولت ایدمت علیه تحرو نامور از جانب

مسور مانده بود در تالیفی موسوم بر امین الجسم
بیار است مرحمت شانه و التفات خدیوایه شامل
حال او شده او را لقب بستان الملک فرمود
و بدین لقب رفیع و خطاب منشیع بر افتخار و عزاد
و احترام او افزودند

عاجلاً اللهم ادخاں فغان علیجائی که از بستان برکات
مبارک علیه حضرت شاهنشاهی آمد بود شرفیاب
حضور باهر النور شده مورد نوازش و خلعت و انعام
گردیده رحمت انصاف حاصل کرده معاودت
نمود

بموجب اجباری که مجدداً از اردوی همایون سربل
رسید در شب دهم این ماه که شب عید سعید اضحی
بود اسب چراغانی دشت بازی سنگین در حضور
موقر السور علیه حضرت اقدس همایون شایسته
فرام آمده آتش رابعش و شادمانی که زنده روز
عید سلام سطلانی انعقاد یافت جناب شرف
ارفع صدراعظم و سایر خواص و مقربان تفرم
رکاب نصرت انتاب شرفیاب حضور مهر ظهور
گردیده و جناب معظم با عطای جنبه شمشاد
و عضای مرصع امتیاز و خطابات مخصوص عنایت
ملوکایه سمت اختصاص یافتند و بعد از شیک توپ و
خطبه بنام اقدس همایون و اختتام بدعای بقای
دولت و شوکت ابد مقرون سلام عید سعید اضحی
مستقنی گردید

مقربان خان حاجی میرزا محمد خان و پیر همام خا

نواب معظم بجهت شرف قربانی آمده بود حسب الامور
نواب مستطاب اردشیر میرزا شرف قربانی را بخر کرد
و آنچه لوازم این کار بود از لواختن نقاره و شادمانی
در آن جنین بجا آمد و بقانون معموله صنفی عضوی از اعضا
شرف قربانی را که مخصوص آنها بود برگزید بعد با همان
اجتماع از مصلاهای مزبور روانه نیادران که محل اقامت
نواب مستطاب بزرگوار عظم و لیعهد دولت علیه بود
شدند ابتدا همگی اشخاصی که از شهر رفت بودند در منزل
مقرب الحاقان میرزا داود خان نشسته آنچه از آنجا
عظام و امر او خوانین و ارباب قلم و اهل نظام هم
که در نیادران بودند حاضر شدند و شربت صرف
نموده بهیات اجتماعی بسلام نواب مستطاب بزرگوار
عظم و لیعهد فرستاد رسم تنبیت بجای آورده
و در همان بین سلام که شکیبایی و زینب و ک در آنجا نشسته
از شهر هم هفتاد و تیر توب سلام انداختند و نواب
معظم بهر یک از شاهزادگان عظام و خدام در پیش
احشام علی قدر در راهبهم لوازم القات را بجا آورد
شیرینی حرمت نمودند پس از آنکه سلام بجهت اشخاصی که از
شهر رفت یا در آنجا بودند شیلان نهاد و دادند
بعد از این مزدات امانی شهر بر خدمت معاودت نمود
و خدامی که در نیادران بودند بر خدمت رفتند چون
این عید سعید از جمله اعیاد معظم و متفق علیه عظیم
اسلام است جناب محبت لصاب حیدر افندی
دولت علیه عثمانی که در سیلای شیران در قرب نیادران
منزل داشت بجهت عامیت سلام و تحیات و تبریکات از جانب

نواب مستطاب بزرگوار عظم و لیعهد ده خواهر شیرینی
دست و پنج روس که سفند قربانی مصحوب یک نفر
از نمایان بیشک آقاسی باشی روانه منزل ایشان
فرمودند بعد از آن عالیجاه مقرب الحضره انجا قائم
میرزا عفا رخا نایب وزارت امور خارجه نیز بزرگوار
معزی الیه و تنبیت روز عید بمنزل مشارالیه رفیق
میرزا عبدالوهاب خان نایب وزارت امور خارجه
نیز از جانب نواب مستطاب اردشیر میرزا حکمران
برسم تنبیت عید رفقه مقرب الحاقان میرزا موسی
دارالخلافه نیز خود وقت عصر بدین جناب معزی الیه
رفقه مدتی با جناب در دفتر صحبت دوستانه و شفقت
بجمل آمده مراجعت بشهر نمود
هموای طهران درین سال زیاده از سالهای سابق کرم
فاخوشی معروف شدتی ندارد و ناخوشیهای دیگر کم از
هر سال است و امور شهر و نواحی کمال انتظام دارد و چنانچه
بر کتب شرب و سرت شده بودند حسب احکام نواب مستطاب بزرگوار
تنبیه شدند و همچنین امر نامی کرمانی کاغذی با قرا
و بجان عالیجاه که بجان نایب اخته بعضی اشخاص ادبی دینی داد
بود و او را هم گرفته حسب احکام نواب معزی الیه تنبیه نمودند
دیگری از کرمان حوالی مسج کب پوی در کوچه یافته بودند
عالیجاه زکلیان آورد و داد جابر کشیدند حبس پیدا
شدند فی کتبه و پول را داد و بعد برست توان
بود بدون کسر نقصان حبس نسیم شد
سایر ولایات اذربایجان و سیستان و آذربایجان و سیستان
و اصفهان ازین ولایات در این مقفه اخباری

بروجرد و عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند
آنولایت احسن مراقبت و اهتمام نواب مستطاب
شاهزاده والا بهار حشام الدوله حکمران بروجرد
و نجت یاری و عربستان و لرستان در کمال نظام
و انضباط است و در طرق و شوارع آنجا اینست
انیت حاصل است درین اوقات فوج بهادران
تومان اول افواج قاهره را نواب معزنی الهی
محمده مامور فرمودند در ورود آنها عالیجا مقرب
آقا جان خان سرتیب با اتفاق عالیجا مجتبی حاجی
جابر خان حاکم محمده سوار گشته باشد هزار و سیکه
ساحل شط را که قراول و مستحق لازم داشت همه را
و ضابطه نظام سرباز و قراول گذاشته یکصد نفر
زنده با یک نفر سلطان قابل بقراولی معین کردند
از قراریکه نوشته اند سرباز و قراول بسیار با نظم و سکو
دارا سکی میباشند و با اهل آنجا حسن سلوک و وفا
هستند ولی هوای آنجا زیاده که ماست و باین واسطه
بعضی از سرباز و توپچی مریض میشوند و مقرب آنجا
آقا جان خان سرتیب با نمایکان یکان رسیدگی
نمایند و در معالجه و مداوای آنها بسیار اهتمام دارد
و نواب مستطاب حشام الدوله و مستحق فرستاده
بودند که سرباز و قراول زیاده از سه ماه در آنجا سا
نباشند و بعد از انقضای مدت مامور نوشته شوند
و همچنین توپچیان سا خلوا آنجا نیز نوشته اند که اغلب
مریض میباشند و شش بشف نفر نیز تلف شده اند

و عالیجا حاجی جابر خان در انجام خدمات دیوانه
نهایت اهتمام را معمول میدارد و نوکری که از جوج
و عرب بجهت حفظ و حراست خبر گرفته است چون
اهل ولایت اند و بدیت دارند بسیار خوب
بکار خدمت می آیند و از اینکه باب و هوای آنجا
عادت دارند کمتر مریض می شوند و در حفظ و حرا
نهایت اهتمام را دارند
بطام و خراسان ازین ولایات دین
هفته اخباری بنود

خمس از قراریکه در روزنامه خمس نوشته اند
امور آنولایت از اهمات مقرب آنجا خان جابر
در نهایت نظام است و از طلوع آفتاب الی
از شب گذشته همه روزه در دیوانخانه نشسته
مردم رسیدگی نمایند و رعایا و برابرا اسوده خاطر
بدعا کونی ذات اقدس هائون شاهی اشتغال
و کسی قدرت حرکت خلاف و شرارت نسبت
ندارد و اگر اچنانا سرقت و شرارتی اتفاق بیفتد مقام
رفع آن برآید و حاق حق یناید از حجه شخصی از رعایا
خمس آمده مذکور داشت که سی تومان پول نقد در
نعل دوشتم و دور رس قاطر نیز بار کرده بکاسبی
میرفتم نزد یک غروب فیما بین قریه فشد رقلو خاک
خلخال و لهرکین خاک خمس رضا قلی مامور لکینی و خدا
و اسعیل نام فشد رقلو بر خورده اول قاطر را از
من گرفتند بعد از آن بغل را کا و بده پول را در آوردند
و قسمت کرده نفری ده تومان برداشته قاطر را را

کرده و مستند مقرب انخاقان مشایخ را لیه فرستاد
رضاقلی نام را حاضر کردند و بطور ملائمت از او تحقیق نمودند
خود را و از او معلوم شد که عرض حاضر مقرون
بصدق است اول ده تومان را که او دریافت کرده
بود از او مسترد و صاحب بخواجه تسلیم و او را بتبیه
نمود و بعد از آن بیت تومان دیگر را که آن دو نفر
بودند از خود نقد در همان مجلس بصاحب بخواجه دادند
کذاش را بجای مجرای مقرب انخاقان میرزا شمس خان
حاکم خلخال نوشت که بخواجهی سه نفر سرق کرده و ده
تومان قیمت برداشته بودند ده تومان از یکی
که اهل حمیه بود گرفته و او را تبیه بفرمودم و بیت
دیگر را که خدا و بر دی و اسمعیل که از رعایای خلخال
قیمت برده اند از کسبه خود بصاحب بخواجه دادند
بجای خود رسیده و بیت تومان حال طلب من است
باید آن دو نفر سارق را در آنجا گرفته یا روانه
نمایند که بخواجه سرو قوا از آنها مسترد شده تبیه بشوند یا
وجه نور در آنجا از آنها باز یافت و ارسال و خود
در آنجا تبیه کامل بشوند

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان مشایخ را لیه فرستاد
در تعمیر عمارت دیوانی خسته دارد و مدتی است بنا
عمده بکلاه فرنگی باغ عمارت رنجان و سایر جایها گذاشته
در کمال استحکام تعمیر نمایند و از یکدیگر فرود آنها شام
نقد داده میشود بدقت و اتمام کار می کنند و اغلب
عمارات که خراب بود مستحکم و مضبوط خسته شد حتی
سجاری و نقاشی آنها هم با تمام رسیده و بسیار با صفا

و شکوه شده و سایر جایها نیز قریب با تمام است
دیگر نوشته اند که لاجا لطف الله خان شاهسون از
دارالخلافه با بهره وارد رنجان شده دوروز در آنجا
توقف نمود و بجهت راه انداختن سواره شاهسون
بیان ایل خود رفت
دیگر نوشته اند که مذکور داشتند که یکصد و پنجاه تومان
پول تاجیر را از کاه و انصاری حاجی برات برده اند
و شخصی کبوقتی دیده بود که دالان دارخان کاروانسرا
فصل در بخت آن تاجیر را دست میزدند درینوقت
که بخواجه مرور از آنجا سرق شد آن شخص کفایت
بروز داده کریبان دالان و از راه گرفته دالان را
هم فوراً چاقوی از جیب خود بیرون آورده بر کمر
خود و درید و هاتوقت جراح بشو و زخمی مغول محاسبه
شد ولی معلوم نیست که خوب بشود یا بمیرد

دیگر نوشته اند که استاد تقی نام شیلا نکر تفرنگی در
دست داشت درست میکرد غافل از اینکه تفرنگ
کلوله برات ناکاه بدر رفت شکرتش روبرو
او نشسته بود کلوله از زیر بغلش شکرتش روبرو شده
دو سه نفر دیگر هم روبروی دهنش تفرنگ بودند
کلوله از آنها هم بخیر که شسته شد هیچکس
واسطی نرسید

دیگر نوشته اند که مقرب انخاقان جبرائیلخان
بناشیرین و سر بلوکان حمیه را احضار کرده و

بجته هر یک موافق مقرره قرار می‌گیرد و قریب
نمود که زیاده از مالیات و فروعات دیوانی اگر
حبه و دیناری از رعایا دریافت بکنند مورد
مواخذة و جریمه و توبیه سخت باشند و الا
مالیات و فروعات حسابی ابوابی هر یک را اگر
بسر مشغول و عمل خودشان روانه نمود و بکل رعایا
نیز این معنی را اعلام و خاطرنشان کرد که اگر آید
از مباشرین چیزی زیاده از بدی دیوانی از
یکی از رعایا مطالبه کند آن رعیت در آنجا هیچ
و آمده مراتب را بمقررب انجاقان مشا را اطلاع
دارد تا سزای تقدی آن مباشر را بطور مستقیم
در کنارش بگذارد و عموم رعایای آنجا ازین حمله
شاکر و امیدوار بدعا کوئی دات اقدس بجاوی
شایشی رطب اللسان قرین شکر گذاری و
امتنان میباشند و بعد از این قرار داد آید
از مباشرین خربت و یارای اینکه با صدی از
رعایا تقدی و زیاده می‌کنند دارد و همگی با رعایا
با نهایت حساب و حسن سلوک رفتار می‌کنند
خو انبار و کلیایکان و سمنان و
عراق و فارس و قزوین و قزوین و قزوین
و کرمان و کرمانشاهان و کردستان
و کردکوس و کیلان و مازندران
و طایر و نهاوند و همدان و این ولایات
نیز درین صفت اخباری بود

۱۸۶۸

میرد
از قرار یک در روزنامه میزد نوشته اند مقرب انجاقان
محمد یوسف خان سرایب در انتظام امور ولایت
حال رعیت و انجام خدمات دیوانی کمال مراقبت
و اهتمام را دارد و رعایا آسوده خاطر عیشتی خود و
دعا کوئی دات اقدس بجاوی شایشی شتغال
دارند و عالیه میرزا شفیع پیشکار آنجا با مریضی
و معالجات آنجا رسیدگی کامل دارد و که خدایا
هر ملوک را خواسته موافق بنبیحه مالیات دیوانی
انبار استیضاح و حواله نموده که خودشان آورده
در شهر موافق قسط تحویل نمایند که دیگر محصل بجته
از خدایات به ملوکات نرود و باعث ازیت و
ضرر رعایا و دما قین نشود و تا رعایا از تکلیفات محصل
امین و آسوده خاطر با عیشتی خود پروازند
و دیگر نوشته اند که عالیه میرزا کوچک خان
همه روزه فوج ابوابی خود را در میدان مشق حاضر
کرده مشق میدهند و کمال مراقبت را در مشق و انتظام
امور آنها دارد و مالی و ولایت هم نهایت رضایت
از حسن سلوک و رفتار سر بامر بورد دارند
و دیگر نوشته اند که امور شهر و محلات در کمال نظم
و سرقت و شرارت بسیار کم اتفاق می‌افتد و کمی
قدرت حرکت خلاف و تقدی نسبت به یکی تدابیر
و انواع اجناس و ماکولات از چیزی نسبت به بای
فراوان و ارزان است

روزنامه قایم اتقا قیاس پنج پوم خشمه نوزدهم شهریور ماه مطابق سال لوی میل ۱۲۷۲

منطقه دارالخلافه طهران		مژده حیات و نو
قیمت اعلانات		قیمت روزنامه
برسطری پری		هر نسخه ده پیر

اخبار دهنه ممالک روسه پادشاهی

در حق عالیجاه پشایه حجت گردید نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا پسر نواب مستطاب حکمران فارس که احضار برکاب همایون شده بود در این اوقات وارد اردوی همایون و شرفیاب گردید مبارک گردیده بجهت خدمتی که در بنادور و کریمیه لاستان و غیره از او بطور رسیده بود مورد عنایت و نوازشات سرکار عالیحضرت شاهی شده بکوشش جبهه ترمه مخصوصی از ملبوس خانه خاص با خلعت حجت گردید عالیجاهان میرزا صادق شکر نویس آذربایجان و میرزا مشفق توپخانه آذربایجان که جبهه تفریح حساب میروند توپچیان آذربایجان احضار بدربار همایون شدند چون از عهده خدمات محوله بخود بخوبی و راست قلمی برآید بودند لهذا بکام در خضر از کاب مبارک بدین موجب خلعت در حق انها حجت گردید	اردوی همایون بموجب خبر اجمالی که از اردوی همایون رسید فیروزی کوکب سرکار علیحضرت شاهی هنوز در سیلاق دماوند تشریف داند و پرو وجود مبارک خوش میکند و بجهت برودت و لطافت آب و هوا انجا که درین موسم مطلوب و بجمع و سخن خاطر ملوک افتاده چندی در همان سیلاق دماوند تشریف خواهند داشت چون عالیجاه میرزا حسین سرشته دار قورم خانیجا در این اوقات که موکب همایون از دارالخلافه طهران حرکت بیسلاقتی و روان و صفیات دماوند نمود در انتظام قورخانه و تمام نمودن حاصل کار کمال برآید و مواظبت را بعل اوده و در شب عید اضحی هم تشریف بسیار خوب تهیه نموده و در دماوند بحضور مبارک فرستاد و سخن و قول خاطر ملوک افتاد لهذا مخض غایت در این اوقات یک ثوب جبهه ترمه برسم خلعت
---	---

۱۸۶۹

اردوی نیاوران

در روز چهارشنبه هجدهم این ماه که روز عید بود
نواب مستطاب هزاره والای تبار اردشیر میرزا حکمران
دارالخلافه و مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه
و سایر پیاکان متوقف طهران و از سران نظام
فرجام عمده الامراء العظام محمدخان امیرنومان و سایر
میران پنجه و صاحب منصبان نظام و چاکران متوقف
اردوی نیاوران از شاهزادگان عظام و ارباب علم
و خوانین کلاسیا در پوشش کشیکخانه نیاوران که سر
مقرب الخاقان محمدابراهیم خان است حاضرند
از آنجا بسلام نواب مستطاب هزاره عظمی
و بعدد دولت جاوید مدت علیه رفتند و مجلس
باشکوه و آراستگی تمام منعقد گردیده اجرائی
بقرار محمول اعیان و ابدادی خطبه بلیغ بنام جناب
ولایت امیرنومان و اختتام بدعای وجود
فایض بحدود اقدس و از دیاد دولت و شوکت ابد
اقرآن شده نواب معظم الیه بهر یک از اهل سلام
و اخویشان و رتبت القات فرمود پس از صرف
شربت شیرینی مجلس سلام منقضى گردید و هجدهم
روز پنجم اتحاد و دوستی علین سلام جناب مجتهد
شاهزاده فردر دلت علیه عثمانی با اتفاق عالیجا
مقرب الخاقانیت میرزا عبدالغفارخان
نایب وزارت امور خارجه در همان چادر کشیکخانه
حاضر شده بعد از صرف شربت و شیرینی با اتفاق
شریفاب حضور نواب معظم الیه گردیده لوازم

بهم آورده از جانب نواب معظم الیه کمال القات
بار جناب شاهزاده فرمودند و افتتاحیه با نهایت
سرعت بمنزل سفارت معاودت نمود
در روز جمعه سیزدهم ذیحجه الحرام که روز عید مولود
اعلی حضرت امیرالطورد و لیت فحیمه خانم بود از جانب
نواب مستطاب هزاره عظمی و بعدد دولت
مدت علیه چند خواججه شیرینی بمنزل جناب جلالت
ایلیختار و دولت فحیمه فرستاد ارسال شده لوازم
تئیت و مبارکباد عید نور و مراسم مصافحت
و مبانی موافقت و دوستی را بطور شایسته بعمل
آوردند

اردوی نیاوران از حسن مراقبت و موافقت مقرب
محمدابراهیم خان سرب نظام کامل دارد و امور
قراول و اردلی و مستحفظ و قراولان در همه جا
منظم و مضبوط است و در تمامی شهرات امنیت
و انتظام حاصل و کسی قدرت حرکت خلاف ندارد
و مقرب الخاقان شارالیه خود شیهارا تا نزد
صبح در گردش است و تفریوهای دوره هری
کرده وقت تمام در امر کشیک و حفظ و حرمت اردوی
نیاوران دارد

دارالخلافه طهران

نهایت امنیت و انتظام در دارالخلافه مبارک
و نواب مستطاب هزاره والای تبار اردشیر میرزا
و مقرب الخاقان میرزا موسی مراقبت و موافقت تمام
در انتظام و تفاق امور دارند و عالیجاان محمودخان

کلا نتر که خدایان حسب حکم هر یک در سر کار و خدمت
خود مواظب و در حفظ شهر و محلات اهتمام زیاد دارند
و سرقت و شرارت بسیار کم اتفاق می افتد و اگر
بندرت سرقت و شرارتی در شهر یا خارج شهر
اتفاق بیفتد اموال مسروقه پیدا شده بصاحبش
تسليم و دزد و شریر حسب حکم نواب هرازدتیه و
سیاست میشود امور نظام متوقف دارالخلافه
از قراول دوره عمارت مبارکه ارک و قراولخانه
شهر از اهتمام عمده الامر العظام محمد خان امیر توکمان
بانهایت نظم است و بهوم امور نظامی دقت و
رسیدی کامل دارد و سایر صاحب منصبان نظام
در نظم احاد و افراد ابو الجحی خود از توپچی و سوار
دقت و اهتمام دارند و از احدی از اهل نظام خلاف
قاعده ناشی و ضا دینی شود
در روز چهارشنبه که روز عید غدیر بود بقانون
اعباد دیگر در دارالخلافه طهران اجرای شیک توپ
و نواختن نقاره خانه بعل آمد عمده الامر العظام
محمد خان امیر توکمان و سایر میرنجه صاحب منصبان
نظام و مقرب انجاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافه
طهران و سایر چاکران دیوانی متوقف دارالخلافه
خدمت نواب مستطاب شاهزاده محسن و الایا
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه طهران آمد شرفیاب
شدند و صرف شربت و شیرینی نموده تنبیه عید
سعید را بجل آورده از انجا بالاتفاق چنانچه پیشتر
مبارک دوی نیوران بسلام نواب مستطاب شاهزاده

و بعید دولت علیه فرستند

و هم چنین در روز جمعه سیزدهم ذیحجه الحرام که روز
عید مولودا علی حضرت امیر اطورد دولت فخمیه فرستاد
بود از جانب نواب مستطاب شاهزاده دارالخلافه
اردشیر میرزا حکمران دارالخلافه نیز چند خواججه
شیرینی بمنزل جناب جلالت مآب وزیر مختار
دولت فخمیه فرستاد و فرستاده شده و مقربان
میرزا موسی وزیر دارالخلافه مبارکه بدین سیر
دولت مزبور فرستاد و هم تنبیه و مبارکباد
عید مولود را بجل آورد

سه نفر دزد در راه شاهزاده عبدالعظیم یک نفر
شیرازی را برهنه کرد و شش تومان پول از بغل
او در آورده بودند مراتب بعرض نواب شاهزاده
رسیده فرستادند هر سه نفر را گرفته بحضور
آوردند و وجه مزبوره در همان حضور از آنها مسترد
و بصاحبش تسليم و دزدان حسب الامر سیاست شد
و مهار کرده در بازارها گردانده اخراج گردیدند

سایر ولایات

ازربایجان و استرآباد و اردبیل
و اصفهان و تبریز و بگرام
و خراسان و غزنه و خوار
و کلپایکان و سمنان و عراق
سلطان آباد درین مفتاح
ولایات اخباری برسد

فارس

از قرار یک در روز نامه بند را به شهر نوشته اند
 امور آن ولایت کمال نظام را دارد و عالیجه محبت
 در یاسکی و حاکم ابو شهر در نظم ولایت و رفاه حال
 تجار و کسبه و رعیت و عسوم مالی آنجا از عالی
 و ادانی نهایت مراقبت و اهتمام را بعمل می آورد و
 آنجا از حسن سلوک و معقولیت عالیجه پش را به
 رضامندی تمام دارند و آسوده خاطر کار و کسب
 و دعا کوی ذات اقدس همایون شایسته می شوند
 و نظام نصرت فرجام متوقف آنجا در سر مشق و ضابط
 محوله بخود مراقبت و مواظبت کامل دارند و با مالی
 بحسن سلوک رفتار می نمایند ولی نوشته اند که اسباب
 هوای آنجا که مترایب لهای دیگر است و باین سبب
 اغلب اهل نظام مرخص میباشند
 دیگر نوشته اند که از زمان زده بدنه لب دریا که حرب
 حکم اولیای دولت علیه مقرر شده بود و ختم
 هشت بدنه آن تا این اوقات با کمال استحکام با تمام
 و بدنه نهم و دهم نیز در دست است که بدنه نهم جهان
 در دست و قریب با تمام است و بدنه دهم را یکدر
 از شالیده چیده بالا آورده اند که تا اوایل ماه
 تمام خواهد شد بعد از اتمام بدنه نهم و دهم بحکم
 اولیای دولت قاهره در جای بستیانی که عالیجه
 عبداللہ خان ساخته بود و حالا خراب است بستیانی
 جدید ساخته می شود و بعد از اتمام بستیانی مربوط
 پنج بدنه دیگر خواهد شد

۱۸۷۲

و دیگر نوشته اند که عالیجه محبت همراه دریای
 حکم کرد که یکصد باب اطاق کپری از چوب و بور با
 بنظام در او دوی عالیجه محمد علیخان سرتیپ که در
 خارج شهر است سبب برج سحری از برای سربازان
 فوج قراجه داغی ابو الجحیی عالیجه پش را لیه بازند
 و شروع بختن آنها نمودند و قرار شد که روزی
 ده و دوازده باب بزند که سربازان در آنها قوت
 زیست نمود و نیز قرار داد که فقره غریبان که در شهر
 خانه کپری دارند خانهای خود را کنده و برده در خارج
 شهر که تخمینا پانصد قدم از بلده دور و در کناره دریا
 سمت جنوب چهار برج واقع است بنزند که اهل شهر
 از تسویش سوختن خانهای مریور این شدند و اشخاص
 مریور در کارند خانهای خود را بیرون برده و میزند
 و منظور عالیجه پش را لیه این است که سواي آنها
 نیز اشخاصی که خانهای کپری در شهر دارند اگر در قوه
 دارند خانه از سنگ و گچ و گل با نند و خانهای
 کپری را موقوف بدارند و اگر مقدورشان نباشد
 آنها نیز خانهای کپری خود را از سر کنند و بهان
 مکان خارج شهر برده بنزند و در آنجا سکتی نمایند
 روزمارا بشهر آمد مشغول کسب و حرفه خود باشند
 و شبها بنجانهای خود بروند که خانه کپری در شهر
 مطلقا نباشد چون اغلب اوقات این خانهای
 کپری تیش میگیرد و گذشته از آن باعث گرفتاری
 نیز میشود باین جهت بنجانه موقوف نماید

استرآباد

موجب اخباری که بتاریخ الیوم از استرآباد
نهایت اهت در ولایت حاصل است خصوصاً
از وقتی که مقرب الخاقان جعفر قلینان ایلمانی جنگ
ثانی با ترکمانان که کرده و آنها را شکست فاحش
داد که تفصیل آن در روزنامه سابق نوشته شد
طرق و شوارع آنجا بطوری امن شده است که
از ارض اقدس الی استرآباد یک نفره و دو نفر
بی وحشت و دشت در کمال اطمینان و خاطر جمعی
و مرور مینمایند و صحرائی شامرو که غالباً محل
و تاحات و تاز ترکمانان مزبور بود این اوقات
چنان امن شده است که اطفال و زنان شامرو
و بطعام آسوده خاطر بچیدن سنگس میروند
باجکه رعایا و برابا و زوار و عابرین از جبهه
طرق کمال مسرت و شکر گذاری دارند
دیکر نوشته اند که عالیجاه امیر کونیه خان را که مقرب
جعفر قلینان ایلمانی بدار و علی طایفه میوت مشخص کرده
و ستاده بود مشایخه نظم کالی در میان ایل
مزبور داده است بطوریکه کسی از آنها قدرت حرکت
خلاف ندارد و همگی در کمال خدمتگذاری و مقام
اطاعت و انقیاد میباشند از جمله ترکمانی صوفی نام
که واجب الحرمه میوت میباشد در نزد عالیجاه میرکونه
مذکور داشته بود که ترکمانان میوت مانند کولان
نستند که هر چه بگویند تمکین نمایند عالیجاه را حکیم
کرده بود که دست و پای او را بسته باب کرکان

بمیدارند بعد از آنکه جمعی مرد و زن شفاعت برخواستند
بودند از آب انداختن او گذشته و حکم کرده بود
که از منزل خود بیرون نیاید چند روز نیز خاندان
بوده است که مطلقاً قدرت بیرون آمدن نداشته
تا آخر الامرش سفیدان میوت پیشکش آورده و
شفاعت کشوند عالیجاه را لایه شفاعت آنها
قبول و او را خلعت داده بود

دیکر نوشته اند که عالیجاه میرزا اسمعیل خان وزیر
استرآباد در انتظام امور ولایت و انجام خدمات
دیوانی نهایت مراقبت و مواظبت را بعمل می آورد
و اهل ولایت از حسن سلوک و رفتارش را لایه بسیار
رضامند پیرا دارند و در اتمام و انجام سبب قیام
و توپخانه آنجا لازمه سعی و تمام را معمول داشته
آنچه لازم بود از خود تنخواه داده با تمام رسانده و
بافعل نقص و ناتمامی در سبب قورخانه و توپخانه
استرآباد نیست و بجاصل کار و مقصود شوالیه آنها
به وقت رسیدگی نموده ثبت آنها را بر داشت که
نیز داولیای دولت علیه روانه نماید

دیکر نوشته اند که امسال هوای استرآباد بسیار
گرم شده است که پیران معمر بنحاطر ندارند که
هیچ سالی باین گرمی شده باشد چون
بارندگی چنانکه بایست بشود در استرآباد نشاء
فتوای ورود و خانها شکست و از بعضی هم که است
می آید بقدر نصف لهای سابق آب جاریست باین
امسال شالی کمتر از سالهای دیگر است

